





———— کتاب کرونا مثبت؛ شماره دوم ————

نگاشت‌های تخصصی در ابعاد انسانی و اجتماعی بحران کرونا

———— مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام ————



————— **سردبیر:** حمید ایزدبخش —————

اعضاء هیئت تحریریه: دکتر مصباح‌الهدی باقری، حمید ایزدبخش،

حسین سرآبادانی، مجید محمدزمانی، حسین قاسمی، محمدسعید صفاری

————— **طراح جلد:** حسین براتی ، **صفحه‌آرا:** شهریار محمدی ———

سایت مرکز رشد: www.rushd.ir ، **رایانامه:** info@rushd.ir

————— **فروشگاه اینترنتی رشد:** www.rushda.ir —————

نشانی: تهران- محله سعادت آباد- پل مدیریت- مرکز رشد

دانشگاه امام صادق (ع) - پلاک ۱۰ ، **تلفن:** ۰۲۱-۸۸۵۶۱۵۸۷

با فکر و قلم اساتید و پژوهشگران مجموعه مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع):

مصطفی آقاجانی، سیدمجید امامی، حمید ایزدبخش، محمد جواد بادین فکر، مصباح‌الهدی

باقری، رضا پابنده، محمدصادق ترابزاده جهرمی، علی جعفری هرستانی، محمدامین

ذیحجی، محمد رحیمی، محمد رحمتی، حسین سرآبادانی تفرشی، حسن سعدآبادی،

وحید قاسمی، امیرحسین غفاری، سعید مسعودی پور، نوید عمیدی مظاهری، سعید نجبا.

تقدیم به

شهادی گرانقدر مدافع سلامت سرزمینم



فهرست مطالب

کرونا، ویروسی اجتماعی.....	۹
الهیات کرونا؛ روایتی دینی از ماجرای کرونا.....	۱۳
تحلیلی بر فرصت‌های کرونا در اتمسفر جهان‌بینی جهادی.....	۱۵
درس‌های کرونا و انسان هزاره سوم.....	۳۰
ارزیابی کنش جامعه اسلامی در آزمون کرونا.....	۳۸
روایت ماجرای ابتلاء اجتماعی در آزمون کرونا.....	۴۷
اجتماعیات کرونا؛ تأملی بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کرونا.....	۵۹
بازخوانی معنا و جایگاه نهاد «دولت» در روزگار کرونا.....	۶۱
آسیب‌شناسی عملکرد نهاد ائمه جمعه در ابتلاء کرونا.....	۷۲
تاب‌آوری ملی و بحران کرونا.....	۸۶
حوزه‌های ورود دانش بازاریابی سیاسی به بحران کرونا.....	۹۶
فراز و فرود کرونای ایرانی از دریچه داده‌ها و نظرسنجی‌ها.....	۱۰۳
ویروس کرونا از منظر مطالعات فرهنگی.....	۱۱۶
اقتصاد کرونا؛ بررسی آثار و پیامدهای اقتصادی کرونا.....	۱۲۵
بررسی تأثیرات بحران کرونا بر بازار کار ایران.....	۱۲۷

تأملی بر آثار بحران شیوع کرونا بر اقتصاد ایران و جهان ۱۴۷

تهدیدها و فرصت‌های کرونا برای کسب و کارهای ایرانی ۱۵۹

تشابهات عملکردی در مدیریت تحریم و کرونا ۱۶۳

واقعیت کرونا؛ تحلیل تأثیرات کرونا بر نظام سلامت و آموزش ۱۷۵

تأملی در حکمرانی آموزش در دوران کرونا ۱۷۷

بررسی راهبرد اثربخش بهداشتی در بازگشایی مدارس ۱۸۷

مؤلفه‌هایی از مدیریت بحران کرونا در مقیاس ایران و جهان ۱۹۸

معماری سرمایه‌های انسانی در نظام سلامت ۲۰۹

کرونا با چاشنی سیاست تمرکز مؤثر در بخش سلامت ۲۱۸

جهت‌دهی بحران به تولید در نظام سلامت ۲۲۵



کرونا، ویروسی اجتماعی

حمید ایزدبخش

سرمدیر «کرونا مثبت»

همه گیری کووید ۱۹ به صورت رسمی از اسفند ۱۳۹۸ در کشور اعلام شد اما برخی شواهد بر وجود آن حداقل از ابتدای بهمن ماه دلالت دارند. در این مدت محدود، این ویروس ناشناخته مرزهای سلامت را جابه جا کرد. هیچ زمانی در کشور به این میزان دانشمندان و پژوهشگران مختلف به مقوله سلامت به منزله یک موضوع اجتماعی پرداخته بودند؛ به صورتی که در حال حاضر بسیاری از دانشگاه های علوم اجتماعی که ارتباط مستقیمی نیز با دانشگاه های علوم پزشکی ندارند، در این زمینه جلسات مختلف برگزار کرده و همچنین مقالات و کتب منتشر می کنند.

پاندمی کووید ۱۹ در واقع به همه گوشزد کرد که سلامت موضوعی اجتماعی است؛ هرچند یک بُعد جدی آن مباحث مرتبط با پزشکی می باشد. به ما نشان داد همان قدر که تخصص هایی مانند ایمنی شناسی، شیوع شناسی، تخصص های داخلی و عفونی در مدیریت بحران کرونا مهم هستند، نگرش های سیاست گذاری، جامعه شناسی، اقتصادی، ارتباطات و ... نیز مهم و اثر گذارند.

البته این امر به صورت نظری از قبل نیز بر کسی پوشیده نبود از آنجا که رویکرد عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت (SDH) سال‌هاست که در نظام سلامت رایج است. اما در موضع عمل و اجرا و به خصوص ساختارها، مانع از چنین ترابطی هستند. در تعامل نیز معمولاً هسته مرکزی را پزشکی در نظر گرفته و سایرین در حاشیه قرار می‌گیرند. حال آنکه با توجه به رویکرد SDH، ۸۰ درصد سلامت مردم، خارج از نظام مراقبت سلامت رقم می‌خورد. این ویروس دوباره به همه یادآوری کرد، پزشکی به تنهایی نمی‌تواند سلامت مردم را تأمین کند و لاجرم باید تخصص‌ها و اندیشه‌های مختلف دست‌به‌دست هم بدهند. البته از سوی دیگر نیز صاحبان تخصص‌های اجتماعی-انسانی، سلامت را یک متغیر جدی دریافتند. تا پیش از آن هرچند سلامت برایشان مهم بود، اما به عنوان مقوله‌ای اجتماعی کمتر به آن نگاه می‌کردند. این بحران سبب شد تا آن‌ها نیز به گونه‌ای دیگر به سلامت بنگرند.



۱۰

نظام سلامت از اولین روزهای پایه‌گذاری خود تا به امروز همواره، حداقلی از تعامل با علوم اجتماعی را تجربه کرده است. در برهه‌ها و زمان‌های مختلف این تعامل بیشتر و کمتر شده است اما هیچ‌گاه از میان نرفته است. سیر تاریخی نظام سلامت نشان می‌دهد، هرکجا این تعامل جدی‌تر گرفته شده، موفقیت‌های بیشتری نیز به دست آمده است اما هرچه به سمت انحصار و یک‌جانبه‌گرایی رفته‌ایم، طرح‌ها و برنامه‌ها آن‌گونه که باید اثربخش نبوده‌اند.

مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز از شروع پاندمی کرونا سعی کرد در این بحران نقش آفرینی کرده و ساده از کنار این مسئله عمومی عبور نکند. فعالیت‌ها و اقدامات مختلف و متعددی تعریف و در قالب‌ها و با مخاطبان مختلف عرضه گشتند؛ از جمله این اقدامات تولیدات چندرسانه‌ای، ارائه تحلیل‌ها و گزارش‌های خبرگانی و سیاستی، برگزاری سلسله نشست‌های تأملات کرونایی می‌باشند. یکی از این اقدامات در این مدت عرضه کتاب «کرونا مثبت» است که سعی کرده است با ورودی اجتماعی-انسانی نگاه‌های جدیدی را به عرصه حکمرانی و سیاست‌گذاری کشور معرفی کند.

یادداشت‌های جمع‌آوری‌شده در این مجموعه توسط اساتید و پژوهشگران مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) تدارک دیده‌شده است که تعداد کمی از آن‌ها از پیش نیز منتشر گشته‌اند اما برای جمع‌آوری و ارائه یک‌باره این مطالب در این مجموعه نیز گرد هم آمدند.

پژوهش‌گران مرکز رشد تلاش داشتند تا با نوشته‌های متنوع خود، زندگی جدید با این ویروس را موردبررسی، تحلیل و ارزیابی قرار داده و بعضاً به تجویز نسخه و راه کار پردازند. تعداد این تک‌نگاشت‌ها بیست عدد و در چهار بخش «الهیات کرونا»، «اجتماعیات کرونا»، «اقتصاد کرونا» و «واقعیت کرونا» تنظیم گردیده است.

در بخش اول، نگاهی جدید به کرونا تصویر گشته و در آن نویسندگان رویکردی را عرضه کرده‌اند که دلالت‌های کاربردی و اجرایی نیز به دنبال دارد. در مدیریت پاندمی کرونا، ابعادی به جد موردتوجه قرار گرفت و از ابعادی غفلت شد. این بخش می‌تواند بخشی از این نقیصه را پوشش دهد. توجه این مؤلفه‌های کمتر شناخته‌شده می‌تواند، بعد اسلامی ایرانی مدیریت در بحران را بر ما روشن تر کند.

در «اجتماعیات کرونا» برخی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تحلیل و بررسی شده‌اند. پرداختن به دولت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاد اجتماعی و بررسی آن، بررسی نهاد امامت جمعه از منظری خاص، ارائه مدخل‌هایی کاربردی در زمینه مدیریت کرونا مانند نگاه بازاریابی و توجه جدی به تاب‌آوری ملی ازجمله محورهای این بخش می‌باشد. علاوه بر این، از منظری فرهنگی نیز به کرونا در این بخش پرداخته شده است؛ به طور خاص بررسی افکار عمومی و ارزیابی کلی از مدیریت آن در بحران کرونا و همچنین ارائه نگاه عمیق‌تر فرهنگی دستاوردی است که با خواندن این بخش حاصل خواهد شد.

پژوهشگران مرکز رشد در موضوعات اقتصادی کرونا اشتغال، عرصه‌های جدید و نوآورانه و همچنین تحریم را دستمایه نقد و بررسی خود قرار داده‌اند. با توجه به رقابت هم‌زمان سلامت عمومی و اقتصاد عمومی در بحران کرونا و بروز چالش‌های جدی در مدت بروز این پاندمی، مطالعه این بخش می‌تواند علاوه بر بازبینی نقاط قوت و ضعف عملکردی جمهوری اسلامی ایران در



بحران کرونا، عرصه‌های جدیدی را نیز بر روی ما بگشاید. و در بخش آخر به حوزه‌هایی عملیاتی و کاربردی پرداخته‌ایم. بدون شک کرونا نظامات مختلف اجتماعی ما را دستخوش تحول و تغییر قرار داد و نقاط قوت و ضعفشان را بیش از پیش روشن ساخت. در این بخش بررسی نظام سلامت و آموزش انجام شده است تا با شناخت هرچه بهتر گذشته خود بتوانیم آینده بهتری را ترسیم کرده و بسازیم.

در پایان امیدواریم کرونا مثبت ۲ که در ادامه شماره ۱ آن شکل گرفت بتواند مقبول نظر مخاطبین ارجمند واقع شود. کرونا مثبت ۱، شروعی برای تعامل و ترابط هرچه بیشتر اندیشمندان علوم اجتماعی با نظام سلامت بود که با استقبال دست‌اندرکاران مواجه شد. از اینرو کرونا مثبت ۲ در فرصتی کوتاه و با تنوعی قابل توجه گردآوری گشت. در این مجموعه برخلاف شماره ۱، بیشتر تحلیل‌ها و مطالب دست اول بوده، به صورت ویژه دو موضوع اقتصاد و سلامت پررنگ‌تر پرداخته شده است و همچنین برخی از موضوعات که در شماره پیشین بررسی شده بود، تداوم یافته است؛ موضوعاتی مثل الهیات و نظام آموزشی کشور.

فصل اول

الهیات کرونا؛ روایتی دینی از ماجرای کرونا

تحلیلی بر فرصت‌های کرونا در اتمسفر جهان‌بینی جهادی

حسن سعدآبادی

پژوهشگر هسته «مدیریت جهادی» مرکز رشد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق 

مقدمه

این نوشته، از جنس مقاله‌های علمی نیست، بلکه از جنس یک دغدغه و تحلیل یک واقعه و پساواقعه از دیدگاه مدیریت جهادی به‌عنوان نظریه مبنا برای اداره انقلاب اسلامی مطرح شده است. این هم یک اصل بدیهی است که کلیات حرف‌هایی که به جنس جهاد ختم می‌شود، برای خیلی‌ها شاید تکراری باشد، ولی حداقل از باب تذکر (وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ) (ذاریات، ۵۵) تکرار آن ضروری است.

واژه‌شناسی بحث

- فرصت: می‌توان در اینجا از تهدیدها هم صحبت کرد، اما نسبت فرصت‌ها و تهدیدها، متداخل است؛ به این معنا که در دل فرصت‌ها، تهدیدهای

بی‌شماری است که فرصت‌سوزان آن‌ها را بارها تجربه کرده‌اند و در دل تهدیدها هم فرصت‌های بسیار که فرصت‌سازان آن را بارها به چشم خود دیده‌اند. در این بحث، از زاویه «فرصت» (های) کرونایی به تبیین موضوع پرداخته‌ایم.

- کرونا: در حال حاضر، ۲۰۱ کشور از ۲۰۵ کشور دنیا با موضوع کرونا درگیر شده‌اند. هجمه کرونا آن‌قدر سنگین بوده که در بسیاری از مناسبات عمیق و ریشه‌دار کشورها اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، انقلابی ایجاد کرده است. کشورهایی متهم به انتشار (عامل‌دانه) کرونا در جهان هستند؛ چین، آمریکا را متهم می‌کند و آمریکا، چین را ... بیره نیست اگر بگوییم جنگ جهانی کرونا شکل گرفته و کرونا (فارغ از اینکه انسان‌ساز است یا خیر) به جامعه انسانی حمله کرده است.
- جهاد و مدیریت جهادی: بدون اینکه نیازی به اقامه دلیل باشد، همه قبول دارند که شرایط عادی نیست؛ امنیت و سلامت مردم مورد هجمه قرار گرفته و برخی تحلیل‌ها از بروز حوادث عجیب و غریب پساکرونا خبر می‌دهند. شرایط، غیرعادی، فوق‌العاده و تا حدودی بحرانی است. همین که شرایط عادی نیست، فرض ضرورت کار جهادی و مدیریت جهادی را جدی می‌کند، هرچند برای به کارگیری واژه جهاد، نیاز به وجود مؤلفه‌های دیگری هم هست که در ادامه تبیین خواهد شد.

زاویه بحث

از دو زاویه می‌شود به مسئله کرونا نگاه کرد و به تحلیل آن پرداخت:

الف- بلیه یا ابتلاء؛ بلیه به معنی آزار و رنج و سختی برای عموم جوامع است و بعضاً نوعی مفهوم عذاب را در خود دارد. ابتلاء برای جامعه مؤمنان است، از ریشه «بلاء» و به معنی امتحان و آزمایش است. این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۷ بار در ضمن ۳۴ آیه به کار رفته است (موسوی‌نسب^۱، ص ۱۵). براساس آیات قرآن، در ابتلائات، صلاحیت‌ها، استعدادها و کرامت‌های

حقیقی انسان، خود را نشان می‌دهد^۱، عمل احسن مشخص می‌شود^۲ و زمینه برای بازگشت او به خدا فراهم می‌شود^۳. ضمن اینکه ابتلائات معیار و میزان خوبی برای پاداش و کیفر است^۴.

در ابتلائات، صبر بر بلا، شکر نعمت‌ها و توسل به خدا راهگشا بوده و هرچند وظایفی را به دوش مکلف بار می‌کند، ولی فرصت‌های بی‌ظنری برای رشد معنوی و بعضاً حتی مادی انسان‌ها فراهم می‌آورد. این از بدیهیات اعتقادی ماست که جلب رحمت الهی در ایام ظهور ابتلائات، از طریق افزایش صلہ رحم و توجه به اطرافیان، مواسات و ... مسیری برای حل یا عبور سریع‌تر از بحران است.

ب- جنگ یا بستر جنگ؛ این روزها، حرف‌هایی از جنگ بیولوژیک زده می‌شود و البته ردیه‌هایی هم بر آن نوشته می‌شود، اما شواهد علمی و تاریخی وجود فرضیه بیوتروریسم و استفاده از جنگ‌افزارهای بیولوژیک را رد نمی‌کند؛ استفاده از طاعون به عنوان سلاح در جنگ‌های قرون وسطایی، توسعه آبله در میان بومیان در آغاز کشف قاره آمریکا، توسعه جنگ‌افزارهای بیولوژیکی در جریان جنگ جهانی اول، دوم و دوران جنگ سرد و حتی آغاز هزاره سوم، نشان از اهمیت استراتژیک قدرت میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا، برای برتری جویی بعضی دولت‌ها و فرقه‌ها داشته و دارد. تلاش‌های تاریخی در استفاده از بیماری‌های عفونی به عنوان جنگ‌افزارهای بیولوژیکی نشان می‌دهد تمایز بین رخداد طبیعی اپیدمی یک بیماری عفونی و وقوع آن در نتیجه یک حمله بیولوژیکی عمدی، بسیار مشکل است و همین ویژگی،



۱- وَلَتُبْلَوُنَّكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتُبْلُو أَخْبَارَكُمْ (محمد/۳۱)، وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنکبوت/۳)؛ وَلَيُبْلِيَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلَيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۵۴)

۲- الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (ملک/۲)

۳- وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (اعراف/۱۶۸)

۴- حضرت امیر المومنین علیه السلام می‌فرماید: گرچه خداوند به روحیات بندگانش از خودشان آگاه‌تر است، ولی آنها را امتحان می‌کند تا کارهای خوب و بد که معیار پاداش و کیفر است از آنها ظاهر گردد. (نهج البلاغه، قصار/۹۳)

به کارگیری آن را برای اهداف برتری جویانه می‌سازد^۱. خبر خطرناک وجود بیش از ۲۰۰ آزمایشگاه بیولوژیک آمریکایی در جهان و نیز اطراف ایران، هشدار جدی برای مسئولان کشور جهت تنظیم برنامه دفاعی متناسب برای مقابله بهنگام است^۲.

اما حتی اگر فرضیه بیوتروریسم قابل اثبات نباشد، سوابق قابل توجه و دلایل علمی، منطقی و عقلانی کافی برای ضرورت آمادگی و طراحی و انجام اقدامات مناسب در شرایط بحرانی و فوق‌العاده حاصل از کرونا وجود دارد. بحران‌هایی از جنس کرونا حتی اگر یک بلای انسان‌ساز نباشند، مسلماً همیشه نقطه عطفی برای تحولات دنیا بوده‌اند و قدرت‌های دنیا از بستر بحران‌ها، تغییراتی جدی را رقم زده‌اند. جنگ جهانی دوم و تلاش برای ایجاد نظم جدیدی در جهان نمونه‌ای از همین ماجرا است.

شرایط عادی نیست

از هر زاویه‌ای اعم از «ابتلاء یا جنگ» به مسئله نگاه کنیم، شرایط عادی نیست. در حال حاضر و با تداوم بحران کرونا، علاوه بر سلامت مردم که نگرانی‌های زیادی برای جامعه ایجاد کرده، اقتصاد، اعتقاد و اخلاق عمومی مردم دچار مشکلات و معضلاتی شده و نوعی ناامنی در روابط اجتماعی عموم مردم احساس می‌شود.

نظام سلامت در کشور ما با حمایت ویژه مسئولان و همراهی قابل قبول مردم، توانسته با خسارت‌های ویرانگر در این حوزه، مقابله و تا حدودی آن را کنترل کند، اما تبعات اقتصادی کرونا که ممکن است باعث تشدید گرانی‌ها، بیکاری‌ها، رکود، تورم و... شود، تازه شروع شده است. فرهنگ عمومی تعاملی مبتنی بر اعتماد مردم با یکدیگر، با شکاف

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک. زارع، بیدکی و بلالی مود، مهدی (۱۳۹۴) بیوتروریسم و جنگ افزارهای بیولوژیک، از گذشته تا امروز: یک مطالعه مروری کلاسیک، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۸۲-۱۹۸.

۲- برای مطالعه نامه ر.ک.:: نامه بیش از ۱۰۰ نفر از متخصصان ریه، بیماری‌های عفونی، ویروس شناسی و... به رؤسای کشورهای منطقه برای مقابله با حملات بیولوژیک، خبرگزاری تسنیم، ۲۹ اسفند ۱۳۹۸.

عجیبی روبه‌رو شده و بخش قابل توجهی از ارتباطات آن‌ها دچار اختلال جدی شده است. هرچند ابتکار رزمایش مواسات و ایجاد صحنه‌های زیبای همدلی و همراهی عمومی مردم در رسیدگی به سایر هموعان مستضعف، علاوه‌بر حل اثربخش مشکلات نیازمندان در این ایام، بخشی از این مشکل فرهنگی - ارتباطاتی را نیز پوشش می‌دهد، ولی به‌نظر می‌رسد باز هم آثار سوء ناشی از نگرانی‌های کرونایی در فرهنگ عمومی اجتماع، تا مدت‌ها باقی خواهد ماند.

بستن حرم‌ها و مساجد و تعطیلی هیئت‌ها و مجالس دعا و مناجات، علاوه‌بر سلب ظرفیت این مکان‌ها در تنظیم سلامت روحی مردم در این شرایط بحرانی و نیز ظرفیت کاهش بلای کرونا و سایر بلایای پیش‌رو^۲، باعث هجمه به مجموع اعتقادات مردم شده است. تشویق و تحریز همیشگی مردم برای استغاثه به اهل بیت (علیهم‌السلام) و برپایی توسلات جمعی، این‌بار جای خود را به ماندن در خانه و عدم حضور در این مکان‌ها و برنامه‌ها برای جلوگیری از ابتلا به کرونا داده بود.

لذا از هر زاویه‌ای که به مسئله نگاه کنیم، وضعیت عادی نیست و هجمه‌های سازمان‌یافته یا طبیعی ناشی از وضعیت موجود و تصمیمات متخذه درباره آن، به‌طور فزاینده‌ای وارد جامعه می‌شود. ضمن اینکه اگر فرض کنیم نگاه دوم (جنگ کرونایی) جدی باشد، ضرورت دارد نسبت ما با آن روشن‌تر شود تا نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم و نقش خود را بهتر بازیابی کنیم.

ملاحظات کار در شرایط غیرعادی

۱۹

بدیهی است برای مقابله با شرایط غیرعادی، به کار غیرعادی یا کار فوق‌العاده نیاز داریم که با وجود دشمن و دشمنی‌ها (که در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصاد، سلامت و اخلاق به وضوح وجود دارد) از آن به کار و مدیریت جهادی تعبیر و تبدیل می‌شود. در این حالت توجه به این نکات می‌تواند راهگشا باشد:

الف- درواقع کار عادی، برای شرایط عادی می‌تواند به نتیجه قابل قبولی

۳- حضرت امام سجاد (ع) أَلْدُعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ (الكافی، ج ۲، ص ۴۶۹)

برسد، اما در شرایط غیرعادی و با ویژگی‌های عرض شده، کار جهادی واجب می‌شود. عمل جهادی، قدم در بابی است که «فتح‌الله لخاصه اولیائه» و در پی آن نصرت و امداد الهی نیز شامل خواهد شد.

هسته محوری داستان چمران‌ها، حسن باقری‌ها، عبدالله والی‌ها، حاج قاسم‌ها و کاظمی‌آشتیانی‌ها، عبور از همین کوره‌فرصت‌ها و ورود به عرصه جهاد است. مرحوم کاظمی‌آشتیانی می‌گفت: می‌خواهم بگویم پرچمدار این مملکت جهاد است. والله‌العلی‌العظیم، مدیرعامل «رویان» خداست؛ ماها عمله خدا هستیم! به‌خدا قسم این‌ها را جدی می‌گویم. یک چیزهایی اتفاق می‌افتد که من اصلاً عرضه این کارها را ندارم. قدوقواره من این چیزها نیست، ولی اتفاق می‌افتد.^۱

ب- البته ممکن است ما دشمن و دشمنی‌ها را نادیده بگیریم و نسبت به آن تغافل کنیم، ولی بدهی است که دشمن بیکار نخواهد نشست و دشمنی‌ها هم (تا پایان دنیا که جبهه کفر و جبهه حق در مقابل هم قرار دارند) تمام نخواهد شد؛ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ.^۲

ج- وقتی جهاد واجب شد، ترک آن عواقبی بسیار خطرناک دارد که در بعضی از آیات و روایات به آن اشاره شده است:

هرکس آن را از باب بی‌اعتنایی ترک کند، اَلْبَسَهُ اللهُ ثَوْبَ الذُّلِّ (خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند) وَ شَمْلَةَ الْبَلَاءِ (غرق بلا کند)، وَ دُيْتُ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءِ (به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید)، وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْأَسْهَابِ (بر دلش پرده‌های بی‌عقلی زده شود)، وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ (در برابر ضایع کردن جهاد حق از او گرفته شود)، وَ سِیمَ الْخُسْفِ (محکوم به ذلت و خواری شود)، وَ مَنَعَ النُّصْفَ (محروم از انصاف شود).^۳

در سوره مبارکه نحل با تعبیر «كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ» اشاره به افرادی می‌کند که قبلاً ایمان داشته‌اند، ولی بعد کفران ورزیده یا کافر شده‌اند. از

۱- زمانیان، محمدعلی (۱۳۹۸) داستان رویان: تاریخ شفاهی دکتر سعید کاظمی آشتیانی در پژوهشگاه رویان.

۲- نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

آنجا که کفران هم مراتبی دارد و حد اعلای آن ارتداد است، از این آیه می شود برای تبیین مفهوم «تعرب بعد الهجره»^۱ و به قولی «تعرب بعد الجهاد» استفاده کرد. بنابراین کسانی که به آثار و ضرورت جهاد واقف شده اند و تکلیف آن را نیز دریافته اند، ولی بعداً از آن تخلف می کنند و نسبت به نعمت جهاد و حفظ اسلام کفران می ورزند، دچار (طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ) (نحل، ۱۰۸) می شوند.

عقوبتی شبیه آیه قبل نیز در آیات ۷۳ تا ۹۳ سوره مبارکه توبه ترسیم شده است. پس از امر به جهاد (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ) در آیه ۷۳، دوبار در آیه ۸۷ (طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ) و آیه ۹۳ (وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) به بیان یکی از مهم ترین آثار منفی ترک جهاد و رضایت به هم نشینی با متخلفان و نشستگان (در زمانی که جهاد واجب است) اشاره شده است.

کرونا به مثابه جنگ یا زمینه جنگ و مواجهه

به هر حال کرونا به نوعی به ما حمله (سلامتی- رسانه ای) کرده و آثار شدیدی بر جامعه ما داشته است. برای حال یا «فعلاً» کرونا نیاز به اقدامات و عملیات متناسب بوده و هست که شیوع آن با هوشیاری، آمادگی و هماهنگی افراد و دستگاه ها به نحو نسبتاً خوبی (نسبت به وضعیت جهانی) تاکنون پیگیری و مدیریت شده است. فعالیت های حوزه سلامت و جلوگیری از توسعه بیماری و تلاش برای بهبود مبتلایان، طرح ایده راهبردی رزمایش مواسات و فعال شدن گسترده گروه های مختلف اجتماعی در سطح کشور برای پوشش آثار منفی اقتصادی کرونا بر نان شب مردم نیازمند، رعایت توصیه های بهداشتی توسط آحاد جامعه، حمایت های دولتی کوتاه مدت برای تأمین نیازهای اولیه آسیب دیدگان و... نمونه هایی از اقدامات «فعلاً» برای مقابله با کرونا و ترمیم آثار آن است.

اما لایه اصلی مقابله با کرونا، به نگاه استراتژیک و سیاست گذارانه

۱- برای مطالعه بیشتر، ر.ک. قاسمیان، غلامرضا (۱۳۹۷). ماشین حساب ها درست کار نمی کنند، فصلنامه مدیریت جهادی، شماره ۱، صص ۵۸-۶۳.

در خصوص کرونا مربوط می‌شود. در این لایه مهم‌ترین مسئله، فهم نقشه دشمن در ایجاد یا سوءاستفاده از بستر کرونا است تا براساس آن طراحی و سازماندهی مناسبی صورت پذیرد. بعضی گمانه‌زنی‌ها از اراده قدرت‌های دنیا در استقرار نظم نوین جهانی و برنامه‌ریزی برای حکمرانی مجازی صحبت کرده‌اند. برخی به قمار اقتصادی آمریکا برای جبران کاهش قیمت و حتی جلوگیری از حذف دلار در معاملات برخی کشورها اشاره کرده‌اند و برخی نیز به بازخوانی و افزایش سهم‌خواهی قدرت در دنیا پرداخته‌اند و تحلیل‌هایی در این خصوص ارائه داده‌اند.

مثلاً به این تحلیل توجه کنید: چین در دهم دی‌ماه و ایران در ۳۰ دی‌ماه، اولین موارد مشکوک به کرونا را گزارش کرده‌اند. شاخص‌های بازار سرمایه اعم از شاخص داو جونز (اقلام برتر بورس نیویورک)، شاخص نزدک و شاخص فوتسی (بورس لندن) در فاصله اعلام چین تا ۳۰ بهمن روندی معمولی (حتی بعضاً با شیب رشد کم) را طی می‌کنند^۱ ولی بعد از ۳۰ بهمن به صورت ناگهانی، سقوط‌های ۱۹ تا ۲۳ درصدی را تجربه می‌کنند. شروع کاهش قیمت نفت با اعلام کرونا در چین شروع می‌شود، ولی بعد از اعلام کرونا در ایران و بعد اروپا، به‌طور شدیدی سقوط می‌کند. اما نرخ دلار که پس از اعلام چین شروع به کاهش قابل توجهی کرده و تا ۳۰ بهمن به حداقل نرخ خود در یک‌سال گذشته رسیده بود، به صورت ناگهانی و پس از اعلام ایران (با وجود آنکه در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها سهم رسمی در فروش نفت ندارد) روند افزایشی پُرسرعتی به خود می‌گیرد^۲. در این فرض تحلیلی (که دور از واقعیت هم نیست)، برنده این ماجرا کیست و آیا این اتفاقات به خودی خود و اتفاقی شکل می‌گیرد؟

مثال دیگر، توجه به نقش سازمان بهداشت جهانی است. به‌طور کلی درمورد نقش سازمان‌های بین‌المللی در تکمیل نقشه کلی مدیریت دنیا،

۱- تا این تاریخ (حداصل دهم تا سی ام دی‌ماه)، کرونا در حدود ۱۹ کشور اعم از ایالات متحده، آلمان، فرانسه، کره جنوبی، هند و ... مشاهده شده بوده است.

۲- مقصودی، حمید و سعیدی، علی (۱۳۹۹). گزارش حکمرانی اقتصادی در مواجهه با پدیده کرونا، قم: موسسه احیاگران مسیر قصد.

حرف‌های زیادی نقل می‌شود که بررسی میزان دقت و صحت آن از توان این مقاله و این نگارنده بیرون است، اما آیا این اطلاعات برای شما عجیب نیست؟ طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، تعداد مبتلایان به مالاریا در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۳۱ میلیون مورد و در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۲۸ میلیون مورد در جهان بوده است. تخمین مرگ‌ومیر سالیانه حدود ۴۰۵ هزار نفر است که ۶۷ درصد آن مربوط به کودکان می‌شود.^۱ در سال ۲۰۱۷ حدود سه تا پنج میلیون نفر به آنفلوآنزای فصلی مبتلا شده‌اند و حدوداً ۶۵۰ هزار نفر بر اثر آن، جان خود را از دست داده‌اند. در این سال، فقط در آمریکا حدود ۶۱ هزار نفر مرگ‌ومیر بر اثر آنفلوآنزا ثبت شده است.

بر اساس آمار IDF، در هر هفت ثانیه، یک نفر جان خود را بر اثر دیابت از دست می‌دهد و ۵۰ درصد از این مرگ‌ها (در کل چهار میلیون نفر در سال) در افراد کمتر از ۶۰ سال اتفاق می‌افتد. در حال حاضر حدود ۴۶۳ میلیون نفر دیابتی در سطح دنیا شناسایی شده‌اند و هرچند این بیماری واگیردار نیست، ولی روند ابتلا و مرگ ناشی از آن روبه افزایش است. ولی آیا تابه‌حال شنیده‌اید که شیرینی‌فروشی‌ای در دنیا به این دلیل تعطیل یا حتی محدود شود؟

در سال ۲۰۱۶ در حدود سه میلیون مورد مرگ در اثر مصرف الکل (۳،۵ درصد کل مرگ‌های دنیا) گزارش شده، به‌طوری که ۷،۲ درصد مرگ‌های زودرس مربوط به مصرف الکل و ۱۳،۲ درصد مرگ‌های افراد ۲۰ تا ۴۰ ساله ناشی از مصرف الکل بوده است.^۲ اما هنوز هم هیچ مشروب‌فروشی‌ای در دنیا تعطیل نمی‌شود و هیچ سازمان جهانی، هیچ برنامه‌ای برای مقابله با این ماده کشنده ارائه نکرده است.

باز هم مثال‌های دیگری از این دست می‌توان از نظر گذراند. اما به‌هرحال، به‌قول نظامی‌ها، برآورد درست از امکانات و توانایی‌های واقعی و

۱- ر.ک.: گزارش مالاریا در تارنمای سازمان بهداشت جهانی:

<https://www.who.int/news-room/feature-stories/detail/world-malaria-report-2019>

۲ - حریرچی، ۱۳۹۷/۰۷/۰۹

<https://www.isna.ir/news/۹۷۰۷۰۹۰۵۰۷۹/>



عملی خودی، زمین و دشمن، امکان طرح ریزی طرح مانورهای قابل تحقق و البته منعطف را فراهم می‌کند^۱ بدون شناخت زمین بازی و بدون رصد دقیق تحرکات دشمن و مدعیان حاکمیت در دنیا، امکان طراحی قدم‌های بعدی برای ساخت مستحکم یک کشور قدرتمند مستقل و حرکت به سمت تحقق تمدن اسلامی وجود نخواهد داشت. رصد دقیق حوادث، اتفاقات و ماجراها در دنیا و تحلیل ابعاد مختلف آن‌ها، نقش مهمی در تعیین درست راهبرد مقابله، مواجهه و تهاجم و تعیین جایگاه آینده کشور خواهد داشت. اصرار این نوشته بر این نیست که به قول برخی، «توهم توطئه!» دامن بزند، ولی بخواهیم یا نخواهیم، انقلاب خمینی کبیر، تعادل نظم جهانی مستکبران را برهم زده و برای هر انسان عاقلی، بدیهی است که مدعیان مدیریت دهکده جهانی، از هر فرصتی برای سرنگونی این عامل بی‌نظمی در تمدن مادی آن‌ها (یعنی انقلاب اسلامی) نهایت استفاده را ببرند. از این رو «ساده‌انگاری» درخصوص رفتارهای دشمنانه و نداشتن استراتژی فعال در این زمینه، حتماً به تحقیر تمدنی منتهی خواهد شد و عواقب آن، علاوه بر آثار کنونی، در طول یک دوره تاریخی به خوبی قابل مشاهده بوده و خواهد بود.

خلاصه آنکه برای مواجهه فعال با کرونا توجه به این دو بخش به صورت توأمان لازم است: الف) رصد فعالیت‌های جهانی و تدبیر استراتژی مواجهه و مقابله، و ب) برنامه ریزی برای استفاده فعال از بستر بحران جهانی ایجادشده برای صدور و استقرار اهداف انقلاب اسلامی در جهان. مطالعه (علمی و عملی) بحران‌ها در دنیا نشان می‌دهد بحران‌ها، فرصت‌های بزرگی در ایجاد جهش‌های بزرگ تاریخی و حتی سرنوشت‌ساز دنیا فراهم می‌آورند. درست است که ما در این ایام با اقتضائات جدیدی روبه‌رو شده‌ایم و بعضی از معادلات حاکم بر اداره جامعه جابه‌جا شده است، ولی فرصتی هم ایجاد شده که امکان مواجهه فعال با کرونا و تحقق سریع تر آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم را تسریع کنیم.

مسائل کرونا؛ نمونه‌هایی از عوارض کرونا

بخشی از تدوین نقشه مقابله و مواجهه و مهاجمه کرونایی، شناخت مسائل مهم و اثرگذار ناشی از کروناست. درواقع شناخت و احصای درست این مسائل می‌تواند هم به فهم نقشه دشمن کمک کند و هم به تدبیر برای حل مسائل. البته در اینجا قصد احصای این مسائل را نداریم، ولی نمونه‌هایی از باب مثال بیان می‌شود:

شاید شما هم رصد کرده باشید که در این روزها کشورهای حوزه مقاومت با فشارهایی روبه‌رو هستند. رژیم صهیونیستی مرتب به سوریه و برخی نقاط حساس آن کشور حمله می‌کند و در رسانه‌های عمومی، برای تنظیم افکار عمومی صهیونیست‌ها، از خود تصویر یک فاتح (خیالی) را ارائه می‌دهد، ولی سوریه از درگیر شدن با آن‌ها اجتناب می‌کند. یمنی‌ها مثلاً در آتش‌بس هستند، اما در این ماه‌ها از سوی ائتلاف سعودی، بیش از ۱۰۰ مرتبه بمباران شده‌اند، پاسخی به آن‌ها نداده‌اند و خویشتن‌داری کرده‌اند. به زعم نگارنده، یکی از مسائلی که دست سوریه و یمن در پاسخ به تجاوزات را بیشتر بسته، همین موضوع کروناست؛ به دلیل ضعف نظام بهداشتی در اثر عوارض جنگی و تحریم، مجبورند حداکثر توان را برای مقابله با عوارض سلامتی-اجتماعی مردم‌شان بگذارند و از مقابله مستقیم پرهیز کنند. وضعیت روحی و روانی و افکار عمومی مردم هم امکان همراهی با این موضوع را ندارد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اخلاق تعاملی مردم در کشورمان و بسیاری از کشورهای مسلمان لطمه دیده است. ابراز محبت مردم به یکدیگر، صله رحم و بسیاری از مفاهیم دچار اختلال شده است. قبلاً به مردم درباره اثر صله رحم بر طول عمر و سلامتی بیشتر گفته بودیم و امروز تشویق می‌کنیم که از ترس احتمالی ابتلا به کرونا درها را روی یکدیگر ببندند. در این میان، تکلیف این روایت برای عموم مردم، چه می‌شود؟

امام رضا علیه السلام: يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عَمْرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً...؛ چه‌بسا مردی که سه سال از عمرش بیش نمانده، ولی صله رحم به‌جا آورد و خدا به‌خاطر این کار، عمرش را به



۳۰ سال افزایش دهد و خدا آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.^۱ یا مثلاً در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که *فِي سُورِ الْمُؤْمِنِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَأً*؛ در نیم‌خورده مؤمن شفا از ۷۰ بیماری است.^۲ ولی هجمه کرونایی آن‌قدر سنگین بوده که مردم از یکدیگر می‌ترسند و سور مؤمن که جای خود دارد، از دست یکدیگر هم به‌سختی چیزی می‌گیرند، با اینکه هیچ کدام نشانه‌ای از آلودگی به کرونا را هم لزوماً ندارند و با رعایت موازین بهداشتی می‌توانند ارتباطات مؤمنانه با یکدیگر را حفظ کنند.

ما در هر مصیبتی دست به دامن اهل بیت (ع) می‌شدیم و برپایی مجالس و تشکیل اجتماعات پرشور استغاثه و روضه، راهی برای حل مشکلات خود و اطراف‌مان بود. اما الآن خبری از روضه‌های دسته‌جمعی نیست و نهایتاً به تصاویر مجازی از مجالس اکتفا می‌کنیم (که طبیعتاً نمی‌تواند خیلی از افراد را با خود همراه و فضای هم‌افزایی مجالس را فراهم کند) سرآمد این جلسات، برنامه‌های شب‌های قدر است که به‌طور جدی تحت‌تاثیر این موضوع قرار گرفته است. قصه و غصه بزرگ‌تر به مجالس محرم مربوط می‌شود که ممکن است آثار کرونا آن را هم حذف یا محدود کند. حرم‌های اهل بیت (ع) هم در هر بلا و مصیبت، پناهگاه اصلی مردم بوده، ولی نسخه‌های تجویزی این روزها، صلاح و سلامتی مردم را در بستن درب حرم‌ها دیده است.

البته در این نوشته قصد تعرض به تصمیمات ستاد ملی کرونا را ندارم، ولی شاید نگاه دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر به همه مسائل و ظرفیت‌ها، می‌توانست از ایجاد مشکلات جدید جلوگیری کند یا برخی از آن چیزهایی را که تهدید پنداشته شده، به فرصت تبدیل کند؛ فرصت‌هایی که نسخه‌های جهانی فهمی از آن‌ها ندارند و از الطاف و ویژه الهی به پیروان اهل بیت (ع) است.^۳

۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: الشریف الرضی

۳- حجت‌الاسلام مروی، تولیت آستان قدس رضوی نیز اخیراً گلايه کرده بودند که «در دلسوزی مسئولان هیچ تردید نداریم، اما از مسئولان محترم درخواست داریم به نظرات آستان‌های مقدس نیز توجه داشته باشند، اعتبار مقدسه پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که آن‌هایی که در این اماکن مقدسه خدمت نکرده و حضور فعال نداشته‌اند به آن پیچیدگی‌ها آشنایی ندارند، قطعاً تصمیم

به هر حال آنچه مسلم است، ستاد ملی کرونا که تاکنون همه حمایت‌ها و تقویت‌های لازم از طرف مسئولان عالی نظام، رسانه‌های داخلی و مردم را داشته، از همه ظرفیت‌ها (که البته کار پرزحمتی است) برای رسیدن به تصمیم درست‌تر استفاده نکرده و با نیت صادقانه برای حفظ سلامتی جسم مردم (که تخصص پزشکان و مسئولین فعلی ستاد ملی مقابله با کروناست)، متأسفانه حفظ سایر سلامتی‌های حیاتی روحی و اعتقادی آحاد جامعه را به اندازه کافی در نظر نگرفته است.

برخی فعالیت‌های دینی - اجتماعی مثل راهپیمایی روز قدس، نماز عید فطر و راهپیمایی اربعین از ظرفیت‌های بزرگ قدرت‌نمایی جامعه شیعی و مسلمانان است که عملاً تحت الشعاع بحران کرونا قرار گرفت.

گفته می‌شود کاهش ارتباطات تجاری کشورها با یکدیگر و امکان طولانی شدن محدودیت‌های کرونایی، ممکن است بعضی کشورها را در تأمین مواد غذایی با مشکل روبه‌رو کند؛ حتی تحلیل‌هایی از امکان وقوع قحطی در برخی مناطق دنیا گزارش شده است. هرچند دولت ایران از عدم نگرانی در این خصوص خبر داده و بافت دینی و بومی عموم مردم در کشور نیز از فرهنگ احتکار دور و به فرهنگ مواسات در مواقع بحران نزدیک است، ولی حجم فشار تبلیغاتی مدیریت نشده به مردم در بلندمدت (با هدف مدیریت بیماری) در کنار امکان طراحی عملیات‌های خرابکارانه فرهنگی - اجتماعی از سوی معاندان در بستر کرونا برای تخریب آرامش موجود، می‌تواند سرنوشت دیگری را رقم بزند.



اقتضات جنگ کرونایی

مقابله با عوارض کرونا، نیاز به کار جدی دارد و با پرسه‌زنی‌های عادی،

درست زمانی اتخاذ می‌شود که نظرات اعتاب مقدسه نیز در این تصمیم‌گیری‌ها مؤثر باشد. ما نمی‌گوییم دستورالعملی که توسط اعتاب مقدسه تدوین شده است را تصویب کنید، کارشناس این امر شما هستید اما کارشناس حرم‌های مطهر ما هستیم، تصمیم نهایی با شما است اما از نظرات ما استفاده کنید یا حداقل آن‌ها را بشنوید، تا بتوانیم غصه از دل میلیون‌ها محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) برداریم.» (۱۳۹۹/۰۲/۲۲، آیین نام‌گذاری صحن امام حسن مجتبی (علیه‌السلام))

علمی و شبه علمی کاری از پیش نخواهد رفت. موفقیت در این جنگ بعد از پذیرش مبنای فرهنگ جهادی در این حوزه، نیاز دارد به: تشکیل جبهه برای افزایش هم افزایی و پیشروی مأموریتی؛ آفت بسیاری از کارها، ابترا بودن آنهاست و ابترا بودن کارها هم عموماً ناشی از نبود نیروهای پای کار، نشناختن انرژی های فعال در آن حوزه یا نداشتن ارتباط و انسجام تشکیلاتی با یکدیگر است. در مقابل جبهه دشمن، نیاز به هوشمندی در شناسایی و کار دشتیان داریم؛ با کار انفرادی در غارهای تنهایی، کاری از پیش نخواهد رفت.

بار معنوی مبنای فعالان جبهه مقابله با جنگ های جدید، مانند رزمندگان دفاع مقدس و مدافعان حرم نیاز دارند به بار معنوی مبنای تا در سایش حوادث و سختی ها، کم نیاورند و زمینه را برای جلب امدادهای الهی بیشتر فراهم کنند.

نقشه و کالک عملیاتی؛ هم برای مواجهه دفاعی و هم برای مواجهه فعال با موضوع کرونا لازم است. با فرض تشکیل جبهه و ایجاد قرارگاه های راهبردی و عملیاتی، داشتن نقشه و کالک عملیاتی، یک ضرورت اولیه است و بدون آن اغلب، سرگردانی نصیب افراد خواهد بود و انرژی هایشان هدر خواهد رفت. به قول شهید حسن باقری، «آنچه نیروها را خسته می کند، کار زیاد نیست، بلکه بی برنامگی و گیجی است» و بدیهی است که نقشه داشتن، گام مهمی برای برون رفت از این حالت است.

حرف آخر

پیشروی انقلاب اسلامی در مرزهای تمدنی و عبور از ۴۰ سالگی، قطعاً به حساسیت بیشتر جبهه کفر و تلاش بیشتر برای مقابله و دشمنی با انقلاب اسلامی منجر شده است. هر طراحی احتمالی از سمت دشمن، نباید غیرممکن انگاشته شود و دایره «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (در همه ظرفیت های علمی و اجرایی نظامی، دولتی و مردمی) باید توسعه پیدا کند تا هم آمادگی مقابله وجود داشته باشد و هم «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال، ۶۰) تحقق پیدا کند.

داستان‌هایی مثل کرونا و امثال آن، فرصت‌هایی است برای تعیین جبهه و موقعیت در پیچیدگی‌های آخرالزمانی دنیا. کسانی که این بارقه‌هایی از این جنگ را درک کرده‌اند، مسئول‌اند و به اندازه فهم خود، زمینه برای رشد یا سقوط را فراهم می‌کنند. درواقع حکم اینان از حکم قاعدین جدا می‌شود یا در صف مجاهدین قرار می‌گیرند یا در صف متخلفان از جهاد! مجاهدان جنگ را جدی می‌گیرند و ماموریت‌هایشان را براساس جنگ با اولیای کفر و طاغوت و مستکبران عالم برنامه‌ریزی می‌کنند. همه تلاش‌شان را در آن مسیر به کار می‌گیرند و پس از خرج همه ظرفیت‌ها مضطر می‌شوند، متوسل می‌شوند و به لطف خدا، وسع‌شان افزایش پیدا می‌کند و مسئولیت بیشتری در جبهه حق برعهده می‌گیرند. متخلفان هم در حیرت و گیجی (تیه) به سر می‌برند، حتی ممکن است دچار عقب‌گرد شوند و نهایتاً دچار ناشکری و کفران خواهد شد، الا اینکه خدا به آن‌ها رحم کند.



درس‌های کرونا و انسان هزاره سوم

دکتر مصباح‌الهدی باقری

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)

کرونا بدون اینکه به حدس‌ها و تخمین‌های بشری کار داشته باشد بر بیشتر برنامه‌ها و سناریوهای محتمل الوقوع مُهر «اعتبار ندارد» زده است و مسیر شیوع و درگیری و فراگیری و واگیری خود را می‌گذراند و درماندگی و واماندگی بشر را شاهد است. فقط در یک فقره آماری، ۴۲/۶ میلیون نفر در آمریکا بیکار شده‌اند و اقتصاد جهانی در عین حضور ویروس و اثرات و تبعات سنگین آن، دوره‌ی رکود خود را آغاز کرده است. هنوز بشر در یک مفاهمه با کرونا نشسته است و همچنان در صدد رهایی از دست آن، دست‌وپا می‌زند. اما باید کرونا را از زاویه‌های دیگری هم دید. دیدن کرونا فقط در عکس‌های رادیولوژی یا زیر میکروسکوپ‌های دقیق، همه‌ی حقیقت این ویروس را برای‌مان نمایان نمی‌کند. کرونا را باید چند بُعدی دید و چند بُعدی تحلیل کرد. حیف است آن را در یک بُعد، آن هم کاملاً خسارت‌بار و با چهره‌ای کریه ببینیم. نکاتی را درباره آن تأمل کرده‌ام که ان شاء الله به تدریج

به اشتراک می‌گذارم. در این نوشته به چهار نکته اشاره می‌نمایم.

یکم: از غفلت بترس!

تبشیر و انذار در حکمت رشد و تعالی انسانی نقشی برجسته دارد. پیامبران والا مقام از این دو ابزار برای ابلاغ پیام‌هایشان بهره می‌بردند. به عنوان نمونه گاهی با احصاء نعمت‌ها، شکر واجب الهی را متذکر می‌شدند و از جزای شکر، افزونی آن را در دایره قسمت و سنت الهی خبر می‌دادند و گاهی با برشمردن عنصر کفران، به زایل شدن نعمت و تبدیل آن به نعمت هشدار می‌دادند. خدای متعال تکلیف پیامبر عظیم الشان اسلام را اینگونه توضیح می‌دهد:

(إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ) (فاطر، ۲۴)

در این آیه، خدای متعال هشدار دادن و نذیر بودن پیامبران را بیشتر تأکید می‌کند. گویا غفلت آدمی و نسیان انسان سبب می‌شود حکمت و رحمت الهی او را دائم در مسیر تذکر و تذکار قرار دهد و از مشغول شدن به لعب و لهو دنیا تحذیر نماید.

این سنت الهی (انذار و هشدار)، فقط در مسیر پیامبری و هدایت به کار گرفته نشد، بلکه در سایر ادوار و اعصار نیز به صورتی ملموس، وظیفه‌ی تذکر و هشدار به سایر اسباب عالم اعطاء گردید تا انسان غافل را به ذکر برگرداند. این وظیفه گاهی به آیات مستمره الهی مثل تمام حوادث طبیعی و تکراری عالم مانند زلزله، سیل، طوفان و ... داده شده و گاهی در قالب یک پدیده‌ی نو، زندگی بشر را متأثر ساخته است. ویروس کرونا در دایره بیماری‌ها و جزء حوادث طبیعی ولی از حیث فراگیری و واگیردار بودن ویروس و به هم ریختن زندگی طبیعی انسان‌ها در زمانی نسبتاً طولانی، از نوع دوم و به اصطلاح نوپدید به حساب می‌آید.

شاید اگر حجم انباء، هشدار، نگرانی و اضطراب و ترسی که این ویروس در این دوره زمانی چند ماهه برای مردم عالم ایجاد کرد را محاسبه کنیم (یعنی تعداد نفوس ضرب در میزان هشدار و ایجاد نگرانی) به جرأت بتوان گفت که این ویروس جزء هشدارسازترین پدیده‌ها در عالم هستی بوده



است.

با این حساب و با این اثر و تأثیری که زندگی آدمی در مواجهه‌ی با این پدیده به خود گرفته است، تذکر الهی پشت انفاذ حرکت و اثربخشی این ویروس در زندگی طبیعی عامه‌ی مردم، چیست؟ خدا می‌خواهد چه چیزی را متذکر شود؟ آیا غفلت انسان از خود نمی‌تواند یک هشدار عظیم را سازمان بدهد؟ آیا مشغول شدن انسان به غیر خدا و درگیر شدن با هر آنچه که او را در مسیر برگزیده شدن و خاص شدن و رشد و تقرب، باز می‌دارد، موجب این تذکر نشده است؟

در حالی که زندگی در صد بالایی از ۷ میلیارد انسان ساکن روی زمین، کاملاً تحت تأثیر ورود و حضور این ویروس قرار گرفت، آیا خود نشان و نمادی برای بازنگری در مسیر نیست؟ آیا باید از این هشدار و تذکار، سرسری عبور کرد و زودتر شرایط را عادی و مشغول به همان مسیر سابق شد؟ اگر این هشدار، نتواند ما را به خود آورد، وضعیتمان در مراتب و مراحل بعدی چه خواهد شد؟ با چه پدیده‌های دیگری مواجه خواهیم شد؟ آیا بعداً فرصتی برای رجوع داریم؟

خوب می‌دانیم در حالیکه بشر ادعاهای بزرگ و بلندی داشت، یک ویروس همه‌ی تابوهای ساخته شده نظم انسانی و نظام اجتماعی را فرو ریخت و هنوز بعد از چند ماه حضورش در زندگی مردم، نتوانسته شرایط بشرساخته حیات انسانی و اجتماعی برگردد. آیا لازم نیست، با دقتی همه جانبه، نسبت خودمان با خودمان و همه‌ی اطرافمان را دوباره بازنگری کنیم؟ آیا لازم نیست فضلا، علما و زعمای دین کمی هم در این باب سیر و غور کنند و دستمایه‌های غنی تری در اختیار بشر بگذارند؟ آیا صرف آرامش بخشی کاذب و مصنوعی، وظیفه‌ی حاکمیت خاصه حاکمیت دینی است؟ آیا تمام کلمات قرآنی «لایعقلون»، «لایفقهون»، «یتدبرون»، «تتفکرون»، «لا یعلمون»، «لا تعلمون» و بیشتر از همه «افلا ینظرون» در زندگی امروز و حوادث واقع آن نباید مورد توجه دقیق‌تر و شایسته‌تر قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد، خدای حکیم که به اراده‌ی خود اجازه‌ی حضور این ویروس در زندگی بشر را داده است، بشر را به دنبال سؤالات و جواب‌هایی فرستاده است، لیکن ما غافل از

همه چیز، مشغول طبعی کردن شرایط زندگی و گذشت بدون تأمل و تدبر در حوادث واقعۀ روزگار هستیم. شاید این گونه مواجهه با پدیده‌ها، حجاب‌های بیشتری برای فهم آیات و نشانه‌ها در زندگی انسان معاصر، به وجود آورد که بازگشت به شرایط قبل را نیز سخت می‌کند. عادی شدن ترس و نگرانی، انسان را از یکی از مهم‌ترین ابزارهای انبیا محروم و راه تذکر و تذکار را سخت‌تر و دست نیافتنی‌تر می‌کند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَلَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَيَرْجُو (الکافی، ج ۲، ص ۷۱). مؤمن هرگز مؤمن نباشد مگر آنکه ترسان (از عذاب خدا) و امیدوار (به رحمت خدا) باشد و ترسان و امیدوار نباشد تا برای آنچه می‌ترسد و امیدوار است، عمل (صالح) انجام دهد.

دوم: محرومیت هم نعمتی است!

در تعاریف قراردادی زندگی بشر، محرومیت و ممنوعیت، قیبح و بد (شر) و برخوردار و دارا بودن، حسن و خوب (خیر) به شمار می‌رود. هر کس که بیشتر دارا باشد، بیشتر برخوردار است و بیشتر می‌تواند بهره‌برداری کند و غالباً او را خوشبخت و پرتوفیق می‌دانند. در نقطه مقابل، هر کس کمتر برخوردار باشد و نتواند از برخورداری‌های خود، بهره‌برداری درست کند، با دیده ترحم به او نگریسته و ناتوان و عقب افتاده قلمدادش می‌کنند.

به زندگی ۲۰۰ ساله اخیر بشر بر کره خاکی توجه فرمایید. بشر در طول این سال‌ها، از یک زندگی بسیار ساده به سمت یک زندگی بسیار برخوردار حرکت کرده است. به نظر می‌رسد این برخورداری، به خودی خود، با استفاده از عقل و دانش و کاربست آن برای زندگی همراه با آسایش و رفاه بیشتر است. اما آنچه که امروز از نتیجه‌ی این برخورداری می‌بینیم همه چیزش خیر و فضیلت آفرین نیست. حتی برخی پدیده‌ها، کاملاً در قامت یک شر و رذالت آفرین نمود پیدا کرده‌اند. شما به نتیجه حضور شبکه‌های اجتماعی در زندگی امروز بشر نگاه کنید. شاید به جرأت بتوان گفت آنچه این پدیده در زندگی ایجاد کرده است، نوعی اختلال در حیات و رشد انسانی است.



اخبار ریز و درشت، اطلاعات درست و غلط، نشانی‌های معتبر و غیر معتبر، و درگیری‌های موجه و ناموجه، همه و همه از آثار برخورداری از یک ابزار نو پدید است که می‌توانست پر از خیر و برکت باشد ولی گویا چالش‌ها و حفره‌های بزرگی در زندگی سالم و حیات مدنی بشر پیش آورده است. پس با این حساب نمی‌توان هر محرومیتی را نعمت و هر برخورداری و تمتعی را نعمت دانست بلکه چگونگی برخورد با آن پدیده و واقعه و موقعیت می‌تواند تعیین کننده باشد. لذا می‌توان نعمتی را در عین حسن و کفایت، به یک نعمت دردسرساز تبدیل کرد و یک محرومیت را تبدیل به یک حسن و فایده.

در ظهور و بروز ویروس کرونا، ناگهان حجمی از محرومیت بر زندگی انسانی، هوار شد و بسیاری از فرصت‌ها و نعمت‌ها از انسان گرفته شد. برخی از این محرومیت‌ها از جنس از بین رفتن یک نعمت و فرصت بود مثل مصافحه - صله رحم - جمع شدن مؤمنین و نزدیک شدن قلوبشان به هم. و برخی دیگر از جنس فرصتی برای تجدیدنظر. اینکه یک پدیده با محرومیت از نعمت‌ها، ما را به سمت احیاء دوباره آن‌ها پیش ببرد مثبت و درست است. همچنین است اینکه یک پدیده با ایجاد محرومیت و ضیق، ظرفیت تجدیدنظر در کارایی و چگونگی نقش آفرینی یک ابزار بشر ساخته را فراهم می‌کند نیز، ذی‌قیمت به حساب می‌آید. همانطور که برای احیای یک نعمت باید تلاش کرد، از فرصت محرومیت نیز باید نهایت استفاده را نصیب کرد و راه و طریق درست آن را طراحی نمود و بکار گرفت. ضمناً یادمان باشد مأموریت‌ها، همیشه با محرومیت‌ها به سامان می‌رسند.

سوم: برای «دین» هم جا باز کنید!

ظرفیت هر حکمرانی، عیار ارزشمندی تصمیمات در قالب سیاست‌ها و راهبردها و برنامه‌ها و قوانین را مشخص می‌کند. هر قدر این ظرفیت غنی‌تر و قوی‌تر باشد، تصمیمات متخذه با کیفیت بیشتری، خود را نشان می‌دهد. در حکمرانی‌های بشر ساخته که روال و زنجیره‌ی فرمان توسط عقلای قوم در طول سالیان متمادی طراحی شده، ظرفیت مواجهه با مسائل و مصائب نیز در



اندازه‌ی همان قوه‌ی عاقله تنظیم و مستقر است. اما در حاکمیت‌های توحیدی که زنجیره‌ی فرمان و حکمرانی، منبعث از تعالیم وحی و سنت تنظیم و مستقر می‌شود، تلاش می‌کنند کیفیت تصمیمات را از حیث توحیدی بودن و در مسیر تقرب قرار گرفتن بالا ببرند.

در مواجهه‌ی اخیر با ویروس کرونا، حکمرانی‌های مختلف با جهان‌بینی‌های متفاوتی که داشتند، شیوه‌های متمایزی از مقابله را پیش گرفتند، اما آنچه که در تصمیمات متخذه و خروجی جلسات ستادهای مقابله، بیشتر از هر چیز به چشم می‌آمد، نگاه مادی حاکم بر تصمیمات بود. درواقع، آنچه که به عنوان پروتکل و تجویز و توصیه در ذهن آحاد جامعه در همه حکمرانی‌ها فرو می‌نشست، با اینکه به دنبال مقصد عالی حفظ جان انسان‌ها بود اما راه آن را فقط در شیوه‌های فیزیکی جستجو می‌کرد، لذا حتی در حکمرانی‌های شریعت محور هم کمتر آدرسی از خدا، توحید، سنت ابتلاء، آیات و نشانه‌ها و... می‌شد سراغ گرفت. در نتیجه، همین‌ها نیز ذیل تصمیمات خروجی، خفیف شده یا اصلاً حذف می‌گردید.

حکمرانی‌های دینی، فقط نمی‌توانند در نما و ظاهر، خود را توحیدی جلوه دهند بلکه باید در بطن و کنه سیاست‌هایشان نشانی درست و دقیقی از جهان‌بینی الهی‌شان نمودار باشد. رصد همین موضوع در تصمیمات ستاد مقابله کشورمان نشان می‌دهد تا قبل از توصیه‌های مقام معظم رهبری برای استفاده از نظر کارشناسان دینی در ستاد، تمامی تصمیمات، کاملاً صبغه فیزیکی و ماده‌گرا داشتند و هیچ جسارت و عرضه‌ای برای اتخاذ سیاست‌های نرم جهت توجه بیشتر آحاد مردم به جنبه‌های دینی و توحیدی (حکمتی و سنی) شیوع این پدیده، وجود نداشت. ضمن اینکه کلیه مراکز و مجامع دینی هم به نوعی دچار لکنت و ضعف گفتمانی در شرایط اقتضائی و اضطراری جدید شدند. حالی که اینجا مقطعی بود که باید برای مردم و نستیشان با معبود و طریقه‌ی پرکردن خلأها و فاصله‌ها، راه و طریقی بین و روشن، طرح می‌نمودند.

بی‌تجربگی حکمرانی، که خود نوعی ضعف به حساب می‌آید به علاوه ماده‌گرایی مفرط متولیان همراه با فوران عنصر «توقع» به جای «شکر»



در آحاد جامعه سبب شد، ستاد مقابله در کشورمان از زاویه‌ای ناقص و ناکافی مسئله را مورد شناسایی و بررسی قرار دهد و با ارائه نسخه‌هایی با لحاظ جوانب محدود، بعضاً فرصت‌های کم‌نظیری از فهم، باور، اعتقاد و ایمان را مورد غفلت و اتلاف قرار داد.

چهارم: بدیل‌های غلط‌انداز

در شرایط خاص و اضطراری، مناسک اولیه - که همان واجبات دینی است - می‌تواند دچار تغییر و تبدیل شود. البته جواز این تغییر، عرضه‌ی آن توسط فقیه به منابع چهارگانه استنباط حکم و اعتباربخشی حجیت آن و افتاء است. در غیر این صورت، تغییر امکان‌پذیر نیست. در مورد مناسک ثانویه مثل صلّه رحم، برگزاری مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و ... با اینکه از توصیه‌های اکید دینی برخوردار است اما واجب نیست. لازم است به طریقی با آن رفتار شود که آن را از انتفاع و فلسفه حکمی خود جدا نسازد. به عبارت دیگر، حفظ فلسفه مناسک مقدم بر اجرای خود مناسک به شمار می‌رود. بعضی مواقع ذهن‌ها این‌قدر درگیر شکل برگزاری می‌شود که از فلسفه و فایده محوری آن مناسک دور شده و فقط یک قالب و پوسته‌ی ظاهری از آن باقی می‌ماند. به عنوان نمونه، فایده محوری در برگزاری مجالس ذکر اهل بیت علیهم‌السلام، تلاقی و زیارت و گردهم آمدن مؤمنین با هم در مسیر نورانی اولیاء الله است که با استماع و استفاضه از کلام و حکمت‌ها و سفارش‌هایشان همراه با توجه به مجاهدت‌ها و مصائب‌شان اتفاق می‌افتد. به این حدیث شریف از امام صادق علیه‌السلام عنایت فرماید: **اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاجِمِينَ تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَاكَرُوا أَمْرًا وَأَحْيَا (الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵)**

تقوای الهی پیشه کنید و نسبت به هم برادران نیکوکار و خوش رفتار باشید، برای خدا با یکدیگر دوستی نمایید و با یکدیگر تماس و ارتباط برقرار کنید و نسبت به هم محبت و رحمت داشته باشید، یکدیگر را زیارت و دیدار کنید در حالی که امر ما را با هم مذاکره کرده، آن را زنده نگه می‌دارید.

لذا معتقدیم اینکه هیئتی راه بیفتد و در آن کلام نورانی اهل بیت علیهم‌السلام طرح شود، به خودی خود، خوب و شایسته است ولی کفایت از فلسفه مجالس



روضه را ندارد و حتماً باید ظرفیتی برای «متحاین، متواصلین و متراحمین» بودن مؤمنین نسبت به یکدیگر فراهم شود.

همینطور است در مورد صله رحم: درست است که با تلفن و نامه‌ای هم می‌توان پیوند خانوادگی را حفظ نمود و صله رحم را در سطح حداقلی برگزار کرد، اما فلسفه‌ی این کار در زیارت خانوادگی و مواجهه حضوری و نفس‌به‌نفس شدن است، لذا اگر این شرایط مهیا نیست، هر چقدر که بتوان بدان فلسفه نزدیک شد، مثلاً بتوان عکس رد و بدل کرد یا به صورت تصویری ملاقات نمود، ممدوح و مقبول است. پس لازم می‌آید، برای هر چیزی زود به دنبال طراحی بدیل، آن هم در قالب و شکل ظاهرش نباشیم، بلکه ببینیم با چه شرایطی، ماهیت حقیقی آن مناسک را می‌توان احیا نمود.



ارزیابی کنش جامعه اسلامی در آزمون کرونا

محمد رحیمی

پژوهشگر هسته «منظومه فکری علامه طباطبائی (ع)» مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع)

در شماره اول ویژه‌نامه «کرونا مثبت»، بخش ویژه‌ای با عنوان «کرونا و سنت ابتلاء اجتماعی» کار شد؛ در آن بخش سعی شد، نگاهی القا شود که می‌توان کرونا را به‌عنوان یک ابتلاء اجتماعی تلقی نمود. ابتلاء و گرفتاری جزء جدانشدنی حیات بشر است ولی سختی و رنج ناشی از آن، مقصودی داشته^۱ و به یک بیان، بستری است برای غربال شدن انسان‌ها.^۲ اگرچه فرایند این غربالگری، از منطقه‌ی جغرافیای خاصی آغاز شد و ابتدا به سطح سلامت جامعه اختصاص یافت و کادر بهداشت و درمان را با خود درگیر کرد ولی این ویروس مُسری به سرتاسر جهان سرایت کرد و رفته‌رفته به یک مسئله‌ی فراگیر اجتماعی تبدیل شد و همه سطوح اقتصاد، فرهنگ و سیاست را درنوردید؛ لذا با پیدا کردن ابعاد مختلف اجتماعی، به همه‌ی لایه‌های

۱- سیدمحمد رضا فقیه ایمانی، «پیامی از یک مهمان ناخوانده»، کتاب کرونا مثبت ۱.

۲- علی جعفری، «رزمایش همدلی برای کمک مؤمنانه به نیازمندان، راهی به سوی ظهور»، همان.

اجتماع تسری یافت. مسئله‌ای با این مختصات، یک ابتلاء جمعی است؛ البته جمعی بودن ابتلاء به معنای یکسان بودن آن برای همه‌ی افراد نیست، بلکه هر کسی به گونه‌ای در این بستر جمعی مبتلا می‌شود. علی‌رغم این تفاوت ولی غایت حقیقی آن - با شدت و ضعفی - برای همه یکسان است؛ این غایت حقیقی عبارت است از «متذکر شدن به وجهه‌ی الهی این ابتلاء»؛ در این تذکر باید با انقطاع از تعلق به اسباب و علل مادی، به عالم معنا اتصالی ایجاد شود و از طریق این «قطع و وصل» در حالت تضرع و خشیت جمعی، رشد و کمالی برای جامعه حاصل می‌شود.^۱ در نتیجه، تحلیل ابتلائات جمعی به تجویز جمعی نیاز دارد و «مراقبت اجتماعی» می‌تواند به‌عنوان راه‌حل کلی در مواجهه با ابتلائات جمعی تجویز شود.

مبتنی بر تحلیل اجتماعی از ابتلاء به کرونا، تجویز متناسبی نیاز است؛ در مقام تجویز، در ضمن التزام عملی به رعایت تمام نکات بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی، نباید نسبت به وجه دیگری از این داستان غفلت شود و تذکر آن لازم است که با توسل از طریق «عهدهای جمعی» می‌توان حالت اضطراب و تضرع را در خود ایجاد نموده و تهدید ناشی از این ابتلاء را به فرصت تبدیل کرد تا در نهایت، مایه‌ی رشد و کمال اجتماعی شود.^۲

در نتیجه‌ی تحلیل و تجویز کرونا به مثابه یک ابتلاء اجتماعی، «موفقیت» در آزمون کرونا مطابق با غایت حقیقی این ابتلاء جمعی تعریف می‌شود؛ موفقیت در این آزمون، منحصر به پایین آمدن و صفر شدن آمار مبتلایان و جانباختگان کرونا نیست، بلکه بایستی موفقیت در عرصه‌ی اجتماعی بازتعریف شود: در نتیجه‌ی آبدیده شدن گوهر وجودی جمعی از افراد، میزان تقویت یا تضعیف «همگرایی و وحدت» در اجتماع نشانگر موفقیت یا شکست اجتماعی در ابتلاء جمعی کرونا می‌باشد.

ارزیابی کنش جامعه اسلامی در ابتلاء اجتماعی کرونا

تحلیل و تجویزی که بیان شد، برآمده از یک سنخ نگاه اجتماعی به معارف



۱- حسین قاسمی، «رزمایش جمعی تنها راه مواجهه با ابتلاء کرونا»، همان.

۲- محمد رحیمی، «برقراری عهدهای جمعی در مواجهه با ابتلاء جمعی کرونا»، همان.

دینی و کاربردی ساختن آن در مسائل زندگی انسان‌ها است. ابتدا مبتنی بر این نگاه اجتماعی، به روایتی از مدیریت کلان رهبری معظم انقلاب، امام خامنه‌ای دامنه‌ای در مسئله‌ی کرونا می‌پردازیم و اینکه چگونه با راهبردهای ایشان، یک کنش جمعی توسط جامعه‌ی اسلامی انجام شد و در نهایت، با سنجش مناسب، این کنش جمعی را ارزیابی می‌کنیم و اینکه مسیر طی شده در آزمون کرونا، آیا در جهت موفقیت بوده یا شکست؟!

تحلیل آزمون کرونا

هر پدیده‌ای بسته به وسعت نگاه و افق فهم افراد تحلیل می‌شود. در قاموس رهبری، کرونا این گونه تعریف می‌شود: «یک مسئله‌ی گذرا است، یک چیز فوق‌العاده نیست؛ از این حوادث در کشور پیش می‌آید. البته من نمی‌خواهم مسئله را خیلی کوچک بگیرم، اما مسئله را خیلی هم بزرگ نکنیم.»^۱ و در جای دیگری مجدداً بر این تحلیل‌شان تأکید می‌کنند که «امروز کرونا برای بشریت یک مشکل بزرگ و یک **ابتلا**ی بزرگ و خطرناکی است که به آن‌ها رو آورده، لکن این مشکل در مقایسه‌ی با بسیاری از مشکلات، مشکل کوچکی به حساب می‌آید؛ ما مشکلات فراوانی را در دنیا و در کشور خودمان مشاهده کرده‌ایم و داشته‌ایم که از این حادثه کمتر نبود، بلکه بیشتر بود».^۲

با وسعت نگاه و افقی که مدنظر رهبری بود، اگرچه مسئله‌ی کرونا یک ابتلاء جهانی است ولی می‌گذرد؛ این در حالی است که بسیاری از اندیشمندان و سیاسیون کشورهای مختلف جهان از این حادثه، به عنوان یک بحران جهانی یاد کرده‌اند که حتی تاریخ را به دو قسمت، پیشاکرونا و پساکرونا تقسیم خواهد کرد؛ در ادامه، نظر تعدادی از این افراد به نقل از مجله خبری سیاسی-اقتصادی «فارین پالیسی» ذکر می‌شود:^۳

- استیون والت استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد: بیماری کووید-۱۹ همچنین تغییر در وضعیت قدرت و نفوذ را از غرب تا



۱- بیانات مورخ ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۸

۲- بیانات مورخ ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۹۹

3- <https://foreignpolicy.com/20/03/2020/world-order-after-coronavirus-pandemic/>

شرق شتاب خواهد بخشید. کووید-۱۹ دنیایی کمتر بازتر، کمتر شکوفا، و کمتر آزاد را به وجود خواهد آورد. دنیا قرار نبود این گونه باشد. اما ترکیب یک ویروس مرگبار، برنامه‌ریزی ناکافی، و رهبری بی‌کفایت موجب شده بشریت در یک مسیر جدید و بیمناک قرار گیرد.

- رایین نیلت، مدیر و مسئول اجرایی ارشد اندیشکده چتم‌هاوس انگلیس: همه‌گیری ویروس کرونا ممکن است، همانند پر کاهی که کمر شتر را می‌شکند، کمر جهانی شدن اقتصادی را بشکند.
- نیکولاس برنز استاد دانشکده حکمرانی کندی دانشگاه هاروارد و معاون سابق وزارت امور خارجه آمریکا: همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ بزرگ‌ترین بحران جهانی قرن حاضر است. این بحران از عمق و گستره عظیمی برخوردار است. بحران سلامت عمومی هر یک از ۷/۸ میلیارد انسان روی زمین را تهدید می‌کند. تأثیر بحران مالی و اقتصادی می‌تواند از تأثیر رکود بزرگ سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ فراتر برود.

وجه اشتراک این تحلیل‌ها، «بحران» خواندن ویروس کرونا می‌باشد و اینکه هیچ دستاوردی جز فقر و بدبختی فراگیر، در پی نخواهد داشت. این سنخ تحلیل‌ها همچون نگاه موری است که وقتی یک قطره آب روی خانه‌اش می‌افتد، به خیالش کل جهان را آب برده است!

تجویز در آزمون کرونا

به دنبال هر تحلیل، راهکار متناسبی نیز تجویز می‌شود؛ مبتنی بر تحلیل متفکران و سیاستمداران، تنها راهکار قابل اجرا، منتظر ماندن برای مشاهده‌ی پیش‌بینی‌های مذکور است. این پیش‌بینی‌ها زمانی به وقوع نزدیک‌تر می‌شد که در برخی از کشورها با فلج شدن بخش بهداشت و درمان، افراد سالخورده از چرخه‌ی درمانی کنار گذاشته شدند و حتی در تدفین و خاکسپاری جانباختگان هم با مشکل مواجه شدند و بسیاری از این قبیل مشکلات برای آن‌ها پدیدار شد. در این شرایط، تنها کاری که از دست عمده‌ی مسئولان



کشورهای مبتلا شده برمی آمد، ارائه‌ی گزارشی از اتفاقات در ۲۴ ساعت گذشته بود و صرفاً آمار مبتلایان و قربانیان و عواقب غیرقابل جبران این ویروس را در گفت‌وگوهای خبری دائماً تکرار می کردند.

رهبری معظم انقلاب (عجله الله به تناسب تحلیل ویروس کرونا، ورود فعالانه را توصیه کردند. در این مواجهه، با احتساب کرونا به عنوان یک قضیه‌ی گذرا که مدتی پیش آمده و پس از چندی رخت برمی بندد، ورود فعالانه می تواند تجربیاتی برای ما به همراه داشته باشد؛ هم از حیث فعالیت مردم و هم دستگاه‌های اجرایی کشور می توان آورده‌هایی را تحصیل نمود. به تعبیری دقیق، «یک رزمایش عمومی در این زمینه انجام می گیرد، این می تواند یک دستور باشد»^۱ به فراخور ماه مبارک رمضان، این رزمایش را به طور خاص متعین فرمودند و «مواسات و همدلی»^۲ را به عنوان راهبرد اصلی در این رزمایش عمومی مشخص نمودند.

گویا این تجویز آن چنان جامه‌ی عمل پوشید که اقشار مختلف اجتماع در این رزمایش به صحنه آمدند و اقداماتی را شروع کردند: در زمینه‌ی تولید لوازم و تجهیزات و دستگاه‌های گوناگون توسط شرکت‌های مختلف و به خصوص دانش‌بنیان، ظرفیت تعدادی از آن‌ها فعلیت پیدا کرد؛ در زمینه‌ی خدمات رفاهی و نیکوکاری، حرکتی مؤمنانه با چه سرعت و گستردگی توسط آحاد مردم راه‌اندازی شد. مجموعه‌ی این اقدامات در کنار همدیگر اتفاقی را رقم زد و گویی کنشی از جامعه‌ی ایران صادر شد.

ارزیابی آزمون کرونا

برای ارزیابی کنش جامعه در آزمون کرونا می توان دو حالت و مقیاس را مبنا قرار داد و سنجه‌هایی را برای این ارزیابی ترسیم نمود: «حالت و مقیاس فردی» و «حالت و مقیاس جمعی». ابتدا هر یک از این دو مبنا را تشریح نموده و نحوه‌ی ارزیابی مبتنی بر آن‌ها را تبیین می کنیم.

۱- بیانات مورخ ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۸

۲- بیانات مورخ ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۹۹

الف) حالت و مقیاس فردی

وقتی کنش جامعه را در آزمون کرونا در «حالت و مقیاس فردی» ارزیابی می‌کنیم، کوچک‌ترین مؤلفه‌ی قابل ارزیابی «فرد» است و هر یک از افراد، مجزا و منفک از همدیگر هستند؛ با این مبنا، فعالیت‌هایی هم که در جریان کرونا انجام شد، با وضوح و تمایز از همدیگر مشاهده می‌شوند و با فرض وجود داده‌های کلان^۱ از این فعالیت‌ها و انجام محاسبات آماری، این نتیجه حاصل می‌شود که به‌صورت داوطلبانه، تعداد مشخصی از خیرین، مجموعه‌های خیریه، مساجد، مجموعه‌های بسیج دانشجویی و سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی اقدام به جمع‌آوری وجوه نموده و به افراد نیازمند کمک کردند و به‌طور دقیق، هزینه و تعداد بسته‌های غذایی و لوازم بهداشتی و ... قابل‌شمارش است.

با مشاهده‌ی چنین آمار و ارقامی از کمک‌هایی که در چند ماه معارضه با کرونا تجهیز و تخصیص داده شدند، احتمالاً این چنین تحلیلی را هم در پی خواهد داشت که هر یک از افراد و مجموعه‌ها به شکل جزیره‌ای و مجزا از همدیگر اقدام کردند و تقریباً هیچ ربط و نسبتی میان آن‌ها برقرار نبوده است؛ نه از کار همدیگر اطلاع داشتند و حتی گاهی میان آن‌ها تداخل هم پیش آمده و هم‌افزایی آن‌ها به سمت موازی‌کاری گرایش یافته است. سوای از این مواردی که صرفاً میزانی از ناکارآمدی را در انجام اقدامات خیرخواهانه تحلیل نمود، در برخی موارد هم مبتنی بر تحلیل‌های انجام شده، شواهدی وجود دارد که دلالت بر اثر معکوس داشته است و به موجب آن، نه تنها کمکی به قشر نیازمند نبوده بلکه به ضرر آن‌ها نیز تمام شده است. این نتیجه‌ی غیرقابل‌انکار، از مشاهده و تجمیع داده‌ها و تحلیل آن‌ها حاصل می‌شود؛ اما «حالت و مقیاس فردی» در مشاهده و تحلیل ارائه شده، تأثیر به سزایی داشته است. برای مشخص شدن این تأثیر، به عنوان جایگزین و نظیر «حالت و مقیاس فردی»، می‌توان «حالت و مقیاس جمعی» را در مشاهده و تحلیل وقایع مذکور مبنا قرار داد.



ب) حالت و مقیاس جمعی

با مقدمه‌ای که در مورد تحلیل کرونا به عنوان یک ابتلاء اجتماعی بیان شد و همچنین در نتیجه‌ی تجویزی که منجر به صدور کنشی از جامعه اسلامی شد، در مقام ارزیابی باید حالت و مقیاسی در قامت این کنش اجتماعی اختیار نمود: ارزیابی این کنش در حالت و مقیاس فردی، با انبوهی از نقاط نامفهوم و مبهم همراه است و در نهایت، قضاوت مشخصی را در پی نخواهد داشت؛ لذا حالت و مقیاس دیگری برمی‌گزینیم تحت عنوان «حالت و مقیاس جمعی». کوچک‌ترین مؤلفه‌ی قابل ارزیابی در «حالت و مقیاس جمعی»، «جامعه» است؛ با توجه به اینکه جامعه در طول موجودیت افراد بوده و اگرچه جدای از افراد نیست ولی بر آن‌ها احاطه‌ی وجودی دارد؛ لذا جامعه همچون انسان، دارای شخصیت و حقیقتی است. این حقیقت، دارای حیات بوده و امکان رشد و کمال خواهد داشت.^۱ با این تفسیری که از جامعه ارائه شد، وقتی جامعه را به عنوان یک مؤلفه، مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، در مقام مشاهده بایستی مدنظر داشت که جامعه، یک کل مرتبط است و کنشی که در خلال روابط اجتماعی صادر می‌شود، به مثابه یک کنش اجتماعی بوده و از هویت جامعه صادر شده است؛ لذا کنش جامعه، منحصر به مجموع کنش‌هایی نمی‌شود که تک‌تک افراد انجام داده‌اند، بلکه خود جامعه، هویتی در طول هویت افراد داشته و فعالیت‌هایی انجام می‌دهد؛ برای ملموس‌تر شدن این حیثیت جمعی، بین «اصل» و «حاشیه» کنش جامعه تمایز قائل می‌شویم: اصل کنش جامعه به لحاظ جمعی صادر شده است ولی دارای حواشی متفاوتی نیز می‌باشد. آنچه در حالت و مقیاس فردی مورد ارزیابی قرار گرفت، عموماً حواشی کنش و فعالیت‌های جامعه است ولی در حالت و مقیاس جمعی به ارزیابی اصل کنش جامعه پرداخته می‌شود. بدین ترتیب، در مقام ارزیابی به اصل کنش یک جامعه پرداخته می‌شود و اینکه چه میزانی افراد جامعه به سمت بیگانگی و تعارض و یا به سمت همگرایی و وحدت حرکت کرده است.

ارزیابی رزمایش همدلی

انسان به طور طبیعی در مواجهه با حوادثی نظیر کرونا، نگران تأمین معیشت و مصارف زندگی خود می‌شود. علی‌رغم این واکنش طبیعی، جامعه ایران با التفات به آموزه‌های الهی بر طبیعت خود غلبه نموده و نه تنها حقوق دیگران را مدنظر داشتند بلکه در تأمین نیازهای جمعی قدمی برداشتند و حرکتی ایجاد شد که به تعبیر رهبری «از شرق تا غرب کشور، از شمال تا جنوب، در اغلب شهرها، شاید در همه‌ی استان‌ها، آحاد مردم، این حرکت عظیم کمک را شروع کردند».^۱ بدین ترتیب، مردم ایران با التزام به فرهنگ اسلامی و انقلابی خود هوشمندانه عمل کردند و با متانت و سراسیمه نشدن نه تنها حرص در جمع کردن مایحتاج زندگی را کنار گذاشتند بلکه «رزمایش همدلی» را رقم زدند. البته حواشی این کنش اصلی جامعه نیز قابل‌رصد هستند و همچنان که در «حالت و مقیاس فردی» بیان شد، برخی از تعارضات غیرقابل‌انکاری در خلال این رزمایش نیز اتفاق افتادند ولی مهم است که اصل کنش جمعی را از حاشیه‌ی آن تفکیک کنیم؛ لذا اصل کنش جمعی در جامعه‌ی اسلامی ایران، مایه‌ی تقویت همگرایی و وحدت شده است.

وقتی مبتنی بر همین حالت و مقیاس جمعی، جوامع غربی را ارزیابی می‌کنیم، شاهد هستیم که با شنیدن زمزمه‌ای از ویروس کرونا در سطح خُرد، ظرف چند ساعتی قفسه‌های فروشگاه‌ها خالی شده و انبار منازل پر می‌شدند و در سطح کلان، ایالت‌های آمریکای در سرقت ملزومات بهداشتی و درمانی بر همدیگر پیشی می‌گرفتند. این گونه دست‌اندازی و هجوم‌های عمومی بر خلاف منافع یکدیگر و سر باز زدن از درمان افراد سالخورده و معلول و عقب‌مانده که فایده‌ی مالی ندارند، به دلیل فقدان فرهنگ اسلامی و انقلابی بوده و در مجموع، این نتیجه را تحصیل می‌نماید که اصل کنش جمعی در جوامع غربی موجب تشدید بیگانگی و تعارض شده است.

نتیجه‌گیری

دست‌آوردی که از آزمون کرونا برای جامعه‌ی اسلامی حاصل شد، به تعبیر



رهبری «در بسیاری از موارد به معنای واقعی کلمه، یک کار اسلامی و خدایی بود، این افتخارات باید ثبت بشود، باید بماند. حس بسیاری از فعالان این جبهه‌ی وسیع، همان حس دوران دفاع مقدس بود».^۱ در نتیجه، به عنوان یک قضاوت کلی برای جامعه اسلامی ایران می‌توان گفت: «ملت ایران در این آزمون، خوش درخشید».^۲ اما نتیجه‌ی این آزمون برای جوامع غربی عبارت بود از اینکه «غربی‌ها در این آزمون بین‌المللی انصافاً شکست خوردند».^۳

لازم به ذکر یک نکته‌ی مغفول است که در تحلیل و تجویز آزمون کرونا به نگاه رهبری در این امر پرداخته شد ولی در ارزیابی کلیت آزمون کرونا به طور خاص، «رزمایش همدلی» به کنش جامعه پرداختیم؛ دلیل این رجوع از رهبری به جامعه عبارت بود از اینکه شرط لازم موفقیت جامعه در بستر ابتلاء (یعنی همگرایی و وحدت)، تبعیت از ولایت است؛ به بیان تفصیلی، تحقق همگرایی و وحدت در جامعه، تنها حول محور ولایت ممکن است؛ لذا فقط «جامعه اسلامی» است که می‌تواند با تبعیت از ولی الهی متحد و منسجم شده و به سمت «توحید» حرکت نماید و جوامع دیگر به دلیل فقدان ولایت واحد، به تشتت و بیگانگی دچار شده و با بروز تضاد و تعارض میان افراد، اصل هویت جامعه مخدوش می‌شود. در نتیجه، اساساً ابتلاء جمع‌ی برای جامعه اسلامی است و تنها این جامعه است که آبدیده (غریبال) و موفق شده و از این ورطه خارج می‌شود ولی در حاشیه‌ی آن، همواره تعدادی هستند که به دلیل عدم صبر و متانت به عنوان «داده‌های پرت» از گردونه‌ی ابتلاء اخراج می‌شوند و در نهایت، ابتلاء برای این جمع، اثر معکوس خواهد داشت. بر این اساس، ابتلاء جمع‌ی باعث مرزبندی ایمانی شده و در بستر ابتلائاتی که به صورت جهانی، بشریت را آزمون می‌کند، مرزهایی را فراتر از مرزهای جغرافیایی برای «جامعه اسلامی» مشخص و معین می‌نماید.

۱- بیانات مورخ ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹

۲- بیانات مورخ ۲۱ فروردین‌ماه، ۱۳۹۹

۳- بیانات مورخ ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹

روایت ماجرای ابتلاء اجتماعی در آزمون کرونا

علی جعفری هُروستانی

پژوهشگر هسته «منظومه فکری علامه طباطبائی (ع)» مرکز رشد

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

شهر سوت و کور شده بود و در کوچه پس کوچه‌های محله‌های قدیمی خبری از سروصدای بازی همیشگی بچه‌ها نبود. مدت زیادی بود که بازار هم رونقی نداشت. بیشتر مغازه‌ها تعطیل بود و گرد غریبی روی پیشخوان چند مغازه‌ای که هنوز درشان تخته نشده بود، نشسته بود. سر ظهر بود و با اینکه صدای مؤذن از پشت بام مسجد همیشه شلوغ بازار بلند بود، اما ورودی مسجد هم آن ازدحام همیشگی را نداشت. مدتی بود بیماری واگیرداری در شهر شایع شده بود و عده‌ای جان‌باخته بودند و مردم شهر ترجیح می‌دادند از خانه‌ها خارج نشوند. اذان که تمام شد، مؤذن بلند فریاد زد که ایها الناس «عجلوا بالصَّلوة» بعد هم داد زد آهای مردم، امروز آقا بعد از نماز منبر می‌رود! احترامی که آقا پیش عموم مردم داشت باعث شد ظرف چند دقیقه مسجد غُلْغُلِه شود. تقریباً همه اهالی محل به‌جز افراد بیمار و کسانی که در معرض افراد بیمار بودند، آمده بودند. امام جماعت مسجد، سید باوقار و کوتاه

قدّی بود که محاسن سفید داشت و عمامه‌ای مرتّب اما کمی آفتاب خورده و رنگ پریده به سر داشت. مردم او را «آقا» صدا می کردند. سید، سرد و گرم روزگار چشیده بود و سال‌ها در محضر اساتید حوزه قم کسب فیض کرده بود. چند سالی بود که با اصرار مردم، برای تبلیغ به این شهر کوچک آمده بود و حالا سید در شهر روحانی جافتاده‌ای شده بود که اگر خودش هم می‌خواست، مردم اجازه مراجعت به او نمی‌دادند!

نماز که تمام شد، آقا بالای منبر رفت. منبر را با حمد خدا و صلوات بر پیامبر و خاندان او شروع کرد. با صلوات مردم، همه مسجد آرام شد. آقا بعد از تعویذ و بسم الله، با این آیه کلام خود را شروع کرد؛ (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ) (انعام، ۴۲). ای مردم، چند روزی است که بیماری در شهر ما شایع شده است، این بلا یک عوامل طبیعی دارد که توصیه‌هایی هم از طرف اطباء شهر برای رفع آن شده است. سعی کنید از دست دادن و روبوسی در این ایام صرف نظر کنید و در معاشرت‌ها رعایت کنید. کسانی که مریض می‌شوند از افراد سالم جدا کنید و کسانی که نشانه‌های بیماری دارند، در اجتماعات شرکت نکنند. البته مؤمن احترام دارد و به‌خصوص مؤمن مضطرّ دعایش مستجاب است! مراقب باشیم حرمت مریض‌ها به‌خصوص مسن‌ترها را داشته باشیم. حواسمان به همسایه و کسبه‌ای که کارشان از رونق افتاده باشد...

آقا بعد از تأکید بر توصیه‌های اطباء شهر در مورد مراعات‌های لازم برای جلوگیری از سرایت بیماری بحث را ادامه داد و گفت:

اما این بلاها به‌جز علت‌های ظاهری که آقایان اطباء بلد هستند و کار آنها است، یک علت‌های بالاتری هم دارد. همانطور که در عوامل جسمانی و مزاجی و ظاهری امراض، آنها مجتهد هستند و ما باید از آنها تبعیت کنیم، در علل و عوامل معنوی که دین متکفل آنها است هم آقایان اطباء باید به مجتهدین و عالمان دینی رجوع کنند.

یکی از پامنبری‌ها که از اطباء دانشگاهی حاذق شهر بود. همینطور که در صف دوم نماز به ستون سنگی پشت سر خود تکیه داده بود و تسبیح

می چرخاند، گفت: خوب این بیماری علت دارد و ما بر اساس علتش درمان می کنیم. یعنی با شناختن عوامل ایجادش و رفع کردن آنها در بدن پیشگیری و درمان می کنیم.

حاج آقا که انگار منتظر چنین حرفی بود بلافاصله ادامه داد که: وجود علل و عوامل ظاهری، نفی کننده علل و عواملی ما فوق آن نیست. شما داستان های ابتلائات و نعمت و عذاب اقوام مختلف در قرآن را ببینید، قرآن از عوامل معنوی حوادثی پرده برمی دارد که در یک تحلیل ظاهری، بسیاری از آنها حوادث عادی و طبیعی است. عذاب اقوام یک علل معنوی دارد که عمل آنها است و یک علل طبیعی دارد مثلاً به صورت سیل یا صاعقه ای است که علل و عوامل طبیعی خود را هم دارد. اتفاقاً یک نمونه آن بیمار شدن حضرت ایوب است که قرآن از نگاه ابتلاء الهی آن را تحلیل کرده است در حالی که شاید اگر طیب حاذقی در آن زمان وجود داشته، مانند سایر بیماران، برای ایوب هم نسخه پیچیده است. البته این بحث منافاتی با معجزه های الهی ندارد و خداوند برای اینکه نشان دهد همه کاره عالم است گاهی اسباب متعارف را به هم می زند و مثلاً آتش را بر ابراهیم علیه السلام بردا و سلاماً می کند تا نشان دهد سوزاندگی آتش ذاتی خود او نیست و به اراده خداست.



در معارف دینی ما بیان می شود که همه چیز به اراده خدا است و چیزی از تدبیر خداوند خارج نیست. عوامل معنوی و قوای الهی در کار است. همه بساط دنیا بساط امتحان است، حالا گاهی ابتلا و امتحان انسان به وفور نعمت است و گاهی هم به سلب نعمت. (وَلَبَّلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ) (بقره، ۱۵۵) شما با ترس و گرسنگی و نقص در اموال و جان خودتان و فرزندانتان آزمون می شوید. بعد در همین آیه شریفه به کسانی که در این ابتلائات صبر کنند، و تضرع به درگاه الهی داشته باشند خداوند بشارت فرج و گشایش می دهد.

خداوند می فرماید هدف این ابتلائات و اینکه گاهی سختی ها و بلاها به شما می رسد این است که مثل اقوام گذشته که (فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ) (انعام، ۴۲) شما در گرفتاری ها به یاد خدا می افتید و هدف

از خلقت شما هم همین تضرع و بندگی است. لذا خداوند سختی‌ها را ایجاد می‌کند تا این رجوع به حق تعالی و تضرع محقق شود. این فرمایش خداوند متعال هدف بلاها و سختی‌ها را نشان می‌دهد.

پچ‌پچ‌ها میان جمعیت زیاد شد. سقف گنبدی شکل و کوتاه مسجد باعث می‌شد صدای همه‌همه بیشتر شنیده شود. چند نفری که چندان اعتقادی به این حرف‌ها نداشتند از منبر حاج آقا شاکی شدند و به نشانه اعتراض از وسط جمعیت بلند شدند و مسجد را ترک کردند. بعضی هم شروع کردند به زیر لب غرولند کردن که آقا هم تو این شرایط وقت گیر آورده ... از آن طرف عده‌ای هم در مخالفت با آنها، بقیه را دعوت به سکوت می‌کردند. وقتی که کار به اینجا رسید، سید لحن صحبت خود را بالای منبر عوض کرد. با صدای بلند فریاد زد؛

ای مردم ما همه باید بیدار شویم و به درگاه خداوند پناه ببریم. اما من امروز و در این شرایط سخت نیامده‌ام فقط شما را موعظه کنم. آمده‌ام راه علاج به شما بدهم و به شما بگویم راه خارج شدن از این سختی و بیماری که در شهر شایع شده است، چیست! شما که چند روز است به توصیه اطباء گوش کرده‌اید و حق هم همین است، چند لحظه‌ای هم عرایض بنده را تحمّل نفرمایید. نهایت امر اگر عرایض بنده حقیر نابجا بود، اعتراض نفرمایید یا اصلاً همه را نشنیده بگیرید.

با این کلام قراء سید، مسجد ساکت شد. چند لحظه‌ای به سکوت گذشت و بعد از آن، سید با آرامش بیشتری به سخنان خود ادامه داد: خداوند در همین آیه شریفه‌ای که در ابتدا تلاوت شد، راه را به ما نشان داده است. اگر هدف از این سختی‌ها و بدحالی‌ها یا به تعبیر قرآن «بِأَسَاءٍ وَ ضَرَاءٍ» این است که ما به درگاه الهی تضرع کنیم. پس اگر این تضرع را داشته باشیم، هدف از سختی‌ها و بلاها محقق شده است و به همین دلیل با تحقق فلسفه وجودی بلاء، آن سختی و بلاء دور می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر هنگام ناگواری‌ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف خدا قرار می‌گیرند.^۱ آری به تعبیر علامه طباطبائی، اگر دعا صادق بود، یعنی فقط

خدا را صدا زدیم و بس، در چنین صورتی خداوند اجابت می‌کند و گرفتاری را که ما را مضطر کرده بر طرف می‌سازد.^۱

ما ادعیه فراوانی داریم که از معصومین علیهم‌السلام برای وقت شدائد و سختی‌ها و حتی بیماری‌ها است و مضمون همه آن‌ها هم همین است که انسان بداند که باید به خداوند متوجه شود و به او توکل کند، همه چیز به دست او است، انسان برسد به این نقطه که با تمام وجود بگوید «وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي»^۲ او رازق من و ساقی من است و در وقت بیماری خداست که شافی است. اگر بخواهد دارو شفا می‌دهد و اگر اراده نکند، دارو و طبیب هم نمی‌توانند واسطه شفای انسان شوند. برادران و خواهران عزیز، این یک توصیه اخلاقی صرف نیست. توجه کنید، به شما نشان خواهم داد که تجویز و نسخه عملی است برای رفع گرفتاری ما. راهکار نجات‌دهنده و شفا بخشی که در ادعیه و تعویذات معصومین علیهم‌السلام برای مقابله با بلاها و به خصوص بیماری‌ها داده شده همین است.

حالا با این توضیح، می‌خواهم به شما یک نسخه بیچم که مصرف آن منافاتی با نسخه‌های اطباء هم ندارد. این نسخه یکی از ده‌ها نسخه و داروی معنوی است که اهل بیت علیهم‌السلام برای مؤمنین پیچیده‌اند و معجونی است که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای دفع بلاها نقل شده و در رابطه با امراض واگیردار هم امتحان شده است. این معجون قرآنی، دعایی است که ایشان فرمودند هر کس آن را بعد از نماز صبح بخواند خداوند او را از هر بدی حفظ می‌کند حتی اگر مهلکه‌ای باشد که خود انسان با عمل و اختیار خود ایجاد کرده باشد.^۳

آیت الله سید احمد خوانساری نقل می‌کند که در خوانسار بیماری واگیردار وبا شایع شده بود و در اکثر خانه‌ها یک نفر یا بیشتر از دنیا رفتند؛ مگر خانه‌هایی که هر روز این دعا را بعد از نماز صبح می‌خواندند که به آن‌ها هیچ صدمه‌ای وارد نشد! و این مرجع بزرگ عالم تشیع، به جهت اهمیت و مجرب بودن این دعای شریف، از یک خطاط با ایمان درخواست نمودند که

۱ - علامه طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۴۵۴.

۲ - شعرا (۲۶): ۷۹ و ۸۰.

۳ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۷.

این آیات را بنویسند، و آن را بین فرزندان و خویشاوندان خود توزیع کردند.^۱
آن دعا این است:

(قُلْ لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
(توبه، ۵۱) - وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَرِدْكَ بَخِيرٌ فَلَا
رَادَّ لِفَضْلِهِ يَصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (يونس، ۱۰۷) - وَ
مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي
كِتَابٍ مُبِينٍ (هود، ۶) - وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنكبوت، ۶۰) - مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ
مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (فاطر، ۲) - قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ
مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي
بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (زمر،
۳۸) - حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (توبه، ۱۲۹)
وَ أَمْتَنُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَسْتَشْفِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا
خَلَقَ وَ أَعُوذُ بِمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ)^۲

بعد هم حاج آقا چند نسخه دست‌نویسی که خودش از دعا رونویسی
کرده بود را از جیب قبای خودش بیرون آورد و از روی منبر به مرد میان‌سالی
که جلو منبر نشسته بود و از مریدان آقا بود داد و اشاره کرد که بین جمعیت
پخش کنند تا بقیه هم برای خودشان رونویسی کنند. دوباره همه شروع
شد، تا آقا شروع به صحبت کرد همه ساکت شدند. آقا دوباره منبرش را
ادامه داد که: این آیات در کنار هم یک وجود خاصی پیدا کرده است
که انشاء و جعل آن توسط امام معصوم است. مثل داروهای ترکیبی که اثر
مکمل چند دارد را در یک دارو جمع می‌کند، همین ترکیب در معنا و تفسیر
این معجون هم وجود دارد و توجه به این حقیقت و معنا است که بلا را
دور می‌کند. لذا چندجمله‌ای در توضیح آیات این دعا عرض می‌کنم و رفع
زحمت می‌کنم.

۱ - به نقل از نزدیکان آیت الله خوانساری و نسخه مکتوبی که از این دعا به خط شیخ احمد زنجانی
رسیده است.

این دعا در واقع ترکیبی از شش آیه از آیات کریمه قرآن و بخشی از یک آیه هفتمی هست که هر کدام خواص و آثاری دارند و اینجا در کنار هم، ترکیب معنایی جدیدی پیدا کرده‌اند و آثار خاصی دارند.

آیه اول می‌فرماید (قُلْ لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا) یعنی با تمام وجود بگو که هرگز چیزی به ما نمی‌رسد مگر آنچه خداوند برای ما نوشته است. خداوند همه چیز را برای ما و در خدمت کمال ما قرار داده است. می‌فرماید «كَتَبَ اللَّهُ لَنَا» نه «كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْنَا» یعنی همه آنچه از سوی خدا به شما می‌رسد، برای شما و در مسیر کمال شما است و خیر است. چرا که «هُوَ مَوْلَانَا» فقط او مولا و آقای ما و صاحب اختیار ما است. این «مولا» از «ولی» است، هم آقا و صاحب بودن هم محبت و هم قرب و نزدیکی خداوند به ما را می‌رساند. پس اگر اینطور هست که خدا برای ما سرنوشت مقدر و محتوم را می‌نویسد و او ولی ما و محبوب ما و نزدیک‌ترین کس و تنها کس ما است و بهترین‌ها را برای ما می‌خواهد، حالا اگر به این ایمان پیدا کردی توکل به او معنا می‌دهد (وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)^۱. ببینید چقدر آرامش‌بخش است! همه چیز در اختیار خداوند مالک و مدبری است که مولای ما است و از مادر مهربان‌تر به بندگان خود و به خصوص نسبت به مؤمنین است. پس هیچ هراس به خودت راه ندهد! چون او هست. او مولای تو است، توکل کن و پشت گرم باشه به خدا. تکیه بده به او!



بعد هم اشاره‌ای کرد به طرف ستون‌های سنگی مسجد: مثل این آقایانی که قرص و محکم به دیوار و ستون‌های مسجد لم داده‌اند و همه بار و وزن خود را به دوش آن می‌اندازند و ذره‌ای نگران نیستند که مثلاً دیوار از زیر بارشان شانه خالی کند. چون وزن آن‌ها در مقابل بار سقف که روی ستون‌ها و دیوارها است، چیزی نیست! حضار مسجد ناگهان و با صدای بلند خندیدند! کسانی هم که به دیوار و ستون‌ها تکیه داده بودند، آرام خودشان را جمع و جور کردند.

حاج آقا ادامه داد که: با این نگاه، به بنده ضرر و سختی می‌رسد اما این ضررها و مشکلات و سختی‌ها شر نیست و همه آن‌ها به صلاح و خیر

اوست، لذا در آیه شریفه بعد، ضُرَّ را در مقابل خیر قرار داد و از کلمه شُرَّ استفاده نفرمود که «وَإِنْ يَمْسِكِ اللَّهُ يَضُرَّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ» اگر مشکل و ضُرِّی به شما می‌رسد، غیر از او کسی نمی‌تواند آن را رفع کند! این یعنی تنها اوست که می‌تواند دشواری‌ها و ضررها را رفع کند «وَإِنْ يَرِدْكُمْ بَخِيرٌ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ» اگر هم اراده خیر کند که همه اراده او در باره ما اراده خیر است، باز کسی نمی‌تواند مانع فضل بی‌انتهای او شود که البته خود ضرر و سختی‌های دنیا و بلاها هم خیر خداوند برای رشد بنده خویش است. «بَصِيبٌ بِه مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» خداوند اینطور از فضل خودش به هر کسی از بندگانش که بخواهد اعطا می‌کند.^۱ و البته خداوند این فضل خود را به مؤمنین عطا می‌کند اینجا عباد به این معنا است. هم به قرینه ترکیب با آیه قبل که توکل مؤمنین بود و گفتیم این ترکیب حقیقی است توسط امام معصوم انجام شده. هم به قرینه «وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» که رحمت رحیمیه اختصاص به مؤمنین دارد. پس این دو آیه مطلقاً امیدبخش و دلگرمی دهنده به مؤمنین بود که بدانید اگر چه شما از این ابتلائات کراهت دارید اما چه‌بسا خیری که پشت پرده این مکروه‌ها و نامایمات هست و شما نمی‌دانید.

حاج آقا ساعت جیبی قدیمی‌اش را بیرون آورد و نگاهی کرد. کمی دیر شده بود و باید سریعتر بحث را به انجام خود نزدیک می‌کرد. برای همین گفت؛ خوب دو آیه بعد هم نکات فراوانی دارد. اما چون موضوع ما توکل است و وقت هم تنگ است، به این دو آیه آخر دعا هم اشاره می‌کنم و عرایض را تمام می‌کنم.

خداوند می‌فرماید (مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا) آنچه که خداوند برای مردم از رحمت خویش اراده کند، کسی نمی‌تواند مانع آن شود. همه مقهور اراده خداوند «رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ» هستند و خداوند هم رحمتش بی‌پایان است و اگر ببخشد چیزی از او کم نمی‌شود بعد می‌فرماید (وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ) آنچه هم خداوند از بنده امساک کند و نخواهد به او برسد کسی غیر از خداوند نمی‌تواند آن را محقق کند (وَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) خداوند عزیز است و عزّت او بر مؤمنین ارسال رحمت رحیمه می‌کند و از غیر مؤمنین این رحمت را از روی همان عزّت و حکمتش امساک می‌کند. که البته این امساک نتیجه عمل خود آن‌ها است.^۱

تا می‌رسد به این آیه که رمز توکل و راه‌حل بلاها و سختی‌ها است (قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ) می‌فرماید آیا اینطور می‌اندیشید که آنچه برای رفع بلاها و از جمله بیماری‌ها از مسیری غیر از اراده الهی طلب می‌کنید. مثلاً دارو و پزشکی را طلب می‌کنید، آیا فکر می‌کنید که اگر خداوند اراده کرده باشد که ضری به شما برسد آیا این چیزها می‌توانند مانع شوند و آن سختی را رفع کنند؟ آیا اگر خداوند اراده مریضی کسی را بکند، کسی می‌تواند مانع شود؟ یا اگر خداوند اراده رحمت و گشایش کند آیا کسی می‌تواند مانع رسیدن رحمت او شود؟ روشن است که اینگونه نیست. دارو اگر شفا می‌دهد به اراده او است و اگر خداوند نخواهد همان دارو بر بیمار بی‌اثر می‌شود.^۲ پس ما باید اسباب و وسایلی که خداوند قرار داده را استفاده کنیم اما بدانیم همه چیز به اراده اوست. ما باید رعایت نظافت و پاکیزگی کنیم. باید در بیماری سراغ دارو و طبیب برویم. اینها واسطه‌های الهی هستند برای شفاي مریض. اما بدانیم که اگر اراده خداوند به چیزی تعلّق نگیرد آن امر محقق نمی‌شود و لو همه اسباب ظاهری کنار هم قرار گیرند. مرگ و حیات ما به دست خداست. مریضی و شفاي ما هم به دست او است. گاهی یک جوان در این بلاها از میان ما می‌رود در حالی که ناتوان‌ها و ضعیف‌هایی هم پیدا می‌شوند که مبتلا نمی‌شوند.

صدای گریه یکی از کسبه مسنّ بازار که به دیوار کنار مسجد تکیه داده بود بلند شد. پیرمردی بود با پیراهن و جلیقه‌ای مشکی با یک عبای قهوه‌ای بر دوش و عرقچین سفید بر سر. در همین شیوع بیماری تازه دو پسر جوان خود را ازدست‌داده بود اما خود او مبتلا نشده بود و خطر کاملاً رفع شده بود. با گریه او فضای مسجد هم منقلب شد.

۱ - ن.ک: علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶.

۲ - ن.ک: علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۴۰۴.

حاج آقا که تازه متوجه ماجرا شده بود، گفت: ما باید به قضای الهی راضی باشیم. تسلیم اراده خدا باشیم. خداوند برای کسی که این نگاه را داشته باشد، همه اراده‌ها را مقهور اراده ربّ بداند و به او توکل کند، کفایت می‌کند؛ (قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ). خداوند امر می‌کند که بگو خدا برای من کافی است و مؤمن باید بداند که خداوند کفایت می‌کند برای او. خداوند اراده خیر برای او کرده است و رحمت خاصّه خداوند شامل حال مؤمنین است. اگر خداوند به او بلائی می‌رساند از سر رحمت و برای رشد او است. مؤمن فقط خدا را دارد و خدا برای او بس است. اگر ما به این تضرّع و توکل به خداوند برسیم. اولاً خودمان را در پرتو رحمت و در آغوش مهربانی خدا می‌بینیم و می‌دانیم هر چه او برای ما بخواهد از سر لطف و رحمت است. همه بلاها برای این است که او ما را دوست دارد و می‌خواهد به درگاه او رو بیاوریم و به او نزدیک شویم. ثانیاً اگر این تضرّع و توکل باشد، بلا رفع می‌شود چون هدف بلا که نزدیک شدن به خداست، محقق شده است و خداوند مهربان‌تر از پدر و مادر است و بلا را رفع می‌کند و این از رحمت خدا است. همانطور که بلای او هم از روی رحمت است. لذا بلافاصله این اقراری که قرآن طلب می‌کند که چنین بگو! و زبان حال و قال تو این باشد، از زبان بنده صادر می‌شود که خود را در مقام توکل می‌بیند و شهادت می‌دهد که «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». این دعا را باید هر روز بعد از نماز صبح خواند و علّت مداومت بر این دعا در آغاز هر روز این است که انسان کم این معانی را به خود تلقین کند و از یاد نبرد و در طول روز تلاش کند در عمل خود این اعتقاد و باور را ظهور دهد.

حاج آقا در آخر هم اشاره کرد که صدق در توکل وقتی معنا دارد که ما تسلیم اراده و امر خداوند شویم و یکی از این اوامر، وظیفه ما در نسبت با سایر مؤمنین و رفع حاجت آنان است. مؤمنین در این شرایط باید به خدا توکل کنند و در عین رعایت نکات آقایان اطباء، اینطور نباشد که از احوال یکدیگر غافل بمانند. کسانی که توان مالی دارند به آن‌هایی که اوضاع کاسی‌شان کساد شده است کمک کنند. به کسانی که مریض دارند سر

بز نیم و این دعاها و توجّهات را هم داشته باشیم تا ان شاء الله از این ابتلا هم سر بلند بیرون بیایم. «و السّلام علیکم و رحمۀ الله»
منبر تمام شد و مردم کم کم پراکنده شدند. برخی همانجا از دعا رونویسی کردند و از فردای آن روز به خواندن و باور به معانی آن مداومت کردند. بعدها شنیده شد که افرادی که این دعا را جدی گرفتند، از کسانی بودند که از بلا در امان ماندند. برخی هم نوشتن و خواندن دعا را به «بعداً» وعده دادند بعدی که شاید هیچ وقت هم نیامد. برخی هم شنیدند و فراموش کردند...





فصل دوم

**اجتماعیات کرونا؛
تأملی بر زمینه‌های اجتماعی و
فرهنگی کرونا**

بازخوانی معنا و جایگاه نهاد «دولت» در روزگار کرونا

حسین سرآبادانی تفرشی

پژوهشگر هسته «عدالت پژوهی» مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

بحران شیوع ویروس کووید ۱۹، عرصه آزمون ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و میزان توانمندی نهاد دولت در جوامع مختلف بود. بحران کرونا احتمالاً منجر به تحولات اساسی در ساختار اداره اجتماع خواهد شد و نشانه‌های آن قابل رؤیت است. کرونا، عصر بازگشت به دولت و نوعی بازسازی و احیای قدرت دولت‌های ملی در اداره جوامع بود. گرچه بسیاری از دولت‌ها آمادگی این بازگشت تاریخی را نداشتند، اما این رجوع تاریخی تحقق یافته است. احیای نهاد دولت و افزایش قدرت نفوذ آن، بار دیگر حساسیت برخی فیلسوفان اخلاق و مصلحان اجتماعی جهت نقض حقوق فردی و نظارت تام این نهاد بر شهروندان را گسترش داد. مثلاً در حوزه مدیریت اطلاعات و رعایت حقوق عامه، برخی بر این باورند که حتی اگر نرخ شیوع ویروس کرونا به صفر

نزدیک شود، بعضی از دولت‌های حریص اطلاعات، این ادعا را مطرح خواهند کرد که لازم است سیستم نظارت بیومتریک بر جای خود باقی بماند؛ زیرا هراس از موج‌های بعدی ویروس وجود دارد یا ویروس دیگری در راه است! این ادعا نوعی فرصت‌طلبی دولت‌ها برای نقض بیشتر حریم‌های شخصی و به چالش کشیده شدن دوگان حوزه عمومی-خصوصی را بار دیگر زنده کرد. قرار گرفتن در معرض انتخاب میان امر «سلامت» با این نوع حفاظت از حریم شخصی، کار را سخت‌تر از گذشته کرد تا نقش تاریخی نهاد دولت در این شرایط برای رسیدن به یک نقطه بهینه مشخص شود.

اعتماد و همراهی اجتماعی، متغیر مهم بیماری‌های اپیدمیولوژیک است؛ زیرا بدون آن‌ها، دولت‌ها حمایت مردم را از دست می‌دهند. کرونا، فرصتی برای فهم اتوبان دوطرفه اعتماد و اقناع میان مردم و دولت بود. اعتماد مردم به دولت و اقناع مردم توسط این نهاد، همواره سخت و دشوار شکل گرفته و به راحتی از دست رفته است. اعتماد اجتماعی، لازمه اعمال حاکمیت دولت در به کارگیری تدابیر و تصمیمات جهت مدیریت بحران است. از سوی دیگر، نظارت متمرکز و اعمال انواع مجازات و تنبیه اجتماعی، تنها راه معجزه کردن مردم در پذیرش خط‌مشی‌های عمومی نیست؛ اگر مسیر اعتماد اجتماعی همواره شود، بستر اقناع عمومی فراهم می‌آید. یکی از عوامل تمایز عملکرد دولت‌ها در واکنش به بحران کرونا، میزان اعتماد اجتماعی نهاد دولت و به تبع روش‌های اقناع عمومی توسط حاکمیت بود.

رقابت دولت‌ها

روزگار کرونا، تبدیل به عرصه تشدید رقابت میان دولت‌های ملی و کاهش جذابیت شعارهایی همچون همگرایی جهان و جهانی شدن (به معنای مسطح شدن جهان و کم‌رنگی مرزهای ملی) بود. یکی از عرصه‌های این رقابت، آغاز مسابقه کشورها در واکسن‌سازی و کشف داروی مناسب برای این ویروس تاج‌دار است. در همان روزهای ابتدایی، رئیس‌جمهور آمریکا که پیش از این بحران هم تمایلات ملی‌گرایانه، نژادپرستانه و به اصطلاح دست راستی خود را نشان داده بود، به دنبال خرید نقدی حقوق انحصاری واکسن



برای ایالات متحد آمریکا از یک شرکت آلمانی برآمد. این ملی‌گرایی افسارگسیخته، به دزدیدن ماسک در آسمان نیز رسید و دولت‌ها تلاش کردند با هر روش و ابزاری نیازهای اصلی شهروندان خود در حوزه بهداشت و درمان، تأمین خدمات ضروری اجتماع و تأمین کالاهای اساسی را به سرانجام برسانند. بنابراین فرصتی برای عرض اندام دولت‌ها و میزان قابلیت و انعطاف‌پذیری آن‌ها در شرایط بحران فراهم آمد.

با این حال، دولت‌ها بسیاری از واقعیت‌ها و ایده‌ها را نیز نادیده گرفتند. مثلاً در مورد مسابقه واکسن‌سازی، فراموش شد که پاندمی کرونا، یک مسئله جهانی است که برای حل آن باید بازی را «جمع مثبت» دید نه «جمع صفر»؛ بدین معنا که اگر در بلندمدت، همکاری جهانی برای حل این بحران در سرتاسر جهان شکل نگیرد، بحران به صورت ریشه‌ای حل نمی‌شود و همان نقطه تبدیل به کانون مجدد ویروس در سیاره زمین خواهد شد. بدین جهت بود که این نظریه طرفدار پیدا کرد که اگر واکسنی هم کشف شد، باید به‌مثابه یک «دارایی عمومی» تلقی گردد. به تعبیر یکی از سیاست‌مداران آلمانی که در واکنش به کوشش ترامپ برای ساخت واکسن برای آمریکا گفت: «تصور می‌کنم به هر طریق باید از فروش انحصاری واکسن احتمالی ایالات متحد آمریکا جلوگیری شود. به هر حال سرمایه‌داری نیز محدودیت‌هایی دارد که یکی از آن‌ها انحصار است». آنچه در جریان است قیمت‌گذاری زندگی است؛ با این نکته که گویی زندگی برخی از ساکنین جهان از برخی دیگر ارزشمندتر است.



دولت‌ها و عصر تناقض

اما کرونا، عرصه ظهور و تجلی تناقض‌های گفتاری و رفتاری دولت‌ها بود. بخشی از این تعارض و اختلاف در بیان و عملکرد دولتمردان، معلول ماهیت بحران بود؛ ویروس ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی همه تحلیل‌ها و برآوردها را بر هم زده و این امر، مواجهه با بحران را توأم با قالب‌های گوناگون تناقض کرده بود. از توصیه‌های بهداشتی مانند زدن یا نزدن ماسک تا برآورد میزان

کُشدگی و خطر ویروس. کرونا نشان داد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دولت‌ها در مواجهه با بحران، عامل تعیین‌کننده در کاهش این تعارض‌ها در گفتار و سیاست‌های حاکمان است. اهمیت این عامل بدان جهت است که هر چه این تعارض‌ها بیشتر شود، از همراهی و اعتماد اجتماعی با تصمیمات دولت کاسته می‌شود.

نمونه بارز دیگر در تناقض گفتاری و رفتاری دولتمردان، در یک رفتار مشابه نمایان شد. تقریباً نخستین واکنش همه دولتمردان در سرتاسر جهان به بحران شیوع ویروس شماره ۱۹ این بود که «به‌زودی اوضاع عادی خواهد شد». جمله‌ای خبری که شاید باید انشایی خوانده می‌شد: «اوضاع باید عادی شود». گویی دولتمردان بوروکرات همچنان در فضای سلسله‌مراتب اداری هستند و تصور می‌کنند با فرمان ایست یا توقف، ویروس اطاعت می‌کند. اما گذر زمان موضوع را برای دولت‌ها مشخص و آن‌ها را به سر عقل آورد.

تبعیض و توزیع هزینه‌های بحران از سوی دولت‌ها

عصر کرونا، عصر نمایان شدن چالش‌ها و اشکالات ساختاری نظام اقتصاد جهانی شد. اقتصاد جهانی به فاصله چند هفته در رکودی عمیق و بی‌سابقه فرو رفت؛ رکودی که از بعد از جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بود. اما سیاستمداران حاکم، حاضر شدند هر چیزی را سرزنش کنند جز سرمایه‌داری افسارگسیخته دهه‌های اخیر را. هزینه‌ی این بیماری عالم‌گیر، ورشکستگی بخش زیادی از مردم جهان شد. تنها حسب یک برآورد از آنکتاد (کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد) کرونا تا پایان سال ۲۰۲۰ درآمد جهانی را بین یک تا دو تریلیون دلار کاهش داده و حسب گزارش «سازمان بین‌المللی کار»، بیش از یک‌سوم نیروی کار جهانی، شغل خود را به‌صورت قطعی از دست داده و می‌دهند. تنها در ایالات متحده آمریکا، نرخ بیکاری رسمی به ۲۰ درصد، (برآوردهای غیررسمی ۲۷ درصد است) و جمعیت بیکاران به ۴۲ میلیون نفر رسیده است. البته این رکود و بیکاری به تبع آن، همچون کرونا «پاندمی» است و اختصاص به یک کشور ندارد. در این بحبوحه بحران اقتصادی، واکنش‌های دولت‌ها به بحران نیز متنوع و مختلف بوده است. این تنوع در واکنش‌های

دولت‌ها، معلول دو عامل اصلی بود: اول تنوع دولت‌ها در قابلیت اتخاذ تصمیم و عملیاتی کردن آن‌ها در سطح جهان و دوم تنوع ذاتی کووید ۱۹ که ماهیتی کاملاً سیال و وابسته به محیط پیرامونی داشت.

در میان مجموعه عوامل مؤثر در توانایی دولت‌ها در مواجهه با کرونا، نحوه توزیع بار بحران حسب ساختار تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری بخش عمومی (و به‌طور خاص بخش سلامت) بر طبقات فرادست یا فرودست، تعیین‌کننده بود. تجربه بحران‌های گذشته جهانی و ملی نشان می‌دهد معمولاً هزینه این بحران‌ها را ثروتمندان پرداخت نمی‌کنند بلکه این هزینه‌بر دوش اکثریت افراد جامعه قرار می‌گیرد. اکثریتی که هیچ صدایی در نهاد «دولت» ندارند و باز معمولاً تقریباً هیچ نقشی در ایجاد بحران نداشته‌اند. زمانی که تسخیر نهاد «دولت» توسط بازارگرایان تکمیل شود، فرایند مقررات‌زدایی از نظام اقتصادی و کاهش خدمات اجتماعی مانند آموزش و سلامت آغاز می‌شود. با وجود برخی استثناءها، هر این چه پروسه در جوامع مختلف تشدید شده بود، میزان خسارت شیوع کووید ۱۹ بیشتر بود. اولین اثر بازارسازی نئولیبرال‌ها، کاهش قدرت اجتماعی دولت در انجام مداخلات تنظیمی بهینه است. البته کووید ۱۹ دوگان مرسوم جناح راست و چپ یا لیبرال-مارکسیسم را نیز زیر سؤال برده یا حداقل دچار تغییرات بنیادین کرده است. «ویکتور اوربان»، نخست‌وزیر مجارستان در سخنان اخیر خود گفته بود: «چیزی به اسم لیبرال وجود ندارد؛ لیبرال چیزی بیش از کمونیست با مدرک دیپلم نیست!». چیزی که ورای این برچسب‌ها دیده می‌شود، نزدیک شدن سرمایه‌داری جهانی به بحران است؛ بحرانی که ایدئولوژی‌ها را نیز به چالش کشیده است.



انتخاب‌های متنوع دولت‌ها در بحران

اثرگذاری متقابل سیاست و کرونا خود را در تنوع استراتژی‌های دولت‌ها در مدیریت بحران نشان داد. استراتژی قرنطینه در مقیاس محله، منطقه، شهر یا کشور همواره مطرح و تکذیب می‌شد. در عوض، مجموعه‌ی ناهمگن و متناقضی از اقدامات و خط‌مشی‌ها در دستور کار قرار گرفت و نوعی چندصدایی از

ساختار حاکمیت به مردم منتقل شد. در این میان، حتی گاه برخی حرف‌های عجیب و باورنکردنی نیز دیده شد: مانند استراتژی «ایمنی گله‌ای» که بعد از چند روز مطرح کنندگان آن به آرامی متوجه شدند با انتخاب این راهبرد، چه فاجعه ملی رقم خواهند زد؛ چرا که دولت‌ها ظرفیت‌های محدودی برای ارائه خدمت دارند، اما توانایی نامحدودی برای خلق فاجعه در اختیار دارند. به نظر می‌رسد علاوه بر مقدورات، توانمندی‌ها و الزامات مقابله با کرونا، اندیشه و چارچوب نظری حاکمان و دست‌اندرکاران، بر نوع انتخاب استراتژی دولت‌ها در مدیریت بحران، مؤثر بود.

گسترش ویروس کرونا در بیش از ۲۰۵ کشور جهان موجب آن شده است که همه جوامع به هر درجه‌ای از شرایط توسعه‌یافتگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در معرض آزمون جدی و مشترک قرار گرفته بگیرند. به جهت آن که بحران شیوع ویروس کرونا دارای ذات بیولوژیک، طبیعی و تا حد زیادی بدون طراحی‌های انسانی است (حداقل تاکنون چنین به نظر می‌رسد) به عنصری از زیست ما به تدریج تبدیل شده است و لذا به نظر می‌رسد احتمالاً برای اولین بار جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه در معرض آزمونی یکسان قرار گرفته‌اند.^۱ مرور وضعیت آنچه کرونا بر کشورهای مختلف در سرتاسر جهان آورده است حاکی از آن است که تفاوت‌های بین کشورهای صنعتی توسعه‌یافته و جهان در حال توسعه، آن گونه که فکر می‌شد نبوده است. بررسی آمار تلفات در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، ایتالیا و برخی از کشورهای OECD به خوبی این ادعا را تأیید می‌کند. به همین جهت است که جهان پسا کرونا، عرصه چانه‌زنی مجدد در مناسبات نوین جهانی در تقسیم قدرت و بازآرایی جدید نظم بین‌الملل خواهد بود.

تحول نهادی در جایگاه دولت

یکی از مهم‌ترین آثار بحران کرونا، بازسازی قدرت و اختیارات سلسله مراتبی دولت‌های ملی پس از جریان معکوسی است که جهانی شدن و توسعه

۱ - رویدادی که حداقل پیش‌از این کمتر سابقه داشته است. عمده تحولات جهانی که ناشی از یک عامل بیرونی بوده‌اند از قبیل شوک در بازار انرژی، با طراحی‌های انسانی و حاصل برنامه‌ریزی کشورهای هژمون بوده است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات در سه دهه اخیر و در دوران «پسا جنگ سرد» بر سر دولت‌ها آورده بود. کووید ۱۹، حتی چهره دولت‌های اقتدارگرا و نظامی که روزگاری در کشورهای مدعی دموکراسی یک تابو محسوب می‌شد، ترمیم کرد.

کرونا، منجر به تحولات نهادی در جوامع مختلف شد. در چارچوب سنت «نهادگرایی جدید اقتصاد»^۱ با افرادی مانند ویلیامسون^۲، نورث^۳ و کوز^۴، سه عامل اصلی در تغییرات نهادی: دگرگونی نسبی قیمت عوامل تولید، تغییر هزینه‌های دسترسی به اطلاعات و تغییرات دانش فنی است. در میان این تغییرات نهادی، عامل چهارم بازتعریف معنا و جایگاه نهاد «دولت» و حوزه‌های مداخلات آن است. در قرون اخیر، نقش دولت و حوزه مداخلات آن در اجتماع و به‌طور خاص اقتصاد در حال تحول و البته تحلیل انتقادی بوده است. از دولت کلاسیک به‌مثابه «داور بی‌طرف» تا «دولت رفاه‌کنزی» و دولت‌های مبتنی بر گفتمان «حکمرانی خوب»، طیف متنوعی از نقش‌ها، وظایف و حوزه‌های مداخله دولت مطرح شده است. کرونا، ساختار، بنا و جایگاه جدید دولت‌ها را بار دیگر پیش چشم‌ها نهاد و البته بیش از همه دولتمردان را متوجه به اهمیت ذاتی این نهاد کرد. یک بحران و چالش با منشأ زیستی به‌صورت جهت یک ویروس (برخلاف بحران‌های قبلی با منشأ انسانی)، منجر به انتخاب‌ها و تصمیمات بی‌سابقه از سوی دولت‌ها شد. انتخاب‌هایی که در حالت عادی غیرممکن یا طولانی به نظر می‌رسید، به لطف کووید ۱۹ رنگ واقعیت به خود گرفت. آنچه به‌صورت غیرقابل تغییر تصور می‌شد، به‌راحتی ممکن در نظر گرفته شد و از این جهت کرونا، فرصت



۱- New institutional economics

۲- Oliver E. Williamson

۳- Douglass North

۴- Ronald Coase

۵ - مثلاً بیماری طاعون فراگیر در قرن ۱۴ میلادی، موجب کاهش جمعیت کشاورزان گردیده و این امر موجب افزایش امتیازات آن‌ها در روابط با صاحبان زمین (فئودال‌ها) گردید. «عجم‌آغلو» و «راینسون» در کتاب «چرا کشورها شکست می‌خورند»، از شیوع این ویروس در سده چهاردهم به عنوان یکی از عوامل تغییرات نهادی در اروپای قرون وسطی یاد کرده است.

بود تا تهدید؛ فرصتی برای اینکه می‌توان فراتر از نوعی تصلب و تعصب، به شیوه‌های بدیل و جایگزین در میدان اداره اجتماع فکر کرد و بسیاری از بوروکراسی‌ها و کاغذبازی‌های زائد را حذف کرد.

دولت‌ها و چالش انتظارات کرونایی

«آنتونی گیدنز»^۱؛ جامعه‌شناس بریتانیایی، نخستین بار از مفهوم «پارادوکس دولت» در تبیین شرایط کنونی «دولت‌های ملی» در عصر مدرن سخن گفت. این پارادوکس آنجا شکل می‌گیرد که از طرفی، روزبه‌روز گفتمان «کوچک‌سازی دولت» بسط و توسعه می‌یابد و از طرف دیگر روند رو به رشد انتظارات از نهاد دولت در جامعه شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. به‌واقع در اینجا، نهاد «دولت ملی»^۲ با نوعی بحران موجودیت، مشروعیت و کارکرد روبرو است. دولت ملی، محصول عصر مدرن و شکل‌گیری پدیده «دولت-ملت» در سده هفدهم میلادی با «پیمان وستفالی»^۳ است. پدیده‌ای که البته بعد از انقلاب فرانسه توسعه یافت و با فروپاشی امپراتوری عثمانی، از ابتدای سده بیستم به‌صورت فراگیر، الگوی اصلی حکومت‌داری در سرتاسر جهان شد. ثبات اقتصادی، امنیت، رفاه و برابری و ایجاد نوعی هویت ملی ازجمله کارکردهای دولت مدرن تلقی شد.

جامعه علمی و رسانه‌ها در چهار دهه گذشته در جهان، دولت متعهد و مسئول را دولتی می‌دانستند که دارای انضباط مالی و پولی، وحدت رویه در تصمیم‌ها و سیاست‌ها و کم‌ترین نقش فعال در مداخله‌های تنظیمی داشته باشد. این دیدگاه نسبت به دولت که معلول نوعی بازارگرایی افراطی در انتهای سده بیستم بود، روزبه‌روز این نهاد را بیشتر تضعیف کرد. حتی شعارهایی مانند حرکت از «دولت تصدی‌گر» به «دولت تنظیمی» نیز نتوانست مسئله را حل کند. استدلال جذاب کاهش تصدی‌گری دولت برای خود دولت‌ها هم جذاب بود؛ چرا که منجر به کاهش هزینه‌ها برای آن‌ها می‌شد

۱- Anthony Giddens

۲- منظور از دولت در اینجا، به‌نوعی فراتر از قوه مجریه است و مرتبط با معنای «state» به معنای حاکمیت است.

۳- Peace of Westphalia (۱۶۴۸)

اگرچه نوعی مقاومت هم در برابر آن صورت می‌گرفت؛ چون به نوعی به معنای کاهش قلمرو قدرت بوروکرات‌ها بود)، اما در عمل «دولت تنظیمی» نقشی نمایشی پیدا کرد. فضاهاى گسترده غیرتنظیمی در روابط اجتماعی، جامعه انسانی را در برخی موارد به جنگل شبیه می‌کرد و «تسخیر تنظیم گران» توسط گروه‌های ذینفع و پرنفوذ، «دولت تنظیمی» را عملاً در خدمت منافع اقلیت سرمایه‌دار ساماندهی کرد. نیروهای فعال «جهانی‌شدن» نیز در سطوحی قدرت نهاد دولت ملی را تضعیف و امکان کنترل و در اختیار داشتن بسیاری از تصمیم‌های آن‌ها را سلب کرد. «جهانی‌شدن»، منجر به توزیع قدرت غیرمتمرکز و کاهش قدرت تصمیم‌گیری در دولت‌های ملی شد. روندهای منطقه‌ای و ایالتی شدن نیز از داخل منجر به کاهش قدرت دولت مرکزی در دهه‌های اخیر شد.

در سویه دیگر این پارادوکس، با افزایش و توسعه قدرت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، دولت در یک اتاق شیشه‌ای قرار گرفت. کوچک‌ترین اشتباه‌ها از سوی دولت، بالاترین مجازات را در از سوی جامعه در برداشت. جامعه‌ای که دیگر برخلاف صدسال قبل، یک جامعه توده‌ای قابل شکل به هر صورت و سامان نبود. جامعه‌ای با سطح سواد عمومی بالا، مطالبه‌گر و با نیروهای متکثر اجتماعی که سویه‌های مختلف فکری، فرهنگی و اجتماعی دارد. جامعه مدرن محصول این دولت مدرن بود و یقه دولت مدرن را گرفت. دولت مدرن با توسعه آموزش عمومی و ارتقای سلامت اجتماعی، جامعه‌ای با سطح تحصیلات بالا و امید به زندگی زیاد به وجود آورد که حالا دیگر حاضر به پذیرش دولت به هر شکل و صورتی نیست. به شکل روزانه از قدرت مطالبه می‌کند و در جستجوی استیفای حق خود است. دولت نماینده او در استیفای منافع و حقوق او است؛ آنچه که بعدها به «حقوق شهروندی» موسوم شد.

کرونا اما این پارادوکس را به صورت کامل عیان کرد. دولت‌هایی که گاز مقرر از زدايي و کوچک‌سازی را تا انتها فشار داده بودند، در برابر بحران ضعف نشان دادند؛ چرا که کارکرد اجتماعی نهاد دولت را فراموش کرده بودند. در مقابل حباب انتظارات از نهاد دولت، به اندازه کافی بزرگ شده



بود. پیامد این پارادوکس، توسعه «نارضایتی‌های عمومی» از کیفیت و کمیت عملکرد دولت‌هاست. این نارضایتی حاصل تفریق انتظارات گسترده از دولت از عملکرد آن‌هاست. از سوی دیگر، این تعارض میان ظرفیت نهادی دولت با انتظارات اجتماعی منجر به تقویت عدم تعادل ساختاری میان «داده‌ها و ستاده‌های» دولت در جامعه شد. دولت در روزگار ماقبل کرونا به ازای هر واحدی که هزینه می‌کرد، حداقل باید به اندازه همان واحد دستاورد داشته باشد؛ اما در عمل نسبت داده‌ها به ستاده‌ها در دولت‌ها، بسیار کم‌تر از یک بود و حالا این ناترازی با بحران کووید ۱۹ تشدید شد.

در این شرایط، واکنش دولت‌ها به این بحران چه نقشی ایفا کرد؟ واکنش دولت‌ها گاه اوضاع را مدیریت و گاه بدتر کرد. برخی دولت‌ها در این چرخه تعامل با جامعه، روزه‌روز بر حباب انتظارات افزودند. تمایل سیاسی دولت‌ها به انتخاب حسب آرای عمومی و جذب رأی‌دهندگان، کار مدیریت بحران را پیچیده‌تر کرد؛ چراکه دولت‌ها در واکنش به این بحران، روزه‌روز در چرخه خرج بیشتر برای پاسخگویی به انتظارات برآمدند و در این مسیر همواره از انتظارات عقب‌تر بودند؛ زیرا انتظارات قدیمی جای خود را به انتظارات جدید می‌دهد و این فرآیند را انتهایی نیست.

در نهایت، ذکر این نکته مفید فایده است که میزان رضایت جامعه از عملکرد دولت‌ها در مواجهه با کرونا، تابع مستقیم از میزان خسارت انسانی و ویروس نیست. حسب نتایج نظرسنجی در میان کشورهای اتحادیه اروپا^۱، ۷۹ درصد آلمانی‌های معتقدند که دولت این کشور در مهار بحران ناشی از شیوع و ویروس کرونا خوب عمل کرده ولی این نسبت در میان ایتالیایی‌ها ۵۶ درصد است ولی تنها ۳۱ درصد فرانسوی‌ها بر این باورند که دولت کشورشان در مقابله با شیوع بیماری کووید ۱۹ عملکرد مناسبی داشته است؛ این در حالی است که ایتالیا دارای بیشترین آمار تلفات انسانی در اروپا بوده است. بنابراین دولت‌ها در روزگار کرونایی، باید تغییرات ساختاری و نهادی ناشی از فرصت کرونا را دستور کار خود قرار دهند تا علاوه بر مدیریت واقعیت‌های عینی، در عرصه مدیریت ذهن‌ها و دل‌ها، سطح رضایت عمومی از عملکرد خود



را ارتقا دهند که در غیر این صورت بقا و مشروعیت‌شان در معرض تهدید است.



آسیب‌شناسی عملکرد نهاد ائمه جمعه در ابتلاء کرونا

مصطفی آقاجانی

پژوهشگر هسته «بازاریابی سیاسی» مرکز رشد

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام

اشاره

بازاریابی سیاسی در یک تقسیم‌بندی آکادمیک سه حوزه دولت - حکومت، بین‌الملل و انتخابات را در برمی‌گیرد. بحث تحزب به شکل مرسوم ذیل بازاریابی سیاسی انتخابات قابل تعریف است اما طبق نتایجی که از سیره سیاسی و اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی در پژوهشی جداگانه استخراج شده است؛^۱ این موضوع در گفتمان اسلامی ذیل بازاریابی سیاسی دولت - حکومت قابلیت طرح و بحث دارد. بر این اساس، تحزب برخلاف گفتمان غربی‌اش که دال محوری «قدرت» را پی‌می‌جوید در پی خدمت به مردم، هدایت جامعه و تقویت نظام الهی گام برمی‌دارد. در تبیین حضرت امام علیه السلام از

۱ - برای مطالعه نک: آقاجانی، مصطفی (۱۳۹۶) ماهیت و کارکرد احزاب سیاسی از منظر امام

خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه، شهید بهشتی رحمته‌الله علیه و آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله علیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام

حزب اسلامی، سه سطح از حزب‌الله اعم از فروملی و ملی، منطقه‌ای و جهان اسلام و مستضعفین عالم ارائه می‌شود. در نگاه رهبران انقلاب، حزب لزوماً به گروهی سیاسی که در پی اهداف انتخاباتی هستند اطلاق نمی‌شود و گروه‌ها و دسته‌هایی چون روحانیت و نهاد ائمه جمعه نیز قابلیت تعریف حزبی ذیل حزب‌الله در سطح فروملی و ملی را می‌یابند که علاوه بر ویژگی‌های ذکر شده، وظایف متعددی را در قبال جامعه و نظام اسلامی بر عهده می‌گیرند که به شکلی مفصل در بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام قابل مطالعه است. پدیده کرونا از جمله موارد نادر و استثنایی‌ای بوده است که بعد از چهار دهه از فعالیت مستمر - البته با شدت و ضعف - فعالیت و کنش این نهاد را دچار خدشه نمود و در ایفای وظایفش در قبال نظام اسلامی و جامعه ایران مشکلاتی را رقم زد. سؤالی که در این مختصر به دنبال پاسخ بدان هستیم آسیب‌شناسی نهاد و نماز جمعه در مواجهه با کرونا از نگاه بازاریابی سیاسی - که در ادامه توضیح آن می‌آید - است.

مفروضات پژوهش

مفروض اول راجع به اصل نماز جمعه است؛ نماز جمعه امری واجب است و چون در اینجا مقام برگزاری و نهاد برگزارکننده آن مورد بحث است تخیری یا عینی بودن آن چندان قابل پرداختن نیست. نکته بعد آن که امام جمعه، منصوب از قبل امام‌المسلمین و ولی فقیه عادل است و یک جایگاه انتخابی نیست. از وظایف امام‌المسلمین برگزاری نماز جمعه است؛ خطبه از شئون ولی امر است. خطبه خواندن از شئون ولی امر و امام‌المسلمین است. او باید خطبه را بخواند و چون در همه شهرها نمی‌تواند حاضر شود، تبعاً کسانی را انتخاب می‌کند و دستگاهی را مشخص کرده است. نکته سوم آن است که امام جمعه وقتی در این جایگاه قرار می‌گیرد در جایگاه امام ایستاده است؛ به نوعی امام جمعه در مناطق مختلف در حوزه نهادی جمعه، از سوی ولی فقیه نیابت دارد. این تریبون‌های نماز جمعه وظیفه دارند که نظرات نظام و نظرات حاکمیت نظام و امام‌المسلمین را ترویج و تبلیغ بکنند.



برخی تصاویر مانا از ائمه جمعه در چند سال اخیر

شاید در مروری بر تصاویر ائمه جمعه از چند سال اخیر تا به امروز که کشور در گیر ابتلاء کرونا است، بتوان تعدادی از رخدادهای این حوزه را به یادماندنی و جالب نظر دانست از جمله: برداشتن تعدادی از نرده‌های میان نمازگزاران که در مراسم نماز جمعه و توسط آقای حاج علی اکبری مسئول شورای سیاست گذاری ائمه جمعه کشور اعلام شد، برگزاری اعمال غسل و کفن و دفن فوت شدگان ناشی از بیماری کرونا توسط تیم‌های طلاب سازماندهی شده از سوی ائمه جمعه تعدادی از شهرها، اجرای طرح‌های ضد عفونی سازی مناطق و عرصه‌های شهری برای جلوگیری از شیوع بیشتر بیماری، حرکت زیبای ائمه جمعه بوشهر، تبریز و برخی شهرها در اختصاص وقتی در حاشیه برگزاری نماز جمعه برای دیدار عمومی مردم و مسئولین، اعطای پول به کارگران بیکار شده از کرونا توسط امام جمعه ایرانشهر، تجمعات افراد در مقابل ساختمان تجاری آدینه در رشت و برخی نارضایتی‌ها در بندرعباس، تشکیل قرارگاه‌های مواسات و همدلی در شهرهای مختلف با هدایت ائمه جمعه، تصویر خدمت رسانی امام جمعه سابق خرمشهر و امام جمعه کنونی اهواز حاج آقای موسوی در جوشکاری لوله‌های انتقال آب و بسیاری موارد روشن، تاریک و خاکستری از کارگزاران و نمایندگان نهاد جمعه در اقصی نقاط کشور عزیز که قابل بیان است.

این فعالیت‌ها و این تأثیرگذاری‌های سیاسی اجتماعی ما را بر آن می‌دارد تا با نگاهی تاریخی، کمی بیشتر با سابقه این نهاد چند بعدی آشنا شویم و به آسیب شناسی آن و در نهایت تقویت آن کمک نماییم.

نهاد جمعه؛ مستمسک مشروعیت و مقوم مقبولیت حکام

نماز جمعه بر اساس آیه نهم سوره مبارکه جمعه که در سال دوازدهم بعثت بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد واجب گردید. در زمان خلفا و حکومت‌های اموی و عباسی نیز این پدیده دنبال شده است و مورد استفاده و بهره‌برداری حکام قرار می‌گرفت کما اینکه حکام و امرای نواحی برای مشروعیت خود «خطبه را به نام خلیفه می‌خواندند» و از این طریق قوام و دوام حکومت خویش را

می‌جستند. در طول تاریخ اسلام و حتی در جوامع بعد از دوران ائمه، اقامه نماز جمعه همواره مورد توجه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بوده است.

در ایران از دوران حکومت شیعی صفوی نماز جمعه به صورت منسجم و امامت جمعه به عنوان یک منصب حکومتی در آمد و در حکومت‌های بعد از صفویه نیز با اندکی افول اقامه می‌شده است. نحوه انتخاب امام جمعه به این صورت بود که امامت هر شهر را شیخ الاسلام (بالاترین منصب دینی شیعی در دوره صفوی تا دوره پهلوی) آن شهر برعهده می‌گرفت.

امامت جمعه در هنگامه حکومت قاجارها هم چون دوره صفوی، منصبی حکومتی به شمار می‌رفت. در اواخر دوره قاجار، برخی امامان جمعه که از علمای بلاد به شمار می‌رفتند در برابر مشروطه‌خواهان - که به نظر می‌رسید آلت دست روشن‌فکران غرب‌زده شده‌اند - قرار گرفتند.

در دوره پهلوی امامان جمعه، به‌ویژه در شهرهایی مانند تهران، چون ارتباط رسمی با حکومت داشتند، غالباً از مقبولیت مردمی برخوردار نبودند و اقامه نماز جمعه نیز چندان رونق نداشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله در بیان خاطره‌ای ائمه جمعه در زمان پهلوی را به دو دسته امام جمعه منصوب طاغوت و غیر آن تقسیم می‌کنند.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی و درهم‌تنیدگی نهاد دین و دولت، نماز جمعه و نهاد جمعه از حکومت اسلامی‌ای که رهبری و زعامت آن در دست افقه فقهای زمان بود بر منهج معصومین علیهم‌السلام و بنا به دستور شارع مقدس در جامعه اسلامی اجرایی و اقامه شد و اولین نماز جمعه به امامت آیت‌الله طالقانی در ۵ مرداد ماه ۵۸ برگزار گردید. به عبارتی با مشروع شدن و رفع شبهات از اسلامی بودن حکومت در جغرافیای اسلام، نماز جمعه پس از قرن‌ها در جایگاه کارکردی خود قرار گرفت و از ثمرات این حکم اسلامی برای اسلام و نه اشخاص و منافع ایشان استفاده شد.

همانطور که مشاهده می‌گردد در تمام دوره‌های تاریخی نماز جمعه و برگزاری آن مورد توجه حکام و حکومت‌ها بوده است، زیرا علاوه بر حکم شارع که بی‌توجهی به آن شایسته نبود، به واسطه بافت اسلامی جامعه و نوع



بازتابی که از حکومت در بین مردم ایجاد می‌نمود به واسطه ماهیت سیاسی عبادی‌اش؛ حکومت‌ها از آن، هم برای مشروعیت بخشی و هم جلب اعتماد مردم و افزایش اعتبار اجتماعی بهره می‌برده‌اند.

در این قسمت سعی می‌شود با عینک بازاریابی سیاسی به نهاد جمعه نگریسته شود و از خلال آن راهکارهایی اجمالی برای تقویت این نهاد عزیز در رخدادهای و ابتلائاتی چون کرونا و غیر آن ارائه گردد. شاید در یک بررسی و مرور بتوان گام‌های زیر را برای ارزیابی نهاد جمعه در نظر گرفت، اما به واسطه عدم کاربست الگوی بازاریابی سیاسی در این نهاد و نیاز به عملیاتی شدن گام‌ها جهت ارزیابی درست، در این پژوهش تنها به بخشی از موارد پرداخته می‌شود.

۱- شناخت محصول

۲- تحقیقات اجتماعی و شناخت جامعه هدف؛ شناخت تصورات، توقعات و بینش‌ها

۳- طراحی و تنظیم و تعدیل محصول فعلی در چارچوب شرع

۴- بخش‌بندی در راستای انجام وظایف محوله

۵- کنش مطابق برنامه‌های طراحی شده (عملیات)

۶- استمرار چرخه بازاریابی سیاسی

نهاد جمعه؛ محصول سیاسی به مثابه عرضه کننده محصول سیاسی!

۱- نهاد جمعه محصولی تنیده از نهاد دین و دولت اسلامی

محصول چیست؟ وقتی از محصول بودن نهاد جمعه می‌نویسیم از چه ماهیتی بحث می‌کنیم؟ بازاریابی سیاسی دانشی است که درصدد است بین عرضه کننده و طالب محصول سیاسی ارتباط برقرار نماید و از رهگذر این ارتباط، مصالح هر دو را تأمین نماید. در بازاریابی سیاسی انتخابات، محصول به یک معنا در نامزد انتخاباتی مصداق می‌یابد. اما با نگاه بازاریابی سیاسی دولت - که در پی افزایش توفیق دولت اسلامی در رسیدن به اهدافش از طریق تقویت بدنه مردمی‌اش است - محصول سیاسی می‌تواند موارد زیادی



را شامل بشود؛ به عبارتی اگر هویت نظام سیاسی در جامعه ایرانی که متشکل از جزء به جزء مردم و آحاد جامعه است - امت اسلامی - و مسئولین به عنوان خواص و شاخص‌های این مردم، بازتاب‌دهنده این محصول هستند، نهاد جمعه به واسطه قرار گرفتن در زیرمجموعه ولایت فقیه، خودش یک محصول سیاسی است که تنیده و زاییده از نظام سیاسی و حکومت است و از سویی مستخرج و برآمده از نهاد روحانیت، مرجعیت و نهاد دین است که در بیانات رهبری به این ریشه قوی چنین اشاره می‌شود: «ما اگر آن ریشه تاریخی را نداشتیم مردم آن محبت و اعتماد را به ما نداشتند و به اشاره روحانیت حرکت نمی‌کردند، به طوری که بیایند و جان و فرزندانشان را در راهی قربانی کنند مگر آسان است؟ ... ایمان مردم به روحانیت ناشی از سابقه طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تاثیر آن‌ها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم»^۱

۲- محصولی مقوم هر دو ماهیت (ابر محصول)

این محصول علاوه بر اینکه اعتبار خودش را از دو نهاد فوق ارتزاق می‌نماید، می‌تواند به قوام و یا تضعیف این دو نیز بیانجامد و آفات یا ثمراتی را برایشان به بار آورد. از این رو ائمه جمعه خود هم به مثابه محصول سیاسی است و هم به مثابه محمل و عرضه‌کننده محصول سیاسی‌ای به نام نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانی دارند: «امروز چشم مردم به شماست. امروز امید و تکیه معنوی مردم به روحانیت است. بزرگ‌ترین مظهر عمومی روحانیت در همه‌جای کشور، ائمه‌ی جمعه هستند. البته در حوزه‌های علمیه و مراکز علمی، اساتید و مراجع هستند؛ اما مخصوص بعضی از نقاط کشورند. آن چیزی که در همه‌جای کشور عمومیت دارد، امامت جمعه است. امامت جمعه، هم نمایندگی از کل روحانیت، و هم نمایندگی از نظام است؛ چون نظام هم نظام اسلامی است»^۲. شناخت این رابطه دوسویه و پرداختن به آن اولین گام برای بهبود عملکرد و در نتیجه بهبود ارتباط و در نهایت ترمیم و تنظیم محصول سیاسی است.



۱- بیانات در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۸

۲- بیانات در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۷۰

۳- ائمه جمعه؛ حزب الله ولی فقیه و نهاد واسط

امام جمعه، حلقه‌ی وصلی میان مردم و حاکمیت است. نماز جمعه و امام جمعه نه حکومتی محض و نه مدنی محض است. یعنی یک چیز بین حاکمیت و مردم. مطالب مردم را می‌گیرد و به حاکمیت می‌رساند و مطالب حاکمیت را می‌گیرد و به مردم می‌رساند؛ از این رو، امام جمعه انتقاد می‌کند.

از نظر قانونی نهاد نماز جمعه و یا امام جمعه مسئولیتی در نهادها ندارد. بیش تر نفوذ ائمه‌ی جمعه و روحانیان از طریق مردم و هدایت‌های مردمی است و نفوذی که در افکار عمومی دارند. البته امام جمعه این ویژگی را دارد که منتسب به رهبری و تشکیلات رهبری است. تبعاً مسئولان نظرات او را در نظر می‌گیرند.

۴- شئون مختلف کارکردی ائمه جمعه

به طور خلاصه این موارد در چهار دسته هدایت دینی و معنوی، کارکرد سیاسی، مدیریت بحران و کارکرد رسانه‌ای قابلیت بررسی دارد که در ایام کرونا تمام این موارد قابلیت بهره‌برداری داشته است. با تأملی در ماهیت و عملکرد گذشته این نهاد و بررسی مواردی که ملکان در کتابش بیان می‌کند، شاید بتوان اهم کارکردهای این نهاد را بدین گونه احصاء نمود:

جدول ۱: کارکردهای نهاد نماز جمعه

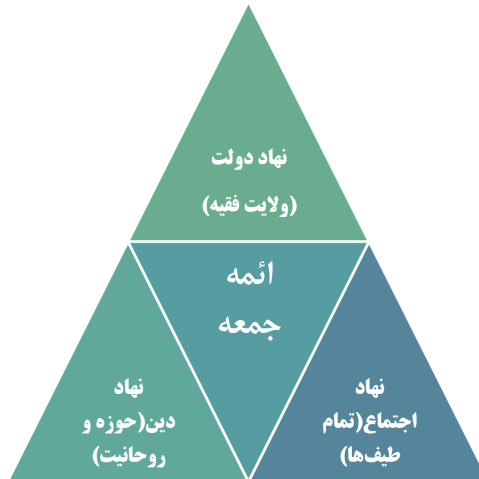
کارکردهای نهاد نماز جمعه	
ارشاد و هدایت مردم	نماینده‌گی از جانب کل روحانیت
پاسداری از فرهنگ اسلام؛ اماناء الرسل و حصون الاسلام	فرهنگ‌سازی در جامعه . سنگر مبارزه با تهاجم فرهنگی
پاسخ‌گویی به شبهات معاندین و جلوگیری از انحراف	تحکیم وحدت و وفای ملی
تعلیم معارف و احکام	نقش سازنده در بهداشت روانی جامعه
تربیت و تزکیه مردم	نقش قضائی و حل دعاوی

احیای سنت‌های اسلامی؛ وقف، کمک به محرومان و...	بسیج ملی و ترویج روحیه ایثار و فداکاری
انجام وظیفه بخشی از دستگاه رهبری	مدیریت بحران از راه به صحنه کشاندن مردم
تمشیت مسائل و مشکلات روزمره ضعیف	مسئول طلاب میهمان و روحانیون مبلغ در ایام خاص سال
نمایندگان رهبر انقلاب	رئیس شورای فرهنگی عمومی هر شهر و منطقه
ریش سفید و بزرگ شهر (پدر شهر در حل اختلافات و دعاوی و...)	مسئولیت حوزه‌های علمیه کشور در شهرهای گوناگون (شاید اگر گفته شود اکثر ائمه جمعه در فعالیت‌های حوزوی به‌عنوان مدیر یا مدرس، نقش دارند، گزاره گزافی گفته نشده است).

«این شبکه مهم، در عین حالی که مردمی، اسلامی، حکومتی و سیاسی است، اما داخل در جناح‌بندی‌های گوناگون مردم و جناح‌های سیاسی نیست».^۱ بنابراین سه ضلع هویت‌بخش ائمه جمعه که می‌تواند این محصول را بهتر بشناساند عبارت است از، نهاد جامعه، نهاد دولت و نهاد دین. نکته مهم در بررسی و بازشناسی این محصول سیاسی که در اینجا بایستی ذکر گردد مکمل بودن دو محصول فردی و جمعی ائمه جمعه است؛ به عبارتی فارغ از آنکه هر یک از این افراد در حوزه‌های خود به کنش می‌پردازند و تأثیرگذار هستند در مقیاس ملی نیز این اثرگذاری وجود دارد از سویی تصویر و کنش ائمه جمعه (نهاد) نیز علاوه بر برد و مقیاس ملی در سطوح محلی نیز مؤثر است. آگاهی از این موضوع در نوع برنامه‌ریزی‌های کمپین دائمی و بخش‌بندی‌ها و عملیات بسیار حیاتی و اثرگذار است.



شکل ۱: عناصر هویتی سه گانه ائمه جمعه



طراحی، تنظیم و ترمیم محصول

حال که با نگاهی کلی (نه صرفاً ناظر به کرونا) ابعاد مختلف محصول را البته با نگاهی کیفی و به دور از افکارسنجی‌های دقیق و نمونه‌گیری‌های مرسوم شناختیم، ناظر به کرونا گام‌های تعیین استراتژی و اجرا و عملیات از سوی این نهاد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در یک نگاه کلان می‌توان این داوری منصفانه را داشت که نهاد جمعه ناظر به ابتلاء کرونا خاموش نبوده و فعالیت‌های قابل توجهی نیز به انجام رسانده است و از این رو در داوری کیفی می‌توان این‌طور بیان کرد که مردم و افکار عمومی شاهد فعالیت‌ها و زحمات این طیف در چند زمینه از جمله رزمایش مواسات، کفن و دفن افراد مبتلا به کرونا، ضد عفونی‌سازی معابر و ... را شاهد بودند و ادراک کرده‌اند. برای تنظیم و تعدیل محصول یک راه انتخاب درست محصول است که شاید پرداختن به آن از حد این نوشتار خارج باشد، اما یک راه دیگر و فوری بهبود عملکردی و در نتیجه بهبود ماهیت واقعی و نمود تصویری عناصر این نهاد است. در پدیده کرونا، نهاد جمعه کدام راهبرد و عملکرد را انتخاب کرد؟ این انتخاب چه میزان در ترمیم خود محصول و تقویت محصول بالادستی موفقیت آمیز بود؟

۱- طراحی محصول

از مراحل مقدماتی در فرایند بازاریابی سیاسی این است که کسی یا فردی یا نامزدی را که می‌خواهید مورد سرمایه‌گذاری خود قرار دهید و بر روی او کار نمایید یا به اصطلاح گل‌زن خودتان را طبق موازین و شایستگی‌ها و صلاحیت‌هایی انتخاب نمایید. شاید ویژگی‌هایی چون ققاهت عدالت، سلامت اخلاق، هوش و توان تحلیل سیاسی و بسیاری ویژگی‌های دیگر که در بیانات رهبر انقلاب با مسئولین شورای سیاست‌گذاری آمده است بتواند نهاد جمعه را در طراحی محصول یاری نماید.

اما سؤال بعدی آن است که محصولات و کاراکترهای کنونی چگونه به مرحله و آستانه مسئولیت نهاد جمعه می‌رسند؟ باید گفت محصول فعلی دست‌پخت و حاصل حوزه‌های علمیه هستند. به عبارتی نهاد خاصی که بخواهد بر روی افراد کار تربیتی کند و آن‌ها را آماده نماید وجود ندارد. مبحث تربیت و آموزش ائمه جمعه دیرزمانی است که از سوی حجت‌الاسلام تقوی (ریاست پیشین نهاد جمعه) پی‌گیری می‌شد اما به‌جایی نرسید. این عدم موفقیت که به نظر می‌رسد بازتابی از آن گسستی باشد که بین نهاد دین و حکومت اسلامی (به‌صورت خواسته و یا ناخودآگاه) وجود داشته باعث شده نهاد جمعه از حیث طراحی محصول با مشکل و ایراد مواجه باشد. به عبارتی امکان طراحی محصول به‌صورت حرفه‌ای و کارآمد وجود ندارد؛ البته ممکن است با جلسات و اصلاحات و ترمیم‌ها برخی خلاها را در این زمینه حل نمود. اما پس از طراحی محصول، گام بعدی پس از تحقیقات و شناخت عرصه اجتماعی (بازار سیاست و اجتماع)، تنظیم و تعدیل محصول است که در گرو راهبردها، طراحی عملیات و خدمات خاص این نهاد در مقام عمل و زیست است.

۲- راهبرد و کارویژه اصلی نهاد جمعه در دوره کرونا

اولین گام رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور ۲۴ فروردین ۹۹ در این راستا اعلان شد: «ائمه جمعه، پرچم‌دار رزمایش «مواسات» در کشور باشند. حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبری با تأکید بر اینکه مهم این است، امام جمعه در راستای انسجام و تجمیع و توزیع کمک‌های مردمی در



راستای مقابله با کرونا فرماندهی میدان را داشته باشد، خطاب به آنها گفت: قرارگاه تشکیل دهید، تلاش کنید کمک‌ها به اهل آن برسد و همچنین ارتباط بین بخش‌های دولتی و مردمی را سامان داده و تقویت کنید؛ زیرا این‌ها توقعاتی است که از امام‌جمعه می‌رود.» این بخش از مطالبات و سخنان آقای حاج‌علی‌اکبری شاید به‌نوعی مهم‌ترین عبارات منتشرشده در حوزه نهادی جمعه باشد. اما نکته قابل تأمل آماده نبودن ائمه جمعه و ساختار و بدنه این نهاد برای چنین بحران‌هایی است. هرچند در برخی حوزه‌ها و کانون‌های برگزاری جمعه، عملکردها در راستای این موضوع مثبت و چشمگیر بود، اما راهبرد طراحی شده به‌واسطه ماهیت محصول بایستی ناظر به تمام حوزه‌ها و ائمه در نظر گرفته می‌شد. از اینجا این سؤال خود را نمایان می‌نماید: «مهم‌ترین نقطه اثرگذاری نهاد جمعه چیست که با هویت و حیات آن پیوند خورده است؟»

۳- چهار مؤلفه حیاتی محصول در نهاد جمعه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌عزله در بیان‌اتشان در حضور ائمه جمعه سراسر کشور^۱ چهار مؤلفه مهم را مطرح می‌نمایند که شاید به نوعی آنها را راهبردهای کلان این نهاد در راستای بهبود عملکرد و تسهیل حصول نتایج مثبت آن در نظر گرفت. این موارد بدین شرح است:

شکل ۲: مؤلفه‌های راهبردی امامت جمعه



۴- هدایت؛ دالِ محوریِ امامت

با نگاهی به عبارات بالا و دقت در مفهوم امام و امت و بازنگری در مفهوم امام‌جمعه که مهم‌ترین شأنش نیابت امام‌المسلمین در اقصی نقاط دولت اسلامی است، اگر بخواهیم ناظر به کرونا برای ترمیم و تنظیم محصول (در اینجا، ائمه جمعه) ابراز نظر کنیم، به نظر می‌رسد اولین و اساسی‌ترین اقدام ائمه جمعه بایستی تفهیم پدیده در جریان، به مثابه «ابتلاء» می‌بود. این تفهیم که ذیل کارکرد هدایت معنوی، دینی و جلوگیری از انحراف و... است تا حد زیادی مثل نهاد حوزه علمیه که در طول نهاد جمعه قرار دارد، وانهاده شد. در حالی که کارویژه اصلی دین و نهاد دین و دولت دینی هدایت مردم به صراط مستقیم است، ضمن تلاش‌های جانبی در این اتفاق، غلبه کار با مواسات و البته غالباً کمک‌های معیشتی بود. نکته قابل توجه در این داوری، کنار هم گذاشتن کار ویژه‌های دائمی تأکید شده رهبر انقلاب برای ائمه جمعه در طول سالیان متمادی و فرمان رزمایش مواسات است که به هیچ‌عنوان نافی یکدیگر نیستند و در این رزمایش بایستی کلیه امور و دستورات به شکل



رزمایش قوت و تأثیر دوچندان می‌یافت.

کرونا به عنوان شرایط خاص و دشوار این فرصت را می‌توانست (و همچنان می‌تواند) برای ائمه جمعه فراهم نماید تا با ترویج آموزه‌های دینی، هدایت افکار عمومی، پاسخ‌گویی به شبهات و ترویج همدلی خود را برپندینگ کرده و با پوست‌اندازی و اصلاحاتی که در چند سال گذشته در این نهاد اتفاق افتاده، آمادگی خدمت‌رسانی و هدایتگری خود را بزرنگاه کرونا را به اثبات رسانده و برای خود و نظام اعتبار و اعتماد فراهم نماید چرا که اعتبار و اعتماد دو سرمایه تجدیدپذیر و ضروری برای هر نهادی و به شکل اولی نهاد جمعه هستند.

بخش‌بندی اجتماع هدف در راستای وظایف محوله

اگر کرونا را به مثابه عامل مؤثر در جسم و روح افراد در نظر بگیریم که برای هر شخص می‌تواند علائم و عوارض خاص بالینی و روحی را رقم بزند، طبیعتاً نمی‌توان از نسخه‌ای واحد برای آحاد مردم استفاده نمود. بخش‌بندی و دسته‌دسته کردن جمعیت هدف باعث تشخیص بهتر نیازها و پاسخگویی صحیح به خواسته‌های ایشان می‌شود. در بازاریابی سیاسی انواع بخش‌بندی‌های جغرافیایی، جمعیتی، روان‌کاوانه، اجتماعی و ... ارائه و معرفی می‌گردد. شاید با نگاهی تحلیلی بتوان نیازهای فکری، روحی - روانی، اقتصادی - معیشتی و ... را در بازه‌های سنی نوجوانان و جوانان، افراد میان‌سال و سالخوردگان مورد تطبیق قرار داد و از این رهگذر بتوان با نیازسنجی دقیق و تقسیم افراد، برای هر دسته فکر و اقدامی متناسب انجام داد و نه صرفاً یک نسخه معیشتی برای همه آحاد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این موضوع، تبیین این نکته بود که ائمه جمعه در رفتارها و کنش‌های خود در وقایع و رخدادها رویکرد بازاریابی سیاسی دولت را به کار ببندد و یا حداقل در کنار ملاحظات دیگر، این نگاه و منظر را هم در نظر داشته باشند. در بازاریابی سیاسی دولت گام‌ها و مراحل قابل احصاء بود که اولین آن‌ها شناخت محصول بود. اینکه محصول سیاسی فعلی چه خصایصی

دارد به واسطه ابلاغ ویژگی‌ها و هنجارهای آن از سوی شارع مقدس فارغ از تحقیقات بازار اهمیت می‌یابد. نکته دیگری که بازاریابی سیاسی برای ائمه جمعه ارائه پیشنهاد می‌کند استفاده از تحقیقات و شناخت عرصه‌های مرتبط است که در بیانات حضرت آقا هم آمده است که بایستی نسبت به خواست مخاطبان در سخنرانی‌ها و مواضع ملاحظه کرد و رعایت نمود. در وضعیت کرونایی یک نوع از هم‌گسیختگی بین شهرها مشهود بود و هماهنگی قابل توجهی در پاسخ به نیازهای بازار ادراک نشد. در فرایند ترمیم و تنظیم محصول، مهم‌ترین استراتژی پیشنهادی واقعی شدن و واقعی نمودن عملکردها و کاراکترهای نهاد جمعه است چرا که امام جمعه در یک فرایند طولانی مدت و مسامحتاً دائمی در کنار مخاطبین حاضر است و بدون تحقق و ارائه ارزش‌ها نمی‌تواند به حفظ حامیان موجود و افزایش شان مبادرت ورزد. نکته بعدی دوری از پوپولیسم است، چرا که ائمه جمعه اگر شرط پیش گفته را خوب ادا کنند برای جلب همراهی و حمایت افراد به چیز بیشتری نیاز پیدا نمی‌کنند. نسخه سوم، تعمیق مردمی بودن ایشان است اقدامی که در تهران و تبریز مورد استقبال قرار گرفت.

در خصوص آسیب‌ها نیز باید گفت برخی موارد، آسیب‌های انباشته شده از خلال زمان است که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به دوران کرونا نسبت داد. به عبارتی از حیث مواضع سیاسی، همراهی با مردم، هدایت دینی مردم، این نهاد پیش از این نیز دچار نقایصی بوده است و در این دوران کرونا هم ادامه پیدا کرد. نکته دیگر ماهیت متفاوت این بحران بوده است که نماز جمعه که محل ارتباط مردم با امام جمعه است مورد خدشه وارد شد و ارتباط بین امام و مردم حاصل نشد و از این طریق ارتباط مؤثر برقرار نشد؛ اما ملاحظه اساسی نهاد جمعه آنجا است که این نهاد و عواملش خود را تنها در گیر دو ساعت در روز جمعه نبینند (که البته تا حد زیادی این چنین نیست) و باقی ایام هفته نهاد جمعه به واسطه شئون مختلفی که برایشان ذکر شد و وظایف و مسئولیت‌های مختلفشان بایستی در جهت انجام مراحل و گام‌های گفته شده اقدامات لازم را به انجام برسانند.



تاب‌آوری ملی و بحران کرونا

محمد امین ذبیحی

پژوهشگر هسته «بازاریابی سیاسی» مرکز رشد

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق (ع)

یک سیستم اعم از کسب و کار، دولت، انسان و ... همواره در معرض خطرهای گوناگونی قرار دارد. با توجه به خطرات به وجود آمده می‌توان آسیب‌پذیری را یک تابع از سه فاکتور دانست^۱:

۱- تاب‌آوری (resistance): توانایی مقاومت در برابر تغییر به دلیل یک رویداد خطر

۲- انعطاف‌پذیری (resilience): بازگشت به حالت اولیه و اصلی در اثر مواجهه با یک حادثه

۳- حساسیت (susceptibility): بودن در حالت فیزیکی کنونی، بدون در نظر گرفتن تغییرات زمانی

در این یادداشت ما به بررسی مختصری از تاب‌آوری یعنی فاکتور اول شاخص‌پذیری می‌پردازیم.

۱- Klein RJT, Nicholls RJ, ۱۹۹۹, Assessment of coastal vulnerability to climate change. Ambi, pp. ۱۸۷-۱۸۲

تعریف و تاریخچه تاب‌آوری

تاب‌آوری در یک سیستم، به معنای آن است که بتواند کارکردهای خود را با وجود نوسانات محیطی انجام دهد؛^۱ این جمله به این معناست که می‌توان برای انسان، سازمان، شرکت، ملت، کشور، جنبش اجتماعی و ... تاب‌آوری تعریف کرد و تاب‌آوری آن‌ها را سنجید. تاب‌آوری در چهار دهه گذشته به نحو وسیعی توسط رشته‌های گوناگون علمی به کار گرفته شده است.^۲ برای اولین بار و بیش از ۴۰ سال پیش واژه تاب‌آوری در ادبیات روان‌شناسی با تأکید بر تاب‌آوری فردی مطرح شد. تاب‌آوری ظرفیت تحمل شوک‌ها و بازگشت به حالت اول به شکل کارکردی یا دست‌کم، مقاومت کافی در جلوگیری از شکستن یا حتی فروپاشی سیستم‌ها است. از این رو، تاب‌آوری بی‌شک کالایی عمومی است. تاب‌آوری در سطح ملی به معنای فرایند جذب ناملایمات یا سازگاری با تغییرات حاصل از تهدیدات محیطی است.^۳

علاوه بر روان‌شناسی، کاربرد این واژه را می‌توان در علوم سیاسی، مدیریت بازرگانی، جامعه‌شناسی، تاریخ، مدیریت و برنامه‌ریزی بحران، برنامه‌ریزی شهری و توسعه بین‌الملل یافت. این استفاده مشترک هرگز به معنای یکسانی مفهوم یا پشتوانه نظری مربوطه به آن نیست. کاربردهای گوناگون، روش‌ها و روش‌شناسی‌های متفاوتی دارد. کاربرد این مفهوم، به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸، در اقتصاد بیشتر شده است. به گونه‌ای که مجمع جهانی اقتصاد در پیوست سند گزارش مخاطرات جهانی ۲۰۱۳، گزارش ویژه‌ای با عنوان ایجاد تاب‌آوری ملی در برابر مخاطره‌های جهانی منتشر کرده است.^۴



۱ - ردادی، علی؛ نجفی فراشاه، سید علی محمد؛ آذرفر، امیر، ۱۳۹۵. الگوسازی روابط ساختاری و پیش‌نیازی مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری - تفسیری (ISM). مطالعات راهبردی بسیج ۳۱-۵۵.

۲ - همان

۳ - مولوی، زینب؛ طهماسبی، رضا؛ دانایی فرد، حسن؛ حمیدی‌زاده، علی، ۱۳۹۸. بوروکراسی هراسی و ادراک از تاب‌آوری ملی. مدیریت سازمان‌های دولتی ۸۳-۹۶.

۴ - ردادی، علی؛ نجفی فراشاه، سید علی محمد؛ آذرفر، امیر، ۱۳۹۵. الگوسازی روابط ساختاری و پیش‌نیازی مفاهیم سازنده اقتصاد مقاومتی با استفاده از رویکرد ساختاری - تفسیری (ISM). مطالعات راهبردی بسیج ۳۱-۵۵.

سطوح تاب آوری

تاب آوری در سطوح مختلف در متون نظری مطرح شده است. تاب آوری فردی، تاب آوری سازمانی، تاب آوری اجتماعی و تاب آوری ملی که در مورد اخیر معمولاً با عنوان تاب آوری اجتماعی در نظر گرفته شده است. برخی پژوهش‌ها نیز سطوح چند گانه فردی، اجتماعی، نهادی، ملی و منطقه‌ای را برای تاب آوری معرفی کرده‌اند.^۱

مفهوم تاب آوری ملی

یک سیستم اجتماعی، هنگامی تاب آور است که بتواند شوک‌های موقت یا دائم را جذب کرده و خود را به سرعت با شرایط در حال تغییر وفق دهد، بدون اینکه ثبات خود را از دست دهد. تاب آوری اجتماعی، صرفاً قوی کردن عوامل قبل از حادثه نیست. تاب آوری اجتماعی، به توانایی مردم که خلاقانه یک آینده جدید را تصور کنند و سپس گام‌های لازم را جهت آینده مطلوب بردارند، متکی است.^۲ درواقع تاب آوری ملی مانند این است که یک فرد وارد زمین مسابقه بوکس شود و بتواند در برابر هر ضربه تاب آور باشد و مقاومت کند و خود را به حالت اولیه بازگرداند. مفهوم تاب آوری ملی، پایداری و قوت جامعه در حوزه‌های مختلف را نشان می‌دهد.

تاب آوری ملی را می‌توان این گونه تعریف کرد: توانایی کشورها، جوامع و خانوارها برای مدیریت تغییر، با حفظ یا تبدیل استانداردهای زندگی در برابر شوک‌ها یا تنش‌هایی مانند زلزله، خشکسالی، بیماری یا درگیری‌های خشونت‌بار، بدون به خطر انداختن چشم‌انداز بلندمدت.^۳

عوامل اثرگذار بر تاب آوری ملی

گاهی اوقات تاب آوری بر هویت‌های فردی و گاهی بر سیستم‌ها متمرکز

۱ - مولوی، زینب؛ طهماسبی، رضا؛ دانایی فرد، حسن؛ حمیدی زاده، علی، ۱۳۹۸. بوروکراسی هراسی و ادراک از تاب آوری ملی. مدیریت سازمان‌های دولتی ۸۳-۹۶.

۲ - کشتکار هرانکی، مهران؛ دهقان، سعید؛ (۱۳۹۷). الگوی مفهومی نوآوری اجتماعی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت. مجلس و راهبرد، ۳۹-۶۸.

3- Weichselgartner, J. &. (۲۰۱۵). Geographies of resilience: Challenges and opportunities of a descriptive concept. Progress in Human Geography, ۲۴۹-۲۶۷.

است.^۱ به عبارت دیگر زمانی که بخواهیم تاب‌آوری ملی را بررسی کنیم باید عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی را بررسی کنیم. در عوامل جامعه‌شناختی در واقع به نهادها، قوانین، سازمان‌ها و تأثیرات محیط بر تاب‌آوری مردم یک جامعه پرداخته می‌شود و در عوامل روان‌شناختی به ویژگی‌های فردی و روحیات شخص پرداخته می‌شود. در مورد رفتار عمومی در تحلیل هر دو عامل باید یک نکته را مد نظر قرار دهیم و آن نکته این است که رفتارهای فردی و تاب‌آوری فردی لزوماً به تاب‌آوری اجتماعی نمی‌انجامد و رفتار افراد در جامعه می‌تواند متفاوت از رفتار فردی آن‌ها باشد به عنوان مثال ممکن است افراد تاب‌آور نباشند ولی تحت تأثیر جامعه یک رفتار تاب‌آور را می‌سازند و تشکیل یک اجتماع تاب‌آور را می‌دهند و این نکته به معنای در هم تنیدگی و پیوستگی زیاد عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است.

عوامل روان‌شناختی مؤثر بر تاب‌آوری

ظرفیت روانی افراد یک جامعه برای تاب‌آوری در برابر محرک‌های ناکام ساز، عوامل برانگیزاننده ترس و وحشت و عوامل فشارزای اجتماعی محدود است. به همین سبب، زمانی که آنان برای مدت‌زمان خاصی در معرض و آماج عوامل تهدیدآمیز قرار گیرند، با علائمی نظیر نشر شایعه، کم‌کاری یا عدم مشارکت در امور جامعه، از خود واکنش نشان می‌دهند. این نوع واکنش‌ها اغلب کم‌دامنه و غیرمخرب است. اما زمانی که دامنه تهدیدها و فشارها فزونی یابد، واکنش‌های گسترده‌تر و شدیدتری از افراد جامعه سر می‌زند. آنان ممکن است برای از میان راندن فشارآورها، مبادرت به اقدامات و واکنش‌های مختلف اجتماعی، نظیر تحصن، راهپیمایی، تظاهرات و مانند آن بنمایند. اما زمانی که شدت فشارها از حد آستانه نهایی فراتر رود، واکنش‌های آنان از لحاظ کمی و کیفی متفاوت از واکنش‌های دو مرحله قبل خواهد بود. در این مرحله، آنان یا دچار سرخوردگی، درماندگی و یاس شدید می‌شوند و یا واکنش‌های بسیار شدید، تکانشی و غیرقابل کنترل از خود بروز می‌دهند.^۲



۱- Welsh, m. (۲۰۱۳). Resilience and responsibility: Governing uncertainty in a complex world. The Geographical Journal.

۲- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۷)، ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آستانه‌ی تحمل مردم، مطالعات راهبردی بسیج ۲۵-۵۰.

از جمله عوامل روان‌شناختی مؤثر بر تاب‌آوری ملی را می‌توان این‌گونه شمرد: ۱- شخصیت مقاوم ورز ۲- احساس تعهد ۳- احساس کنترل بر زندگی ۴- احساس مبارزه‌طلبی ۵- اعتقاد به دین، خدا^۱ ۶- احساس عزت نفس در افراد: این افراد از لحاظ روانی احساس رضایت از برقراری ارتباط با دیگران دارند و القای این نکته در ذهن آن‌ها وجود دارد که معتقدند همه افراد جامعه دارای ویژگی‌های برتر و منحصر به فردی هستند و برای آن‌ها احترام قائل‌اند و همچنین احساس توانمندی در استفاده از منابع درونی برای رفع مشکلات دارند. همچنین افرادی که عزت نفس دارند، الگوهایی برای خودشان در جامعه دارند و همواره احساس می‌کنند که افرادی هستند که می‌توانند از آن‌ها پیروی کنند.^۲ ۷- نوع شناخت اجتماعی: نحوه تفکر افراد درباره خودشان و دنیای اجتماعی، به‌ویژه نحوه انتخاب کردن، تفسیر، یادآوری و استفاده کردن از اطلاعات اجتماعی برای قضاوت و تصمیم‌گیری؛ که عوامل متعددی در اثرگذاری بر شناخت اجتماعی آن‌ها می‌تواند شمرد.^۳ ۸- شیوه یادگیری اجتماعی: یکی از راه‌های ایجاد نگرش در ما، از طریق فرایند یادگیری اجتماعی است. به عبارت دیگر، بسیاری از دیدگاه‌های ما در موقعیت‌هایی کسب می‌شوند که در آن‌ها ما با دیگران در تعامل هستیم یا صرفاً رفتار آن‌ها را مشاهده می‌کنیم.^۴

عوامل جامعه‌شناختی تاب‌آوری ملی

به هر حال باید دانست که ساده‌انگارانه خواهد بود اگر تاب‌آوری را به‌عنوان یک توانایی فطری و زیستی تلقی کنیم. تاب‌آوری بیشتر یک سازه شناختی است که قابل آموزش و مداخله در جهت ارتقا است.^۵ در واقع هر فرد با توانی برای رشد و پرورش تاب‌آوری به دنیا می‌آید، اما این میزان تحت تأثیر

۱ - همان.

۲ - همان.

۳ - لیوت آرونسون، تیموتی ویلسون، رابین آکرت، ساموئل سامرز، (۲۰۱۶). روانشناسی اجتماعی.

۴ - رابرت بارون، دان بیرن، نایلا پرنسکام، (۲۰۰۷) روانشناسی اجتماعی.

۵ - اسکندری، حسین؛ لطفی، علی؛ معتمدی، عبدالله؛ دلاور، علی؛ دهقانی پوده، حسین. (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی تاب‌آوری روانی ملی. علمی-پژوهشی (وزارت علوم)، ۴۵-۶۰.

آموزش‌های محیطی قابل ارتقا خواهد بود. تاب‌آوری اجتماعی، هم توانایی جامعه شامل توانایی جهت توسعه راه‌حل‌های گوناگون برای مسائل پیچیده، توانایی درگیر کردن شبکه‌های مفید و هم درک جامعه از توانایی‌اش جهت تغییر مثبت مؤثر را در برمی‌گیرد. جوامعی که به طور جمعی معتقدند، آن‌ها می‌توانند جامعه را بازسازی کرده و خودشان را در امان نگه‌دارند، بهتر با موانع محیطی برخورد می‌کنند.^۱

از جمله موارد مهم جامعه‌شناختی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **انسجام ملی:** بر اساس تحلیل نظریه دورکهایم، او تأکید می‌کند که رمز بقای جامعه، انسجام آن جامعه است. به باور او، برای آنکه جامعه بتواند به هستی خود ادامه دهد و بتواند از خود در برابر دشمنان دفاع کند، باید اولاً بین نهادهای آن هماهنگی زیادی وجود داشته باشد و ثانیاً بر سر موضوعات مهم اتفاق نظر زیادی بین اکثریت اعضای آن جامعه وجود داشته باشد. از نظر او، وجود تضادهای شدید در جامعه از انسجام عمومی می‌کاهد و در نتیجه، مقاومت مردم جامعه را در برابر دشمنان تقلیل می‌دهد.^۲

راه‌حل‌های افزایش یا حفظ انسجام یک جامعه عبارتست از: ۱- مقابله با گروه‌ها و دسته‌های واگرا و جدایی طلب ۲- برجسته‌سازی دشمن مشترک ۳- اهداف و منافع مشترک ۴- فعالیت مشترک ۵- نشاط مشترک ۶- عامل مذهب ۷- افزایش آگاهی عمومی^۳

۲- **حمایت اجتماعی:** حمایت اجتماعی به‌عنوان سپری در مقابل تهدیدهای زندگی در دنیای پیچیده امروزی عمل می‌کند. نه تنها حمایت اجتماعی طی دوره‌های فشار روانی بسیار یاری‌کننده است، بلکه در موارد آرامش نسبی نیز مفید است. حمایت اجتماعی به ما امنیت و اعتماد به نفس می‌دهد تا رویکردهای دیگر را بسنجیم و مهارت‌های مقابله را کسب کنیم و



۱ - کشتکار هرانکی، مهران؛ دهقان، سعید؛ (۱۳۹۷). الگوی مفهومی نوآوری اجتماعی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت. مجلس و راهبرد، ۳۹-۶۸.

۲ - الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۷)، ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آستانه‌ی تحمل مردم. مطالعات راهبردی بسیج ۲۵-۵۰.

در موقعیت بهتری برای برخورد با محرومیت‌ها و خطرات قرار گیریم.^۱
۳- استحکام سیستم: مفهوم قابلیت اطمینان را در خود دارد و به توانایی جذب و تاب آوردن در مقابل آشفتگی‌ها و بحران‌ها اشاره دارد.

۴- فراوانی سیستم: داشتن ظرفیت اضافی و سیستم‌های پشتیبانی است که در صورت بروز آشفتگی‌ها، امکان حفظ کارکردهای محوری را می‌دهد. فراوانی «زیرساخت‌های حیاتی» و «تنوع راه‌حل‌ها و راهبردها» نمونه‌ای از این ظرفیت‌هاست.

۵- باتدبیر بودن سیستم: به معنی توان سازگاری با بحران، انعطاف در پاسخ‌دهی و در صورت امکان تبدیل پیامدهای منفی به پیامدهای مثبت است. «ظرفیت خودسازماندهی» و خلاقیت و نوآوری نمونه‌ای از ویژگی‌های باتدبیر بودن است.

۶- واکنش: توانایی بسیج کردن نیروها در برابر بحران، واکنش نامیده می‌شود. مشارکت فراگیر، مصداق بارز این مؤلفه است.^۲

۷- بازیابی: توانایی برگرداندن سیستم به کارکرد طبیعی خود پس از یک بحران یا حادثه را بازیابی می‌گویند. از جمله توانایی سیستم برای تاب‌آوری، انطباق‌پذیری و نیز تکامل تدریجی برای تعامل با محیط جدید با تغییر یافته است.

۸- نوآوری اجتماعی: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نوآوری اجتماعی آن است که به مردم کمک می‌کند تا فرایند سازگاری یا تحول سیستم‌های اجتماعی را درک کنند. به عنوان نمونه نظام کارآفرینی نقش‌های متفاوتی را در نقاط مختلف چرخه نوآوری بازی می‌کند، با این حال تمام این نقش‌ها، به دنبال یافتن فرصت‌ها برای سیستم اجتماعی هستند. فرصت‌ها معمولاً در شرایطی مانند تغییرات سیاسی، بحران‌های اقتصادی، تحولات و جابه‌جایی فرهنگی ایجاد می‌شوند.

۹- حکمرانی خوب: حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های

۱ - همان

۲ - کشتکار هرانکی، مهران؛ دهقان، سعید (۱۳۹۷). الگوی مفهومی نوآوری اجتماعی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت. مجلس و راهبرد، ۳۹-۶۸.

پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. این تمرین در برگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند.

۱۰- توسعه اجتماعی: توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی پروسه توسعه و بیانگر سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقاء کیفیت انسان‌ها است. توسعه اجتماعی بر دو شاخص «سلامت» و «تحصیلات» تأکید ویژه دارد. جامعه‌ای که از سلامت و تحصیلات برخوردار است به راحتی در مواجهه با شوک‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد. درواقع سرمایه انسانی کارآمد قدرت انعطاف‌پذیری که از ارکان تاب‌آوری است را به ارمغان می‌آورد.^۱

۱۱- نگرش افکار عمومی: هر نوع بیان نظر در مورد یک شیء یا یک فرد یا یک رویداد که در آن قضاوت و ارزیابی نهفته باشد (مستقل از مثبت یا منفی بودن آن) نگرش نامیده می‌شود.^۲ درواقع نگرش و ادراک مردم، بیانگر اهمیت ایجاد تصویر در بازاریابی سیاسی حاکمیت است که باعث افزایش تاب‌آوری می‌گردد.

و موارد دیگری از جمله: اعتماد عمومی به دولت، رهبری، دلبستگی ملی و رضایت ملی، ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازار خرد، کارایی جمعی و مشارکت جمعی که هر کدام نقش تعیین‌کننده در تاب‌آوری ملی ایفا



۱ - طاهرپور، جواد (۱۳۹۷). تاثیرپذیری بهره‌وری نیروی کار از تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی.

علمی-پژوهشی (وزارت علوم) ۱۹۷-۲۲۲.

۲ - رابرت بارون، دان بیرن، نایلا برنسکام، (۲۰۰۷) روانشناسی اجتماعی.

می‌کند.^۱

شاخص‌های تاب‌آوری در بحران کرونا

گذشت زمان و درگیری ۱۷۰ کشور با ویروسی به نام کرونا موجب شده است که هزینه‌های بسیار زیادی از جنس اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، روانی و ... بر جوامع مختلف وارد شود. حال با توجه به شاخص تاب‌آوری، سؤال اصلی این است که یک دولت و جامعه تاب‌آور چه ویژگی‌هایی در برابر این ویروس می‌تواند داشته باشد؟

از بعد روان‌شناختی یک کشور اعم از دولت و مردم که با ویروس کرونا مواجه شدند، هنگامی پشتیبانی می‌شوند که یک شناخت اجتماعی در آن‌ها شکل بگیرد و نگرش‌ها و باورهای آن‌ها را به سمت مقاوم‌ورزی در برابر مشکل به صورت جمعی سوق داده شود و با یادگیری اجتماعی، آن‌ها را به سمت تعهد و کنترل بر زندگی سوق دهد و یک احساس عزت نفس جمعی در افراد برای حل این موضوع پیش آید. در این شناخت و یادگیری اجتماعی، یک مجموعه زمینه‌هایی وجود دارد که باعث تقویت تاب‌آوری می‌گردد. عواملی مانند فرهنگ جمع‌گرایی، اعتقاد به دین و خدا و ... در مقابل برخی نگرش‌ها و باورها مانند مقدم دانستن خود بر دیگران و فرهنگ فردگرایی که موجب وحشی‌گری در رفتار عمومی می‌شود مانند هجوم به فروشگاه‌ها و کاهش دستمال کاغذی و ماسک و ... که تاب‌آوری عمومی را کاهش می‌دهد.

عوامل روان‌شناختی همچنین در مورد تصویر نهادهای دولتی و ایجاد نگرش نسبت به آن‌ها در بین افکار عمومی مؤثر است. تصویر نهادهای دولتی خود یک عامل جامعه‌شناختی است چرا که اگر افکار عمومی نسبت به یک دولت دیدگاه مثبتی داشته باشند و نهادهای بهداشتی را مؤثر بدانند باعث افزایش تاب‌آوری شده و به تبع آن اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و همین عامل نیز به خودی خود اقتدار و انسجام یک دولت در تصمیم‌گیری‌ها را افزایش و به تقویت انسجام ملی می‌انجامد. نکته بعد اعتماد دولت بر استحکام سیستم

۱- سام آرام، عزت‌الله؛ منصوری، سمانه. (۱۳۹۶). تبیین و بررسی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ارزیابی تحلیلی اندازه‌گیری آن. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی ۳۱-۳۱.



و فراوانی زیرساخت‌هاست که در قبل و حین یک بحران با نوآوری و به دور از بوروکراسی این ظرفیت‌ها را فعال کرده تا امکان فعالیت‌های جهادی برای مقابله با بحران کرونا را افزایش دهد.

حکمرانی خوب، شفافیت، کارآمدی و ثبات اقتصاد کلان و خرد و کسب و کارهای کوچک، کم بودن شکاف اجتماعی، عوامل دیگری هستند که بر تاب‌آوری ملی مؤثر است و کشورهای دارای ضعف در این نهادها و اقدامات موجب کاهش تاب‌آوری آن‌ها در زمان بحران کرونا می‌شود و دولت‌ها باید به تقویت این موضع پردازند چرا که چگونگی حکمرانی با تمامی ابعاد خود بر عوامل روان‌شناختی مؤثر بوده و ضعف در این‌ها با وجود قوت در عوامل روان‌شناختی و فعالیت‌های مردمی می‌تواند موجب کاهش میزان اثرگذاری در همان نقاط قوت شود و تاب‌آوری عمومی را کاهش دهد.

جمع‌بندی

در بحران کرونا مهم این است که عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به صورت سیستماتیک دیده شوند. به عبارت دیگر باید همان میزان که ابعاد روان‌شناختی در رسانه‌ها تقویت می‌شود، عملکرد و ایجاد ادراک (تصویر) مثبت از عملکرد هم افزایش یابد و به ابعاد جامعه‌شناختی توجه شود، چرا که هم اصالت فرد و هم اصالت جامعه وجود دارد و هر دو بر یکدیگر اثرگذار هستند و باید حاکمیت مراقب این امر باشد که سرمایه‌های روان‌شناختی (جنبش‌های مردمی، فعالیت‌های داوطلبانه، سرمایه‌های انسانی و ...) را غنیمت بشمارد و بر روی آنها سرمایه‌گذاری کند و از سوی دیگر به صورت سیستماتیک برای توسعه اجتماعی، عدالت اجتماعی، شکاف طبقاتی، ثبات اقتصاد کلان، اقتصاد خرد، یک حکمرانی خوب در سطح جامعه و... برنامه‌ریزی کند. اما میزان تأثیر و تأثر این دو عامل بر یکدیگر در تاب‌آوری نیازمند پژوهش مفصل‌تری است تا رابطه سیستماتیک و اثرگذاری این عوامل را بر یکدیگر بیابیم.



حوزه‌های ورود دانش بازاریابی سیاسی به بحران کرونا

تنظیم و تدوین از: مصطفی آقاجانی

پژوهشگر هسته «بازاریابی سیاسی» مرکز رشد

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق 

اشاره

مهم‌ترین ارکان بازاریابی سیاسی را بازیگران مختلفی که در بازار سیاست به کنش می‌پردازند، تشکیل می‌دهند. در بین این بازیگران نیز مهم‌ترین رکن از نگاه صاحبان کمپین و مشاوران تبلیغات، بخش‌های مختلف مردم هستند. اگر لایه ساختاری قانونی را در بین این بازیگران، دارای ثبات نسبی بدانیم، لایه اجتماعی نیز در مقابل آن دارای شکنندگی نسبی و دائمی است به شکلی که برای هر رویداد سیاسی و کمپینی، تحقیقات بازار جدیدی صورت می‌گیرد تا تصمیمات مقتضی و بخش‌های قابل هدف‌گیری مشخص شود.

وقوع بحران کرونا نه تنها در لایه اجتماعی بلکه حتی در لایه‌های ساختاری قانونی بازار سیاست تحولات و ناآرامی‌هایی را موجب شده است. این تغییرات فارغ از مثبت یا منفی بودن، ضرورت تحقیقات بازار جدید را

نه برای انتخابات صرفاً بلکه برای حوزه‌های دیگر بازاریابی سیاسی یعنی بازاریابی سیاسی دولت حکومت و بازاریابی سیاسی بین‌الملل غیرقابل‌انکار می‌نماید. راه‌های رسیدن به شناخت بازار نیز همچنان که «مارشمنت» در کتاب «مدیریت بازاریابی سیاسی» بدان اشاره می‌کند هم شامل روش‌های کیفی ادراک محور، و هم روش‌های کمی (اندازه و کمیت‌محور) است. ادراک نخبگان از جامعه، یکی از این راه‌های شناخت کیفی بازار سیاست در ایران معاصر است. در کنار این، شناسایی ابعاد حضور و نحوه ورود دانش «بازاریابی سیاسی» در حوزه‌های سه‌گانه نیز موضوع دیگری است که در اولویت قرار می‌گیرد.

دلالت‌های جامعه‌شناختی کرونا در بازار سیاست

اول: بحرانی جهانی و بازگشت به زندگی ایمانی
کرونا برعکس بسیاری از بلایا که ناظر به یک منطقه خاص یا یک قاره خاص است، خاصیت همه‌گیری دارد و کشورهای مختلفی درگیر آن شده‌اند. امروز کشورهای اروپایی که سطح بالایی از پیشرفت تکنولوژیک بشری را در اختیار دارند نیز در مدیریت این بحران دچار مشکل شده‌اند و برآورد درست و قابل اطمینانی نسبت به آینده کشورشان ندارند. خداوند متعال که در قرآن کریم به مگس و پشه اشاره می‌کند؛ اما ما در وضعیت فعلی با یک موجود بسیار کوچک مواجه هستیم که بسیاری را که اندیشه درستی ندارند به خودکشی رسانده است و نسبت به آینده ناامید ساخته است. این استیصال و درماندگی و ناامیدی دولت‌ها و اجتماعات بشری در جای‌جای دنیا، زمینه را برای بازگشت به معنویت و خدا بیش‌ازپیش فراهم کرده و فرصت بی‌ظنری را برای ترویج گفتمان دینی که یک گفتمان فعال، سرشار از امید و انگیزه‌بخش است در اختیار قرار می‌دهد.

دوم: پایان عصر شوم‌نیم

دلالت دیگری که تحولات جامعه بشری آن را می‌نمایاند؛ پایان یافتن عصر شومن‌ها است. مردمی که درگیر این حادثه و بلا شدند و فشارها و ضربات بیماری و مدیران ناکارآمد را بر ابعاد مختلف جسمی و روحی‌شان



حس کردند، این سؤال برایشان به وجود آمده است که «چرا به این فرد رأی داده‌ام؟» به عبارتی از آنجایی که بحران کنونی مشکلات و دردهای واقعی‌ای بر جامعه وارد نموده است؛ مدیران انتخابی که بر پایه جنگ روانی، تبلیغات دروغین و فریبده نه بر اساس توانمندی‌های واقعی، با رأی مردم روی کار آمده‌اند؛ مورد تردید جامعه قرار می‌گیرند، در ساحت جهانی، مردم به دنبال جنس اصلی می‌گردند، از این‌رو نظم و نظام انتخابات‌های آتی تغییر خواهد یافت و بازتابی از این نیاز یعنی نیاز به مدیران واقعی و کارآمد خواهد بود که بتوانند در لحظات حساس و بحران، اوضاع را روبه‌راه کنند و باری را از دوش مردم جامعه بردارند. از این‌رو یکی از احتمالات قابل طرح در مورد مدیران نالایق در رأس کار، به تعویق انداختن انتخابات و اخلال در برگزاری آن خواهد بود.

سوم: انتقال از دالان مصرف‌گرایی به دالان صرفه‌جویی
با تحت تأثیر قرار گرفتن زندگی و نیازهای اولیه جامعه، مواردی که در مصرف‌گرایی و بر پایه لذت و نیازهای ثانویه قابل تعریف و بازشناسی بود تغییر یافته و حفظ وضعیت موجود و ثبات ارزش‌ها و داشته‌های نهادینه‌شده زندگی در اولویت جامعه قرار گرفته است. از این‌رو بازاریابی سیاسی به هر معنایی اولویت ندارد و تمرکز آن در بخش‌های مختلف الگوهایش بایستی با توجه به این ملاحظه دنبال شود. آن چیزی که نتیجه این فرایند است، درجه دوم قرار گرفتن بازاریابی سیاسی به معنا رایج آن که بر وعده‌های تا حد زیادی پوشالی استوار است، خواهد بود. نکته قابل طرح دیگر و از زاویه متفاوت، موضوع مصرف‌گرایی سیاسی است که در دو حالت در جامعه رخ می‌نماید: صورت اول دولت ناکارآمد است و احساس تکلیف اجتماعی تک‌تک اعضای جامعه در قبال سرنوشت خود و سائرینی که سرنوشتشان با ایشان پیوند خورده است و صورت دوم دولتی که اجازه ظهور و بروز و کنش‌گری اجتماعی در لایه‌های سیاسی و تصدی‌گری سیاسی را به اعضای جامعه می‌دهد. بر این اساس افراد جامعه که بر اثر درگیری بیشتر با مسائل کشور که حاصل کنشگری جدیدشان است، در قبال نیازهای خود در لایه مشارکت سیاسی مانند انتخابات بهتر و واقعی‌تر عمل می‌کنند.

چهارم: منجی گرایی از سطح خرد تا کلان

از جمله ادراکات اجتماعی قابل طرح در کوران بحران کرونا، احساس بخش‌هایی از جامعه مبنی بر رها شدن از سوی مسئولین امر بود. به عبارتی مردمی که طبق نظر سنجی‌ها، بیشتر از ۸۵ درصدشان آمادگی پذیرش قوانین دقیق‌تر و حتی سختگیرانه‌تر را داشتند و نیز با خلق صحنه‌هایی چون پارک‌ها و بوستان‌های خالی در روز سیزده به در پا به کار بودن خود را ثابت کردند با واکنش نه‌چندان دلگرم‌کننده بخشی از مسئولین مواجه شدند؛ از این‌رو نیاز می‌دیدند که فردی بدون دعوای رایج سیاسی جناحی وارد صحنه شود؛ مردم نیازمند قهرمان و منجی‌ای در سطح خرد بودند که با آمادگی کامل و مشهود خود، به دل‌های مضطربشان آرامش ببخشد. فارغ از این سطح خرد در سطح کلان نیز مردم احساس نیاز به منجی‌ای که بتواند بشریت را از این بلای سخت نجات دهد پیدا کردند.

پنجم: بحران‌های سه‌گانه پسا‌کرونا

وقوع بحران، چالش و مسئله برای هر فردی و هر دولتی قابل‌پذیرش است، البته تلاش دولت‌ها بایستی جلوگیری از بسترسازی آن و پیشگیری از وقوع آن باشد؛ در عین حال با وقوع بحران، مسئله اصلی و در اولویت، نحوه مواجهه با بحران‌ها است. نکته قابل اشاره آن‌که؛ از جمله دردسرهای دولت‌های تلاقی و تقاطع بحرانی است. اگر تا پیش از کرونا و از زمان روی کار آمدن دولت دوازدهم با توالی بحران‌ها مواجه بوده‌ایم؛ در بازه زمانی پس از کرونا احتمالاً با تقاطع بحران‌ها مواجه خواهیم بود؛ از جمله بحران‌های جامعه پس از کرونا ناظر به سه حوزه عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی است. در بحران عقیدتی که بایستی حوزه و دانشگاه به‌طور جد پیگیر آن باشد، جامعه با شبهات و سؤالاتی پیرامون موضوعاتی چون توسل، توکل، شفا و... مواجه خواهد بود. در بعد اقتصادی نیز با توجه به رکود اقتصادی، بحث کسری بودجه و... احتمالاً برخی اعتراضات به وقوع پیوندد و در بعد اجتماعی نیز شکاف بیشتر دولت و جامعه رخ خواهد داد به عبارتی دولتی که اعتبار و محبوبیت چندانی برایش باقی نمانده است.



ششم: تاب‌آوری اجتماعی تا کجا و کی؟

در مورد تاب‌آوری یک سؤالی که به وجود می‌آید این است که کدام مؤلفه و کدام شاخص آستانه تحمل مردم را می‌تواند نشان دهد و نشانه تمام شدن آستانه تحمل مردم چه مواردی هستند؛ از سویی اگر تاب‌آوری مردم سقوط کند چه کنش‌های اجتماعی می‌تواند در پی داشته باشد؟ یکی از مواهب جامعه ایرانی با تکیه بر مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی از جمله دین‌مداری، غیرت، قهرمان‌پروری، عدالت‌جویی، مقابل با ظلم و دستگیری از مظلوم و ضعیف و... تاب‌آوری مثال‌زدنی آن در مقابله با بحران‌ها، سختی‌ها و چالش‌های طول تاریخ بوده است که وقتی با تدبیر سیاسی همراه شده است به اوج خود رسیده است. در موضوع کرونا با توجه به این خصیصه جامعه‌شناختی بایستی ظرفیت و توانایی فعلی جامعه و بخش‌های مختلف آن مورد دقت قرار گیرد از این‌رو عنصر زمان برای مدیریت بحران و به تبع آن مدیریت این تاب‌آوری بسیار حیاتی است. از سویی نهادهای مختلف که می‌توانند در تقویت این عناصر موجد و مقوم تاب‌آوری نقش داشته باشند از جمله نهاد روحانیت و حوزه بایستی نقش پررنگ‌تری را متقبل بشوند و در کنار فعالیت‌های جهادی ارزشمندشان در حیطه‌های مختلف به این لایه نیز ورود جدی‌تری داشته باشند.

هفتم: تغییر در سبک زندگی جامعه (سرگرمی و تفریحات و...)

با بروز محدودیت‌های مختلف در حوزه‌های مختلف سبک زندگی مدرن که در ایران شامل سفرهای خارج از کشور، سینما، ورزش، هنر و صنایع مختلف سرگرمی می‌شود، گویی جامعه وارد عصری شده است که امکانات اولیه زندگی مانند آب، برق، گاز و سایر صنایع تکنولوژیک وجود نداشته است؛ گویی فیلم زندگی جامعه دچار یک بریدگی از وسط شده است. که با نوعی خودآگاهی بیشتر نسبت به خود و زندگی در میان افراد می‌گردد. به نوعی اولویت‌های افراد در گذران عمر و نوع زندگی در بازه قبل و بعد از کرونا دچار تحولاتی می‌گردد. که همین تغییرات دلالت‌های زیادی برای بازاریابی سیاسی پسا کرونا با خود به همراه خواهد داشت.



حوزه‌های ورود دانش بازاریابی سیاسی

با نگاهی به وضعیت جامعه امروز ایران، رسالت شاخه‌های سه‌گانه بازاریابی سیاسی از این‌پس ناظر به دوره پساکرونا قابل تعریف است و این حوزه دانشی باید در این عرصه وارد شود. با توجه فرصت مناسبی که بر اثر درگیری دشمنان ملت ایران با بحران کرونا به وجود آمده است (هرچند ما نیز از بیماری و مرگ هزاران نفر در غرب بسیار متأسف و ناراحت هستیم)، زمان مناسبی است تا با نگاهی آینده‌پژوهانه به پیش‌بینی مناسبات حاکم بر جهان پرداخته و از رهگذر این فرصت تنفس، به طراحی مناسبی دست زد. در بین شاخه‌های سه‌گانه بازاریابی سیاسی، با توجه به وحدتی که در حاکمیت ایران بروز کرده است؛ نقش و رسالت بازاریابی سیاسی دولت-حکومت پررنگ‌تر است.

الف) ترویج وحدت در جامعه

با توجه به بحرانی بودن شرایط ایران مانند سایر کشورهای درگیر با کرونا و با توجه به دلالت‌هایی که در بالا ذکر آن رفت؛ جامعه ایران در زمان حاضر؛ آمادگی شنیدن دعواها، گروکشی‌ها و مسئولیت‌ناپذیری‌ها نیست از این‌رو بایستی با تقویت وحدت در سطح حاکمیت و سرریز نمودن آن در بدنه جامعه، این خواسته به حق مردم را جامه عمل پوشاند که نقش بازاریابی سیاسی را هم در لایه حزبی و گروهی و هم رسانه‌ای برای این مهم و ترویج آن بسیار اساسی می‌نماید.

ب) کمک به تقویت تاب‌آوری جمعی

۱۰۱

همان‌طور که ذکر شد، تاب‌آوری که محصول عناصر هویتی مسلمان ایرانی است؛ نیاز به تقویت دائمی و تدبیر آن به آن دارد چراکه کنشگران تخریب‌گر این تاب‌آوری، با رسانه‌های فراگیر خود دائماً به این عنصر قدرت ملی در حال حمله هستند. بازاریابی سیاسی با تمرکز بر این عناصر، بایستی ضمن ارزیابی این خصایص از دریچه‌های مختلف، نهادهای مختلف را ناظر به این مهم مورد انذار قرار داده و دست به برنامه‌ریزی در این حوزه بزنند.

ج) تجربه‌نگاری برگزاری انتخابات در زمان کرونا
ناظر به انتخابات که نزدیک‌ترین مورد آن در اوایل سال ۱۴۰۰ برگزار می‌شود؛ استفاده از تجربه کشورهای چون فرانسه، کره جنوبی و در آینده نزدیک آمریکا می‌تواند در بخش‌های مختلف تبلیغات انتخاباتی و برگزاری انتخابات و مشارکت سیاسی و سایر مسائل این حوزه دلالت‌ها و بهره‌های مفیدی را به همراه داشته باشد.

د) ارائه درست محصول (جمهوری اسلامی ایران) در فرصت حاضر
با توجه به فضای رسانه‌ای سنگینی که در جوامع مختلف غربی علیه اسلام و نسخه حکومتی آن یعنی جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده بود؛ فرصت موجود، زمان مناسبی برای نمایش دادن ضعف‌های جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ایدئولوژی غربی و نظام‌های سیاسی منتج از آن‌ها است. در مقابل بایستی با نمایش نقاط قوت گفتمان اسلامی و انعطاف‌پذیری یک حکومت دینی، زمینه ارائه تصویر بهتر از جمهوری اسلامی را در عرصه بازاریابی سیاسی بین‌الملل مورد نظر داشت.



۱۰۲

جمع‌بندی

با نگاهی به دنیای درگیر کرونا، متوجه تغییرات قابل‌لمسی در جوامع بشری می‌شویم که حاوی دلالت‌های مهمی برای بازاریابی سیاسی است. شناخت هرچه بیشتر این تغییرات، بایستی در لایه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه و از طریق مطالعات و بررسی‌های کیفی و کمی بیش‌ازپیش در دستور متخصصان حوزه دانشی بازاریابی سیاسی قرار گیرد. از سویی در لایه ورود و عملیات دانش بازاریابی سیاسی در شرایط کنونی، از حیث احزاب و گروه‌های سیاسی و اصلاحات این نهادها، در لایه انتخابات و مشارکت سیاسی، از حیث تغییرات ماهیت تبلیغات، در نوع فرایند انتخاب نامزدها و سیاست‌ها از سوی مردم، در حیطه بازاریابی تصویر جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل و... زمینه‌های زیادی وجود دارد که بایستی با طراحی و برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری بدان‌ها وارد شد.

فراز و فرود کرونای ایرانی از دریچه داده‌ها و نظر سنجی‌ها

دکتر سید مجید امامی

استاد هادی هسته «افکار عمومی و تغییرات اجتماعی» مرکز رشد

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

نوید عمیدی مظاهری

پژوهشگر هسته «افکار عمومی و تغییرات اجتماعی» مرکز رشد

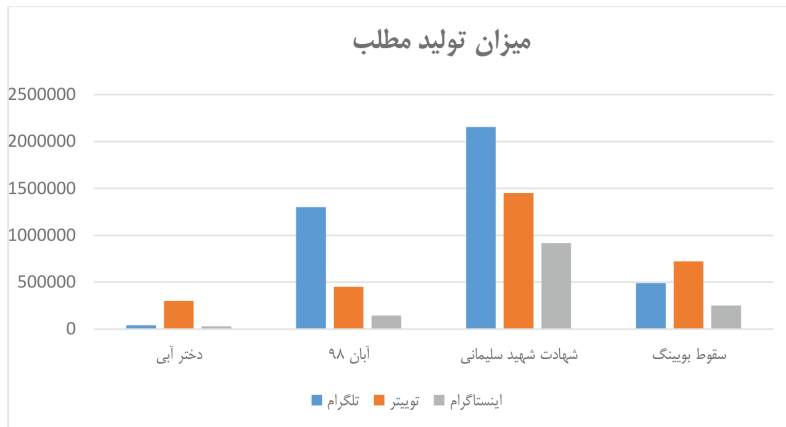
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

بحران بیماری همه گیر و جهان گیر کرونا در کمتر از شش ماه از ظهور و اشاعه، خود به محوری میان رشته‌ای در مطالعات و پژوهش‌های علمی تبدیل شده است. در این میان مطالعات جامعه‌شناسی افکار عمومی نقش مهمی در فهم و تدبیر جوامع و نیز تدبیر جهانی کرونا دارد. بر اساس پیمایش‌ها و داده‌کاوی‌های ده سال گذشته در ایران، یک دوگان مهم در قالب دو بردار گریزان از هم در جامعه ایران رخ داده است. یکی بردار افزایش مصرف و

کاربری شبکه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های نوین حتی برای اطلاع‌رسانی، دریافت خبر و اطلاعات عمومی و سیاسی؛ و دیگری کاهش اعتماد به رسانه‌های رسمی و رسانه‌های کلاسیک جمعی. این دو بردار تا آنجا پیش رفت که شاهد رکورد انواع کنش‌های مجازی در رویدادهای مهم و بزرگ یکسال اخیر (دختر آبی، وقائع آبان ۹۸، شهادت شهید سلیمانی و سقوط هواپیمای اوکراینی) بودیم. جدول زیر میزان تولید مطلب در سه بستر توییتر، اینستاگرام و تلگرام را در این موضوعات نشان می‌دهد.

شکل ۱: میزان تولید مطلب برای چهار موضوع مهم سال ۹۸



این چهار موضوع را باید مهمترین موضوعات در سال ۹۸ و تا پیش از شیوع ویروس کرونا دانست. هرچند که هر کدام از این اتفاقات را بایستی جزو اتفاقات مهم در یکسال دانست و هر کدام به شدت فضای افکار عمومی و واکنش کاربران در شبکه‌های مجازی را به خود جلب نمود. هرچند بازه درگیری هر کدام از این اتفاقات نیز به صورت یکسان نمی‌باشد و موضوعی مانند شهادت شهید سلیمانی تا ماه‌ها مورد توجه کاربران در شبکه قرار داشت، اما از میزان مطلب تولید شده در این موضوع نیز اهمیت بالای آن برای شبکه اجتماعی به وضوح قابل مشاهده است. این درحالی است که کرونا گوی سبقت توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را در بازه زمانی مشابه ربود.

از سویی دیگر عدم اهتمام به تلاش رسانه ملی برای انتخابات مجلس ۹۸ که نهایتاً با مشارکت زیر ۵۰ درصدی و کاهش چشمگیر مشارکت در شهرهای بزرگ همراه بود، شاخص گویایی بر وضعیت اعتماد و تاثیرپذیری از رسانه‌های رسمی است. البته مشارکت در انتخابات مدنظر این نوشتار نیست بلکه شاخص اعتماد و اعتنا به رادیو تلویزیون مطرح است که در سایر نظرسنجی‌های عام و موضوعی مطرح گردیده است.

در شرایط بحران نیاز ارتباطی مخاطبان افزایش می‌یابد. در بحران کرونا رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی، مورد هجوم توجهات و نگرانی و کنجکاوی‌های میلیون‌ها ایرانی در گیر با کرونا قرار گرفت اما در این بین و به دلایلی که در جای خود قابل مستندسازی است، درجه‌ی اعتنا و مخاطب رسانه‌های رسمی خصوصاً شبکه‌ها و برنامه‌های خبری صداوسیما به شدت افزایش یافت و می‌توان گفت به‌نوعی ترمیم شد. این اعتنا، با مخاطب قبلی که بعضاً تا ۷۰ درصد در برخی بخش‌های خبری اعلام می‌شد تفاوت جدی داشت. درواقع بخش مهمی از مردم اخبار صداوسیما را برای مقایسه و به‌نوعی رصد در نسبت با رسانه‌های بیگانه و شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کردند ولی در پیگیری اخبار و احوال کرونا از صداوسیما نوعی وابستگی خبری و مرجعیت رسانه‌ای وجود داشته و دارد. اینکه رسانه‌های رسمی می‌توانند این «اعتنا» و اقبال را حفظ کنند و به «اعتماد» منجر نمایند، موضوع مهمی است که نیازمند پژوهش‌های راهبردی و ریزنی‌های دیگری است اما این مقاله می‌خواهد از دریچه داده‌ها و داده‌کاوی‌ها و نظرسنجی‌ها، شرایط و دوگان مطرح شده را در سه ماه اپیدمی کرونا بازخوانی نماید.

اینفودمی و شبکه‌های اجتماعی

مطالعه‌ی مخاطبان در بحران تابعی از مباحث ارتباطات بحران است. در هر یک از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و بحرانی، چه منشأ طبیعی و چه منشأ انسانی و اجتماعی داشته باشند، ارتباطات از سویی اهمیت و اولویت ویژه می‌یابد و از سوی دیگر معمولاً رسانه‌ها دچار ناکارکردی یا کژکارکردی می‌شوند. شکل‌گیری حوزه‌های خاص و تخصصی در ارتباطات، نظیر ارتباطات



مخاطره (risk communication)، ارتباطات بحران (crisis communication)، روزنامه‌نگاری بحران (crisis journalism) و مدیریت بحران‌های ارتباطی (communication crisis management) برآمده از همین ضرورت‌ها است. ارتباطات مخاطره را در سه بعد می‌توان بررسی کرد: موضوع؛ ارتباط‌گر؛ و مخاطب. مخاطبان نقش بسیار مهمی در ارتباطات مخاطره دارند. این مخاطبان ممکن است به خبر توجه کرده باشند یا نه، ممکن است خبر را فهمیده باشند یا نه و ممکن است آن را پذیرفته و یا رد کرده باشند. درواقع اعلان انتخابی، برداشت انتخابی و انباشت انتخابی که در روان‌شناسی مخاطبان مطرح گردیده فرایندهایی است که مخاطبان می‌توانند بر اساس آن‌ها خبر مخاطره را به‌خاطر بسپارند و یا از یاد ببرند^۱.

شبکه‌های اجتماعی، آب‌وهوای رسانه‌ای جوامع از جمله ایران را با تغییرات ناگهانی و گسترده مواجه کرده‌اند و تغییر در معادله مرجعیت رسانه‌ای، تعاملی شدن تولید و توزیع، حاکمیت اطلاعات ناصحیح و ناقص (misinformation) و چندکانونی بودن ارتباطات در شبکه‌ها و... را مطرح کرده‌اند. در این میان دوگان رسانه‌های رسمی و غیر رسمی و یا اعتماد و عدم اعتماد متحول شده و نمی‌توان با مضامین و نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی تاثیر رسانه‌ای یا رفتارشناسی مخاطبان واقعیات رسانه‌ای نوین را سنجید و فهمید. از مظاهر تحول رژیم رسانه‌ای نوین همین بس که هم‌زمان با بحران ظاهراً عینی و پزشکی کرونا، پدیده رسانه‌ای «اینفودمی» مطرح شده است. اینفودمی به گسترش زیاد اطلاعات بد و نامناسب در مورد یک موضوع می‌گویند که با ایجاد مسمومیت اطلاعاتی موجب عوارض بسیار زیادی در سطح فرد تا جامعه می‌شود. اطلاعات بد، به هرگونه اطلاعاتی گفته می‌شود که دریافت آن‌ها موجب گمراهی، بی‌اعتمادی، آسیب، و اشتغال ذهنی بیهوده یک فرد می‌گردد. انواع اطلاعات بد، شامل اطلاعات دروغ، شایعه، اغراق، اشتباه، غیر دقیق، و اطلاعات بیهوده است. دریافت مداوم اطلاعات بد می‌تواند در زمان کوتاهی منجر به مسمومیت اطلاعاتی فرد یا جامعه شود.

۱ - دکترهای خانیکی ارتباطات مخاطره، ارتباطات بحران: زمینه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها فصلنامه رسانه شماره ۷۴.



علایم مسمومیت اطلاعاتی در افراد شامل استرس و اضطراب دائمی، احساس نگرانی و گم‌گشتگی، و احساس بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی هستند. در ضمن افراد مربوطه به دلیل تجمع اطلاعات غیرقابل مصرف گمراه‌کننده دچار زباله اطلاعاتی شده و دچار علایم کمی تمرکز، نقص توجه، و کم‌حافظگی شوند. هم‌زمان با تشدید بحران کرونا، سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی بر مقابله با همه‌گیری اطلاعات غلط درباره کووید-۱۹ متمرکز شدند. در همین راستا، دبیرکل سازمان ملل اواخر ماه مارس از اتخاذ یک راهبرد ارتباطی در مقابله با افزایش انتشار اطلاعات غلط و تئوری‌های توطئه درباره ویروس کرونا خبر داد. طبعاً مبارزه با اینفودمی، به معنای مبارزه با رسانه‌های غیر رسمی نیست بلکه به معنای زدودن زمینه‌ها و بسترهای ارتباطی اجتماعی گرایش و مصرف طبیعی اطلاعات نادرست و مخرب است که می‌تواند با بازسازی نقش رسانه‌های رسمی (از روابط عمومی سازمان‌های رسمی سلامت گرفته تا نهادهای تخصصی و رسانه‌های دولتی) در نسبت با سایر رسانه‌های و کاربران شبکه‌های محقق شود^۱.

کرونا زدگی، از شوک تا عادی‌سازی

جامعه‌ی ایران مانند جامعه جهانی نسبت به خبر ورود کرونا شوک زده شد و برخی تعبیر کرونا زدگی را به همین معنا به کار بردند. از سوی دیگر انبوه اطلاعات موردنیاز، اطلاعات غلط و ناقص در کنار انواع تجویزهای متنوع و متکثر که به نوعی هرج و مرج در اطلاع‌رسانی پزشکی و اهمیت آن برای نهادهای تخصصی سلامت را پررنگ کرد و آن‌ها را ناچار به کاربرد اصطلاح جدید اینفودمی ساخت، وجه مهم بحران کرونا است. درگیرشدگی کامل و حداکثری جامعه به ادراک از بحران در بازه آغازین در چارچوب شبکه‌های اجتماعی احساس نیاز جامعه به خبر و اطلاعات رسمی و نوعی کم‌بهایی به سیلاب اطلاعات نادرست شبکه‌های اجتماعی در این موقعیت واقعی (به نوعی



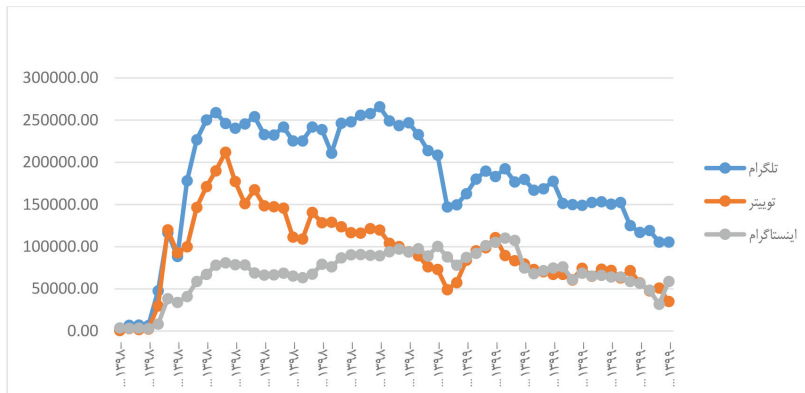
۱۰۷

۱- حمید اله وردی پور چالش جهانی ارتباطات سلامت: اینفودمی در پاندمی بیماری کروناویروس (COVID-۱۹) مجله آموزش و سلامت جامعه، دوره ۷ شماره ۲، بهار ۹۹.
- مطبوعات آزاد، پادزهر اینفودمی در:

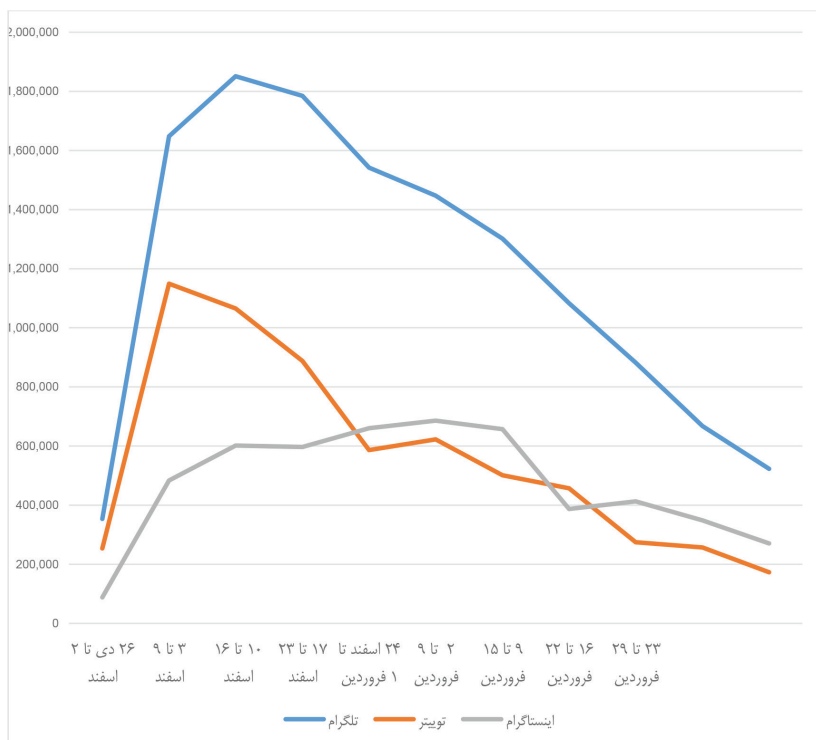
رهاشدگی از فراواقعیت کرونا) که در ارجاع و اقبال به رسانه‌های رسمی خود را نشان داد.

نمودارهای زیر روند تولید محتوای مرتبط با کرونا در سه شبکه اجتماعی (و پیام‌رسان) فعال ایرانیان که قابل داده‌کاوی است را در دو ماه ابتدایی این موضوع نشان می‌دهد. (واتس آپ با وجود پرکارترین شبکه اجتماعی، لکن قابل داده‌کاوی نیست و پیام‌رسان‌های ایرانی مانند بله و ایتا و... با اختلاف فراوان هنوز در رتبه‌های ۴ به بعد قرار دارند).^۱

شکل ۲: روند روزانه تولید محتوا درباره بیماری کرونا در سه شبکه اجتماعی



شکل ۳: روند هفتگی تولید محتوا درباره بیماری کرونا در سه شبکه اجتماعی



۱۰۹

نمودارهای بالا، حاکی از اوج توجه به موضوع کرونا در عطش کسب اطلاعات و خبر در این موضوع بوده است که البته در ادامه، سیری پایدار پیدا کرده است. بر همین اساس تحلیل مضمون ۱۰۰ پست اول پرلایک توییتر در اسفندماه، یعنی در اوج این بیماری در کشور، در موضوع کرونا به این ترتیب بوده است که نشان از ربط و بی‌ربطی‌های اطلاعات و محتوای مصرفی در نسبت با واقعیت و فراواقعیت بحران است:

- ۱- تشکر و قدردانی از پزشکان فداکار
- ۲- تخریب جمهوری اسلامی ایران با برچسب‌های ناکارآمدی، دروغ‌گویی، عقب‌افتاده، واردکننده کرونا به کشور
- ۳- اشاره به بی‌تورورسم بودن کرونا توسط آمریکا و لزوم برخورد با آن
- ۴- تخریب علما و روحانیت به خاطر قرنطینه نکردن قم و قم را عامل پخش کرونا دانستن

- ۵- ارتباط موضوع کرونا با آخرالزمان و وقایع ظهور
 - ۶- شایعه‌پراکنی و سیاه‌نمایی درباره تعداد بسیار زیاد کشته‌شدگان کرونا
 - ۷- اطلاع‌رسانی و توصیه‌های بهداشتی درباره کرونا
 - ۸- انتقاد از افرادی که اسلام و دین را به خاطر بیماری کرونا تخریب می‌کنند.
 - ۹- انتقاد از صداوسیما
 - ۱۰- انتشار تصاویری از هجوم مردم به فروشگاه‌ها در کشورهای اروپایی و به سخره گرفتن فرهنگ آن‌ها
 - ۱۱- اشاره به وضعیت بد معیشتی و اقتصادی در شرایط کرونایی
 - ۱۲- بازنمایی همدلی و مهربانی مردم با یکدیگر
 - ۱۳- دعوت مکرر مردم به در خانه ماندن
 - ۱۴- بازنمایی طلبه‌های جهادگر در بیمارستان‌ها و در مقابل کرونا
 - ۱۵- اشاره به کمک‌های کشورهای خارجی به خصوص چین
 - ۱۶- تخریب و نقد حسن روحانی در مقابله و مدیریت کرونا و پنهان کردن خود از دید رسانه‌ها و مردم
 - ۱۷- نقد اروپایی‌ها و آمریکا به علت پنهان‌کاری در موضوع کرونا و مقایسه آن با ایران
 - ۱۸- نقد جمهوری اسلامی به خاطر عدم قطع پروازها به چین و عدم جلوگیری از بیماری
 - ۱۹- حس همدردی با میرحسین موسوی در قرنطینه و هم‌ذات‌پنداری با او در زمان قرنطینه خانگی
 - ۲۰- انتقاد از نابرابری امکانات (ماسک و...) میان نمایندگان مجلس و مردم
 - ۲۱- تخریب و نقد طب اسلامی و سنتی.
- به‌هرحال روند تولید و انتقال محتوا در اسفندماه بسیار بالا و پس از آن ریزشی توصیف می‌شود. از سویی دیگر با نگاهی به پیمایش‌ها، میزان پیگیری شهروندان از مطالب منتشر شده در خصوص کرونا در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز نشان می‌دهد ۲۹,۵ درصد از شهروندان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۲۴,۲ درصد به میزان کم مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مانند

تلگرام و واتس اپ و اینستاگرام و سروش ... در خصوص کرونا منتشر می‌شود را پیگیری می‌کنند. در این ارتباط جوانان بیشتر از دیگر گروه‌های سنی، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بیشتر از افراد غیر دانشگاهی و ساکنان شهری بیشتر از روستائینان به میزان زیاد مطالب منتشر شده در خصوص کرونا در شبکه‌های اجتماعی مجازی را پیگیری می‌کنند. همچنین در نظرسنجی ایسپا در اواخر فروردین ماه از شهروندان، پرسیده شده است: «شما تا چه حد اخبار مربوط به سیاست‌های دولت و ستاد مبارزه با کرونا را دنبال می‌کنید؟» ۴۱٫۸ درصد از مردم اخبار مربوط به سیاست‌های دولت و ستاد مبارزه با کرونا را به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۲۸٫۶ درصد به میزان کم و خیلی کم دنبال می‌کنند. طبق نتایج به دست آمده، ۱۹٫۶ درصد از مردم تا حدودی اخبار مربوط به سیاست‌های دولت و ستاد مبارزه با کرونا را دنبال می‌کنند. و نهایتاً ۹٫۸ درصد از مردم بیان کرده‌اند اصلاً اخبار مربوط را دنبال نمی‌کنند. در همین نظرسنجی که با فاصله دوماهه از شوک کرونا بوده است پیگیری اخبار و اطلاعات کرونا از شبکه‌های اجتماعی به شدت ریزش داشته است. لذا در پاسخ به سوال «شما تا چه حد مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی وجود داشته را پیگیری کرده‌اید؟» این نتایج به دست آمده است:

جدول ۱: پیگیری از مطالب منتشر شده در شبکه‌های مجازی

درصد	میزان پیگیری از مطالب منتشر شده در شبکه‌های مجازی
۳۳/۱	اصلاً
۲۴/۲	کم
۱۳/۱	تا حدودی
۲۱/۸	زیاد
۷/۷	خیلی زیاد
۰/۱	بی‌پاسخ
۱۰۰	جمع



براساس این نظرسنجی ۲۹,۵ درصد از شهروندان به میزان زیاد و خیلی زیاد و ۲۴,۲ درصد به میزان کمی شبکه‌های اجتماعی را دنبال کرده‌اند. از سویی دیگر در نظرسنجی‌ای از مردم سوال شده است: «شما اخبار و اطلاعیه‌های رسمی مربوط به بیماری کرونا را بیشتر از چه طریقی پیگیری می‌کنید؟» یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد، ۶۵,۷ درصد از افراد بیان کردند، «صدآوسیم» مهم‌ترین منبع آن‌ها برای پیگیری اخبار مربوط به کرونا است. «تلگرام» با ۸,۳ درصد، «اینستاگرام» با ۷,۲ درصد، «شبکه‌های ماهواره‌ای» با ۶,۳ درصد و «سایت‌های خبری» با ۶,۱ درصد و ... در اولویت‌های بعدی قرار دارند^۱.

یکی از ابعاد اینفودمی و پیگیری اخبار و محتواها از مراجع بی‌نام‌ونشان و بی‌ضابطه مجازی، افزایش نگرانی و سردرگمی اطلاعاتی و تردید و نافرمانی در شرایط بحران است. مثلاً ۳۵,۲ درصد از شهروندان گفته‌اند مطالب منتشرشده در خصوص بیماری کرونا در شبکه‌های اجتماعی مجازی به میزان زیاد و خیلی زیاد موجب اضطراب و نگرانی آن‌ها شده است.

۱۱۲

بازگشت مخاطب یا ترمیم اعتماد؟

این اقبال می‌تواند در ترمیم اعتماد به رسانه‌های رسمی و حتی نهادها و نظام سیاسی نقش داشته باشد. این اعتماد برخاسته از اعتنا خود دو وجه دارد، رضایت و اعتماد به کارآفرینی دولت و دستگاه سلامت در مهار بحران و ارائه خدمات موردنیاز به مبتلایان و جلوگیری از شیوع و ثانیا اعتماد خبری و تاثیر پذیری از درخواست‌های دولت که طبعاً از زبان رسانه مطرح می‌شود، خصوصاً مبنی بر سه موضوع قرنطینه (به‌ویژه عدم سفر در نوروز)، فاصله‌گذاری اجتماعی و رسیدگی و مواسات به فرودستان و درماندگان آسیب‌دیده از بحران کرونا، طبعاً استخراج و تحلیل مواجهه مردم در سه ماه کوران کرونا در ایران (اسفند ۹۸ و فروردین و اردیبهشت ۹۹) مجال گسترده‌ای می‌خواهد اما بررسی‌های اولیه ما نشان می‌دهد این وضعیت کاملاً متفاوت از روند کم‌اقبالی و کم‌توجهی است که پیش از این نسبت به دولت و

رسانه‌ای رسمی بوده است. شاید گفته شود به این دلیل که موضوع اساساً اجتماعی و حوزه سلامت است و قبلاً هم در این موضوعات همین روند قابل پیش‌بینی بوده است، قصد رد مطلق این تعریض را نداریم لکن باید گفت که اولاً موضوع و بحران فراتر از یک رویداد حوزه سلامت بوده و ابعاد اقتصادی سیاسی فرهنگی داشته است و ثانیاً موضوعات اجتماعی دیگری هم بوده است که در سال‌های گذشته از سوی رسانه‌های رسمی مطرح اما اقبال گذشته را نداشته است. مثلاً در سال‌های اخیر می‌بینیم که تلاش رسانه‌ای گسترده صداوسیما برای رویداد سازی از جشن نیکوکاری، پویش خاصی در مخاطبان ایجاد نمی‌کند.

بر همین اساس در خصوص میزان رضایت مردم ایران از عملکرد دولت و ستاد مقابله با کرونا، بیش از ۵۵ درصد مردم اعلام کرده‌اند که از عملکرد دولت زیاد و تا حدود زیادی راضی هستند. هرچند در مقابل حدود ۴۰ درصد اعلام کرده‌اند که رضایت کمتری دارند. این میزان نیز نه کاملاً ناراضی که تا حدودی کمی راضی هستند که عدد مناسبی است. در واقع میزان رضایت مردم در سطح مطلوبی قرار دارد. البته بایستی گفت که این میزان روند کاهشی نیز داشته است.^۱ بررسی‌های بعدی ایسپا و نیز داده‌های ثبتی مراجعه مسئول نشان داد در شاخص به سفر نرفتن در نوروز، که امر بسیار مهمی برای خانواده ایرانی خصوصاً در کلان‌شهرها محسوب می‌شد، (حتی بدون محاسبه سفر زیارتی که طبعاً با بسته شدن حرم‌ها، نوعی محدودیت اجباری قلمداد می‌شود و یا اعمال محدودیت ورود که از ۴ فروردین به بعد آغاز شد) بیش از نیمی از افراد مایل به سفر، خود کنترلی داشته‌اند.

یکی از راه‌های اطمینان آور برای رسیدن به داده سفر در ایام کرونا، مصرف اینترنت و تغییر در مبدأ درخواست اینترنت داده است که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آن را در اختیار دارد و بر همین اساس اعلام کرد که این سفرها به شدت کاهش داشته است و مثلاً از تهران تا روز دوم فروردین حداکثر یک میلیون نفر به سفر رفته‌اند.^۲ البته در همین اثنا یکی



۱- نظرسنجی ایسپا

۲- وزیر ارتباطات در توییتری هم این داده را اعلام کرد.

از سوژه‌های مهم رسانه‌های خارجی و مشهور جهانی در بخش یا کانال یا سایت فارسی، همین سفر سه میلیون نفر بوده است که بدون توجه به زمینه و ابعاد ماجرا، به دستاویزی برای ایران هراسی و کرونا هراسی بدل شده است.^۱ از سویی دیگر و براساس نظرسنجی پژوهشگاه فرهنگ هنر ارتباطات که پیش از ماه مبارک رمضان صورت پذیرفته است، ۷۷٫۵ درصد از مردم خود قرنطینگی را خیلی زیاد و زیاد رعایت کردند. در مقابل ۲۳ درصد نیز رعایت نکرده‌اند. البته از افرادی که رعایت نکردند ۵۳ درصد، علت را اقتضای شغلی می‌دانستند و به‌ناچار بایستی در محل کار حاضر میشدند. ۷۹٫۱ از سوال شوندگان به صورت جدی پروتکل‌های بهداشت فردی را رعایت کرده و ۶۴٫۸ درصد، فاصله اجتماعی را رعایت نموده‌اند. ۴۱٫۳ درصد نیز تجربه یاری‌رسانی به اقشار ضعیف (اعتماد بین فردی) را داشته‌اند.

براساس همین نظرسنجی ۳۴ درصد مردم کم اعتماد به اخبار کرونا از سوی نظام هستند (درواقع فقط یک سوم کم اعتماد هستند و دو سوم گفته‌اند اعتماد دارند). همچنین ۳۲٫۷ درصد به اقدامات دولت در خصوص مدیریت کرونا بی‌اعتماد هستند و در این جا نیز دو سوم همچنان به مدیریت دولت در کرونا اعتماد داشته‌اند.

این درحالی است که بر اساس نظرسنجی ایسپا از مردم استان تهران در آذر ۹۸ در پاسخ به سوال «شما اخبار جامعه را بیشتر از چه طریقی دنبال می‌کنید؟» حداکثر ۴۰ درصد اولویت اول را صداوسیما اعلام کرده و ۲۸ درصد اولویت اول را شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده‌اند. همچنین ۱۰٫۳ درصد رسماً اعلام کرده‌اند اولویت اول آن‌ها شبکه‌های ماهواره‌ای است. در همین نظرسنجی مهم از مردم پرسیده شده «در حال حاضر خود شما به طور کلی از شرایط کشور راضی هستید؟» که ۷۴٫۵ درصد پاسخ داده‌اند خیر! و این البته متأثر از شوک حوادث آبان و ادراک گرانی بنزین و تورم انتظاری بوده است. در این نظرسنجی در خصوص عملکرد صداوسیما در قبال حوادث آبان در نسبت با اعتراضات و رویدادهای قبلی سوال مهمی پرسیده

۱- ن.ک به بخش فارسی سایت یورو نیوز:

شد و ۴۱,۷ درصد گفته‌اند تغییری در روش و عملکرد رسانه ندیده‌اند و ۳۰,۱ درصد هم گفته‌اند عملکرد بدتر شده است. در خصوص بی‌طرفانه عمل کردن صداوسیما در همین موضوع، ۴۱,۹ درصد خیلی کم، و ۲۵ درصد کم را پاسخ داده‌اند. این مقایسه بین آبان ۹۸ و کرونا خود نشان دهنده یک پیام مهم برای رسانه صداوسیما است که اولاً اعتنا به آن تابعی مشترک از «شرایط ارتباطی کشور» و نیز «کارآمدی دولت و نظام در مواجهه با بحران» (و نه بحران سازی) است؛ و ثانیاً با عملکرد حرفه‌ای می‌توان مانع ریزش این اعتنا و انتقال آن به سبب اعتماد و پایدارسازی مخاطب و کسب وجهه رفت. البته همواره در نظرسنجی‌های صداوسیما مخاطب بالای ۶۰ درصد مورد اشاره است لکن باید توجه داشت بخش مهم مخاطب، بخاطر برنامه‌های نمایشی است و نیز در بخش سیاسی و خبر هم بسیاری در اولویت و توجه ثانوی، به اخبار تلویزیون توجه می‌کنند.

در مجموع هرچند که سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته سیری نزولی را به دنبال داشته است و روند اعتماد عمومی کاهشی بوده است، اما به نظر می‌رسد کرونا اعتنای مردم و افکار عمومی به حکومت و ساختارهای رسمی را به همراه داشته است و همین مسئله نشان‌دهنده زمینه بازگشت افکار عمومی و ترمیم سرمایه اجتماعی را فراهم آورده است. درواقع به نظر می‌رسد برخلاف برخی تحلیل‌ها این اعتماد و سرمایه به کلی از بین نرفته و در مقابل مستعد شکل‌گیری و تقویت اعتماد عمومی باشد. تنها لازم است تا دولت و مسئولین خود را آماده این رجعت گردانند.



ویروس کرونا از منظر مطالعات فرهنگی

محمدجواد بادین فکر

پژوهشگر هسته «افکار عمومی و تغییرات اجتماعی» مرکز رشد

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق 

کرونا ویروس یک امر فرهنگی است. ما ویروس را فرهنگی می‌فهمیم و با آن نیز به مثابه یک سوژه‌ی فرهنگی برخورد می‌کنیم. برای این کار کرونا به یک سوژه فرهنگی تبدیل می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی تاریخی عده‌ای از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، تاریخ بشریت را به سه قسم تقسیم کردند؛ مثلاً مانوئل کاستلز ادعا کرد عصر اول تاریخ بشریت پس از ایجاد فرهنگ و شکل‌گیری زندگی اجتماعی عصر غلبه‌ی طبیعت بر فرهنگ بوده است. عصری که انسان‌ها به دنبال پناهگاهی بودند تا زندگی اجتماعی خود را از بلایای طبیعی حفظ نمایند. عصر دوم اما عصر غلبه فرهنگ بر طبیعت است. عصری که فرهنگ بر تمام جنبه‌های طبیعت سلطه دارد و طبیعت می‌شود منبعی برای مصرف تمام عیار فرهنگ. اما عصر سومی که کاستلز مطرح می‌کند که بی‌ارتباط با نظریه جامعه‌ی شبکه‌ای او هم نیست، عصر غلبه‌ی فرهنگ بر فرهنگ یا جهان فرهنگی

است. در این عصر همه چیز حتی طبیعت بر ساخت فرهنگ و اعتبارات است و جهان نمادین می‌شود. به صورت کلی فرهنگ ساخته نمی‌شود مگر اینکه دیگری خود را طبیعت معرفی نماید.

انسان‌شناسانی چون لوی اشتروس قائل بودند که طبیعت، دیگری فرهنگ است و روابط این دو با هم موجب حیات متقابل می‌شود. فرهنگ با استفاده از مکانیسم استعاره سازی طبیعت را دیگری نزدیک خود قلمداد می‌کند. مثلاً طبیعت بکر است. یعنی جایی است که فرهنگ در آن کمتر نفوذ پیدا کرده است و برای مردمان نوستالژی‌سازی از طبیعت همواره امری خوشایند است. همه‌ی ما دوست داریم یک مزرعه در بیرون شهر داشته باشیم و هر صبح با صدای حیوانات از خواب بلند شویم صورتمان را با آب رودخانه بشویم و صبحانه‌مان را در منظره‌ای زیبا از درختان و لحظه‌ی طلوع آفتاب با یک لیوان شیر تازه بنوشیم و... همه‌ی این‌ها تصاویری بود که تبلیغات بازرگانی و فیلم‌های سینمایی برای ما ساخته‌اند. همان فرهنگی که طبیعت را بر می‌سازد و حیاتش بسته به همین بر ساخت از طبیعت است. مراد از فرهنگ در این جا هر نوع امر قراردادی و بر ساختی بشری است. فرهنگ تا جایی پیش می‌رود که از امر طبیعی هیچ چیز باقی نمی‌گذارد و نشانه را از درون تهی می‌کند و به قول بارت طبیعت را تبدیل به یک اسطوره می‌کند. اسطوره‌ای که یک دال تهی است و از واقعیت و تاریخش کنده شده است.



لذا طبیعت برای انسان قرن بیست و یکمی با طبیعت برای انسان قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی بسیار متفاوت است. معنای تفوق فرهنگ بر طبیعت و تفوق فرهنگ بر فرهنگ از نظر کاستلز نیز همین صورت‌بندی است. الکلام طبیعتِ ذهن مردمان، همان دیگری فرهنگ یا خود فرهنگ است. چرا که بر ساخت فرهنگ است. تمام این بر ساخت‌ها زاینده‌ی زبان و نشانه‌ها است. ما از طریق نشانه‌سازی می‌توانیم طبیعت را از آن خود کنیم. ما با بر ساخت نشانه‌ها وارد طبیعت می‌شویم، و طبیعت نیز اگر بخواهد به سپهر نشانه‌ای فرهنگ وارد شود نیاز دارد تا به زبان فرهنگ ترجمه شود.

انسان‌شناسانی چون لوی اشتروس قائل بودند که طبیعت، دیگری فرهنگ است و روابط این دو با هم موجب حیات متقابل می‌شود. فرهنگ با استفاده

از مکانیسم استعاره سازی طبیعت را دیگری نزدیک خود قلمداد می‌کند. مثلاً طبیعت بکر است. یعنی جایی است که فرهنگ در آن کمتر نفوذ پیدا کرده است.^۱

در حالت واقعی نیز کرونا از طبیعت به بدن وارد می‌شود. یعنی از خفاش به انسان منتقل شده است. حتی کلمه کرونا نیز ساخته و پرداخته فرهنگ است. مکانیزم فرهنگ برای معنادار کردن امور بسیار پویا و متغیر است. کرونا برای آنکه بتواند وارد سلول زنده شود باید از مرزهایی عبور کند. مثلاً از راه دهان و بینی و چشم وارد بدن می‌شود و سلول حساسی را درگیر می‌سازد. بر همین اساس فرهنگ نیز مرزبندی شده و کران‌مند است. ما در اینجا از سازه نظری تحلیل نشانه‌شناسی فرهنگی که از مفاهیم وضع شده نشانه‌شناس شهر روس یعنی یوری لوتمان می‌باشد، استفاده خواهیم کرد. لوتمان استعاره سپهر نشانه‌ای را برای فرهنگ بر می‌گزیند و این گزاره را از نظریه ورنادسکی در زیست‌شناسی و استعاره سپهر زیستی او که فضای پیرامونی موجودات زنده است برگزید. بر همین اساس سپهر نشانه‌ای به نوعی فضای نشانه‌ای اشاره دارد که برای وجود و کارکرد زبان‌ها ضروری است و به یک معنا وجودی پیشینی داشته و در تعامل مداوم با زبان‌های مختلف است.^۲ یکی از تقابل‌های مبنائی که در مکتب مسکو- تارو مورد نظر است، تقابل فرهنگ و طبیعت است. الگوی کلان دو گان لوتمان یک ابر الگو است و می‌توان آن را به سه الگوی اصلی تقسیم کرد:

- الف) طبیعت به مثابه امری ناظر بر محیط طبیعی زندگی انسان، در برابر فرهنگ که به مثابه امری ناظر بر جنبه‌های فراطبیعی زندگی انسان است.
- ب) طبیعت به مثابه خائوس یا بی‌نظمی، در برابر فرهنگ به مثابه کوسموس یا نظم‌مندی.
- ج) طبیعت به مثابه امری ناظر بر بربریت، در برابر فرهنگ به مثابه وضعیت

۱- آلن سگال، رابرت (۱۳۹۴). اسطوره. ترجمه: فریده فرنودفر. تهران: انتشارات بصیرت.

۲- سرفراز، حسین (۱۳۹۳). نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق



خود. این الگو در مقام تعمیم ناظر بر الگوی تقابلی دیگری و خود است.^۱ درباره کرونا می‌توان گفت مورد دوم کاملاً صادق است. یعنی فرهنگ، کرونا را به مثابه یک خائوس در نظر می‌گیرد و عملاً خائوس تمام نظم خودساخته فرهنگ را به هم ریخته است. به بیان دیگر نظامات اجتماعی و سیاسی دچار آشفتگی‌هایی جدی در برابر کرونا شدند و کرونا عامل فروپاشی نظم موجود به حساب می‌آید.

«ویروس کرونا یک پدیدار اجتماعی و بین‌الذهانی نیز دارد. ویروس برای آنکه بتواند در زندگی اجتماعی پدیدار شود ناچار است تا به زبان فرهنگی ترجمه شود و از حالت نافرنگ به فرهنگ ترجمه شود. ویروس به محض ورود به سپهر نشانه‌ای فرهنگ از خصلت ابژگی خارج شده و تبدیل به یک سوژه فرهنگی می‌شود».

همانطور که اشاره شد ویروس برای ورود به سپهر زیستی انسان نیاز دارد تا از مرزهای بدن بگذرد. ویروس در مطالعات زیستی یک موجود بی‌جان است یعنی نوعی ابژه به حساب می‌آید. یک شی است و به محض ورود به سلول زنده حیات می‌یابد. در مطالعات زیست‌شناختی ویروس یک انگل اجباری به حساب می‌آید ولی به محض عبور از ارگانسیم موجود زنده و ورود به سلول به شکل آن در می‌آید و به نوعی خود یک سلول می‌شود. این یک توصیف کوتاه بود از عملکرد عینی ویروس در سپهر زیستی بدن. اما ویروس کرونا یک پدیدار اجتماعی و بین‌الذهانی نیز دارد. ویروس برای آنکه بتواند در زندگی اجتماعی پدیدار شود ناچار است تا به زبان فرهنگی ترجمه شود و از حالت نافرنگ به فرهنگ ترجمه شود. ویروس به محض ورود به سپهر نشانه‌ای فرهنگ از خصلت ابژگی خارج شده و تبدیل به یک سوژه فرهنگی می‌شود.

اول از همه نشان‌دار می‌شود. «کرونا از خانواده ویروس‌های تاج‌دار». این گزاره اولین ترجمه نشانه‌ای از کرونا برای ورود از مرزهای سپهر نشانه‌ای

۱- سمینکو، الکسی (۱۳۹۶). تار و پود فرهنگ در آمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان. ترجمه: حسین سرفراز. تهران: انتشارات علمی فرهنگی

فرهنگ است. به محض ورود کرونا به فضای نشانه‌ای مجموعه‌ای از نشانه‌ها بر آن بار می‌شود. که لیست کردن آن در این نوشتار ناممکن است. در هسته سپهر فرهنگی، نیروهای ایدئولوژیک و قدرت در حال تقابل و کنش هستند تا هر یک مرزهای ورود را که محل ترجمه فرهنگ است تعیین نمایند.

به عنوان مثال سیاست که در هسته حضور دارد تلاش می‌کند تا ورود این ویروس را به عاملی نافرهنگ و خارجی نسبت دهد و طبیعی بودن آن را انکار نماید. سیاست علاقه دارد تا سایر سپهرها را نشانه بگیرد و تقصیر عواقب این موجود غیر زنده را به گردن دیگری متخاصم بیندازد. اما دین تلاش می‌کند تا این ویروس را به نیروهای شر در طبیعت ترجمه کند. مثلاً استعاره‌ی «ویروس منحوس» اشاره به شر بودن این ویروس دارد. تاریخ فلسفه ادیان نیز در تقابل‌های خیر و شر می‌تواند خلاصه شود. استعاره‌ی «مهمان ناخوانده» و «ویروس ناشناخته» یا «کرونا را شکست می‌دهیم» همگی به یک معنا است. اینکه فرهنگ تلاش می‌کند تا به ویروس که به صورت واقعی و طبیعی یک ابژه است و حیاتی ندارد خصلتی سوپژکتیو اعطا نماید.

«فرهنگ مدرن اگر برای ویروس خصلتی سوپژکتیو نسازد، نمی‌تواند دیگری خود را قوی جلوه دهد تا آن را کنترل کند. فرهنگ برای مقابله با ویروس این بار طبیعت را به یک ابژه تقلیل نمی‌دهد بلکه به آن خصلت‌های سوپژکتیو و حتی اسطوره‌ای می‌دهد و تا جای ممکن شروع به نشانه‌سازی و استعاره‌سازی از آن می‌کند».

در اینجا البته بحث‌هایی ناظر به سوژه‌سازی مدرن کرونا می‌توان انجام داد. به این عبارت که فرهنگ مدرن اگر برای ویروس خصلتی سوپژکتیو نسازد نمی‌تواند دیگری خود را قوی جلوه دهد تا آن را کنترل کند. فرهنگ برای مقابله با ویروس این بار طبیعت را به یک ابژه تقلیل نمی‌دهد بلکه به آن خصلت‌های سوپژکتیو و حتی اسطوره‌ای می‌دهد و تا جای ممکن شروع به نشانه‌سازی و استعاره‌سازی از آن می‌کند. فرهنگ‌های به خصوص دینی علاقه دارند تا مسئله را به امر قدسی نیز مرتبط سازد و ویروس را امر شر تلقی کرده و خود را برای مقابله با آن مهیا کند. استعاره‌هایی چون «مدافعان سلامت» که پیش از این برای شهدای وطن به کار برده شده بود و



یا تصویرسازی‌هایی از رزمنده و پرستار، نشانه‌های پر معنایی هستند. در واقع این کار یک عملکرد برای فرهنگ است. تمام نشانه‌های از پیش ساخته شده در فرهنگ در حافظه فرهنگی ذخیره شده است و به مثابه اندوخته‌ای برای هر فرهنگ محسوب می‌شود. فرهنگ در هر موقعیت به فراخور آن از اندوخته‌ی خود استفاده می‌کند و امر حال را با نشانه سازی جدیدی به امر گذشته ارجاع می‌دهد. البته جای تحلیل‌های انتقادی به این مسئله باز است. از جمله این تحلیل که جانشین کردن پرستار با سرباز و کرونا با دشمن متنی را می‌سازد که بافت و کانتکس آن ارجاع به یک بافت تاریخی دارد که گویای شرایط نابسامان جنگی است.

شرایط جنگی غیر قابل کنترل و پیش‌بینی است پس دولت برای فرار از بار مسئولیت مدیریت بحران، شرایط را جنگی ترسیم می‌کند، این در حالی است که بسیاری از کشورهای دنیا شرایط را بحرانی ترسیم می‌کنند تا امکان مدیریت بحران وجود داشته باشد.

همچنین استعاره سازی‌ها و شعار سازی‌هایی که در ابتدای همه گیری کرونا در ایران شکل گرفت، کاملاً برگرفته از الگوهای خارجی بود تا حدی که با واکنش سپهر دین در فرهنگ مواجه شد و کمی اصلاح پذیر گشت. به عنوان مثال شعار «کرونا را شکست می‌دهیم» شعاری بود که از ابتدا در جامعه و توسط نهاد دولت مطرح شد و تمامی بیلبردهای شهر را آذین بست. این شعار که هیچ مبنای الهیاتی و دینی ندارد ارتباط با امر قدسی را نفی کرده و قوه‌ی انسانی را برای مقابله با ویروس ملاک قرار می‌دهد. این کار باعث شد تا سپهر دین در ایران فعال شده و درخواست اصلاح این شعار را بدهد. سرانجام این شعار با «به مدد الهی کرونا را شکست می‌دهیم» جایگزین شد. در خلال این رخداد جهانی اتفاقات ویژه‌ای در ایران افتاد که در تاریخ جاودان خواهد ماند. هنگامی که فرهنگ دچار آشفته‌گی و بی‌نظمی می‌شود، سایر سپهرهای فرهنگی که داخل فرهنگ در حال تولید و تغییر هستند دچار اختلال می‌شوند. یکی از مهم‌ترین سپهرهای فرهنگ ایرانی که بی‌شک در هسته‌ی فرهنگ قرار دارد، سپهر دین بود که در اپیدمی کرونا دچار تغییرات بی‌سابقه‌ای شد. بسته شدن در حرم‌های متبر که یکی از این اتفاقات است. در



حافظه‌ی فرهنگی معمولاً هر حادثه‌ای که از کنترل خارج می‌شود اولین و شاید آخرین پناهگاه یک فرد مذهبی و مسلمان شیعه حرم‌ها باشد. در تاریخ پاندمیک در ایران آمده است که در زمان مظفرالدین شاه که طاعون سیاه به ایران هجوم آورده بود، مردم خودشان را به مساجد می‌انداختند تا اگر قرار باشد بمیرند، در یک مکان مقدس بمیرند. این البته با ضعف حکومت مرکزی در ایران پیوند عمیقی دارد. اگر دولت مرکزی اقتدار و توانایی جمع کردن اوضاع را می‌داشت شاید از این دست اتفاقات هم کمتر می‌افتاد. اما در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ که جمهوری اسلامی در آن حکومت می‌کند و مبنای نظری حکمرانی‌اش را مستخرج از فقه و قوانین اسلامی می‌داند، مجبور شد تا حرم‌ها را ببندد. این رویداد علاوه بر خاص بودن این اپیدمی و ناشناخته بودن آن یک دلیل بسیار مهم دیگر نیز می‌تواند داشته باشد. همان تششی که میان سپهر سیاست و سپهر دین در ۴۰ سال اخیر بوده است. اینکه اگر سپهر سیاسی و حکمرانی سیاسی در ایران دارای اقتدار و قدرت همه‌جانبه باشد، سپهر دین نیز تقویت می‌شود. و هر چقدر دین قوی شود سپهر سیاست نیز قدرتمند می‌شود. از آنجا که در پایان سال ۹۸ شمسی مشکلات و آسیب‌های اقتصادی بسیار شدت گرفت و نتیجه ناامیدی و نارضایتی خود را در صندوق‌های رأی نشان داد، همچنین فشار رسانه‌های بیگانه به مردم باعث این شد تا نخستین در حرم‌های متبرکه مساوی شود با بی‌کفایتی و بی‌تدبیری دولت جمهوری اسلامی. این در حالی بود که چند هفته پس از بسته شدن حرم‌ها طبق یک برآورد اعلام شد که درصد امکان ابتلا به ویروس در حرم‌ها، پایین‌ترین حد ممکن بوده است. نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که سپهرهای فرهنگی به شدت در هم متداخل هستند و در ایران این نسبت میان سپهر سیاست و سپهر دین وثیق‌تر و عمیق‌تر است. لذا این رخداد را می‌توان از جمله وقایع تاریخی ایران برشمرد که حاکی از شکاف‌های سیاسی و دینی بوده است.

در جمع‌بندی نهایی اشاره می‌شود که کرونا همان لحظه‌ای که اسمیت پیدا کرد و به یک نشانه زبانی ترجمه شد، خود را وارد سپهر نشانه‌ای فرهنگ کرده است. نحوه‌ی ترجمه و نشان‌دار کردن این ویروس حتی در



نحوه‌ی حکمرانی و مدیریت آن اثرگذار است. نشان‌داری کرونا و ویروس حتی به فرهنگ روزمره و ادبیات عامه نیز نفوذ پیدا کرده است. اصطلاح «کرونای» به عنوان یک صفت به انسان‌ها نسبت داده می‌شود. کرونا به عنوان یک متن حالا دیگر در حافظه‌ی فرهنگی حضور دارد. با این وجود کرونا دیگر یک ابژه بی‌جان در طبیعت محسوب نمی‌شود بلکه یک عنصر نشان‌دار در فرهنگ است که بر ساخت‌هایی سوپزکتیو و اسطوره‌ای پیدا کرده است. از طرفی کرونا باعث شد تا سپهرهای فرهنگ دچار بی‌نظمی و آشفتگی شدند اما در این میان سپهر دین اگرچه دچار تغییرات تاریخی شد اما از سایر سپهرهای نشانه‌ای سریع‌تر خود را به صحنه‌ی فرهنگ برگرداند. این کار را با تفسیرهای الهی از این ویروس آغاز نمود و نهایتاً خود را به ثبات رسانید.



فصل سوم

اقتصاد کرونا؛
بررسی آثار و پیامدهای اقتصادی
کرونا

بررسی تأثیرات بحران کرونا بر بازار کار ایران: دلالت‌هایی برای راهبرد «جهش تولید»

حسین سرآبادانی تفرشی

پژوهشگر هسته «عدالت پژوهی» مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

ویروس اقتصاد و پادزهر آن

عنوان آخرین سال دهه نود شمسی نیز همچون سال‌های پیشین، با اولویت مسئله «اقتصاد» از سوی رهبر انقلاب اسلامی برگزیده شد و بار دیگر همچون سال‌های ۹۱، ۹۶ و ۹۸ مقوله «تولید ملی» به‌عنوان پیشانی حل مسائل اقتصادی کشور، مورد اشاره ایشان قرار گرفت. از سال ۱۳۸۷، تقریباً عناوین همه سال‌ها با جهت‌گیری حل مسائل اقتصادی و با هدف اصلاح مسائل ساختاری اقتصاد ایران از سوی ایشان انتخاب شده است. به‌مرور افکار عمومی تأکید رهبر انقلاب بر اولویت «مسئله اقتصاد» برای انقلاب اسلامی را لمس کرد و کارهایی ولو پراکنده و غیرمنسجم آغاز شد. در میان عناوین سال، مقوله تقویت بنیه «تولید ملی»، به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی نقشه مقاومت اقتصادی و رکن توسعه پایدار، اهمیت مضاعف یافت.

تقویت بنیه «تولید ملی»، امروز نقطه اهرمی در حل بسیاری از مسائل اقتصادی کشور است و این اهمیت از دو حیث قابل توجه است: اول قبل از شیوع ویروس کرونا و دوم بعد از درگیر شدن با این بحران. در شرایطی که شاخص‌های کلان اقتصاد ملی بعد از شوک ناشی از دور جدید تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده از ۱۸ اردیبهشت ۹۷، در مسیر بهبود جزئی قرار گرفته بود، مهمان ناخوانده سر رسید. «پاندمی کرونا» امروز موتور اقتصاد جهانی را خاموش و عمیق‌ترین رکود اقتصادی سده اخیر را بر جهان تحمیل کرده است. این ویروس کمتر از سه‌دهم نانومتری، جهان را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دست‌خوش تغییر و تحول کرده تا جایی که بسیاری از نویسندگان از شکل‌گیری نظم نوین جهانی در جامعه پسا کرونا سخن می‌گویند. مهم‌ترین بخش ترسناک و هراس‌انگیز این بحران، ناشناخته بودن ابعاد احتمالی آثار و پیامدهای این بحران است؛ به گونه‌ای که امکان تحقق هر سناریویی را برای آینده ممکن می‌سازد؛ اما در برآوردهای اولیه نهادهای بین‌المللی به نظر می‌رسد اقتصاد جهانی در ۲۰۲۰ تا حدود ۴ الی ۸ درصد کوچک شده و صدها میلیون انسان بیکار شوند و در این میان فقط گذر زمان می‌تواند در مورد آینده قضاوت قطعی‌تری را ممکن سازد.

زیان ناشی از کرونا در اقتصاد ایران نیز، در سه سناریو خوش‌بینانه، متوسط و بدبینانه به ترتیب معادل ۹، ۱۳ و ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشور برآورد شده است.^۱ در جهان، آخرین گزارش «سازمان بین‌المللی کار»^۲ از تأثیر کرونا بر «جهان کار» تا لحظه نگارش این سطور، در ۲۰ آوریل ۲۰۲۰ منتشر شده است. حسب این گزارش، کرونا تاکنون ۱۹۵ میلیون شغل تمام‌وقت، استاندارد و رسمی را به‌صورت کامل از بین برده و تا مرز یک میلیارد شغل را به‌صورت مستقیم تحت تأثیر خود قرار داده است. حسب



۱۲۸

۱- اعداد این سه سناریو از ۳۱۲ هزار میلیارد تومان تا ۵۴۲ هزار میلیارد تومان می‌رسد. برای بزرگی این عدد، می‌توان این مقایسه را لحاظ کرد که کل ماجرای اعتراضات بنزینی در آبان ۹۸، در شوک قیمتی برای افزایش درآمدهای دولت، مقیاسی به‌اندازه ده درصد سناریوی خوش‌بینانه دارد. منبع: گزارش بررسی تبعات شیوع کرونا به نقل از اتاق بازرگانی اصفهان.

این گزارش، معادل ۶/۷ درصد از کل ساعات کاری در جهان کاهش یافته و از هر پنج کارگر در سطح جهان، بیش از چهار نفر آن‌ها از تعطیلی‌های کرونایی تأثیر پذیرفته‌اند. کارگران روزمزد بخش غیررسمی که ۶۱ درصد از نیروی کار جهانی با دو میلیارد نفر را تشکیل می‌دهند، در صورت از بین رفتن شغل‌های خود، برای بقای خود و خانواده‌هایشان، به پشتیبانی پولی نیاز دارند. در این گزارش، آن دسته از مشاغل در جهان که به‌سختی آسیب دیده‌اند عبارت‌اند از: هتلداری و خدمات غذا، تولید، خرده‌فروشی و خدمات تجاری و فعالیت‌های اداری^۱.

پادزهر چنین شرایط تحمیلی به اقتصاد کشور که هم در گیر بحران کرونا است، هم مسائل ساختاری-تاریخی و هم تحریم‌های ظالمانه، تمرکز بر مقوله حفظ، پایداری و «جهش تولید» است. جهش تولید، رمز اصلی تاب‌آوری اقتصاد و جامعه ایران در سال ۹۹ است تا از این روزهای توأم با شوک کرونا، تحریم و مسائل قدیمی اقتصاد کشور رها یابد. در این میان، نقش «بازار کار» در جهت تحقق «جهش تولید» از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. «بازار کار» به‌صورت مستقیم با نحوه تسهیم منافع میان «کار و سرمایه» در نظام اجتماعی و اقتصادی مرتبط است. نقش تعیین‌کننده «بازار کار» به‌عنوان یکی از زمینه‌های توزیع نهاده‌های تولید از سویی، و تأکید بر کرامت و اهمیت کار انسانی به‌عنوان پیشران توسعه اجتماعی از سوی دیگر اهمیت این بازار را مضاعف می‌سازد. بازار کار از سویی به اقتصاد خانوار و معیشت عموم افراد جامعه از محل کسب درآمد مرتبط است و از سوی دیگر یکی از پایه‌های اصلی رونق و توسعه تولید ملی در یک کشور است.



آنچه نظام تصمیم‌گیری ملی و البته افکار عمومی در انتهای سال ۹۸ و ابتدای سال ۹۹ در دوگان «جان-نان» یا «اقتصاد-سلامت» به آن پرداخت، نیز به خصوصیات «بازار کار» مرتبط است. «بازار کار»، اجتماعی‌ترین بازار اقتصاد است؛ زیرا از سویی به درآمد خانوار و از سوی دیگر به مهم‌ترین مؤلفه در شکل‌گیری «جهش تولید»؛ یعنی عنصر «سرمایه انسانی» مرتبط است.

هر تصمیم در مورد قرنطینه منطقه‌ای، شهری یا ملی یا آزادی‌های تحت پروتکل‌های بهداشتی برای کسب و کارها به صورت مستقیم با این قلمرو مرتبط است. از سوی دیگر، وجود عامل «انسان» در بازار کار، جایگاه این بازار را نسبت به دیگر بازارها همچون بازار کالا، بازار پول و بازار سرمایه متمایز کرده است؛ به گونه‌ای که حتی به کار گرفتن اصطلاح «بازار» نیز برای آن با نوعی تسامح صحیح در نظر گرفته می‌شود.

معیشت-اشتغال: دو عنصر اساسی

اما دو عنصر محوری در «بازار کار» از حیث اجتماعی وجود دارد: اول معیشت (دستمزد) و دوم اشتغال. این دو عنصر بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند و در مواردی نیز از سوی برخی در تراحم دیده می‌شوند. بخش عمده درآمد خانوار از محل درآمد ناشی از کار است و از این حیث به صورت مستقیم با «معیشت» طبقات کم درآمد و متوسط شهری ارتباط تنگاتنگ دارد؛ تا جایی که بر اساس برآوردها، بیش از ۷۰ افراد در سه دهک ابتدایی (فقیر) جامعه، از شاغلین بازار کار هستند^۱. از این جهت، یکی از پدیده‌های مهم بازار کار ایران پدیده «شاغلین فقیر» است. «دستمزد»، مقوله‌ای اقتصادی-اجتماعی است که با معیشت افراد مزدبگیر در جامعه پیوند دارد. دستمزد از منظر کارفرمایان و تولیدکنندگان، یکی از هزینه‌های تولید است؛ اما این همه واقعیت پیرامون ماهیت دستمزد نیست. مُزد، منبع درآمد افراد زیادی از جامعه است که از طریق آن امرار معاش آن‌ها صورت می‌پذیرد. در بیان تصویری از پدیده شاغلین فقیر، ذکر این نکته کافی به نظر می‌رسد که حسب محاسبات نویسنده، همواره درصد حداقل دستمزد در بازار کار ایران، به حتی ۴۰ درصد متوسط هزینه خانوار شهری بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران نرسیده است^۲. این موضوع در شکاف میان دریافتی کارگران با سبد معیشت که در سال‌های اخیر از سوی شورای عالی کار محاسبه می‌گردد، نیز قابل رؤیت



۱ - چکیده گزارش «فقر و نابرابری و رفتار پس‌انداز خانوار»، داود سوری و همکاران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۲ - در این محاسبه حداقل دستمزد مصوبه شورای عالی کار در سالیان گذشته، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه متوسط خانوار شهری حسب گزارش «هزینه و درآمد خانوار» مرکز آمار ایران است.

است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۹، در حالی که کمیته معاش وزارت کار، سبد معیشت یک خانوار کارگری با بُعد ۳,۲ را ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین کرد، کل دریافتی کارگران تنها در بهترین حالت خود ۵۵,۶ درصد از این عدد را تحت پوشش خود قرار می دهد^۱. لذا بررسی وضعیت معیشتی شاغلین بازار کار نشان می دهد که در حال حاضر جمع کثیری از شاغلین در تأمین نیازهای اساسی و حداقل معیشت دچار مشکل هستند.

از سوی دیگر «بیکاری» با همه پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از ابر چالش های اقتصاد ملی ما در «بازار کار» شده است. متأسفانه «بیکاری» تبدیل به یکی از نقاط کاهش «تاب آوری ملی» در اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ به خصوص که ماهیت بیکاری در ایران منطقه ای، جنسیتی، جوانانه و دانشگاهی شده است؛ بدین معنا که نرخ بیکاری عمدتاً در مناطق محروم، در بخش زنان، در گروه سنی جوانان و در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی رشد چشم گیری یافته است^۲. لذا اشتغال تبدیل به یکی از دغدغه های نظام سیاست گذاری کشور در سال ۱۳۹۹ شده است.

سطوح اثر گذاری کرونا بر اقتصاد ملی و بازار کار

حال در این شرایط، ویروس شماره ۱۹ در سه سطح شروع به تأثیر گذاری در سیستم تنفسی اقتصاد ملی کرده است و شرایط تحریمی و اشکالات ساختاری و تاریخی نظام اقتصادی نیز «سیستم ایمنی» این بدن را به کمترین حد ممکن رسانده است:

اول، سطح اقتصاد کلان با تأکید بر وضعیت بودجه عمومی دولت و وضعیت تجارت خارجی



۱ - اظهار نظر «وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی» بعد از مصوبه تعیین حداقل مزد ۹۹ در جلسه شماره ۲۹۱ شورای عالی کار مندرج در سایت این وزارتخانه.

۲ - به عنوان مثال، در آخرین گزارش «نیروی کار» برای زمستان ۹۸ نرخ بیکاری جوانان حدود دو و نیم برابر نرخ بیکاری کل، نرخ بیکاری دانشگاهیان حدود ۶۰ درصد بیشتر از نرخ بیکاری کل و نرخ بیکاری زنان حدود هشتاد درصد بیش از نرخ بیکاری کل است. برای اطلاعات تفصیلی به «گزارش نیروی کار زمستان ۹۸» مرکز آمار ایران مراجعه کنید.

دوم، سطح بنگاه‌ها و کسب‌وکارها از طریق شوک عرضه (اختلال در زنجیره تأمین) و شوک تقاضا

سوم، اقتصاد خانوار با تأکید بر تغییر سبد مصرفی و درآمدی خانوار کووید ۱۹، حالا به ریه‌های «بازار کار» و بنگاه‌های تولیدی کشور وارد شده و قصد ضربه زدن به دو پایه اساسی مورد اشاره در «بازار کار ایران»، یعنی «معیشت» و «اشتغال»، را دارد و این ضربه از طریق این سه سطح در حال اثرگذاری است:

در سطح اول، کرونا با تحریم‌های ظالمانه آمریکا همدست شده و دولت را در تأمین منابع مورد نیاز برای ایفای نقش حاکمیتی خود در شرایط بحران با دشواری‌هایی روبرو ساخته است. کاهش درآمدهای نفتی بعد از شوک ناشی از میزان فروش از اردیبهشت ۹۷، حالا دچار شوک ناشی از افت قیمت نفت شده و قیمت نفت به کمترین سطح خود در ۱۸ سال گذشته رسیده است.^۱ علاوه بر آن، به صورت طبیعی درآمدهای مالیاتی دولت نیز با کاهش شدید در عصر تعطیلی کسب‌وکارها و رکود روبرو شده است، این در حالی است که مخارج مصرفی و حمایتی دولت در حمایت از اقشار کم‌درآمد و هزینه‌های بهداشتی افزایش شدید یافته است. این شرایط ساختاری یک قید بودجه را بر تمام انتخاب‌های دولت سایه افکنده است.^۲

اما در سطح بنگاه و کسب‌وکار، در اثر شوک کرونا، هر دو بخش عرضه و تقاضای بازار کار با کاهش شدید روبرو است. تعطیلی و کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی منجر به تعدیل نیرو و کاهش تقاضای کار شده و عرضه

۱- در شرایط کف قیمت نفت، درآمد خالص روزانه دولت از محل صادرات نفت حدود ۶ میلیون دلار برآورد کرد. این رقم در ابعاد سالانه به معنای درآمد خالص ۲ میلیارد دلاری دولت ایران از فروش نفت است. این در حالی است که دولت در سند بودجه سال ۱۳۹۹ درآمد حاصل از صادرات نفت را ۴۸ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی کرده که بر پایه نرخ ۴۲۰۰ تومانی دلار رسمی معادل ۱۱۰۴ میلیارد دلار خواهد بود. به عبارت دیگر تأمین درآمد پیش‌بینی شده دولت در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ بر اساس دلار رسمی مستلزم فروش روزانه بیش از ۷۰۰ هزار بشکه نفت است.

۲- لازم به ذکر است که در همان هنگام بررسی سند لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ در آذر و دی‌ماه ۹۸ و پیش از وقوع شیوع کرونا، برآورد اولیه از کسری تراز عملیاتی بودجه دولت به صورت قطعی و به میزان ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت حکایت داشت.



کار نیز، چه مستقیماً با درگیر شدن بخشی از نیروی کار با بیماری و چه غیرمستقیم با اقدامات «خود مراقبتی» و کاهش تعاملات اجتماعی، کاهش یافته است. آنچه به صورت اولیه برای سال ۱۳۹۹ برای بازار کار پیش‌بینی می‌شود، پدیده کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و کاهش جمعیت شاغلین است. حسب برآورد اولیه «وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی» در اسفندماه، کسب و کارهایی که مستقیماً از بحران کرونا متأثر شده‌اند و فعالیت آن‌ها به شدت کاهش یافته، ۴۸۳۸۴۸۲ نفر معادل بیست درصد کل شاغلین کشور را شامل می‌شود.^۱

در بخش ساختاری، «بازار کار ایران» از انعطاف‌پذیری و چسبندگی بهینه و متعادل به طور هم‌زمان برخوردار نیست. معمولاً «انعطاف‌پذیری» در بازار کار به معنای قدرت مانور و اقدام کارفرما در بازار کار نسبت به موضوعات حساس در بازار کار همچون «استخدام و اخراج» نیروی کار، میزان و نحوه تعیین دستمزد، شرایط کاری و ساختار قراردادهای کار تعریف می‌شود. انعطاف دستمزد، انعطاف در جذب و اخراج نیروی کار و انعطاف در قراردادهای موقت از جمله گونه‌های مختلف انعطاف در بازار کار است که در خط‌مشی‌های مبتنی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری تلاش می‌شود ساختار بازار کار به خود بگیرد. چنین معنایی از «انعطاف» در بازار کار همواره با مخالفت شدید کارگران روبرو بوده است. به باور آن‌ها، این انعطاف در بازار کار ضمن خدشه به امنیت شغلی کارگران، موجب کاهش عمومی دستمزدها در بازار کار، رونق قراردادهای موقت، توسعه اخراج‌های گسترده و بی‌ضابطه نیروی کار و درنهایت به خطر افتادن معیشت خانواده کارگری خواهد شد. از سوی دیگر چسبندگی‌های گوناگون در بازار کار نیز همواره مورد مخالفت تولیدکنندگان بوده و از نحوه تعیین دستوری حداقل دستمزد و ممانعت در اخراج و تعدیل نیروی انسانی به عنوان شواهد این چسبندگی یاد می‌کنند. دولت نیز به عنوان بازیگر تسهیلگر و میانجی در بازار کار (اگر دولت را تسخیر شده توسط یکی از دو بازیگر ندانیم)، وظیفه تنظیم‌گری بازار جهت تحقق کارایی و عدالت اجتماعی را بر عهده دارد.



۱- گزارش «درآمدی بر آثار شیوع ویروس کرونا بر اقتصاد ایران»؛ ویراست اول، معاونت امور اقتصادی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، اسفند ۹۸.



در چنین بستری و به خصوص در شرایطی مانند بحران کرونا، به نظر می‌رسد انعطاف باید کارآ و عادلانه باشد. ساختار بازار کار منعطف اما عادلانه به گونه‌ای است که ضمن در نظر گرفتن شرایط رقابتی اقتصاد، در تلاش است تا جهت حمایت از کرامت انسانی، این تغییرات موجب نوسانات عمده در وضعیت معیشت طبقه کارگر نشود. در عموم کشورهای توسعه یافته، نظام‌های حمایتی و جبرانی برای ساختارهای انعطاف‌بخش در بازار کار طراحی و پیاده‌سازی می‌شود؛ گرچه این سازوکارها در میان کشورهای جهان متفاوت است. به عنوان مثال، در کشورهای آنگلو ساکسون همچون آمریکا که ساختار بازار کار به شدت منعطف است، سازوکارهای حمایتی به صورت تمام حداقلی است؛ اما در کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شمالی (مشهور به کشورهای اسکاندیناوی) نظام جبرانی و حمایتی حداکثری وجود داشته و ساختار بازار کار از نوعی سختی و چسبندگی برخوردار است. در هر دو رویکرد اروپایی یا آمریکایی، اصل نظام جبرانی و حمایتی پذیرفته شده است. «بیمه بیکاری» یکی از عناصر مهم در ساختار نظام جبرانی و حمایتی در جهت انعطاف بخشی به بازار کار است که بر اساس میزان، دوره پرداخت و گستره تحت پوشش در میان کشورهای مختلف جهان، اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد. باین حال، همین سازوکارهای مرسوم نیز در واکنش به بحران کرونا با بن بست روبرو شده‌اند. در رخدادی بی سابقه، میلیون‌ها نیروی کار در چند هفته درخواست بیمه بیکاری کرده‌اند که در قرن گذشته بی سابقه بوده است و این امر برای کشورهای که از این حیث نهادی دشواری‌های بیشتری دارند، به شکل تصاعدی افزایش می‌یابد.^۱

تصویری از بازار کار ایران و چرایی آسیب پذیری آن

بررسی داده‌های مرتبط با فصول اخیر «بازار کار ایران»، میزان و قابلیت تاب آوری این بازار را در برابر شوک کرونا عیان می‌سازد. حسب داده‌های

۱- آمارهای رسمی وزارت کار ایالات متحده نشان می‌دهد تنها در هفته اول آوریل حدود ۶۶ میلیون آمریکایی برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده‌اند. بدین ترتیب بیش از ۱۶ میلیون آمریکایی در روزهای ابتدایی آوریل بر اثر شیوع کرونا بیکار شده و خواستار بیمه بیکاری شده‌اند. چنین حجمی برای مراجعه به بیمه بیکاری، هر ساختار حمایتی را با اختلال روبرو می‌کند.

فصول اخیر «گزارش نیروی کار» در مرکز آمار ایران، عمده افراد تازه‌وارد به «جمعیت فعال» بازار کار ایران را زنان، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، متولدین دهه هفتاد شمسی و ساکن در مناطق شهری تشکیل می‌دهند که به معنای تغییرات ساختاری- جمعیت‌شناختی در عرضه نیروی کار در ایران است. از این جمعیت تازه‌وارد به «جمعیت فعال» بازار کار ایران، بیش از ۷۰ درصد شاغل شده‌اند و حدود ۳۰ درصد به جمعیت بیکاران کشور افزوده شده است. جمعیت چندمیلیونی اضافه‌شده به شاغلین کشور از سال ۹۳ تاکنون چند ویژگی مهم دارند که بر مسئله «تاب‌آوری» در برابر شوک‌های درون‌زا و برون‌زا اقتصادی مؤثر است:

اول آنکه این جمعیت میلیونی اضافه‌شده به شاغلین کشور در حالی است که رشد اقتصادی (به معنای افزایش تولید کالا و خدمات در کشور) در سال‌های ۹۳، ۹۴، ۹۷ و ۹۸ منفی بوده و رشد اقتصادی سال‌های ۹۵ و ۹۶ نیز عمدتاً محصول گشایش‌های ناشی از افزایش فروش نفت بوده است؛ به عبارت دیگر کشور در دهه نود شمسی، یا با رشد منفی اقتصادی روبرو بوده یا رشد اقتصادی آن فاقد کیفیت اشتغال‌زایی بوده است.

نکته دوم رفع تناقض نکته اول است. اگر شرایط رشد اقتصادی بدین منوال بوده است، پس افزایش بیش از سه و نیم میلیون نفر به جمعیت شاغلین کشور چگونه قابل توجیه است؟^۱ پاسخ به این ابهام در تبیین خصوصیات جمعیت‌شناختی و اقتصادی همین تازه‌واردان به بازار کار قابل بررسی است. این خصوصیات به قرار زیر است:

۱- البته این افزایش عمدتاً متعلق به بازه سال‌های ۹۳ تا ابتدای ۹۷ است. توضیح بیشتر آنکه مقایسه گزارش وضعیت بازار کار میان زمستان ۹۸ با زمستان ۹۷ نشان می‌دهد گرچه نرخ بیکاری ثابت مانده است، اما یک میلیون نفر بی‌خیال پیدا کردن کار شدند و به اصطلاح با خروج از جمعیت فعال اقتصادی، به بخش جمعیت غیرفعال افزوده شده‌اند. افزایش جمعیت غیرفعال به معنای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و یکی از علائم و مشخصه‌های رکود است. حسب همین مقایسه مشخص می‌شود تنها حدود ۵۰ هزار نفر نسبت به زمستان ۱۳۹۷ اضافه‌شده است که از جمله کمترین تعداد افزایش شاغلان در دهه ۱۳۹۰ است. ضمن اینکه لازم به ذکر است گزارش نیروی کار زمستان ۹۸ قبل از شیوع کرونا محاسبه شده و طبق استاندارد سازمان بین‌المللی کار این داده‌ها برای دومین ماه فصل (بهمن‌ماه) است.



آنکه در میان وضع‌های شغلی مختلف در بازار کار، گروه «کارکنان مستقل» کسانی هستند که نه مزدبگیر بخش خصوصی و عمومی هستند و نه کسی را به استخدام درآورده‌اند. مثال بارز این دسته از کارکنان در این بازه زمانی، شاغلین فعال در تاکسی‌های اینترنتی هستند که طبق برخی برآوردها، تا پانصد هزار نفر در این سال‌ها بدین شکل وارد بازار کار شده‌اند.

دو: بیش از ۶۵ درصد این شاغلین تازه‌وارد به بازار کار، جذب بنگاه‌های کوچک کمتر از ۴ نفر شده‌اند؛ بنگاه‌هایی که عمدتاً در بخش «خدمات» حضور داشته و در خرده مشاغل خدماتی حضور دارند. نکته مهم آن است که حسب داده‌های تفصیلی بازار کار ایران در سال ۱۳۹۷ (داده‌های سال ۹۸ تا این لحظه انتشار نیافته است)، بیش از ۱۵ و نیم میلیون نفر از شاغلین کشور در بنگاه‌های ۱ تا ۴ نفره حضور دارند.^۱

سه: سهم «اشتغال ناقص» در میان این تازه‌واردها افزایش یافته و بخش بیشتری نسبت به نرخ متداول بازار کار ایران، کار تمام‌وقت و استاندارد پیدا کرده‌اند. نکته مهم‌تر آن که تنها ۳۵ درصد از این شاغلین تازه‌وارد بیمه شده‌اند و بیش از ۶۵ درصد آن‌ها فاقد پوشش بیمه و بهره‌مندی از مواهب آن هستند.^۲

چهار: همان‌طور که اشاره شد، حضور بیشتر گروه‌های اجتماعی زنان، دانشگاهیان، جوانان و شهرنشینان تغییرات زیادی در چهره بازار کار ایران رقم زده است که از حیث ساختاری حائز اهمیت است. مهم‌ترین آن این است که در دانش «اقتصاد توسعه» چنین مطرح می‌شود که هزینه فرصت مشارکت سیاسی در میان طبقه جوان، دانشگاهی و شهری بیکار تقریباً صفر است و این امر حامل آثار اجتماعی، امنیتی و سیاسی برای جامعه امروز است.

بنابراین اشتغال فصول اخیر در بازار کار ایران در عصر آغاز بحران کرونا، از کمترین تاب‌آوری در برابر شوک‌های برون‌زا حکایت می‌کرد. اشتغال

۱ - این داده‌ها برگرفته از اشتغال کل کشور در سال ۱۳۹۷ برحسب اندازه بنگاه‌ها و بر اساس داده‌های تفصیلی بازار کار ایران در سال ۱۳۹۷ است.

۲ - برگرفته از گزارش معاونت اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۴۳۱.

ایجاد شده عمدتاً نه در بخش شرکتی یا رسمی بلکه توسط بخش غیرشرکتی و با تمرکز بر حوزه خدمات مانند خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات، حمل‌ونقل، واسطه‌گری و خدمات مواد غذایی بوده است. شغل‌هایی که با کمترین پایداری، فاقد پوشش بیمه (به‌خصوص بیمه بیکاری در شرایط بحرانی)، در بنگاه‌های کوچک با بیشترین آسیب‌پذیری به‌خصوص در حوزه خدمات و عمدتاً در بافت شهری ایجاد شده است.

آنچه بعد از شیوع ویروس کرونا به تدریج در مورد بحران بیکاری اشاره شد، معلول این خصوصیات در ساختار بازار کار بود. به این خصوصیات مؤلفه دیگری نیز به لحاظ «جامعه‌شناسی کار» باید افزود و آن‌هم پدیده افزایش گروه «بیکاران قبلاً شاغل» است. بین کسانی که بیکار بوده‌اند با فردی که شاغل بوده و اینک بیکار شده، به‌حسب ظاهر و آمار تفاوتی نیست و هر دو بیکار هستند؛ اما از منظر اقتصاد اجتماعی و اقتصاد توسعه، کاملاً میان این دو گروه تفاوت وجود دارد. فرد شاغلی که شغل خود را از دست می‌دهد، تعهدات و برنامه‌ای برای زندگی خود طراحی کرده است که با از دست دادن شغل، اصلاً امکان تاب‌آوری در این شرایط جدید را ندارد. در جامعه اجتماعی ایران، افراد معمولاً به هویت جمعی و مفهوم «آبرو» در گذران معاش زندگی بسیار حساس و در عین حال در صورت شوک اقتصادی، آسیب‌پذیر هستند.

طبق برآوردهای دولت^۱، در اثر شیوع ویروس کرونا نزدیک به ۳/۳ میلیون نفر از شاغلین رسمی کشور به‌صورت مستقیم در معرض آسیب قرار گرفتند. بیش از ۱/۵ میلیون کارگاه رسمی و غیررسمی دچار توقف فعالیت شده‌اند و ۴ میلیون شاغل غیررسمی کشور در معرض اخراج یا کاهش دستمزد قرار گرفته‌اند. حدود ۱۲ میلیون شاغل فعال در بازار کار ایران که معادل بیش از نیمی از شاغلین کل کشور است، در بخش خدمات فعالیت دارند و آثار اولیه بیکاری در ده رسته از این بخش دیده می‌شود. تنها چند هفته بعد از راه‌اندازی سامانه ثبت بیمه بیکاری در کشور، ۶۰۰ هزار نفر ثبت‌نام کردند که رویدادی مشابه در سایر اقتصادهای جهان در اثر شیوع کرونا است. به‌صورت



کلی شناخت از سهم بخش‌های اقتصادی، برآوردی از میزان آسیب‌پذیری تولید در بخش‌های مختلف را در اختیار سیاست‌گذار قرار می‌دهد. ویروس کرونا منجر به تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارهای حوزه خدمات گشته و این بخش ۵۰ درصد از بار ارزش افزوده کل اقتصاد را به دوش می‌کشد؛ بنابراین اثر قابل توجهی بر تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ خواهد داشت.

جهش تولید، لازمه افزایش تاب‌آوری بازار کار

حال اهمیت «جهش تولید» برای دو عنصر اصلی در بازار کار، یعنی تحقق «معیشت مناسب» و «اشتغال پایدار» مشخص می‌شود. «نظام تولید» دارای ورودی‌هایی است که کلیت فعالیت این مجموعه را به مثابه سیستم حفظ می‌کند. این ورودی‌ها حسب ادبیات اقتصاد متعارف، درواقع نهاده‌های تولید هستند. منابع طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، نیروی کار فیزیکی، سرمایه انسانی، کارآفرینی، مهندسی و طراحی (سرمایه دانشی) و سایر مواد اولیه و نهاده‌های تولید در کنار یکدیگر و به فراخور نوع محصول در این نظام دخالت دارند. صاحبان این نهاده‌ها حسب مناسبات و روابطی با یکدیگر در تعامل هستند. در تاریخ اندیشه اقتصادی در سده‌های گذشته، پرسش مهم نحوه سهم‌بری هر کدام از این صاحبان عوامل تولید از ارزش ایجادشده بوده است؛ به عبارت دیگر، دستاوردهای نظام تولید ملی حسب چه ترتیبات نهادی تقسیم و توزیع می‌گردد و سهم هر کس از صاحبان نهاده‌های تولید از کیک بزرگ تولید در یک کشور چقدر است؟ بدون تردید سهم‌بری عادلانه آن است که هر کدام از صاحبان نهاده‌های تولید به تناسب ارزشی که خلق کرده است، از برخورداری‌های نهایی نظام تولید نیز بهره‌بردار. آنگاه که ورودی‌ها با ستاده‌ها و شایستگی‌ها با برخورداری‌ها تطابق نداشته باشد، مناسبات مبتنی بر عدالت (که منجر به تعاملات همکارانه و مولد می‌شود) به مناسبات مبتنی بر ظلم (که منجر به تعاملات مبتنی بر ستیز و نامولد می‌شود) تبدیل خواهد شد. نظام تولیدی به تعبیر اقتصاددانان وارد بازی حاصل جمع صفری می‌شود که قابل تداوم نخواهد بود. رمز تداوم تعاملات مولد، شکل‌گیری تعاملات حول رعایت حقوق همه بازیگران و رسیدن هر کس به حق وضع‌شده برای



اوست. در چنین شرایطی است که «جهش تولید» تحقق می‌یابد. نظام تولید در کشور تا تحقق مناسبات عادلانه فاصله دارد. به عنوان مثال حتی اگر «دستمزد» را یک هزینه برای بنگاه‌های تولیدی تلقی کنیم که باید برای افزایش سود به حداقل ممکن برسد، سهم هزینه دستمزد نیروی کار در کل هزینه تمام‌شده در بنگاه‌های تولیدی به‌طور میانگین بین ۸ تا ۱۷ درصد است و این عدد در بیشترین سهم خود در بخش خدمات که حوزه‌ای اصالتاً کاربر است، به حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد می‌رسد. این عدد نشانگر آن است که کارگر ایرانی از جمله کشورهای با پایین‌ترین سطح دستمزدی در میان کشورهای جهان است. شاخص مهم دیگر جهت برآورد عدالت اجتماعی در بازار کار، نسبت «دستمزد به بهره‌وری نیروی کار» در کشور است. میانگین کلی این شاخص در دهه گذشته حدود ۳۰ درصد بوده است؛ این بدان معناست که کارگر ایرانی حدود یک‌سوم بهره‌وری خود دستمزد دریافت می‌کند.^۱ این نظام تولیدی بنا به عقلانیت و خردی که حتی سرمایه‌داری مدرن نیز حدود صدسال قبل به آن رسید، قابل تداوم نیست؛ زیرا نظام اقتصادی یک شبکه به هم مرتبط است: تولید، مبادله و مصرف. اگر به عنوان مثال سهم کارگر به عنوان یکی از صاحبان نهاده‌های تولید به اندازه ارزش ایجادشده او نباشد، علاوه بر آنکه عدالت اجتماعی شکل نگرفته و انباشت سرمایه برای اقلیت رقم می‌خورد، به چرخه اقتصاد نیز صدمه می‌زند؛ زیرا کاهش قدرت خرید آن‌ها، در حقیقت کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان خروجی‌های این نظام تولیدی است و این مسئله خود به خود به کاهش خرید محصولات صاحبان بنگاه تولیدی منجر می‌شود.



واضح است که اگر تعاملات در نظام تولیدی را در بلندمدت و در یک تداوم زمانی مشاهده کنیم، در تحلیل آنچه رقم می‌خورد کمی متفاوت‌تر از حالت ایستا عمل می‌کنیم. خانواده چند ده‌میلیونی کارگران ایرانی خریداران بالقوه کالای بنگاه‌های تولیدی هستند؛ اما ضعف در قدرت خرید منجر به شوک تقاضا به بخش تولید کشور می‌شود. از این جهت برخلاف نگرش‌هایی

۱- برای مطالعه به کتاب «شاخصی برای عدالت» نوشته خاندوزی، مصطفوی و سرآبادانی (۱۳۹۸) مراجعه نمایید.

که برای «جهش تولید» خواهان کاهش دستمزدها یا افزایش انعطاف بنگاه‌ها برای اخراج و تعدیل نیروی کار است، باید گفت این مسیر منجر به تشدید شوک تقاضا و کاهش درآمد خانوار و به تبع افت تقاضا از بنگاه‌های تولیدی خواهد شد.

«جوزف استیگلتز»^۱، در یادداشتی انتقادی به وضعیت اقتصاد ایالات متحده با اشاره به سازوکارهای ناعادلانه در نظام اقتصاد جهانی مبتنی بر مناسبات سرمایه‌داری به این موضوع اشاره می‌کند که شرکت‌های آمریکایی در پاسخ به «همه‌گیری کرونا»، کارگران را به راحتی اخراج یا تعدیل می‌کنند؛ اما هنوز به صورت منظم و مرتب، سود سهام خود را به صاحبان سرمایه پرداخت می‌کنند و سهام خود را در بازار سرمایه خریداری می‌کنند.^۲ متأسفانه نتولیرال‌های وطنی بر این باور پافشاری می‌کنند که برای اشتغال‌زایی باید بخش عمده درآمد ملی در دست کارآفرینان تولیدی متمرکز شود تا تمایل و توان کارآفرینی پیدا کنند. اما امروز در دانش «اقتصاد توسعه» در تبیین علل ایجاد اشتغال، به این نکته تأکید می‌شود که آنچه اشتغال می‌آفریند نه طبقه کارآفرین بلکه تقاضاست؛ وقتی تقاضایی در کار باشد، کسب و کارها اشتغال می‌آفرینند تا آن تقاضا را برآورد کنند. بخش عمده این پدیده نیز معلول «میل نهایی به مصرف»^۳ بالا در طبقه کارگر و کم‌درآمد، برخلاف طبقات فوقانی جامعه است که «میل نهایی به پس‌انداز»^۴ بیشتری دارند.



۱۴۰

نقش دولت در راهبری تولید و ارتقای تاب‌آوری بازار کار

در شرایط کنونی نقش دولت در مدیریت بحران و سیاست‌های بازار کار بیش از گذشته مورد توجه است. پاندمی کرونا، «همه‌گیری سوسیالیسم» یا نوعی بازتعریف نقش دولت را با خود به همراه آورده است. شوک عرضه و تقاضای نیروی کار و به تبع تأثیر آن بر بازار کالا و خدمات، به تدریج زنجیره عرضه جهانی را متأثر کرده و در نهایت این اختلال‌ها، سیستم مالی اقتصاد

1- Joseph Stiglitz

2- Stiglitz: How the U.S. economy recovers from COVID-۱۹ hinges on Americans' debt.

3- Marginal propensity to consume.

4- Marginal propensity to saving.

جهانی را دست‌خوش تغییر کرده است.

در جهان تجربه‌های مختلفی از اعمال سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در بازار کار در این شرایط دیده می‌شود: از تعیین غرامت و دریافت نقدی برای افرادی که در اثر بحران، شغل و درآمد خود را از دست داده‌اند تا شیوه‌های تقویت صندوق‌های بیمه بیکاری. به عنوان مثال در کشور «دانمارک» سیاست انجماد اقتصاد برای ۳ ماه و پرداخت ۷۵ درصد حقوق به شرط اخراج نشدن نیروی کار پیشنهاد شده است. حسب این طرح، دولت دانمارک موافقت کرد تا هزینه حقوق کارمندان شرکت‌های خصوصی را تا زمانی که درگیر کرونا هستند پرداخت کند. این موضوع شامل حال شرکت‌هایی می‌شود که از پس هزینه‌های کارمندان خود بر نمی‌آیند. اگر یک شرکت اعلام کند که باید ۳۰ درصد یا ۵۰ نفر از کارگران خود را اخراج کند دولت موافقت کرده است که ۷۵ درصد از حقوق کارگران را تا ۲۸۲۸ دلار در ماه بر عهده بگیرد.^۱ سیاست «فریز کردن اقتصاد» با این فرض است که همه این افراد تا چند ماه آینده قادر به کار نیستند. علت اتخاذ این سیاست به جهت خصوصیت پیچیدگی یادگیری و اهمیت «خصوصیت مهارت‌ها/دارایی‌ها»^۲ در بازار کار است؛ از این جهت، دولت از شرکت‌ها می‌خواهد که رابطه خود را با کارگزارانشان حفظ کنند. اگر شرکت‌ها مجبور باشند نیروی کار خود را اخراج کنند، بازیابی آن نیروی کار سخت‌تر می‌شود؛ چرا که باید وقت خود را برای استخدام کارگرانی که اخراج شده‌اند بگذارند. خصلت ذاتی رکود ناشی از کرونا نیز با اتخاذ این سیاست همراه است؛ زیرا رکود ناشی از کرونا، اساساً یک رکود ناشی از شوک برون‌زا به سیستم اقتصادی است (۱۴۱) و با بحران مالی ۲۰۰۸ یا حتی رکود بزرگ در دهه سی میلادی در سده بیستم تفاوت ماهوی دارد. خصلت این رکود آن است که در صورت کنترل و مهار اپیدمی، به سرعت بازسازی اقتصادی و ساخت مجدد مشاغل فراهم

۱- به نقل از گفتگوی «درک تامپسون» با «فلیمینگ لارسن»، استاد مرکز تحقیقات بازار کار در نشریه آتلانتیک، به نقل از پایگاه انتخاب.

2- Asset specificity/skill.

می‌شود و نیروی انسانی با مهارت خاص آن بنگاه، یک مزیت رقابتی مهم در عصر بازسازی پسا رکود است. با این حال برخی کشورها، مانند آلمان، از طرح پرداخت مشترک دستمزد دولت با کارفرما (دولت به شرکت‌ها پرداخت حمایتی دارد) و برخی، مانند آمریکا، از طرح کاهش ساعات کاری برای بقای نیروی کار در بنگاه سخن گفته‌اند.

دولت در کشور ما، در هفته‌های ابتدایی بحران اعلام کرد که از گروه‌های کم‌درآمد بازار کار (شامل بیکاران، کارگران فصلی و روزمزدی و شاغلان در مشاغل غیررسمی) حمایت معیشتی می‌کند که این حمایت شامل گونه‌های مختلف کمک معیشتی بلاعوض، وام‌های با نرخ سود ترجیحی و برخی تعویق‌های پرداخت هزینه‌های خدمات اجتماعی بوده است. با این حال علاوه بر نیاز به ارتقای کمیت و کیفیت مناسب‌تر این حمایت‌ها، لحاظ کردن کانون اصابت و افزایش دقت در رسیدن به جامعه هدف در کمک‌های حمایتی دولت حائز اهمیت است. شرط رسیدن به جهش تولید، گذر از این شرایط و حفظ نیروی کار مولد و زحمت‌کش برای نظام تولیدی کشور برای دوران پسا کرونا است و علاوه بر مبانی اسلامی و اعتقادی ما در کرامت ذاتی انسان، عقلانیت اقتصادی نیز اقتضاء می‌کند که از این سرمایه نگهداری و حفاظت شود.

برای کسب دو هدف اساسی تحقق راهبرد کلیدی «جهش تولید» (به‌عنوان علت‌العلل رفع فقر، کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم) و نیز ارتقای تاب‌آوری بازار کار ایران در شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا، به نظر می‌رسد محورهای زیر در ایفای نقش بهینه دولت برای سال ۱۳۹۹ قابل اشاره باشد:

یک: چنان‌که اشاره شد، خصلت رکود کرونایی ماهیت ۷ شکل آن است؛ بدین معنا که این بحران بهداشتی، ضمن آنکه به سرعت موتور ماشین اقتصاد جهانی را خاموش کرده، در صورت عادی شدن شرایط نیز به سرعت بخش عمده ساختار مشاغل سنتی بازسازی و در نظام اقتصادی جایابی می‌شوند. نحوه واکنش دولت برای طی کردن این دوران گذار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر این طوفان خواهد گذشت؛ اما تصمیم‌های دولت در عصر

بحران می‌تواند مسیر بخش اقتصاد را در سال‌های پیش‌رو تغییر دهد. معیار اصلی برای این انتخاب‌ها باید حفظ نیروهای مولد بخش حقیقی اقتصاد باشد که در خلق ارزش افزوده اقتصادی تأثیرگذار هستند و مهم‌ترین رکن آن، نیروی کار مهارت‌دیده است.

دو: با توجه به خصلت مورد اشاره در بخش اول و ویژگی‌های ساختاری بازار کار ایران از قبیل شاغلین فراوان در میان بنگاه‌های کوچک و عمدتاً خدماتی، وجود حدود هفت میلیون شاغل فاقد پوشش بیمه و حمایت در دوران کوتاه رکود که عمدتاً در چتر حمایت‌های عمومی دولت قرار نمی‌گیرند، جهت‌دهی حمایت‌های دولت باید با تقویت نظام اطلاعاتی و آماری خود به سمت حمایت مستقیم (عمدتاً نقدی) از نیروی کار در جهت حفظ معیشت و بقای کرامت انسانی آن‌ها باشد. تجربه حمایت‌های غیرمستقیم و رانتی از شرکت‌ها و بنگاه‌ها نشان می‌دهد عمدتاً بخش عمده شاغلین مشمول این حمایت‌ها نشده و اکثر این حمایت‌ها که در قالب تسهیلات ارزان بانکی است، در اختیار بنگاه‌های بزرگ قرار می‌گیرد که اساساً بیشتر ماهیت «سرمایه‌بر» دارند تا «کاربر» و لذا سهم خلق اشتغال پایینی دارند. حمایت مستقیم به معیشت کارگران، ضمن حفظ این نیروی ارزشمند برای بخش تولید کشور، نوعی واکنش سریع به بحران از سوی دولت و تحریک تقاضا برای کالاهای بنگاه‌های تولیدی نیز هست.



۱۴۳

سه: بهترین نقش دولت در حمایت از کسب و کارها و بنگاه‌های تولیدی جهت حفظ بافت و ساخت بنگاه‌ها برای دوران پساکرونا، نقش «آخرین خریدار» است. اگر دولت بتواند به قدر توان و ظرفیت مالی خود، تقاضای ازدست‌رفته یا کاهش‌یافته بسیاری از این کسب و کارها را در بازار پُر کند، در ادامه این چرخه، بنگاه‌های تولیدی می‌توانند با تأمین نقدینگی خود در کوتاه‌مدت، دستمزدهای کارگران خود را پرداخت و از بحران گذر کنند. نباید فراموش کنیم که مهم‌ترین عامل برای تاب‌آوری اقتصادی، داشتن قدرت انعطاف‌پذیری در برابر شوک‌های درون‌زا و برون‌زا است و مهم‌ترین عنصر برای انعطاف‌پذیری «زمان» است. گذر زمان تاب‌آوری و مقاومت در برابر بحران را ارتقا می‌دهد.

چهار: یکی از مهم ترین عناصر در اتخاذ سیاست های حمایت از تولید، اتخاذ «راهبرد گزینش فعال» در انواع پشتیبانی هاست. این اهمیت علاوه بر خصلت همیشگی تنوع ذاتی صنایع و بخش های اقتصادی، در شرایط فعلی سال ۱۳۹۹ اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا صنایع مختلف به شیوه های گوناگونی از شوک کرونا متأثر می شوند. برخلاف رکود معمول در اقتصاد کلان که در آن تقاضا تقریباً در همه کسب و کارها کاهش می یابد، میزان، دامنه و شدت ضربه در اینجا بسیار متنوع است. به عنوان مثال، در بخش های تازه شکل گرفته حوزه «اقتصاد اشتراکی» یا «اقتصاد گیگ»^۱ شدت آسیب پذیری بسیار بیشتر است؛ زیرا بسیاری از آن ها در قالب پلتفرم های ارائه خدمات عمومی به مردم قرار دارند که متأثر از تعطیلات عمومی یا کاهش تقاضا قرار گرفته است. اصل سرمایه شاغلین این بخش ها، زمانی است که به کار اختصاص می دهند و درآمد آن ها بسیار وابسته به تقاضای روزانه خانوارها در سطح خیابان است و لذا نبود افراد در خیابان، درآمد این شاغلان را به صفر رسانده است.^۲ گروه بزرگ دیگر در این دسته از شاغلان، کارگران مزدبگیر و حقوق بگیر در بخش های غیررسمی ساختمان و صنعت هستند.

پنج: دولت قطعاً به تنهایی نمی تواند مدیریت گذار از این بحران را به عهده بگیرد؛ به خصوص با تنگنای مالی و اجتماعی که پیش از این به اجمال اشاره شد. از این جهت تسهیلگری برای حضور بیشتر بخش های مدنی، غیرانتفاعی و سمن ها برای افزایش مشارکت عمومی بیش از گذشته ضروری به نظر می رسد. در بازار کار، تقویت اصل «سه جانبه گرایی» در اتخاذ سیاست های بازار کار، امری کلیدی در تحقق «جهش تولید» است. گفتگوی اجتماعی سه جانبه بین دولت، کارگران و کارفرمایان، ابزاری اساسی برای توسعه و اجرای راه حل های پایدار و ارتقای همدلی و همراهی عمومی در جامعه امروز است. تجربه تاریخی بحران های ملی و جهانی نشان می دهد که

۱- Gig Economy/ Sharing Economy.

۲ - نمونه داخلی آن در حوزه کسب و کارهای دیجیتال و اثر کرونا بر آن، ماجرای کاهش ۸۰ درصدی سفرها از طریق سایت مشهور «علی بابا» است که پیامد آن تعدیل ۱۸۰ نفر از نیروی کار این کسب و کار اینترنتی بود.

اتخاذ سیاست‌های ملی و گاه جهانی به صورت هماهنگ و هم‌افزا در مقیاس بزرگ، مانع از به خطر افتادن اقتصاد در چرخه همواره نزولی و چالش‌زا می‌شود.

شش: بنا به آنچه «سازمان بهداشت جهانی» اعلام کرده، بشر امروز باید حداقل در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت، به زندگی با کرونا عادت کند. در چنین شرایطی هیچ کشوری با توجه به محدودیت منابع نمی‌تواند قرنطینه حداکثری اقتصادی را برای یک مدت طولانی استمرار بخشد. حال در این اوضاع، بدترین حمله به افکار عمومی این حمله است که به جامعه تزریق شود باید یک انتخاب سخت میان «حفظ شغل» یا «استقبال از مرگ»، میان اقتصاد خانوار و سلامت آن‌ها و در یک کلام میان **نان و جان، انجام دهد.** برای رهایی و برون‌رفت از این شرایط، ایجاد تمهیدات ویژه برای نیروی کار در مقابله با کرونا (خاصه در محیط کار) بسیار کمک‌کننده است تا ضربه‌ای به نظام تولیدی وارد نشود. سیاست‌های دورکاری، مرخصی استعلاجی، انعطاف‌پذیری در اجرای سیاست‌های مرخصی، تنوع‌بخشی در ساعات آغاز و پایان کارها، الزام کارکنان بیمار برای ماندن در خانه و اطلاع دادن در خصوص بیماری افراد خانواده، برنامه‌ریزی شifتی و مشاوره پزشکی و تخصیص بسته‌های مراقبتی، همه و همه می‌تواند در این شرایط سیاست‌هایی برای ایمن‌سازی محیط کار و تحقق هم‌زمان بقای بنگاه‌ها و کسب و کارهای تولیدی و سلامت اجتماع باشد. در همین راستا، «سازمان بین‌المللی کار» دستورالعملی را به کشورها برای بازنگری در «ترتیبات کار»^۱ مشتمل بر کاهش حضور فیزیکی در محیط کار ارائه داده است و خواهان انعطاف دولت‌ها در تنظیمات مرتبط با حوزه کار شده است. توصیه‌های بهداشتی و ایمنی حرفه‌ای، ممانعت از تبعیض و استثمار نیروی کار، حمایت از اشتغال و درآمد پایدار نیروی کار و کاهش کار و ترتیبات جبران کار از جمله محورهای پیشنهادی این سازمان است.

هفت: بحران فقط تهدید و آسیب نیست؛ پنجره‌ای باز به سوی مجموعه‌ای از فرصت‌ها نیز هست. بحران عصر یادگیری است؛ زمانه نگاه



به گذشته و مسیر پُر سعی و خطای طی شده تا انحراف در انتخاب‌ها و عملکردها مشخص و متمایز شود. در عین حال، فرصت انتخاب‌هایی است که اگر در شرایط عادی قرار بود اتخاذ شود، پیچیده، طولانی و زمان‌بر بود و در زمانه بحران در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحقق می‌یابد. نمونه‌های این انتخاب‌های سخت در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه کنونی ما فراوان است. در عرصه بازار کار و حوزه تولید، مسئله راهبری فرآیند «تخریب خلاقانه»^۱ در ساختار و بافت صنایع و مشاغل یک نمونه آن است. در دورانی که کرونا، بافت و محتوای بسیاری از مشاغل سنتی را از بین برده و مشاغل جدید خلق کرده، نگاه کلان به فرآیند زایش و مرگ این مشاغل برای جامعه پسابحران ضروری است.



تأملی بر آثار بحران شیوع ویروس کرونا بر اقتصاد ایران و جهان

رضا پاینده

پژوهشگر هسته «نوآوری» مرکز رشد
دانشجوی دکتری مدیریت نوآوری دانشگاه تهران

محمد رحمتی

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)
دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت

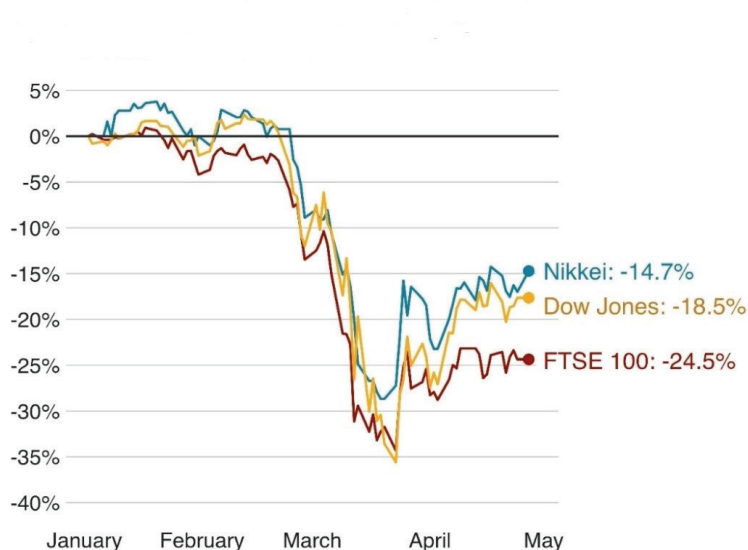
کرونا روزی آمد و روزی هم خواهد رفت. در همین دوره، کالبد انسان را چند ماه در گیر کرد ولی روح اقتصاد را برای سالیان سال به خود فراخواند. به گفته‌ی پژوهشگران، نسخه‌ی ضعیف شده‌ی کرونا البته همچنان در جامعه خواهد ماند ولی حتی به فرض بروز موج دوم و سوم شیوع ویروس، احتمالاً شرایط از حالت بحرانی خارج خواهد شد. پیش‌بینی می‌کنند که کووید-۲۰ و کووید-۲۱ بهتر از کووید-۱۹ با مردم جهان تا کنند؛ یعنی احتمالاً یک یا دو سال دیگر، جهان همچنان میزبان آن خواهد بود. طبیعی است هر چه دوره‌ی فراگیری ویروس طولانی‌تر باشد، اثرات بیشتر و عمیق‌تری بر سلامت

مردم و نظام درمانی کشورها برجای گذارد. اما به هر حال، گویا این اثر، بلندمدت نباشد. باری، این نوشتار در پی بررسی اثرات کرونا بر سلامت انسان‌ها نیست که تحلیل آن در اختیار متخصصان مربوطه است. این نوشتار از زاویه‌ی اقتصادی به کرونا می‌نگرد و به کمک شواهدی تلاش می‌کند تغییر در بعضی الگوها و رفتارهای اقتصادی در پساکرونای ایران را تحلیل کند.

اولین سؤالی که باید بدان پاسخ داد این است که «اثر کرونا بر اقتصاد چقدر سهمگین بوده است؟» زلزله کرونا چند ریشتر است؟ رفتارهای اجتماعی در یکی دو ماه ابتدایی شیوع این ویروس، الزام اثرسنجی واقعی را دوچندان می‌کند، البته طبیعی است که ابهام اولیه در وقوع بحران‌ها بسیار بالا است. به نظر می‌رسد این اپیدمی ظرفیت بالایی دارد که خود را آن‌گونه که نیست نشان دهد. یکی از شاخص‌های متداول در اثرسنجی اقتصاد بحران‌ها، تأثیر آن پدیده بر بازار سرمایه است. این شاخص به دلیل شفافیت بالا و نشان دادن اثرات کوتاه‌مدت، اهمیت ویژه‌ای دارد. تصویر شماره یک، میزان اثر کرونا بر بازار سرمایه را مبتنی بر سه شاخص معروف نیکی، داو جونز و فوتسی از ابتدای شیوع کرونا در دنیا نشان می‌دهد. شاخص نخست، نمایان‌گر ارزش سهام ۲۲۵ شرکت معروف ژاپنی، شاخص دوم نشانگر ارزش سهام ۳۰ شرکت برتر صنعتی امریکایی و شاخص سوم مربوط به ۵۰۰ شرکت انگلیسی است.



شکل ۱: شاخص نیکه، داو جونز و فوتسی در بازار سرمایه در دوره فراگیری کرونا



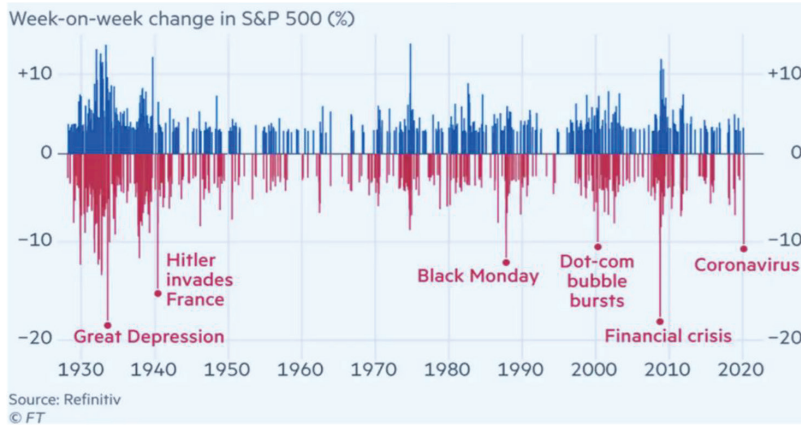
Source: Bloomberg, 27 April 2020, 07:00 GMT

همان گونه که تصویر شماره شش نشان می دهد، شوک اقتصادی شدیدی در اوایل مارس (یازدهم اسفند) تجربه می شود و در اوایل آوریل (فروردین) تا ۳۰٪ هم می رسد. حسب ظاهر، بعد از گذشت حدود سه ماه از فراگیری، اندکی وضعیت در هر سه شاخص بهبود یافته است. شاخص معروف دیگری که وضعیت بازار سرمایه را نشان می دهد، شاخص S&P ۵۰۰ است که عملکرد پانصد شرکت بزرگ در بازار بورس ایالات متحده را نشان می دهد. در نمودار مهمی که توسط مؤسسه ی فناوری مالی رفینیتو^۱ ارائه شده است، وضعیت این شاخص از حدود ۹۰ سال قبل بر روی پیوستاری نشان داده شده و تأثیر کرونا با سایر بحران های مهم اقتصادی همچون رکود بزرگ (۱۹۲۹)، حباب دات کام (۲۰۰۰) و بحران مالی (۲۰۰۸) مقایسه شده است. طبق این شاخص، کرونا اگرچه تأثیر اقتصادی مهمی بر بازار سرمایه داشته ولی در مقایسه با بحران مالی ده سال قبل خود، اثر کمتری بر جای گذاشته است.



۱۴۹

شکل ۲: نوسانات شاخص S&P ۵۰۰ در بازار سرمایه در بحران‌های جهانی



بر اساس شواهد بین‌المللی به نظر می‌رسد بازار سرمایه، شاخص مهمی در تحلیل اثرات کرونا بر اقتصاد به حساب می‌آید. اما بازار سرمایه ایران در این چند ماه فراگیری ویروس، رفتار متفاوتی نسبت به بازارهای سرمایه جهانی از خود بروز داده است. همان‌گونه که در تصویر شماره ۳ نشان داده شده، شاخص بورس تهران و شاخص‌های مشابه آن اعم از شاخص صنعت یا شاخص شرکت‌های بزرگ و فعال، واکنش خاصی به بحران کرونا از خود نشان نداده است. البته گزارش‌های ماهیانه برخی صنایع و شرکت‌ها در بورس تهران نشان از تأثیر کرونا بر عملیات و میزان فروش آن‌ها دارد اما، ارزش همین شرکت‌ها نیز در ایام کرونا صعودی بوده است. به نظر می‌رسد هم‌زمانی هجوم نقدینگی به بازار سرمایه با همه‌گیری کرونا، به نوعی موجب کم‌اثر شدن این بحران در نمودارها و شاخص‌های بورسی شده است. از سوی دیگر، افرادی که از طریق کد سهام در سال ۱۳۹۸ احراز هویت شدند، در مجموع حدوداً یک میلیون و هفتصد هزار نفر هستند، حال آنکه فقط تا نیمه خرداد ۱۳۹۹، این عدد به حدود چهار میلیون و هشتصد هزار نفر رسیده و این اتفاق نادر شاهده‌ای بر اقبال عمومی مردم است. همین اتفاق البته می‌تواند انقلابی در احراز هویت دیجیتال مشتریان^۱ در صنعت فین‌تک



ایجاد کند. سیاست حمایتی دولت از بازار سرمایه، عرضه اولیه شرکت‌های دولتی، افزایش نرخ ارز و از سوی دیگر رکود در سایر بازارهای موزای، منجر به هجوم نقدینگی و رشد شاخص کل بورس در کشور شده است. بنابراین، بازار سرمایه در ایران در این برهه‌ی زمانی نمی‌تواند به خوبی اثرات کرونا بر اقتصاد ایران را تحلیل کند.

شکل ۳: شاخص کل بورس تهران در دوره فراگیری کرونا



کاهش عرضه و تقاضا در بازار کار، تورم حدوداً ۳۱ درصدی، کاهش تعداد معاملات در بازار مسکن، کاهش صادرات نفتی و غیرنفتی، کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و رخدادهای دیگر اقتصادی هر یک می‌تواند نشان‌گرهای میزان تأثیر کرونا بر اقتصاد ایران باشند. برای نشان دادن اثر کرونا بر اقتصاد باید از شاخصی بهره گرفت که علاوه بر عمومیت نسبی شاخص در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، به صورت کوتاه‌مدت و دقیق، این اثر را نشان دهد. به نظر می‌رسد در مجموع شاخص‌های اقتصادی، میزان تراکشن‌های روزانه که در صنعت پرداخت ثبت می‌شود، پاسخی برای این سؤال باشد.

گزارش اقتصادی شاپرک برای فروردین‌ماه سال ۹۹ نشان می‌دهد که

هم تعداد تراکنش‌های بانکی و هم ارزش کل این تراکنش‌ها، نسبت به اسفند سال ۹۸ کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در حقیقت این گزارش نشان می‌دهد که شیوع ویروس کرونا به تبادلات اقتصادی و روزمره مردم آسیب وارد کرده است. در اولین ماه از سال ۹۹، در حدود ۱۹۲۲ میلیون تراکنش به‌طور کلی در سیستم شاپرک به ثبت رسیده است که ارزشی برابر با ۱۹۸ هزار میلیارد تومان داشته است. مقایسه این حجم از تراکنش توسط کارت‌های بانکی با ماه قبل از فروردین نشان می‌دهد، هم تعداد تراکنش‌ها و هم ارزش آن‌ها کاهش قابل توجهی داشته است. تعداد تراکنش‌ها نسبت به اسفند با کاهش ۱۵/۷ درصدی مواجه شده است و ارزش تراکنش در شبکه الکترونیکی پرداخت کارت نیز با کاهش ۳۹/۷ درصدی روبه‌رو شده است.

کاهش تعداد تراکنش‌های فروردین در مقایسه با اسفند، ممکن است به دلیل تعطیلات رسمی فروردین و رونق بازار اسفند مورد مناقشه قرار گیرد. بنابراین شاید با مقایسه فروردین ۹۹ با ۹۸ به جمع‌بندی دقیق‌تری رسید. مقایسه تعداد تراکنش‌های فروردین ۹۹ با ماه مشابه در سال گذشته نیز حاکی از افزایش ۵/۱۹ درصدی در تعداد تراکنش و ۷/۸ درصدی در مبلغ تراکنش بوده است. البته در افزایش مبلغ تراکنش باید میزان تورم در سال ۹۸ نیز لحاظ شود تا مقدار حقیقی ارزش تراکنش‌ها در این دو ماه با یکدیگر مقایسه شود. در این گزارش البته مقدار حقیقی تراکنش‌های فروردین ۹۹ با ماه مشابه سال گذشته نیز مقایسه شده است و بر این اساس ارزش حقیقی تراکنش‌های اولین ماه سال جاری ۹/۸۷ درصد کاهش را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. بر اساس این آمار، حدوداً ده درصد از چرخه تبادلات اقتصادی روزمره در فروردین به دلیل شیوع همه‌گیری کرونا در مقایسه با مدت زمان مشابه، کاهش یافته است.

پس از محاسبه تقریبی اثر کرونا بر اقتصاد، سؤال اصلی اینجا است که «تأثیر منفی کرونا بر اقتصاد تا چه زمانی ادامه دارد؟» آیا ممکن است وضعیت اقتصادی به حالت قبل خود بازگردد و یا حتی نسبت به آن پیشی بگیرد؟ مؤسسه مشاوره مدیریت مک‌کینزی^۱ در تصویر شماره ۴، این بازگشت را متأثر

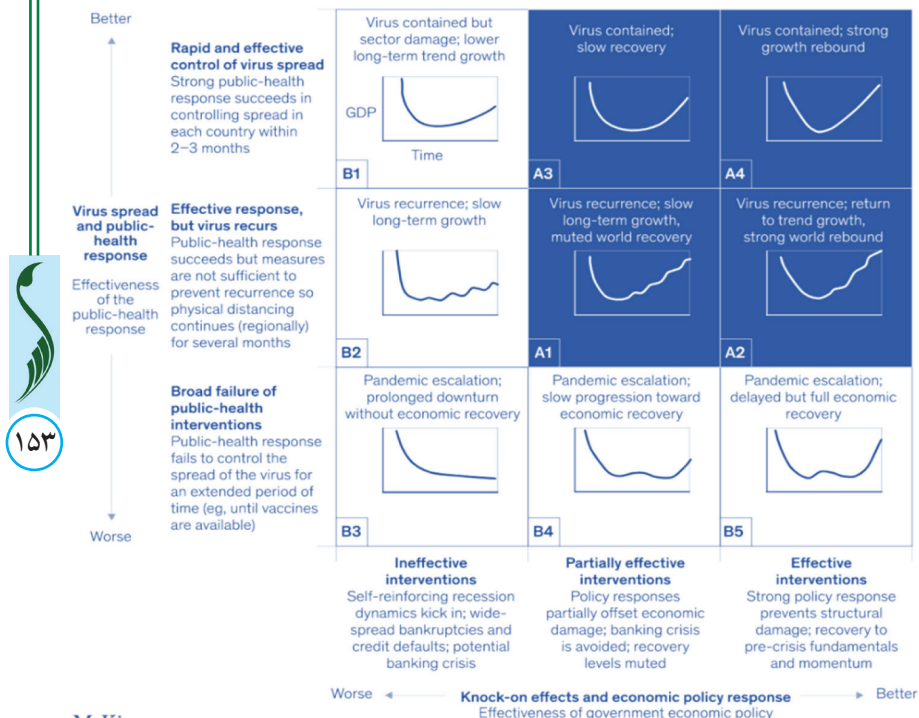


از دو عامل موفقیت نظام بهداشت و درمان کشورها و موفقیت سیاست‌های حمایتی دولت‌ها نسبت به کسب و کارها تحلیل کرده و نه سناریو پیشنهاد داده است. محور عمودی عملکرد نظام سلامت هست که در سه موقعیت (۱) واکنش سریع و به موقع و کنترل اثربخش شیوع، (۲) واکنش سریع ولی بازگشت بیماری و (۳) مداخلات شکست خورده نظام سلامت طبقه‌بندی کرده است. محور افقی، عملکرد حمایتی-اقتصادی دولت هست که در سه حالت (۱) مداخلات مؤثر، (۲) مداخلات نسبتاً مؤثر و (۳) مداخلات شکست خورده دسته‌بندی شده است. این تقاطع، نه ماتریس ایجاد کرده که هر کدام از سناریوها در قالب نمودار زمان و تولید ناخالص داخلی بیان شده‌اند.

شکل ۴: سناریوهای تولید ناخالص داخلی بر اساس عملکرد دولت‌ها در نظام سلامت

و حمایت اقتصادی

GDP impact of COVID-19 spread, public-health response, and economic policies



اگر بر اساس مقایسه نرخ بهبودیافتگان و مبتلایان جدید در پروفایل ایران^۱ سایت وردمتر، عملکرد نظام درمانی کشور را در مقایسه با سایر کشورها، نسبتاً موفق ارزیابی کنیم، سیاست‌های حمایتی-اقتصادی دولت ایران نیاز به بررسی بیشتری دارد. پیش از تحلیل سیاست‌های حمایتی دولت باید سایر شرایط همچون تحریم‌های اقتصادی، کسری بودجه دولت در سال ۹۹، کاهش قیمت جهانی نفت تا مرز هر بشکه ۱۵ دلار، کاهش تجارت خارجی ایران، و نادیده گرفتن استقراض ۵ میلیارد دلاری دولت ایران از سوی صندوق بین‌المللی پول مورد نظر قرار داده شود.

اقدامات دولت و بانک مرکزی برای کنترل تبعات اقتصادی ویروس کرونا را می‌توان در اعطای ۷۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات به کسب و کارهای آسیب‌دیده با نرخ ترجیحی ۱۲ درصد، ۵ هزار میلیارد تومان کمک به صندوق بیمه بیکاری، بسته حمایتی نقدی به اقشار کم‌درآمد، تعویق سه ماهه پرداخت تسهیلات، برداشت یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی برای تأمین دارو و تجهیزات پزشکی و در نهایت بسته حمایتی از مؤدیان مالیاتی شامل تمدید سررسید پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و مهلت سه‌ماهه جدید برای پرداخت بدهی خلاصه کرد.

از طرفی حجم بسته محرک اقتصادی ایران توسط دولت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. با نگاهی به بسته محرک اقتصادی سایر کشورهای درگیر، می‌توان پی برد که بسته ۲ تریلیون دلاری ایالات متحده، حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. همچنین بسته محرک اقتصادی سایر کشورهای توسعه‌یافته مانند ژاپن و آلمان اندکی کمتر از ۱۹ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشورها است، برای سنگاپور ۱۳ درصد و برای بریتانیا حدود ۴ درصد است. این درحالی است که بسته محرک اقتصادی پیشنهاد شده در ایران حدود ۰/۲ درصد تولید ناخالص داخلی ایران و ۷ درصد بودجه سال جاری است^۲. به هر حال بر اساس توضیحات فوق می‌توان عملکرد



۱- <https://www.worldometers.info/coronavirus/country/iran/>

۲ - بت‌شکن محمدهاشم، عبدالله‌پور محمدصادق. اثرات کرونا بر اقتصاد ایران. منتشر شده در دنیای اقتصاد، ۲۰ فروردین ۱۳۹۹.

حمایتی دولت را در موقعیت دوم ارزیابی کرد.

بنابر توضیحات فوق، عملکرد ایران در ناحیه سیاه رنگ و حدوداً در خانه شماره ۸۱ ارزیابی می‌شود. پس با این پیش‌بینی بازگشت اقتصادی محقق خواهد شد. اما شاید سؤال کلیدی این باشد که این «بازگشت اقتصادی پس از شیوع با چه شتابی رخ خواهد داد؟» گزارش اقتصادی شماره ۵۹ شاپرک نشان می‌دهد که تعداد تراکنش‌های اردیبهشت‌ماه نسبت به ماه قبل افزایش پیدا کرده است. در اردیبهشت‌ماه دو میلیارد و ۶۰۶ میلیون تراکنش به ارزش ۳.۹۷۷.۴۱۵.۰۲۷ میلیون ریال انجام شده که نسبت به ماه قبل رشد دو برابری را تجربه کرده است. بر اساس آمار شاپرک، مجموع مبالغ کل تراکنش‌ها در اردیبهشت‌ماه امسال نسبت به اردیبهشت‌ماه سال گذشته ۴۴ درصد افزایش یافته است که بیانگر افزایش خرید و فروش‌ها در اردیبهشت پس از کاهش محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کرونا بوده است. همچنین تعداد پایانه‌های تراکنش‌دار نیز در ماه اردیبهشت نسبت به فروردین امسال افزایشی ۱۴ درصدی داشته که در پی آغاز دوباره فعالیت‌های اقتصادی بخشی از کسب و کارهای تعطیل شده در اثر همه‌گیری کرونا است.

اینک سؤال کلیدی دیگری که باید بدان پاسخ داد این است که این «رشد اقتصادی پس از کرونا در چه بخشی از اقتصاد اتفاق افتاده است؟»

تصویر شماره ۵ که مربوط به تحلیل صنایع کشور چین می‌باشد حاکی از رشد شتابان شاخص بازده و سود نقدی در صنایع با عملکرد بالا یا به اصطلاح‌های تک است.^۱ بر این اساس می‌توان تحلیل کرد که بخش‌های مدرن در اقتصاد در مقایسه با بخش‌های سنتی آسیب کمتری دیده‌اند. همانند زلزله‌ای که ساختمان‌های قدیمی و کهنه را بیش از ساختمان‌های نوساز ویران می‌کند، کرونا نیز چنین اثری را بر بخش‌های اقتصادی بر جای گذاشته است. بنابراین بخش‌های سنتی و حتی کوچک که تاب‌آوری کمتری دارند در این شرایط ناگزیر از بازسازی و در گام بعدی نیازمند ائتلاف و همکاری با



۱- Martin Reeves, Lars Fæste, Cinthia Chen, Philipp Carlsson-Szlezak, and Kevin Whitaker (۲۰۲۰). How Chinese Companies Have Responded to Coronavirus. Harvard Business Review.

بازیگران بزرگتر هستند.

شکل ۵: شاخص بازده و سود نقدی در صنایع گوناگون چین پس از دوره فراگیری کرونا



علاوه بر این، باید مشخص ساخت که «تأثیر کرونا بر کدام صنایع و به چه میزان بوده است؟» همانطور که تصویر شماره ۶ نشان می‌دهد بعضی صنایع همچون صنایع وابسته به کالای سلامت و پزشکی بیشترین عایدی و بعضی صنایع همچون گردشگری بیشترین ضرر را از کرونا دریافت کرده‌اند. در این میان، تجارت الکترونیک و خرده‌فروشی قابل توجه است که ضمن اثرپذیری بالا، اثرات مثبتی دریافت کرده است. شواهد میدانی هم نشان می‌دهد که تقاضا نسبت به تجارت الکترونیک در دوره شیوع کرونا حدوداً ۱۵ درصد افزایش یافته و بسیاری را وادار ساخته تا حداقل یک بار ولو بالاجبار خرید اینترنتی داشته باشند. می‌توان اذعان داشت کرونا، دیجیتالی شدن سبک زندگی مردم را تقویت کرده است.^۱ طبیعی است که در استفاده از نوآوری همواره این مقاومت در مراحل نخست رخ می‌دهد و بعد از تجارب اولیه، به بخشی از سبک زندگی افراد تبدیل می‌شود.

۱ - صادقی، سوسن. کرونا دیجیتالی شدن سبک زندگی را تقویت کرد. منتشر شده در ۳۰ اردیبهشت ۹۹. روزنامه ایران.



شکل ۶: برندگان و بازندگان بالقوه در دوره فراگیری کرونا

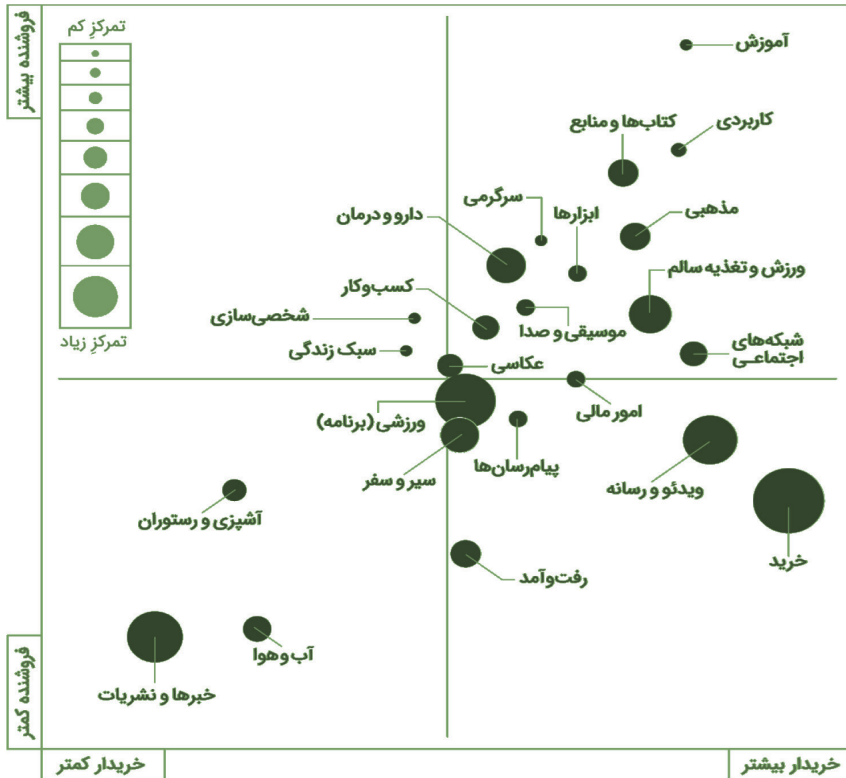


از سوی دیگر، گزارش کافه بازار از نرم‌افزارهای فعال در سال ۹۸ نشان می‌دهد که دسته «خرید» از جمله مواردی است که تقاضای مشتریان بیشتر از عرضه توسعه‌دهندگان است. در این نمودار حبابی، وضعیت رقابت دسته‌های مختلف برنامه نمایش داده شده است. محور افقی نشان‌دهنده نسبت نرمال‌شده تعداد خریدار، محور عمودی نشان‌دهنده نسبت نرمال‌شده تعداد برنامه‌ی فروشنده و اندازه حباب‌ها نشان‌دهنده نرخ تمرکز بازار است. این نمودار علاوه بر تمایلی که به خرید اینترنتی به دلیل شرایط کرونا ایجاد شده بود.

طبیعی است که این نمودار صرفاً نمایان‌گر پلتفرم‌های خرید موجود در کافه بازار می‌باشد و لزوماً نماینده تجارت الکترونیک و خرده‌فروشی نیست. اما به هر حال شاهی برای جذابیت بازار است. جذابیتی که با پیشران کرونا، مضاعف گردیده است.



شکل ۷: وضعیت رقابت برنامه‌های کافه بازار در سال ۱۳۹۸



اقتصاد ایران با وجود تعاملات محدود با بازارهای جهانی و همچنین تأثیرپذیری کمتر از تنش‌های جهانی، به علت حجم و گستردگی اثرگذاری کرونا و پویش «در خانه بمانیم»، تأثیرات زیادی از این بحران پذیرفت تا جایی که بنا بر اظهارات وزیر اقتصاد، کرونا باعث کاهش ۱۵ درصدی حجم تولید ناخالص داخلی کشور شد. البته نوع تأثیرپذیری و نحوه اثرگذاری کرونا بر صنایع مختلف متفاوت بوده و بعضاً در برخی صنایع با رشد و در برخی صنایع با افت شدید مواجه بوده است. به طور خاص در صنعت پرداخت بعد از رکود اولیه، رشد معناداری حاصل شده است. رشد تجارت الکترونیک و ظرفیت‌های زمینه‌ای برای هم‌پایی فناوری‌های مربوط به آن پس از رکود اولیه ناشی از همه‌گیری، در کنار فرصت ملی در زمینه احراز هویت مجازی، دیجیتالی شدن اقتصاد را تسهیل کرده است.

تهدیدها و فرصت‌های کرونا برای کسب‌وکارهای ایرانی

دکتر سعید مسعودی پور

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

دانش‌آموخته دکتری رشته بازاریابی دانشگاه آزاد اسلامی

شعار امسال همچون سال‌های اخیر ادامه دهنده راهبرد «مقاوم‌سازی اقتصاد» است. رونق تولید و جهش تولید از یک سو و حمایت از کالای ایرانی از سوی دیگر به عنوان دو جزء اصلی اقتصاد مقاومتی هستند. درواقع از یک سو باید با رفع موانع بر سر راه تولید در موضوعات بانکی، تأمین مالی، گمرک، نیروی کار و ... به سمت ارتقا تولید حرکت کرد و از سوی دیگر مصرف‌کننده ایرانی باید برای به ثمر نشستن تلاش‌های تولیدکنندگان، از محصولات ایرانی حمایت کند. اما آنچه که به عنوان بحران جهانی همه دنیا را در نوردیده است، بیماری جهانی کرونا است که راهبردها و سیاست‌های کلان باید در تعامل با آن تنظیم شوند. بدون شک تأثیر عمیق این ویروس بر حوزه اقتصاد آن قدر زیاد است که هر گونه تصمیم‌گیری برای تحقق شعار سال بدون توجه به تأثیرات این پدیده، چشم بستن بر روی

واقعیت‌هاست. مسائل جدی در حوزه کسب‌وکارهای ایرانی و البته جهانی به واسطه این ویروس شکل گرفته است که نوشتار حاضر در تلاش است تا برخی از فرصت‌ها و تهدیدهای این بیماری را در کسب‌وکارهای ایرانی تشریح کند.

پدیده کرونا و شیوع جهانی آن به مسئله روز همه کشورها تبدیل شده است. اگرچه درگیری اصلی در حوزه کنترل‌های بهداشتی و اقدامات درمانی است، اما از تأثیرات اقتصادی مسئله نیز نباید غافل شد. به‌ویژه آن که بالاخره، موج بیماری فروکش خواهد کرد و آنچه باقی خواهد ماند جامعه‌ای است که اگرچه در ظاهر بی‌نقص و بی‌عیب است اما در باطن کاملاً فروریخته و تهی شده است.

برای کنترل بیماری کرونا، مهم‌ترین جزء زندگی از بشر گرفته شده و آن «ارتباطات حقیقی» است. فاصله‌گذاری‌های اجتماعی باعث شده است که مردم کمتر در شهر و بازار حضور داشته باشند. بازار آجیل شب عید و پوشاک به شدت از رونق افتاد. مردم نسبت به سال گذشته، کمتر به سفر رفته‌اند و این یعنی پول کمتری در اقتصاد چرخیده است. بسیاری از مراسم‌های ازدواج تعطیل شده است و این یعنی از رونق افتادن برخی از کسب‌وکارها. به عنوان مثال رییس اتحادیه لوازم خانگی از افت هفتاد درصدی خرید و فروش در بازار لوازم خانگی در اسفند ۹۸ خبر داده است. حتی مراسم تشییع جنازه برگزار نمی‌شود و تمامی این اتفاقات به معنای افت شدید در مصرف کل خواهد بود.

کاهش تقاضا برای برخی از محصولات باعث شده است تا برخی بنگاه‌ها، از سطح تولید خود کم کرده و تعدیل نیرو کنند. بخشی از کسب‌وکارهای آزادچندان مشتری ندارد. البته دولت در تلاش است تا با کمک به بنگاه‌ها، مانع از افزایش کارگران بیکار شده و افرادی که کسب‌وکار آن‌ها در بحران ویروس جدید دچار اشکال شده‌اند را تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دهد. اما به نظر می‌رسد مشکلات معیشتی برای گروه‌های از جامعه که فاقد حقوق ثابت هستند، جدی است.

اما کاهش تقاضا برای بعضی از محصولات به معنی انتقال این تقاضا به



زمان‌های آینده است و این اُفت تقاضا موقتی است. به عنوان مثال زوج‌هایی که قصد ازدواج در این روزها را داشته‌اند، زمان مراسم را به بعد از بیماری منتقل کرده‌اند. در این شرایط با تقاضای نامتعادل روبه‌رو خواهیم شد؛ به این معنی که در شرایط بحران، تقاضا کاهش یافته و بعد از بحران احتمالاً تقاضا افزایش خواهد یافت.

هر چقدر زمان کنترل بحران و رسیدن به شرایط کاملاً عادی طولانی‌تر شود، خطر برهم خوردن تعادل در بازار بیشتر خواهد بود. از یک سو با طولانی شدن زمان، ممکن است برخی از تولیدکنندگان نتوانند از عهده هزینه‌های تولید برآیند و مجبور به کاهش حجم تولید و یا توقف موقتی آن شوند. این به معنی اضافه شدن تعداد بیشتری به افراد بیکار است. افزایش بیکاران، باعث کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان خواهد شد و در نهایت اقشار کم‌درآمد و محروم جامعه، بیشترین ضربه را پس از فروکش کردن بحران خواهند خورد؛ چرا که در صورت عدم مداخله دولت در کنترل بازار، احتمالاً برخی از تولیدکنندگان از چرخه تولید خارج شده‌اند و یا حجم تولید خود را کاهش داده‌اند و از سوی دیگر، تقاضای کنترل شده و نهفته برای محصولات سر باز کرده و افزایش خرید و تقاضا به وجود خواهد آمد. در این حالت، طبق قانون بازار سطح قیمت‌ها برای محصولات که قبلاً تقاضا برای آنها کم شده است (مثل لوازم خانگی) به یک باره افزایش می‌یابد. در این میان اقشار کم‌درآمد و ضعیف جامعه، بیشترین محل آسیب هستند.

با این توضیحات به نظر می‌رسد مدیریت مصرف مردم و نیز حفظ سطح تولید در شرایط رکود امری لازم و ضروری است و مداخله دولت با ابزارهای تشویقی و حمایتی از بنگاه‌ها مهم‌ترین نقش را در کنترل این مسئله خواهد داشت. همچنین **دستگاه‌های حمایتی نظیر «کمیته امداد امام خمینی (ع)** می‌توانند اقدام به خرید یا پیش‌خرید محصولات مصرفی مردم که دچار افت شده‌اند، کرده و هم از تعطیل شدن این بنگاه‌ها جلوگیری کنند و هم بتوانند در پس از بحران، افراد بیشتری را با هزینه‌های کمتری تحت حمایت خود قرار دهند.

اما جدای از تهدیدات کرونا، فرصتهایی برای رونق کسب و کار نیز وجود دارد. امروزه نیاز به محصولات بهداشتی، مواد ضد عفونی کننده، دارو، تجهیزات و لوازم امدادی و بیمارستانی در همه دنیا وجود دارد. با توجه به نامعلوم بودن زمان اتمام بیماری کرونا در جهان و فاصله زمانی در اوج و فرود این بیماری در دنیا، فرصت خوبی برای سرمایه گذاری در این بخش وجود دارد. حمایت دولت از راه اندازی بنگاه ها و یا افزایش خطوط تولید کسب و کارهایی که به تولید محصولات مرتبط با کنترل و درمان کرونا اشتغال دارند، یکی از فرصت ها برای کسب و کارهای ایرانی به شمار می رود. البته روشن است تأمین داخل تا زمان فروکش کردن بیماری در اولویت است. اما همان طور که گفته شده تاخیر زمانی در نقطه اوج و فرود بیماری در کشورهای مختلف فرصت خوبی برای کسب درآمدهای ارزی را فراهم خواهد کرد. تولیدات محصولات غذایی ارگانیک و مغذی که به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک می کنند، از دیگر فرصت های موجود در بازار است. شرکت های دانش بنیان می توانند اقدام به تولید محصولات خوراکی و ترکیبی از مواد مغذی نموده و اقدام به فروش آن در بازارهای داخلی و خارجی کنند.



تشابهات عملکردی در مدیریت تحریم و کرونا

وحید قاسمی

استاد هادی حلقه «اقتصاد تحریم» مرکز رشد

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق (ع)

وزارت خزانه‌داری آمریکا با انتشار اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۲۰ مطابق با ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۹ اعلام نمود که علی‌رغم شیوع بیماری کرونا در جهان، ارسال هرگونه کمک‌های بشردوستانه و تجهیزات پزشکی و درمانی مربوط به بیماری کرونا به کشورهای تحریم شده منوط به رعایت کلیه تحریم‌های از پیش اعلام شده توسط وزارتخانه مذکور و همچنین اخذ مجوز از دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آن وزارت خانه یعنی اُفک (OFAC) می‌باشد. این اطلاعیه وزارت خزانه‌داری آمریکا در حقیقت پاسخ روشن و قاطع به برخی اقدامات و موضع‌گیری‌های دولتمردان ایرانی بود که شیوع بیماری کرونا را دلیلی برای لغو تحریم‌ها و درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول می‌دانستند و امیدوارانه آن را پیگیری می‌کردند. مقایسه مواضع اتخاذ شده توسط سیاست‌مداران ایالات متحده آمریکا و کشورمان در قبال تحریم، برجام، کرونا و مقایسه تطبیقی آن‌ها شایان توجه می‌باشد.

تشابه شرایط تحریم اقتصادی و شیوع بیماری کرونا

با مقایسه شرایط بروز تحریم و شیوع بیماری کرونا درمی‌یابیم که این دو رویداد از زوایای مختلفی قابل مقایسه هستند.

الف) ایجاد محدودیت‌های ناگهانی در روال امور کلان کشور.

هنگام اعمال تحریم ناگهان ارتباطات بانکی کشور قطع شد و مبادلات بازرگانی و فروش نفت کاهش یافت و ناگهان روند درآمد و اقتصاد کشور دچار اختلال شد. در هنگام شیوع بیماری کرونا هم فعالیت‌های اقتصادی که توسط شرکت‌ها و شبکه‌های پوششی انجام می‌شد متوقف شد، قیمت نفت و درآمد کشور به شدت کاهش یافت ضمن آنکه کلیه پروازهای خارجی به کشور قطع شد.

ب) تحت سیطره قرارداد کل کشور و همه اقشار جامعه.

اعمال تحریم‌ها موجب افزایش قیمت‌ها و فشار اقتصادی بر عموم جامعه شد. در هنگام بروز بیماری کرونا بسیاری از مشاغل دچار آسیب شدند و معیشت جامعه دچار مشکل شد؛ ضمن آنکه فروش نفت کشور در کمترین مقدار قرار گرفت.

ج) به چالش کشیدن مدیریت کلان کشور.

مدیریت کلان کشور در زمان بروز هر دو واقعه تحریم و شیوع بروز کرونا با چالش جدی روبرو شدند و مدیریت کلان کشور می‌بایست تصمیمات مهم و کلان را اتخاذ می‌نمود. این نکته بدان معناست که حل مشکل در هر دو واقعه در حیطه اختیار یک یا دو وزارتخانه نبود و تمام ارکان مدیریتی کشور باید با آن مقابله می‌کردند.

د) تاثیر عوامل بین‌المللی در بروز هر دو بحران.

تحریم‌ها به طور مشخص از عوامل بین‌المللی مانند ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد به کشورمان تحمیل شد و ارتباطات بین‌المللی، تجاری، مالی و بانکی را تحت تاثیر قرار داد. هنگام شیوع بیماری کرونا نیز تحت تاثیر فضای تبلیغاتی ایجاد شده بین‌المللی کشورمان در فشاری فزاینده قرار گرفت و ارتباطات هوایی، دریایی، زمینی کشورمان با اکثر کشورهای دنیا قطع شد.



ه) الگوی عملکرد ما در مقابل مقابل کرونا مدل کوچکتري از الگوی عملکرد ما در مقابل تحریم می باشد.

بررسی عملکرد دولتمردان ایران در مقابل تحریم ها

بررسی عملکرد دولتمردان ما در طول دوره مذاکرات برجام و برای مقابله با تحریم ها نشانگر چارچوب هایی است که با دقت به تصمیمات و مواضع اتخاذ شده، می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) به مذاکره با آمریکا و اروپا برای حل مشکل دل بستیم.

دولت یازدهم با شعار مذاکره و حل مشکل اقتصادی کشور وارد عرصه انتخابات شد و مذاکره با کدخدا سر خط کلام رئیس دولت یازدهم شد و به عنوان یک راهبرد موثر مطرح شد.

ب) به ساختارهای بین المللی و جامعه جهانی مانند سازمان ملل متحد اعتماد کردیم.

مذاکره کنندگان ما بر این باور بودند که در صورتی که با آمریکا و دول اروپایی مذاکره نمایند و از حقوق هسته ای کشورمان بگذرند و به توافقی دست یابند و آن توافق به تصویب سازمان ملل یا اتحادیه اروپا برسد مشکل ما حل شده و دیگر کشور ما از سوی آمریکا تهدید نخواهد شد.

ج) به قول و وعده های اروپا و آمریکا اعتماد کردیم.

در کشاکش مذاکرات و آنجا که منتقدان نسبت به شیوه مذاکره با آمریکا و خطرات ناشی از آن هشدار می دادند دولتمردان ما قول برخی از دولتمردان آمریکا را تضمین نامیده و ادعا کردند که آمریکا هیچوقت نمی تواند از برجام خارج شود.

د) به جای پرداختن به توانایی های داخل راه حل مشکلات را در خارج جستجو کردیم.

قبل از آنکه دولت یازدهم مستقر شود، دولت دهم مذاکراتی را آغاز کرده بود و همچنین راه ها و روش هایی را برای مقابله با تحریم ها طراحی کرده بود. گرچه این اقدامات نیز در راستای دور زدن تحریم ها بود تا مصون سازی کشور در مقابل تحریم ها، اما دولتمردان دولت یازدهم از بدو ورود به آنچه



در دولت قبلی به دست آمده بود بی اعتنا بوده و تمام هم و غم خود را در ارتباط با خارج قرار دادند. در کنار این روند به توانایی های جوانان کشور و نیروهای داخلی هم اعتمادی نبود و کهنسال ترین کابینه در تاریخ انقلاب در این دوره شکل گرفت و قدم قابل توجهی در راه مصون سازی اقتصادی برداشته نشد. در آن زمان همه توانایی های دولتمردان برای ارتباط با خارج از کشور صرف شد و به توانایی های داخلی و نحوه ساماندهی آنها توجهی نشد. (ن) ابتدا تعهداتمان را انجام دادیم و سپس منتظر انجام تعهدات طرف مقابل ماندیم.

در روال مذاکرات منتهی به برجام طرفین مذاکره گامهایی را برای رسیدن به توافق برمی داشتند و تعهداتی را می بایست می پذیرفتند. نوع تعهدات طرف ایرانی از جنس تکنولوژی هایی بود که چندین سال برای دست یابی به آن تلاش شده بود و بازگشت به آن مشکل و زمان بر بود. از طرف دیگر تعهدات طرف اروپایی و آمریکایی از جنس لغو یک ضابطه یا مصوبه بود به نحوی که قابل برگشت بوده و زمان چندانی هم برای برگشت آن نیاز نبود؛ زیرا مکانیسم بازگشت آن نیز در خود برجام دیده شده بود. در چنین حالتی ابتدا طرف ایرانی تمامی تعهدات خود یعنی از بین بردن تکنولوژی های پیشرفته را انجام داد و در مقابل منتظر انجام تعهدات طرف مقابل ماند که طرف مقابل هم به زیرکی از انجام تعهدات خود سرباز زد. (و) پس از خروج آمریکا از برجام به منزوی کردن آمریکا به پشتوانه برجام دل بستیم.

پس از خروج آمریکا از برجام بر خلاف تمام قواعد پشت پرده دیپلماسی بین الملل این تصور خام در ذهن دولتمردان ما شکل گرفت که اروپا دارای استقلال رای و موجودیت در مقابل آمریکا می باشد و به همین خاطر تمام موضع گیری های دولتمردان ما بر این اساس بود که آمریکا بعد از خروج از برجام در دنیا منزوی شده است و جامعه جهانی به برجام که مصوب شورای امنیت ملی سازمان ملل است پایبند است. در صورتی که مشاهده شد سایر کشورها از ترس آمریکا از آن پیروی کردند.

نکته مهم آن است که دولتمردان آمریکا پس از دست یابی به فناوری



تحریم‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر برای تحریم کردن کشورها نیاز به قطعنامه سازمان ملل ندارند و با مکانیسم - تحریم کشوری که با کشور تحریم شده ارتباط برقرار کند - می‌توانند هر کشوری را تحریم نمایند. این موضوع بدان معناست که همراهی کشورها با آمریکا دیگر اهمیتی برای ایالات متحده نداشته و همه کشورها ناچار هستند برای تحریم نشدن، با آمریکا همراه شوند.

ه) یکسال منتظر عملیاتی شدن اینستکس ماندیم، بازی خوردیم و فرصت‌ها را از دست دادیم.

با توجه به باور غلط اشاره‌شده در بند قبلی دولتمردان کشورمان به طراحی و کارایی سامانه اینستکس اعتماد کرده و یکسال تمام شرایط کشور را در حالت انتظار و عدم تصمیم‌گیری قرار دادند؛ این روند اقتصاد کشور را در رکود فرو برد.

ی) اتحادیه اروپا علی‌رغم متعهد بودن به برجام عملاً به تبعیت یا ترس از آمریکا ما را تحریم کرد.

آنچه که از مرور موارد بالا به دست می‌آید این نکته است که اتحادیه اروپا علی‌رغم آنکه ظاهراً به برجام متعهد است اما به جهت جایگاه بخش خصوصی در این کشورها و تهدیدات آمریکا، عملاً کشور ما را تحریم نموده است و این موضع اگر بدتر از موضع آمریکا نباشد قطعاً بهتر از آن نیست.

در نتیجه رویه‌ها و راهبردهای به کار گرفته شده و مواضع اتخاذ شده توسط دولتمردان ما در دوره برجام و پس از آن موجب شد که نه تنها تحریم‌ها برداشته نشد بلکه تحریم‌های آمریکا شدیدتر از قبل اجرا شد و عملاً برجام بی‌اثر شد و سایر کشورهای دنیا نیز از ترس آنکه توسط آمریکا تحریم شوند با آمریکا همراهی کردند و محدودیت‌های کشورمان بر طرف نشد. ذکر این نکته ضروری است که ما علاوه بر آنکه به اهداف خود دست نیافتیم بلکه هزینه سنگین از دست دادن فناوری هسته‌ای را پرداخت کردیم.

عملکرد دولتمردان ما در مقابل بیماری کرونا

الف) به جای پرداختن به توانایی‌های داخل راه حل مشکلات را در خارج



جستجو کردیم.

اولین قدم دولتمردان ما در مواجهه با بیماری کرونا توجه به خارج از کشور بود؛ از نشانه‌های این موضوع سعی در برقراری ارتباط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد؛ تماس‌های تلفنی روسای جمهور و بیان این موضوع که تحریم‌ها مشکل اساسی در مقابله با کرونا است و تلاش برای جلب کمک از خارج.

ب) خود را در مبارزه با کرونا ناتوان نشان دادیم و در عرصه بین‌المللی اقدام به جلب ترحم کردیم.

پس از شیوع بیماری کرونا اولین موضعی که در فضای بین‌المللی توسط دولتمردان اتخاذ شد این بود که کشورمان توان مقابله و کاهش تلفات بیماری کرونا را ندارد. در این راستا در هر فرصت، مصاحبه و سخنرانی دولتمردان کشورمان از محدودیت‌های تحریم برای مبارزه با کرونا سخن گفتند و در عرصه بین‌الملل تصویر یک کشور ناتوان در مقابله با این بیماری ترسیم کردیم.

ج) به لغو تحریم‌ها از طریق بزرگ‌نمایی ناتوانی خود در مبارزه با کرونا دل بستیم.

ناتوان‌نمایی کشور در مقابله با بیماری کرونا حاصل یک تفکر و ذهنیت بود؛ آن تفکر عبارت بود از آنکه از فرصت کرونا می‌توان استفاده کرد و در صورتی که کشورمان را ناتوان و آسیب‌پذیر جلوه دهیم خواهیم توانست اجماع بین‌المللی و فضای لازم را برای لغو تحریم‌ها ایجاد کنیم. این تفکر که کرونا موجب لغو تحریم‌ها خواهد شد مبنای عملکرد دولتمردان ما بود. شاهد این رویکرد، توثیت مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری است که نوشت: «به‌رغم همه دشواری‌ها، از این نوروز تا نوروز آینده و در آستانه قرن تازه، دو مناسبت را جشن خواهیم گرفت: جشن شکست کرونا و جشن پایان دادن به تحریم‌ها. ما اجازه نخواهیم داد ایران را قرنطینه کنند.» وی در توثیت دیگری نوشت: «آمریکایی‌های عزیز: اگر به صورت جهانی با ویروس کرونا مبارزه نکنیم دوباره و دوباره و دوباره به صورت جهانی پدیدار می‌شود. تحریم‌های اقتصادی ترامپ برابر است با



شیوع بیشتر این ویروس در ایران که برابر است با شیوع بیشتر این ویروس در ایالات متحده! به ما کمک کنید تا به خودتان کمک کنید.»

(د) به ایستادگی اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد در مقابل آمریکا برای حفظ منافع کشورمان و فشار بر آمریکا برای لغو تحریم‌ها دل بستیم.

پس از شیوع بیماری کرونا در کشورمان تماس‌های تلفنی و مکاتبات رئیس جمهور و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تلاش شد که از جایگاه کشورهای اروپایی و سازمان‌های بین‌المللی برای لغو تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان کمک بگیرند تا آنجا که وزیر امور خارجه کشورمان در روز پنجشنبه ۲۲ اسفندماه در نامه‌ای به «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل که رونوشت آن برای روسای سازمان‌های بین‌المللی و وزرای خارجه همه کشورها ارسال شد، بر ضرورت رفع تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران برای مقابله با کرونا تأکید کرد.

(ه) به بهانه مبارزه با کرونا درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول را مطرح کردیم.

خوش گمانی دولتمردان ما به نهادهای بین‌المللی تا جایی پیش رفت که به بهانه مبارزه با کرونا درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول را ارائه نمودند. این اقدام هم بر مبنای باور غلط بر استقلال نهادهای بین‌المللی در مقابل آمریکا بود و نتیجه این اقدام هم با هشدار از سوی مسئولین آمریکایی مشخص شد و درخواست وام کشورمان بدون پاسخ ماند.

(ن) عملکرد منسجمی از نظام مدیریتی خود در ابتدا نشان ندادیم.

۱۶۹

عملکرد دولتمردان ما در مقابله با بیماری کرونا نشان از عدم انسجام در مدیریت داشت به نحوی که فرمانده مقابله با کرونا یک استان در رسانه‌ها درخواست کمک فوری و اضطراری می‌نمود و وزیر بهداشت و معاونش به عنوان فرماندهان مقابله با کرونا از وخامت اوضاع گله می‌کردند اما از سوی دیگر رئیس جمهور اعلام می‌نمود که از دو روز دیگر همه امور به وضع عادی بر خواهد گشت و اگر نبود موضع‌گیری رهبری برای انسجام بخشی نیروهای داخلی و ایجاد آرامش در جامعه، دچار بحران‌های متعددی می‌شدیم.

در نتیجه می‌توان گفت عملکرد دولتمردان کشورمان از یک سو موجب

ارائه تصویری ناتوان در جامعه جهانی برای کشورمان شد که نتیجه‌ای جز کمک‌های بسیار ناچیز برای کشورمان نداشت. از سوی دیگر این نوع اتخاذ سیاست موجب ایجاد هراس در بین مردم کشورمان شد.

مقایسه تصمیمات کلان دولتمردان ایالات متحده آمریکا با کشور ایران

در جدول زیر چکیده‌ای از مواضع اتخاذ شده توسط دولتمردان ما و ایالات متحده آمریکا ارائه شده تا امکان مقایسه فراهم آید.

جدول ۱: مقایسه مواضع دولتمردان ایران و آمریکا

عملکرد دولتمردان ما	مقطع زمانی	عملکرد دولتمردان ایالات متحده آمریکا
- عدم پیش‌بینی شرایط احتمالی و چالش‌های پیش‌رو به منظور مصون‌سازی نظام و کشور از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. - ادامه روال اداره کشور بر اساس اقتصاد متکی بر فروش نفت.	پیش از تحریم	- تلاش برای اجماع فکری، اقناع و همراه‌سازی جامعه جهانی برای علیه ایران. - بررسی و مطالعه دقیق شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ایران و شناسایی راهکارهای برنامه‌های عملیاتی تحت فشار قرار دادن آن. - طراحی تحریم‌های شدید برای به زانو درآوردن کشورمان.
- تلاش برای مقابله با تحریم دور زدن تحریم و فروش نفت و انجام فعالیت‌های بانکی بین‌المللی توسط شرکت‌های پوششی (حرکت در هزارتوی تحریم‌ها). - بی‌اثر برشمردن تحریم‌ها و عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های دیپلماتیک. - اتخاذ موضع‌گیری‌های سیاسی نامناسب که موجب موجه نشان دادن اقدامات آمریکا علیه ایران می‌شد. - عدم انجام اقدامات راهبردی مصون‌کننده در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور (تغییر زمین بازی).	دوران تحریم	- ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی گسترده جهانی علیه ایران. - اعمال تحریم‌های پیچیده، سنگین از سوی سازمان ملل و ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر علیه ایران. - اعمال فشار بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ایران از خارج و داخل کشور.



- ورود به مذاکرات با مطالعه و تیم کامل فنی، حقوقی و سیاسی. - استفاده کامل از کلیه ظرفیت‌های مذاکره از جمله پلیس خوب و بد و امتیازهای سوخته. - عدم عدول از اصول و خطوط قرمز خود. - اخذ تعهد از ایران و عدم ارائه عهد به طرف مقابل مانند عدم اجازه ورود ایران به بازارهای مالی آمریکا و صرفاً تعلیق تحریمهای سازمان ملل. - ایجاد زمینه ادامه روند تحریم در واقع با تهدید کشورها و اعلام هشدارهای متعدد. - حمایت از آشوب‌های داخلی و تنش در ایران.	برجام - به مذاکره با آمریکا (کدخدا) و اروپا برای حل مشکل دل بستیم. - به ساختارهای بین‌المللی و جامعه جهانی مانند سازمان ملل متحد اعتماد کردیم. - به جای پرداختن به توانایی‌های داخلی راه حل مشکلات را در خارج جستجو کردیم. - به قول و وعده‌های اروپا و آمریکا اعتماد کردیم. - مذاکرات را بدون کمک از تیم‌های فنی آغاز کردیم. - استراتژی و فنون مذاکرات را رعایت نکردیم. - در مذاکرات از اصول و خطوط قرمز تعیین شده توسط نظام عدول کردیم. - ابتدا تعهداتمان را انجام دادیم و سپس منتظر انجام تعهدات طرف مقابل ماندیم.
- خروج یک‌جانبه از توافق. - اعمال تحریم‌های شدیدتر و فلج‌کننده علیه ایران.	خروج آمریکا از برجام - پس از خروج آمریکا از برجام به منزوی کردن آمریکا به پشتوانه برجام دل بستیم. - به ایستادگی اروپا در مقابل آمریکا برای حفظ منافع خود دل بستیم. - اتحادیه اروپا علی‌رغم متعهد بودن به برجام عملاً به تبعیت یا ترس از آمریکا ما را تحریم کرد.
- بی اثر نمودن توافق اینستکس با هشدار دادن به کشورهای اروپایی	اینستکس - اعتماد نابه‌جا به کشورهای اروپایی - منتظر عملیاتی شدن اینستکس ماندن و از دست دادن فرصت‌ها



شیوع بیماری کرونا	- خود را در مبارزه با کرونا ناتوان نشان دادیم و در عرصه بین‌المللی شروع به مظلوم‌نمایی و جلب ترحم کردیم. - به لغو تحریم‌ها از طریق بزرگ‌نمایی ناتوانی خود در مبارزه با کرونا دل بستیم. - به ایستادگی اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد در مقابل آمریکا برای حفظ منافع کشورمان و فشار بر آمریکا برای لغو تحریم‌ها دل بستیم. - به جای پرداختن به توانایی‌های داخل راه‌حل مشکلات را در خارج جستجو کردیم. - به بهانه مبارزه با کرونا درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول را مطرح کردیم. - عملکرد منسجمی از نظام مدیریتی خود در ابتدا نشان ندادیم. - درخواست وام از صندوق بین‌المللی پول و ارائه تصویر یک کشور ورشکسته در جامعه بین‌الملل.	- تاکید بر لزوم رعایت تحریم‌ها علی‌رغم شیوع بیماری کرونا و تهدید کشورهایی که قصد کمک بشردوستانه به ایران را داشتند. - ارائه تصویر کشور ناامنکننده از ایران و اتهام‌زنی به ایران که از کمک‌های بشردوستانه برای تأمین مالی اقدامات بی‌ثبات - کننده در جهان استفاده خواهد کرد.
-------------------------	--	---



پیشنهادهای

الف) عدم حرکت در پازل دشمن و تغییر زمین رویا رویی و مبارزه با دشمن. هدف طراحی از تحریم، گرفتار کردن کشور هدف در یک هزارتو و دام پیچیده تار عنکبوتی از تحریم‌ها است تا کشور تحریم‌شده با تلاش بیشتر برای مقابله با آن و حرکت سریعتر در این تور بیشتر درگیر شده و انرژی، روحیه و توان خود را فرسوده نمایند. همانطور که در بیانات امام خمینی علیه‌السلام و رهبر انقلاب به کرات اعلام شده تنها راه مقابله اصولی و صحیح با تحریم‌ها عبارت است از مصون‌سازی اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی و خودکفایی کشور می‌باشد. زیرا تلاش برای دورزدن تحریم‌ها و ادامه اقتصاد نفتی چیزی جز افزایش هزینه‌ها و فساد دربر نخواهد داشت.

ب) انسجام بخشی نیروها و ساختارهای اداری و اجرایی کشور. همانطور که در بیانات رهبر انقلاب مؤکد اعلام شده است «تهاجم حداکثری دشمن، به بسیج حداکثری نیروها احتیاج دارد» لازم است برای مقابله با دشمن بسیج حداکثری و انسجام کامل میان دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها، گمرک، وزارت خارجه و ... ایجاد شود و اتاق جنگ و کنترل برای ایجاد فرماندهی متمرکز و مدیریت یکپارچه بر تمامی بخش‌های اقتصادی و سیاسی کشور تشکیل گردد. لازم است آرایش جنگی در ساختار اجرایی کشور شکل گرفته و فرماندهی لازم در این خصوص اعمال گردد.

ج) رفع هر چه سریعتر نواقص و کاستی‌های داخلی اعم از قوانین و مقررات، ساختارها و سازوکارها.

قبل از آنکه اقدامی در قبال تحریم‌ها انجام شود، ضروری است مشکلات و نواقص ساختاری، قانونی و اجرایی کشور شناسایی و نقاط ضعف بر طرف گردد. در غیر این صورت مقابله و انجام اقدامات پیش‌دستانه در مقابله با تحریم‌ها اثربخش نخواهد بود.

د) اتکا به جوانان انقلابی به جای محصور نمودن انتخاب‌ها به افرادی که صرفاً انقلاب را درک کرده‌اند.

به کارگیری و میدان دادن به جوانان مؤمن، انقلابی و متخصص و استفاده از دانش و انرژی آن‌ها در عرصه‌های مختلف مقابله با تحریم در زمینه‌های مختلف ساختاری، اجرایی و تصمیم‌سازی باید عملیاتی شود.

ن) انجام اقدامات عملی و کاربردی در کنار فعالیت‌های علمی محض.

استفاده مناسب از اتاق‌های فکر و ایجاد تعامل مثبت میان بخش‌های پژوهشی و اجرایی موجب می‌شود که هم اتاق‌های فکر از خلاء واقعیت اجراء خارج شده و هم بخش‌های اجرایی از عمل‌زدگی دور شوند. بدون ارتباط و تعامل مثبت این دو بخش، اقدامات ضد تحریمی موثری طراحی و اجرا نخواهد شد.



فصل چهارم

واقعیت کرونا؛
تحلیل تأثیرات کرونا بر
نظام سلامت و آموزش

تأملی در حکمرانی آموزش در دوران کرونا

محمدصادق تراب زاده جهرمی

پژوهشگر هسته «عدالت پژوهی» مرکز رشد

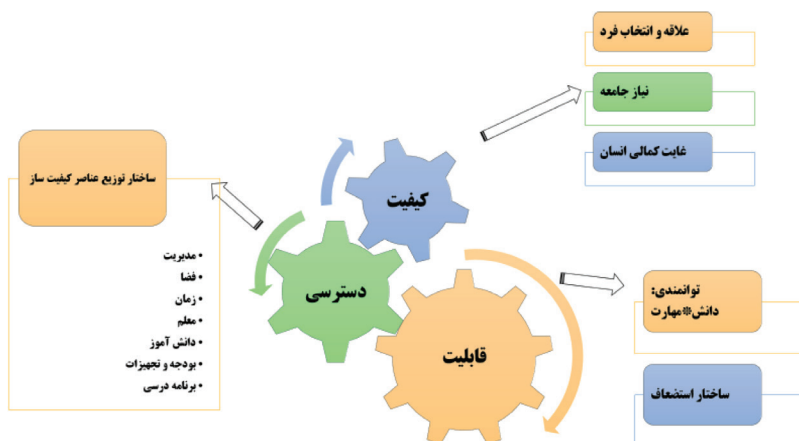
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

آموزش رسمی عمومی (آموزش و پرورش) با خبر شیوع بیماری کرونا در ایران، از اسفندماه ۱۳۹۸ وارد یک شوک سنگین شد. با توجه به سرعت شیوع بیماری، مدارس به سرعت تعطیل شدند و این تعطیلی به صورت مستمر و در شرایط ابهام آلودی تمدید شد. این تعطیلات کوتاه مدت و تمدیدهای ابهام آلود آن، باعث شد که جامعه آموزشی ایران، شرایط را گذرا فرض کرده و عمدتاً به دنبال بازگشت به شرایط عادی باشد درحالی که به نظر می رسد همچنان جامعه ایرانی، با مسئله کرونا مواجه خواهد بود. لذا نیاز است تا آموزش رسمی عمومی نیز تدابیر لازم را در این خصوص اتخاذ نماید. اما آموزش و پرورش ایران، سالهاست که مورد نقد جدی، ذی نفعان خویش است. عدالت آموزشی نیز یکی از زوایای نقد آموزش و پرورش بوده است که در دوران شیوع کرونا، شدت و حدت آن بیشتر شد. آنچه ابعاد مسئله را پیچیده تر و گسترده تر کرده است، ورود آموزش از راه دور

(خصوصاً آموزش مجازی) به عنوان جایگزین آموزش حضوری بوده است. این امر، اقتدار حاکمیت را کاهش و به دنبال خود، نقش مدارس و خانواده‌ها را پررنگتر کرد. درواقع، از زاویه عدالت آموزشی، تکیه مسئله بر «نقش آفرینی موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها» در اکتساب آموزش باکیفیت‌تر است. اکنون موقعیت خانواده‌هاست که تعیین می‌کند، دانش آموزان، از چه کیفیتی و چگونه برخوردار شوند و آیا امکان بهره‌مندی کامل از این کیفیت آموزشی را دارند یا خیر. بنابراین طرح مسئله عدالت آموزشی در شرایط کنونی، ناظر به سه مؤلفه است:

- کیفیت آموزشی: کیفیت تابع علاقه و انتخاب فرد، نیاز جامعه و نهایتاً غایت کمالی انسان تعریف می‌شود. سازگاری بیشتر آموزش با این عناصر، به معنای کیفیت بالاتر آموزش است.
- دسترسی به آموزش: عناصر هفت‌گانه‌ای وجود دارند که در عرصه آموزش، کیفیت ساز هستند. ساختار توزیع این عناصر کیفیت ساز، دسترسی به آموزش را تعریف می‌کند: مدیریت، فضا، زمان، معلم، دانش آموز، بودجه و تجهیزات، برنامه درسی.
- قابلیت بهره‌مندی از آموزش: ممکن است آموزش با کیفیتی عرضه شود اما بنا به دلایل مختلف، یادگیرنده، امکان بهره‌مندی کامل از این آموزش را نداشته باشند. قابلیت را می‌توان در دو عنصر خلاصه کرد: توانمندی یادگیرنده (ترکیب مهارت و دانش فرد)؛ ساختار اقتصادی-اجتماعی استضعاف در جامعه (شرایط محیطی که مانع بهره‌مندی شوند).

شکل ۱: مؤلفه‌های عدالت آموزشی



تا قبل از شیوع بیماری کرونا، نظام آموزش و پرورش ایران از این سه منظر نیز با نقدهای سهمگینی مواجه بوده است اما چنانچه بیان شد در سبک آموزش از راه دور و عموماً مجازی، این مؤلفه‌ها، شکل جدیدی به خود گرفته‌اند:

• **تنزل کیفیت به ۵۰ درصد وضعیت گذشته:** افت تدریس، عدم

پوشش همه دروس، دشواری انطباق محتوا و مدیا و در محاق رفتن تربیت، از جمله مواردی است که با کاهش کیفیت مضاعف آموزش شده است.

• **رسانه‌های آموزشی و مسئله دسترسی:** علاوه بر افت کیفیت

ارائه‌شده، دسترسی نیز دچار خدشه شده است.

• **آموزش تلویزیونی:** بهره‌مندی ۷۰ درصد دانش آموزان از این

آموزش تخمین زده شده است. این در حالی است که همه دروس و کتب درسی نیز پوشش داده نشده است. حدود ۱۰۰۰ عنوان کتاب، برای حدود ۲۵۰ عنوان درس وجود دارد که لزوماً همه آن‌ها تحت پوشش آموزش تلویزیونی قرار نمی‌گیرند. ضمناً کیفیت آموزش مونولوگ تلویزیونی و رادیویی، خود محل تأمل است.



• شکاف دیجیتال و دسترسی دانش آموز به اینترنت و تجهیزات: گرچه آمار و اطلاعات در آموزش و پرورش ایران، یک شوخی بزرگ است اما برآوردها نشان از عدم دسترسی ۳۰ درصدی به آموزش مجازی در کشور دارد که در استان های محروم، بیش از این عدد است.

• کیفیت پایین و نقص در تجهیزات آموزشی مدارس و معلمان.

• کیفیت سرویس های آموزش مجازی و پیام رسان ها: اکنون اپلیکیشن «شاد» به عنوان ابزار قدرت تحصیلی آموزش و پرورش، فاقد کیفیت های حداقلی در این عرصه است. بحث در باب پیام رسان های داخلی و خارجی و سرویس های آموزش مجازی مورد استفاده در کشور نیز خارج از حوصله این خلاصه نوشتار است. به طور اجمالی باید بیان کرد در صورت فقدان سرویس های قوی و نیز ظهور توأمان سرویس های خارجی فارسی زبان، عملاً راه برگشت، تبدیل به یک آرزو خواهد شد.

• قابلیت ورود و فعالیت در آموزش مجازی: فارغ از کیفیت و دسترسی، مقوله قابلیت نیز به شدت در آموزش مجازی دارای اهمیت است. درواقع، فرد باید بتواند از این آموزش، استفاده کند. دو عنصر بر قابلیت بهره مندی از کیفیت و دسترسی مؤثرند:

• سواد رسانه و اطلاعات MIL: سواد آموزش مجازی در همه ذی نفعان به شدت پایین است. دانش آموزان، اولیاء و معلمان که در خط مقدم آموزش هستند، به شدت با این مسئله درگیر هستند.

• فقر و استضعاف اقتصادی-اجتماعی در سطح جغرافیا و خانواده. شرایط اقتصادی-اجتماعی خانواده ها، بسیاری از عناصر و مؤلفه های فوق را تعیین می کند. دسترسی به شدت تابع سطح مالی و امکانات خانواده هاست. حمایت آموزشی در خانه، به شدت تابع موقعیت اجتماعی، تحصیلات و سطح فراغت خانواده است. عملکرد مدارس در این زمینه متفاوت بوده و

دسترسی به مدرسه بهتر و آموزش مجازی بهتر، تابع موقعیت

اجتماعی، اقتصادی و حتی جغرافیایی خانواده است.

- ضرب این سه گانه در هم برحسب شرایط اجتماعی اقتصادی خانواده‌ها: باید توجه داشت که هر سه مؤلفه کیفیت، دسترسی و قابلیت را باید با هم ضرب کرد. در خانواده‌های فقیر، در گروه‌های حاشیه‌ای و امثال آن، هر سه مؤلفه به شدت دچار چالش هستند و اساساً کیفیت پایین با دسترسی ضعیف و قابلیت ناچیز یادگیرنده و خانواده وی، در هم ضرب می‌شوند. اینجاست که تداوم شرایط حاضر، شکاف آموزشی را در نسبت با رفاه اجتماعی و نابرابری اجتماعی-اقتصادی، تشدید می‌کند و در آینده شاهد بی‌عدالتی اجتماعی شدیدتر خواهیم بود.

خلاصه آن که شیوع کرونا، موجب رشد نقش آفرینی خانواده‌ها در تأمین آموزش خصوصاً از مسیر منابع آنلاین و آفلاین، آموزش‌های آزاد و آموزش در منزل شده است. این امر یعنی تضعیف اقتدار نظام رسمی آموزش و پرورش عمومی و از سوی دیگر، طبقاتی‌تر شدن آموزش و فرصت‌های اقتصادی اجتماعی در آینده. راه حل چیست؟ می‌توان همانند جریان‌ات چپ‌گرا، داد سخن بر تحلیل طبقاتی و لزوم تخصیص منابع بیشتر به مناطق حاشیه‌ای و ... سر داد اما می‌دانیم که برابری طلبی ساده، ساده‌انگارانه است. وقتی ساختارهای مولد بی‌عدالتی دائماً فعال هستند، هرگاه هم که جامعه را برابر کنیم، مجدداً نابرابری تولید می‌شود. در عین اینکه نابرابری‌های مشروع، طبیعی هستند و باید آن‌ها را پذیرفت اما روی سخن را باید به سمت ساختارها، منصرف کرد.



نقطه اهرمی؛ بازسازی ساختار حکمرانی آموزش

بدنه آموزش و پرورش کشور بسیار بزرگ است؛ نیازهای آموزشی و تربیتی کشور، افق بالایی را طلب می‌کند؛ تحولات اجتماعی، به سرعت در حال ظهور هستند؛ تنوع جامعه بالاست و در عین حال، ظرفیت‌ها بسیار زیادند. در این بین، صرفاً یک ساختار قوی است که می‌تواند جریان آموزش و پرورش کشور را مدیریت کند. اما ضعف ستاد و زار تخانه باعث شده است تا

آموزش و پرورش از هر چیزی که بوی تغییر می‌دهد، فراری باشد. تغییر برای آموزش و پرورش، قبل از آنکه مسئله بودجه، نیروی انسانی و ... داشته باشد، ترس از لرزش پایه‌های قدرت را نشان می‌دهد. به همین دلیل، بهترین راه‌حل، ساده‌ترین راه‌حل است: کبک، از ترس شکارچی، سرخود را زیر برف می‌کند. وزارتخانه، اجازه ورود سایر ذینفعان را نمی‌دهد و خوشحال است که اوضاع تحت امر اوست. اشتباه نشود؛ تحت کنترل او نیست. او، تحت امر بودن را نشانه تحت کنترل بودن می‌داند.

آموزش و پرورش از هر پیشنهادی که نیازمند بودجه، نیروی انسانی، تحول ساختاری، نظارت بیشتر و ... بدهد پرهیز می‌کند. هم تثبیت و توسعه قدرت خود را طلب می‌کند و هم از تغییر می‌ترسد. از مسجد مدرسه، تحصیل در خانه، ورود سرویس‌های آموزش مجازی به مدارس، ورود آموزش‌های آزاد به مدارس، غیرمتمرکز شدن وزارت خانه، مشارکت غیرمالي در آموزش، چند تألیفی در کتب درسی، انعطاف در برنامه درسی رسمی، زمان آموزش منعطف و بسیاری امور دیگر وحشت دارد. در عین اینکه می‌داند راه‌حل را در همین موارد باید جستجو و تدبیر شود اما از همه آن‌ها هم هراس دارد. لذا سعی می‌کند با یک دستور استاندارد و خطی ملوکانه، کار را فیصله دهد. سپس سر در زیر برف کرده و اوضاع را تحت کنترل می‌بیند. راه‌حل نهایی او، طراحی برنامه‌ای برای تغییر اما در ظل قدرت خویش است و چون ضعیف است، برنامه‌اش، تغییری در عمق مسئله‌ها رقم نمی‌زند.

آموزش و پرورش باید بداند که ضعف قدرتش عمدتاً ناشی از ساختار حکمرانی ضعیف آن است. ما نیازمند تغییر در ساختارهای حکمرانی آموزش هستیم. نیازمند ظرفیت‌سازی نهادی برای آموزش و پرورش هستیم. نیازمند نهادسازی‌های جدید در آموزش و پرورش هستیم. نیازمند انعطاف در تصمیم‌گیری و تنظیم‌گری در تدبیر امور هستیم. این امر البته الزاماتی دارد. مثلاً نیازمند نظام شاخص‌های آموزش و پرورش هستیم که به‌صورت آنلاین در دسترس همگان باشد. آموزش و پرورش کشور نیازمند باز شدن هست و البته قبل از آن، باید نهادسازی لازم صورت گیرد. از سوی دیگر، نیازمند تغییرات افراد نیز هستیم. بخشی از فرایند عدم تکامل ساختار حکمرانی



آموزش و پرورش، حضور افراد کوتاه‌قامت و گردش دوره‌ای آنان در ساختار است. آنان به جهت همان ترس از ضعفشان، اجازه رشد ساختاری نمی‌دهند و افراد بلندقامت و بالغ را سرکوب می‌کنند. پس هم‌زمان با نهادسازی، باید افراد کوتاه‌قامت رسوب کرده را نیز از مصادر اصلی به حاشیه سوق داد تا هم از تجاریشان استفاده شود و هم از سلطه‌شان خودداری.

اکنون که ویروس منحوس کرونا، در کنار ایجاد ابتلائات و امتحانات برای افراد، ساختارهای اجتماعی ما را نیز به چالش کشیده است، بهتر است به جای ترس و پنهان شدن، آن را به مثابه فرصتی دیده و اصلاحاتی که سال‌ها زمینه اعمال و پذیرشش فراهم نبود را دنبال کند. اکنون که عملاً نقش خانواده‌ها در تعلیم و تربیت، پررنگ شده است، مدارس به صورت غیرمتمرکز، محوری در نظام آموزشی یافته‌اند و خلاقیت‌های محلی، به سوی آموزش سرازیر شده‌اند، لازم است خط‌مشی‌گذاران آموزشی، این فرصت را قدر بدانند و تا حد ممکن، اصلاحات را اعمال کنند.

اما آموزش و پرورش ما برای تقویت ساختار حکمرانی خویش، چه کاری باید در پیش گیرد؟

۱- نظام رصد و پایش یکپارچه، آنلاین، در دسترس و سبک: قبل

از باز کردن فضای تعلیم و تربیت در کشور، ضروری‌ترین اقدام، طراحی و راه‌اندازی نظام رصد و پایشی است که به صورت آنلاین، وضعیت سنج‌های مختلف را نشان دهد و در عین حال، تصویری کلان به مخاطب عرضه کند. این نظام رصد را نباید در گوشه‌ای مخفی کرد و مخصوص سیاست‌گذاران دانست بلکه باید دسترسی عمومی را دنبال کرد. البته این دسترسی قاعداً دسترسی آنلاین است؛ نه صرفاً انتشارهای دوره‌ای اطلاعات. همچنین به جهت سهولت تأمین داده، باید از پیچیدگی سامانه‌های دریافت داده پرهیز کرد تا مدارس و ... بتوانند به راحتی به این مهم پردازند. مسئله دیگر نیز یکپارچه‌سازی بانک‌های اطلاعاتی در آموزش و پرورش است تا بر کارایی آن افزوده شود.

۲- خود حکمرانی و عدم تمرکز با تأکید بر اختیاردهی به

مدارس: هر قانون، آیین‌نامه و الزام، به معنای کوچک شدن دست مدارس



در تعلیم و تربیت است. بهتر است به جای اینکه هدایت نظام آموزشی از مسیر بستن راه‌های فرار مدارس باشد، حدود و میدان عمل مدارس را تعریف و بر اساس توانایی آنان، امکان خود حکمرانی را به مدارس دهیم. قطعاً لازمه این گام، نظام رصد و پایشی است که بیان شد. در غیر این صورت، فرد کور، کسی را نمی‌تواند هدایت کند.

۳- تنظیم گری با توجه به تدریج و مبتنی بر قابلیت؛ به جای نسخه‌های ثابت، خشک و واحد: متأسفانه سبک تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش، ارائه نسخه‌های ثابت، خشک و واحد برای همگان است که به دلیل عدم ملاحظه تفاوت‌ها، عملاً همگان را مجبور به نقض قانون و تصمیم می‌کند. اکنون لازم است به تدریج و بر اساس قابلیت مجریان، به جای نسخه‌های واحد و ثابت، دایره عمل تعریف کنیم که دائماً امکان تنظیم آن را داشته باشیم. لذا نهادهای نظارتی، نهادهای مجازات کننده صرف نیستند بلکه نهادهایی هستند که دائماً از مسیر رصد عملکرد مجریان، دامنه اختیارات آنان را کم‌وزیاد می‌کنند. بنابراین در نوع ساختار و عمل نهادهای ناظر باید بازاندیشی کرد. باید فهمید که نظام اداری، قلب هر سیاست‌گذاری است که امکان حیات را به آن می‌دهد و در صورت ضعف، آن را به مرگ می‌کشاند.

۴- چندگانه‌سازی خدمات دهندگان توأم با اعتبارسنجی حرفه‌ای ستادی: خدماتی از قبیل کتاب درسی، سرویس‌های تعاملی آموزش مجازی، بازی‌های آموزشی و امثال آن که جنبه خدمت به مدارس دارند را باید از انحصار خارج کرد. البته سبک انحصار شکنی و عدم تمرکز نیز لزوماً برون‌سپاری نیست. بلکه آموزش و پرورش باید با ایجاد یک درگاه اعتبارسنجی، انواع خدماتی که بازار آموزش می‌تواند عرضه کند را ارزیابی و اعتبارسنجی کرده و بدون اینکه بخواهد، هزینه‌ای بابت آن‌ها بدهد، این خدمات تأیید شده را به جامعه معرفی نماید و امکان استفاده آزاد از این خدمات توسط جامعه آموزشی را فراهم سازد. بنابراین نیازمند نهادهای اعتباربخشی و ایجاد درگاه مربوطه در حوزه خدمات آموزشی قابل عرضه به جامعه آموزشی هستیم.



۵- حرکت به سوی مدارس محلی و اجتماع محور: در صورتی که خود حکمرانی و عدم تمرکز را (نه به عنوان یک نسخه واحد و ثابت و تحمیلی) بپذیریم، آنگاه است که می‌تواند بخشی از مدارس توانمند کشور را به جامعه محلی آن متصل کرد و اجازه مشارکت ظرفیت‌های محلی در مدرسه را داد. این امر، هم هزینه‌های مدرسه را کاهش می‌دهد، هم کیفیت خدمات را بالا می‌برد و هم تأثیر و تأثرات اجتماعی-اقتصادی در جامعه محلی را رقم می‌زند. مشارکت اساسی در آموزش و پرورش را باید در مدارس اجتماع محور دنبال کرد؛ نه اخذ شهریه از اولیاء. مدارس اجتماع محور، امکان دریافت و ارائه خدمات به جامعه محلی خویش را دارند. مساجد، مؤسسات فرهنگی-آموزشی، طبیعت محلی، بازارها، فضاهای تفریحی و خدماتی، کسب و کارها، نهادهای مدنی و نهادهای اداری محلی از جمله ظرفیت‌هایی است که مدارس اجتماع محور، خواهند داشت.

۶- انعطاف در زمان و فضای آموزشی: یکی از تأسفات اساسی در آموزش کشور، استانداردهای زمانی و فضایی برای آموزش و خصوصاً مدارس است که امکان تحرک از مدارس را سلب کرده و اساساً موجب ایجاد تنش میان خانواده و مدرسه شده است. انعطاف در زمان شروع و پایان سال تحصیلی، شروع زمان و پایان روزانه کلاس‌های درسی و تنوع‌های فضایی در ضمن رعایت ایمنی و امثال آن، امکان تحرک فوق‌العاده‌ای را به مدارس در سراسر کشور خواهد داد. خصوصاً هر چه مناطق آموزشی، حاشیه‌ای‌تر باشند، از این امکان، بیشتر بهره می‌برند که خود از راهکارهای حل چالش مرکز-پیرامون است.



۷- تقویت ارزشیابی و تحلیل خط‌مشی‌های آموزشی در بدنه پژوهشی آموزش و پرورش: نظام پژوهشی کشور در حوزه آموزش و پرورش اولاً منحصراً در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، مدیریت آموزشی و... است و ثانیاً عموم موضوعات، خرد و غیرسیاستی هستند. از این رو لازم است با حرکت به سمت ارزشیابی و تحلیل خط‌مشی‌های آموزشی کشور، اولاً مسائل کلان آموزش را بیشتر محل بحث و نظر قرار دهیم و ثانیاً دریچه‌ای به روی سایر عرصه‌های علمی نیز باز کنیم. هر چه آموزش و پرورش در این زمینه، بازتر

عمل کند، عملاً ذخیره دانشی و پشتوانه سیاست‌های خود را تقویت کرده است.

۸- تنوع آموزشی به جای تنوع مدارس: توجه منطقی آموزش و پرورش به تفاوت‌ها، موجب شکل‌گیری بیش از ۳۰ نوع مدرسه در ایران شده است. ملاحظه تفاوت‌ها امری عادلانه و درست است اما سبک تصمیم‌گیری آموزش و پرورش در ایجاد مدارس تفکیکی بر اساس هر تفاوت، سبکی اشتباه است. آنچه جامعه آموزشی نیاز دارد، تنوع آموزش است و نه تنوع مدارس. راهکار آن نیز حذف برخی از انواع مدارس به عنوان مقصرین حادثه نیست. راهکار، حرکت به سمت خود حکمرانی، عدم تمرکز، تنظیم‌گری، چندگانگی در خدمات، مدارس اجتماع‌محور و نهایتاً تنوع آموزش است. آنگاه تلاش حداکثری بر مواجهه با انواع تفاوت، درون مدرسه است و تفکیک، به حداقل خویش می‌رسد. این امر، توزیع عادلانه‌تر منابع و آموزش با کیفیت‌تری را رقم خواهد زد.

۹- تدوین خط‌مشی تنظیم‌گری آموزش مجازی در حوزه

زیرساخت و تولید محتوا: در این خصوص لازم است به صورت ویژه چند مورد را در کوتاه‌مدت، تصمیم گرفت. این موارد عبارت‌اند از:

- ۹-۱. ارتقاء سواد آموزش مجازی معلمان، خانواده‌ها، دانش‌آموزان
- ۹-۲. تداوم آموزش مجازی پس از کرونا (مقاومت آموزشی، تمرکززدایی)
- ۹-۳. خط‌مشی منابع آموزشی باز

بررسی راهبرد اثربخش بهداشتی در بازگشایی مدارس

امیرحسین شفقاری

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع)

ده‌ها میلیون دانش‌آموز در سراسر جهان به دلیل گسترش پیشرونده بیماری کووید-۱۹ با تعطیلی موقت مدارس روبه‌رو شده‌اند. هر چند تمام دستورالعمل‌ها و توصیه‌های جهانی به روشنی به اثربخشی احتمالی تعطیلی موقت مدارس برای کنترل کووید-۱۹ اشاره دارند اما مهم‌ترین سؤالات پیش رو این است که آیا بعد از طی شدن دوره موقت تعطیلی مدارس، امکان بازگشایی وجود دارد و اگر قرار است مدارس مجدداً بازگشایی شود، چه زمان و در چه شرایطی و با چه روشی باید باشد و ملاحظات بهداشتی بازگشایی مدارس به چه شیوه‌ای است؟

از همین رو، مسئله بازگشایی مدارس و ملاحظات بهداشتی ناظر به آن، یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین تصمیماتی است که دولت‌ها به موازات کاهش تعطیلی‌ها با آن مواجه شده‌اند. احساس استرس و ترس ناشی از

بحران کرونا در دانش آموزان و خانواده‌های آنها و وضعیت بهداشتی مدارس پس از بازگشایی، سلامت جسمی و روانی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آمادگی‌های زیستی و روانی، تقویت ایمنی و مصونیت سلولی دانش آموزان و کارکنان آموزش و پرورش در مقابله با این ویروس، امری بسیار حیاتی است. در کوتاه‌مدت و بلندمدت، ویروس کرونا می‌تواند سلامت زیستی، روانی، پویایی، احساس خودباوری و انگیزه تلاش‌مداری در نظام آموزشی را متأثر کند.

یکی از نکات حائز اهمیتی که می‌تواند ما را از بحران کنونی شیوع کرونا خارج کند، نگاه پیشگیرانه است. ناظر به نگاه پیشگیرانه در رابطه با کاهش تراکم کلاسی، وضعیت مربی بهداشت، آموزش بهداشت و سلامت و مراقبت بهداشتی می‌توان ملاحظات را در نظر گرفت که ما را به اهداف مصرح در قوانین و اسناد بالادستی نزدیک گرداند.

در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی سلامت از سوی مقام معظم رهبری در فروردین ماه ۱۳۹۳ ابلاغ گردید. این سیاست کلان ناظر به مجموعه فعالیت‌های علمی- پزشکی درمانی است، با رویکرد سلامت روان، سلامت معنوی و سلامت جسم و در قسمت زیر به بند ۲ سیاست‌های کلی سلامت اشاره شده است:

«رویکرد سلامت همه‌جانبه در همه قوانین و سیاست‌ها محقق شود.»

تحقق رویکرد سلامت همه‌جانبه و انسان سالم در همه قوانین، سیاست‌های اجرایی و مقررات با رعایت:

۱-۲- اولویت پیشگیری بر درمان.

۲-۲- روزآمد نمودن برنامه‌های بهداشتی و درمان.

۳-۲- کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدیدکننده سلامت مبتنی بر شواهد معتبر علمی.

۴-۲- تهیه پیوست سلامت برای طرح‌های کلان توسعه‌ای.

۵-۲- ارتقاء شاخص‌های سلامت برای دستیابی به جایگاه اول در منطقه آسیای جنوب غربی.

۶-۲- اصلاح و تکمیل نظام‌های پایش، نظارت و ارزیابی برای صیانت



قانونمند از حقوق مردم و بیماران و اجرای صحیح سیاست‌های کلی. در بند ۲ از بندهای ۱۴ گانه سیاست‌های کلان سلامت، موضوع سلامت همه‌جانبه و انسان سالم مورد تأکید قرار گرفته است و در این سیاست‌ها تأکید می‌شود که تمامی اقدامات مجلس و دولت در وضع قوانین و مقررات تنظیمی باید بر پایه تأمین و ارتقاء سلامت همه‌جانبه باشد. بنابراین؛ باید از اقدامات خلاف آن جلوگیری شود. ذیل این سیاست، بر قبول اولویت پیشگیری بر درمان و به رعایت و التزام عملی دولت و نهادهای مسئول سلامت نسبت به این اصل تأکید می‌کند. علاوه بر این، در این سیاست در جهت اصلاح برنامه‌های سلامت با توجه به اولویت‌ها، روزآمد نمودن برنامه‌های سلامت مبتنی بر ارتقاء سلامت، پیشگیری، کاهش عوامل خطر و آلودگی‌های تهدیدکننده سلامت و تهیه پیوست سلامت برای طرح‌های کلان توسعه‌ای، اصلاح و تکمیل نظام‌های پایش، نظارت و ارزیابی برای صیانت قانونمند از حقوق مردم و بیماران و اجرای صحیح سیاست‌های کلی تأکید کرده‌اند.

مواد و مصوباتی مرتبط با بند ۲ سیاست‌های کلان سلامت وجود دارد که برخی از آن‌ها اجرا شده است و برخی به اجرا درنیامده است و از نظر اجرا خلأهایی دارد. به طور مثال، مصوبه استانداردهای ملی پیوست سلامت در خردادماه ۱۳۹۲ در شورای عالی سلامت تصویب و از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است، ولی هنوز اجرا نشده است. خلأهای اجرایی در راستای تکالیف مندرج در قوانین و اسناد بالادستی و فقدان استراتژی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در راستای اجرایی سازی اسناد بالادستی حوزه سلامت در آموزش و پرورش، از نقیصه‌هایی است که معضلات ناشی از آن در ایام کرونا عیان‌تر شد و نیاز به تدبیرهای ویژه و هماهنگی‌های بیشتری بین نهادهای مختلف اثرگذار در راستای سلامت معنوی، جسمی و روانی دانش‌آموزان دارد.

دانش‌آموزان خلّاق و توانمند، نیروی محرکه رشد و پیشرفت آتی هر جامعه‌ای هستند؛ درعین حال آشکار است که صرف وجود دانش‌آموزان، برای توسعه و پیشرفت کافی نیست و باید این افراد از توان جسمی و آمادگی ذهنی لازم برخوردار باشند، ازاین‌رو شعار «انسان سالم - محور



توسعه» مطرح گردیده است. تحقق این شعار در عصر حاضر با توجه به شرایط محیطی و اقلیمی موجود و تهدیدات گوناگونی که از جوانب مختلف سلامت دانش آموزان را تهدید می کند، امر ساده ای نیست و لازم است در درجه اول تدوین قوانین کشوری و سیاست گذاری های کلان جامعه در حوزه آموزش و پرورش با محوریت سلامت باشند و در مرحله بعد، پیاده سازی قوانین و اجرای سیاست ها، با حفظ پایبندی به اصول سلامت محور انجام شوند. مقام معظم رهبری در رابطه با اهمیت سلامت می فرمایند: «سلامت محور همه چیز، حتی عروج انسان است و هر انسانی حتی اگر در عرصه معنویت بخواهد رشد کند، باید فرد سالمی باشد». همچنین مقام معظم رهبری در بیاناتشان در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۸۹/۰۱/۰۱ به لزوم توجه به سلامت در برنامه ریزی ها اشاره می کنند: «مسئله ای سلامت» در برنامه ریزیهای گوناگون اجرائی در دستگاه های مختلف باید مورد توجه ویژه قرار بگیرد. تأمین می شود.

مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع خیرین سلامت کشور در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱ به این نکته اشاره می کنند که سلامت، مسئله درجه یک کشور است:

«مسئله ای سلامت، جزو مسائل درجه ی یک هر کشوری است، یعنی اگر ما دو سه مسئله ی درجه ی یک را بخواهیم کنار هم بگذاریم، بلاشک یکی از آن ها مسئله ی سلامت و بهداشت و درمان است. اگر در کار نگاه تخصصی و عالمانه نباشد، دچار مشکل خواهد شد؛ یعنی یا موازی کاری می شود یا کار غلط انجام می گیرد؛ بنابراین باید نگاه عالمانه در آن وجود داشته باشد؛ و این هم جز با حضور پزشکان و اساتید و مانند این ها امکان پذیر نیست.»

آنچه از وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش در حوزه سلامت و بهداشت به دست می آید، حاکی از آن است که نسبت به این امر و تدوین استراتژی های دقیق و اجرایی سازی آن غفلت هایی صورت گرفته است و موانع عدم تحقق مسئله سلامت و درجه یک محسوب کردن آن در آموزش و پرورش جدی است.

حال باز گردیم به بررسی «معضل بازگشایی مدارس» در دوران کرونا و

پسا کرونا و اینکه به بررسی گزارش فاینشنال تایمز در این رابطه و چالش‌ها که برخی از کشورها با آن روبه‌رو هستند و راه‌حل‌هایی که برای آن در نظر گرفته‌اند، می‌پردازیم. فاینشنال تایمز در گزارشی با عنوان «معضل بازگشایی مدارس» به این نکته اشاره می‌کند: «برای میلیون‌ها کودک و نوجوان در سراسر جهان، بازگشت به مدرسه در ترم جدید، امری غیرقطعی است. بچه‌های مدرسه‌ای از جمله مظلوم‌ترین قربانیان تصمیم دولت‌ها برای تعطیل کردن اقتصاد برای کند کردن شیوع کرونا و ویروس بوده‌اند. غیبت طولانی از مدرسه به معنای شکاف در یادگیری و فقدان تعامل اجتماعی با همسالان است. در این زمینه کودکان خانواده‌های فقیر بیشتر در خطرند. همان‌طور که خیلی از والدین و معلمان و کودکان در هفته‌های اخیر دریافته‌اند، یادگیری آنلاین، جایگزینی ساده و دسترس‌پذیر برای کلاس درس نیست.»

در این گزارش پس از بررسی نظر چند مرکز تحقیقاتی به این جمع‌بندی می‌رسد: «احتمالاً هیچ رویکرد یکسان و فراگیری برای رسیدن به بهترین روش بازگشایی مدارس وجود ندارد.»

در این گزارش به این امر اشاره شده است: سیاست‌گذاران باید چند عامل را در نظر بگیرند، از جمله اینکه در چه مرحله‌ای از شیوع بیماری هستند و ملاحظات فرهنگی به چه صورت است. جوامعی که تعداد خانوارهای چند نسلی در آن‌ها زیاد است باید بسیار مراقب باشند. پژوهش‌های میدانی نشان داده است که زندگی چند نسل زیر یک سقف، می‌تواند شیوع کووید ۱۹ را افزایش دهد (برای مثال در ایتالیا).



سیاست‌گذاران تنها می‌توانند به بازگشایی بخشی از مدارس فکر کنند تا کودکان و کارکنان از بیماری در امان بمانند. دانشگاه آکسفورد و برخی دانشگاه‌های سوئیس در یک همکاری پژوهشی، کارآمدی راهبردهای گوناگون فاصله‌گذاری «شبکه‌محور» را برای مسطح کردن منحنی ابتلا به ویروس بررسی کرده‌اند. نمونه‌ای از پیاده‌سازی چنین رویکردی آن است که شاگردان مدرسه را به «گروه‌های خرد» تقسیم کنیم و با دیگران تعامل اجتماعی نداشته باشند. هرگونه بازگشایی مدارس باید همراه با آزمایش‌های مفصل باشد تا بتوان مبتلایان را شناسایی کرد و بر اساس آن محدودیت‌ها را اصلاح

و بازیابی کرده، یا در بدترین حالت، به وضعیت تعطیلی مدارس بازگشت. در این شرایط بسیار مهم است که سیاست‌گذاران از میزان کارآمدی هر یک از راهبردهای گوناگون فاصله‌گذاری اجتماعی آگاهی داشته باشند. تعطیلی‌ها همچنین باعث شده نابرابری‌های آموزشی موجود برجسته‌تر شوند. پژوهشی که بنیاد ساتن (Sutton Trust) انجام داده است نشان می‌دهد دوسوم کودکان بریتانیایی از هنگام شروع تعطیلی‌های کرونایی، در یادگیری‌های آنلاین شرکت نکرده‌اند.

ناظر به مدارس در نظام آموزش و پرورش نیز می‌توانیم به دو مورد زیر اشاره کنیم و اینکه چرا مدارس و مدرسه در کانون توجه قرار گرفته است: اول اینکه مدرسه یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی است که امکان انتقال و ویروس به دلیل همجواری دانش‌آموزان طی ساعت‌های طولانی در آن و به تعداد بالای دانش‌آموزان مطرح است و دوم اینکه چقدر مدارس ما برای روبه‌رو شدن با چنین شرایطی از پیش آمادگی دارند. همچنین در تمام بحث‌هایی که به موضوع بهداشت و سلامت دانش‌آموزان مرتبط است، به یک موضوع جدی برخورد می‌کنیم که مدرسی که مربیان و مراقبان بهداشت ندارند چگونه باید یک نسل را با سبک سلامت آشنا کنند یا در مواقع بحران بتوانند اثرگذار باشند؟

جامعه دانش‌آموزان با توجه به شکل همزیستی آن‌ها می‌تواند اولین گروه هدف آموزش و ارتقای بهداشت و سلامت در جامعه باشد که این مسئولیت به صورت مستقیم بر عهده مربیان بهداشت و مراقبان سلامت است. آموزش دانش‌آموزان درواقع آموزش پیشگیرانه و ارتقای آگاهی آن‌ها نسبت به مسائل بهداشتی است و این یعنی آمادگی ذهنی و عملی در مواجهه با بیماری، حادثه و هر بحرانی که به بهداشت و سلامت مربوط است.

وزیر آموزش و پرورش در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۹۸ به این نکته اشاره کردند: «در حال حاضر از نظر وجود مربیان سلامت در مدارس، پیش‌بینی کرده‌ایم که به ازای ۷۵۰ دانش‌آموز یک مربی بهداشت نیاز است که در شرایط فعلی با این فرمول حدود ۱۰ هزار مربی سلامت نیاز داریم.»

یکی از معضلاتی که به نظر می‌رسد این است که آموزش و پرورش فاقد



استراتژی هدفمند در این راستاست و ضعف در جذب مربیان بهداشت کارآمد و مؤثر در آموزش و پرورش مشهود است. کمبود نیروی متخصص و توانمند در مدارس علی‌الخصوص نیروی بهداشت منجر شده تا بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی دانش‌آموزان پنهان بماند؛ حضور مربی بهداشت می‌تواند زمینه‌های آموزش‌های بهداشت جسمانی و روانی را برای دانش‌آموزان و والدین آن‌ها مهیا کند تا آن‌ها بتوانند موارد خود مراقبتی را بیاموزند که چگونه در برابر رفتارهای پرخطر از خود مراقبت کنند.

یکی از نکات حائز اهمیت است که می‌تواند ما را از بحران کنونی شیوع کرونا خارج کند، نگاه پیشگیرانه است. ناظر به نگاه پیشگیرانه در رابطه با وضعیت مربی بهداشت، مراقبت بهداشتی، تراکم کلاسی و آموزش بهداشت و سلامت می‌توان ملاحظات را در نظر گرفت که ما را در تحقق هدف مهم سلامت دانش‌آموزان و کارکنان نظام آموزشی یاری کند که در ادامه به مهم‌ترین این ملاحظات و راهکارهای سلامت محور اشاره می‌شود:

ملاحظات بهداشتی مدارس:

۱. تهیه و ابلاغ دستورالعمل کنترل و پیشگیری برای اجرای مدارس سراسر کشور شامل موارد زیر؛ کنترل وضعیت بهداشت محیط و سلامت کارکنان و دانش‌آموزان، تکمیل گزارش روزانه از وضعیت سلامتی دانش‌آموزان و کارکنان، گندزدایی و میکروب‌زدایی از مدرسه قبل از بازگشایی مدارس به‌صورت هفتگی در حین سال تحصیلی، عرضه لوازم بهداشتی همچون ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی‌کننده به‌صورت روزانه به دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه، رعایت فاصله‌گذاری میان دانش‌آموزان و کارکنان مدرسه، الزام به رعایت تهویه هوای کلاس‌های درس و رعایت و کنترل روزانه بهداشت سرویس‌های بهداشتی، کنترل و ضدعفونی کردن سرویس‌های حمل و نقل دانش‌آموزان، مسئولیت نظارت بر اجرای دستورالعمل بر عهده مدیر مدرسه است.

۲. کاهش تراکم کلاسی با روش‌های مختلفی همچون استفاده از نوبت مخالف مدارس، کاهش زمان آموزش دروس با استفاده از ظرفیت



تعطیلات آخر هفته و در نتیجه پایین آمدن میزان ماندن دانش آموزان در محیط بیرون، نوبتی کردن زمان حضور دانش آموزان در مدرسه و کلاس درس به صورت یک روز در میان، تقسیم ساعات روزانه مدرسه به دو قسمت و حضور دانش آموزان طی دو گروه در مدرسه به نحوی که در بازه زمانی نخست گروه اول و بازه زمانی دوم گروه دوم در مدرسه حاضر شوند و در نتیجه تراکم دانش آموزی در کلاس درس، مدرسه و سرویس دانش آموزان به شدت کاهش می یابد، استفاده از ظرفیت روزهای پنجشنبه و زوج و فرد کردن حضور دانش آموزان در مدارس.

۳. تهیه و توزیع بسته های بهداشتی، مراقبتی، تغذیه ای به دانش آموزان مناطق محروم، روستائی، عشایری و کم برخوردار با استفاده از ظرفیت خیرین، نهادهای کمک رسان در حوزه آموزش و پرورش و ظرفیت ماده ۷۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.

۴. معاینه روزانه در بدو ورود دانش آموزان و کارکنان مدارس و تکمیل گزارش روزانه از وضعیت سلامتی دانش آموزان و کارکنان.

۵. ارائه اطلاعات مربوط به خانوارهای مبتلا به ویروس کرونا از طرف مراکز بهداشتی و درمانی هر استان و شهرستان به ادارات کل و شهرستانی آموزش و پرورش برای کنترل و مراقبت از دانش آموزان.

۶. تسهیل خوداظهاری والدین در مورد بیماری کودکان با اجرای سیاست اطمینان بخشی به آنها به این نحو که در صورتی که دانش آموزان نیازمند استراحت و جداسازی در منزل باشند، مشکلی از نظر تحصیلی و مدرسه پیدا نخواهند کرد.

۷. در صورت نیاز، روال های جاری مدرسه را تغییر و با وضعیت موجود، انطباق دهیم. روال های منعطف برای حضور در مدرسه و درخواست مرخصی استعلاجی تدوین شود تا دانش آموزان و کارکنان ترغیب شوند، هنگام بیماری خودشان یا برای نگه داری از اعضا بیمار خانواده، در خانه بمانند و در مدرسه حاضر نشوند.



۸. استفاده از فضاها و تجهیزات کارگاهی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با رویکرد فعالیت تمام‌وقت تابستانه این مراکز جهت تولید انبوه مواد بهداشتی مورد نیاز سال تحصیلی آینده مدارس (از الزامات این کار این است که اقلام اشاره شده به مقدار کافی و متناسب در محل مدرسه وجود داشته باشد و برنامه‌ای برای پایش و گزارش‌دهی سطح‌بندی شده آن تدوین و آماده اجرا باشد)

۹. نیروی انسانی آموزشی و نظارتی در امور بهداشت از جمله مراقب سلامت در آموزش و پرورش و یا کارشناس بهداشتی از مرکز خدمات جامع سلامت و یا خرید خدمات بهداشتی از اشخاص حقیقی/حقوقی، باید تأمین گردد.

۱۰. در برنامه معاونت تربیت‌بدنی و سلامت (دفتر سلامت و تندرستی) وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۹، ذیل برنامه «طراحی و اجرای آموزش‌های بهداشت و سلامت ویژه دختران و پسران دانش‌آموز منطبق با برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی» که ناظر به زیر نظام «برنامه درسی» است، عناوینی همچون همکاری و ارائه مشاوره، برگزاری کمیسیون‌های تخصصی، کارگاه‌ها و تطبیق آموزش‌های بهداشت و سلامت ویژه دختران و پسران دانش‌آموز در کتب درسی، کمک‌درسی و تدوین کتاب راهنمای معلمان یا برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی مشاهده می‌شود. ناظر به چنین رویکردی، تأمین بیش از ۸۰۰۰ مراقب سلامت متخصص و متعهد در برنامه دیده شده است.

۱۱. رصد وضعیت بهداشتی دانش‌آموزان در دوران کرونا توسط مربی بهداشت.

۱۲. به نیازهای حوزه سلامت روان و حمایت روانی-اجتماعی دانش‌آموزان توجه شود. با همکاری مربیان بهداشت مدارس، برای شناسایی و حمایت از دانش‌آموزان و کارکنان دارای علائم استرس و اضطراب، اقدام صورت گیرد. حمایت اجتماعی به مثابه منبعی که افراد را قادر به مقابله با فشارهای روانی می‌سازد، تعریف شده است؛ حمایت





اجتماعی شامل: مساعدت‌های عاطفی، ابزار و اطلاعاتی است که از سوی دیگران تأمین می‌شود.

۱۳. آموزش نحوه پیشگیری و کنترل بیماری کرونا و رفتارهای بهداشتی و سلامت‌محور متناسب با گروه‌های سنی مختلف به طور دوره‌ای توسط معلمان و مربیان بهداشت/مراقب سلامت نزدیک‌ترین مرکز خدمات جامع سلامت به دانش‌آموزان ارائه شود.

۱۴. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با همکاری معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش، به تولید محتوای متناسب با سن کودک در رابطه با بیماری‌های فراگیر و با تأکید بر ویروس کرونا بپردازد. پوستر آموزشی مناسب به دانش‌آموزان ارائه شود.

۱۵. آموزش مفهوم «فاصله‌گذاری اجتماعی» در قالب مفاهیمی مانند رعایت فاصله حداقل یک یا دو متری از دوستان و افراد دیگر، پرهیز از ازدحام، نداشتن تماس فیزیکی غیرضروری با دیگران، به عنوان یکی از اقدامات مهمی که می‌تواند ایمنی و سلامت دانش‌آموزان را تأمین کند.

۱۶. برنامه هدفمند برای آموزش بهداشت و سلامت در مدارس تدوین شود. تلفیق آموزش نحوه پیشگیری از بیماری و کنترل آن در فعالیت‌ها و طرح درس‌های روزانه دانش‌آموزان. باید اطمینان حاصل شود که محتوای انتخابی مدارس، نه تنها نسبت به عواملی مثل سن، جنسیت، قومیت و معلولیت حساس است، بلکه متناسب با نیازهای گروه‌های مختلف سنی تدوین شده است.

چشم‌انداز سلامت در جمهوری اسلامی ایران حرکت در مسیر سعادت انسانی است. بر اساس اصلی‌ترین جنبه‌های پیشرفت در سلامت جامعه اسلامی؛ محوریت، عدالت و ارزش‌های اخلاقی می‌باشند. معهذا هنوز برای ارائه هدف‌گذاری شفاف، شاخص‌مند و قابل‌سنجش بخصوص برای سعادت انسانی بایستی مفاهیم گسترده‌تر از صرف سلامت در نظر گرفته شود و یا سلامت با مفهوم گسترده که مشتمل بر سلامت معنوی و اجتماعی علاوه بر رفاه جسمی و اجتماعی می‌گردد را مدنظر داشت. یکی از اثرگذارترین و اصلی‌ترین مراجعی که می‌تواند به حرکت در مسیر سعادت انسان همراه با سلامت او حرکت کند، نظام آموزش و پرورش

رسمی است که ۱۲ سال از عمر فرزندان این سرزمین در آن سپری می شود و اثرگذاری جدی ای بر هویت و شاکله وجودی فرزندان این سرزمین دارد. تغییر بسیاری از عادات ناپسندی که مخاطرات جدی ای را برای نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، از بستر کارکرد مطلوب و اثربخش نظام آموزش و پرورش در راستای ارتقاء سلامت معنوی و جسمی فرزندان این کشور میسر است. در این رابطه با معضلات بسیاری روبه رو هستیم که در این یادداشت به برخی از آن ها پرداخته شد.



مؤلفه‌هایی از مدیریت بحران کرونا در مقیاس ایران و جهان

حمید ایزدبخش

پژوهشگر هسته «سلامت» مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق 

از بروز پاندمی کرونا حدود ۴-۵ ماه می‌گذرد؛ برخی از کشورها در این مدت موفق‌تر عمل کرده‌اند و برخی با نواقص و مشکلات جدی مواجه بوده‌اند. قطعاً در این زمینه عوامل مختلف دخیل بوده و از منظرهای مختلف می‌توان به بررسی عملکرد آن‌ها پرداخت. در این نوشتار به صورت مختصر چند مؤلفه کلی را مد نظر قرار داده و سعی شده است با تمرکز بر ایران موفقیت‌ها و شکست‌ها را ترسیم کنیم. قطعاً بایستی مطالعات و گزارش‌های متعددی از جانب خبرگان و جامعه علمی در این عرصه به نگارش در آید تا بتوان عملکرد کشور و به طور خاص نظام سلامت را در مواجهه با کرونا ارتقاء داد.

یکی به میخ و یکی نعل

به نظر می‌رسد از میان عوامل مختلف، اتخاذ راهبرد صحیح، مهم‌ترین عامل

موفقیت کشورهای مختلف در مقابله با کرونا بوده است. در این مدت از شروع پاندمی کرونا شاهد اتخاذ سیاست‌های مختلفی از جانب کشورها بودیم. این سیاست‌ها هرچند راهبرد مناسبی برای آن کشور به حساب بیاید، اما لزوماً برای کشورهای دیگر قابل تجویز نبوده و نیست. هر کشوری می‌بایست متناسب با اقتضائات و فرهنگ خود، بهترین راه را در پیش می‌گرفت.

برخی کشورها در مقابله با کرونا راهبرد شناسایی یا غربالگری حداکثری را در دستور قرار دادند و سعی کردند با شناخت هرچه بیشتر موارد ابتلاء، اولاً روند اقتصادی کشورشان با کمترین اختلال مواجه شود و در ثانی با شناسایی افراد مبتلا، از فعالیت اجتماعی آن‌ها جلوگیری کرده و زنجیره انتقال ویروس را متوقف کنند؛ کره جنوبی از جمله این کشورهاست. باید توجه کرد که لازمه‌ی این سیاست، پشتوانه اقتصادی و صنعتی قوی و همچنین منابع مالی کافی و مهمتر از همه وجود پشتوانه‌ی کافی برای ارائه خدمات رفاهی و سلامت می‌باشد.

برخی کشورهای دیگر (مانند چین) قرنطینه حداکثری را در دستور قرار دادند. این کشورها در پی آن بودند که در کوتاه‌ترین مدت زنجیره انتقال ویروس را کنترل کرده و شر این ویروس را هر چه زودتر از سرشان کم شود. این کشورها هرچند در کوتاه‌مدت با تعطیلی صنایع و خدمات، هزینه بالایی را پرداخت کردند اما این هزینه کوتاه‌مدت را به هزینه‌های مستمر بلندمدت ترجیح دادند. لازم به ذکر است این کشورها نیز بایستی منابع مالی و همچنین سیستم ارائه خدمت منسجمی در اختیار داشته باشند تا بتوانند علاوه بر تأمین خدمات سلامت، خدمات رفاهی و اجتماعی را به خوبی توزیع کنند. در غیر این صورت امکان بروز تجمعات و اعتراضات زیاد خواهد بود؛ ضمن آنکه پشتوانه فرهنگی و همچنین اقتدار دولت مرکزی در اتخاذ چنین سیاستی تعیین‌کننده است.

از این سیاست‌های مشخص که بگذریم، به سیاست‌هایی می‌رسیم که بیشتر اعمالی بودند تا اعلامی. صاحبان این سیاست‌ها به سبب مشکلات اقتصادی، اجتماعی و همچنین ضعف مدیریتی امکان تصمیم‌گیری قوی نداشته و بیشتر سعی کردند سیاستی میانی در پیش گیرند. کشورهایی مثل



انگلیس و آمریکا عوض اتخاذ سیاست روبه جلو و حل مسئله، سعی کردن با مسئله کنار بیایند و از کنار آن به آرامی عبور کنند. هرچند که در ادامه این کشورها نتوانستند آن را نادیده بگیرند و مجبور شدند بر شدت اقدامات خود بیافزایند اما به سبب تاخیر در اتخاذ سیاست مقتضی، هزینه‌های بیشتری نیز بر مردم و دولت تحمیل کردند. در میان اتخاذ مواضع مختلف، سخترانی ترامپ برزیل که گفته بود مثل «مرد با کرونا مقابله کنیم نه مثل بچه‌ها» قابل توجه است.

در این میان دولت در ایران نیز سعی کرد آن را جدی نگیرد. اعمال سیاست مصون سازی گله‌ای که به نظر می‌رسد سیاست اعمالی دولت به حساب می‌آید به صورتی که با اعتراض برخی از مسئولین مبارزه با کرونا و برخی مسئولین کشوری و برخی متخصصان و مدیران با تجربه در عرصه سلامت مواجه شد، در دستور کار قرار گرفت. ایران با توجه به تحریم و محدودیت منابع مالی و همچنین سازمان‌دهی ضعیف در عرصه ارائه خدمات سلامت، نمی‌توانست به رویکرد غربالگری حداکثری بپردازد. به نظر می‌رسد بهترین گزینه برای ایران در پیش گرفتن بیشترین حد ممکن برای قرنطینه در فرصت طلایی تعطیلات عید بود. به گفته مسئول کمیته اپیدمیولوژی ستاد کرونا اگر قرنطینه‌ی ۴۰ درصدی در کشور اعمال می‌شد، عملاً در بازه ۱٫۵ ماهه می‌توانستیم، به کرونا تا حد بالایی خاتمه دهیم.

سیاست اجرایی دولت در عمل آن چیزی است که آقای روحانی در ۱۰ فروردین ماه اعلام کرد. ایشان تقویت بدن، و زندگی با کرونا را در دستور کار قرار داده و با یادآوری تصمیماتشان در زمینه تحریم و برجام، سیاست دنبال کردن هم‌زمان چرخ تولید و سلامت را مد نظر قرار دادند. بنابراین در این حالت دولت نه می‌خواست خیلی سخت بگیرد نه آنکه به کلی رها کند. دولت در زمانی که فرصتی تکرار نشدنی برای مهار کرونا بود، با سیاست میخ‌ونعل، سیاست نامشخصی در پیش گرفت. بر این اساس یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی قرض گرفته شد و کشور به جای بحرانی ۱٫۵ ماهه، حداقل ۴ ماهه با بحران دست‌وپنجه نرم کرد (و می‌کند). حتی اعمال محدودیت‌های مشخص نیز تا به هفته دوم به تعویق افتاد و ضعیف اجرا شد



و عملاً در عید شاهد مسافرت حدود ۱۰ میلیون ایرانی بودیم.

شفاف یا پنهان

موضوع راهبردی دیگری که برخی از کشورها در پیش گرفتند، پنهان کاری بود. برخی از کشورها با وجود بروز کرونا در آن کشورها، به جای اتخاذ راهبردی مشخص در جهت مقابله با کرونا، سعی کردند بر دیوار حاشا تکیه زده، و خود را عاری از این بیماری نشان دهند. این کشورها عملاً از اثرات کرونا متأثر شدند، اما نتوانستند از کمک‌ها و همراهی سایر کشورها و حتی ظرفیت‌های داخلی خود به خوبی استفاده کنند. آن‌ها مجبور شدند وقتی این بیماری به اوج خود رسید با اتخاذ سیاست‌هایی عجیب باب مشکلات امنیتی را نیز در کشورشان باز کنند؛ مانند ترکیه که ناگهان قرنطینه ۲۴ ساعته اعلام کرد و شاهد اغتشاش و بروز مباحث امنیتی در آن کشور بودیم.

ایران اما از ابتدا آمار مبتلایان را به صراحت سعی کرد اعلام کند، و با پذیرش اصل موضوع به مقابله با آن پرداخت. البته در این زمینه بیشترین نقیصه، غفلت از مدیریت اذهان عمومی بود. سیاست ابتدائی امیدبخشی و آرامش‌دهی بود، از اینرو وزارت بهداشت به شدت به دنبال آرام کردن مردم و عادی نشان دادن کرونا بود. اما پس از آنکه بخش قابل توجهی از مردم و به خصوص مسئولین به آن بی‌توجهی کردند، رویکرد خود را عوض کرد و شدیداً نسبت به آن واکنش نشان داد. این در حالی بود که برخی از کشورها از ابتدا بسیار مردمشان را ترساندند؛ مثل آلمان و انگلیس که به درگیری ۷۰ درصدی جمعیتشان با ویروس کرونا اشاره کردند. بدون تردید نمی‌توان یکی از این راهبردها را برای همه تجویز کرد. در همان اروپا آلمان به نسبت انگلیس موفق‌تر عمل کرد، با اینکه در این زمینه هر دو سیاستی مشابه اتخاذ کرده و از نظام سلامت قابل قبولی هم برخوردارند. باید توجه کرد برخورد با ویروس کرونا، به کل قابلیت حاکمیت یک کشور بر می‌گردد نه صرف قابلیت‌های بهداشت و درمان آن.

مبحث راهبردی دیگری که در این زمینه می‌توان گشود، تعارض منافع و مدیریت کروناست. در آمریکا سیاست‌گذاران کلان دولتی از متضرران کرونا



به حساب آمده و وقتی ترامپ می‌گوید «اجازه نخواهد داد کرونا کشور را تعطیل کند» شاید بتوان این را به تعارض منافع موجود در دولت آن کشور منتسب کرد. این امر را نباید در کشور خودمان نیز دور بدانیم. فارغ از بدنه کلان سیاست‌گذاری و یا تصمیم‌سازان و کارشناسان، امکان وجود این تعارض منافع محتمل است که در نتیجه مانع اتخاذ سیاستی صحیح و به موقع شده باشد.

رزمایش دفاع بیولوژیک

سیاست کلان دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، بیولوژیک بودن و یا طبیعی بودن ویروس کروناست. این خط ابتدا از جانب آمریکا و سپس چین دنبال و به تبع به داخل ایران نیز کشیده شد. البته کسانی که سال‌ها در ایران به مباحث ترورهای بیولوژیکی می‌پرداختند، تربیون‌های قوی‌تری در این زمینه یافتند. اما در ایران محمل درستی برای این خط در نظر گرفته نشد. به نظر می‌رسد آنچه در دنیا به عنوان دفاع بیولوژیک در دستور قرار داشته و دارد در دو زمینه اصلی است: اولاً اتخاذ اقتدار بیولوژیکی و در ثانی استفاده دیپلماتیک و یا سیاسی از آن. به تعبیر روشن‌تر کشورهایی مثل آمریکا و چین این قابلیت را در خود ایجاد کرده و از آن مانند قدرت هسته‌ای به عنوان یک مؤلفه قدرت استفاده می‌کنند. از اینرو سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای نیز در این زمینه کرده و گاهی هم خبرهایی از آن به گوش ما می‌رسد که می‌تواند هدف آن‌ها به رخ کشیدن این قدرت باشد. همانطور که ما خبرهایی از دستاوردهای نظامی مان مخابره می‌کنیم.

یک جهت دیگر استفاده در زمینه دیپلماسی و قدرت سیاسی است. همانطور که آمریکا و چین در این زمینه همدیگر را متهم کرده و مقام معظم رهبری نیز در سخنان عید نوروز سعی کردند این موضوع را به عنوان یک ابزار سیاسی علیه دولت آمریکا به کار گیرند. خطی که به صورت قدرتمند از جانب دستگاه سیاست خارجی ما دنبال نشد و مثل بسیاری از مواضع دیگر خط ضعف و کمک‌طلبی بین‌المللی در مواجهه با کرونا در دستور قرار گرفت. همچنین رهبری در دستور به ستاد کل نیروهای مسلح این فرصت را



برای حرکت کشور به سمت اقتدار بیولوژیکی پرننگ کردند. اما در عمل شاهد آن بودیم، به جای پیگیری این دو خط سیاستی، تبدیل به مواجهه‌ای رسانه‌ای و ارائه گزارش‌ها و اخباری از پایگاه‌های بیولوژیک آمریکا در اطراف ایران و مواردی از این دست ختم شد و در عمل نیز رزمایش‌های بیولوژیک به ضد عفونی کردن معابر و غربالگری با تب‌سنج‌ها در بیشتر مواقع بسنده کردند (البته ممکن است اقدامات موثر دیگری نیز پیگیری شده باشد). مراجعه و بررسی مراکزی مانند USAMRDC ذیل وزارت دفاع آمریکا به نیروهای مسلح پیشنهاد می‌شود تا به جای استقرار دانشگاه‌های علوم پزشکی عریض و طویل و برخی مداخلات مخرب در حوزه‌های پزشکی، از باب امنیت ملی به حوزه بهداشت و سلامت عمومی ورود کنند.

نکته حائز اهمیت دیگر خط‌دهی سازمان جهانی بهداشت در اقدامات بهداشتی و درمانی کشور است. هرچند تعامل با چنین سازمانی به صورت کلی می‌تواند مفید باشد، اما برخورد منفعلانه با این سازمان و مرجعیت بیش از حد دادن به آن نمی‌تواند مسیر دقیق و صحیحی را برای ایران بسازد. سازمان جهانی بهداشت بدون شک تحت سیطره قدرت‌های بین‌المللی قرار دارد و بایستی نهاد سیاست‌گذار کشور در تعامل با چنین سازمان‌هایی احتیاط را چاشنی تعامل خود کنند. این سازمان سعی می‌کند، وجهه‌ای بی‌طرف به خود بگیرد اما در عمل بیشترین سیطره و حکمرانی را بر کشورهای در حال توسعه داشته و در مقابل کشورهای قدرتمند منفعلانه برخورد می‌کند.

فرماندهی و سازماندهی

در بحران‌ها، مخصوصاً بحرانی به ابعاد کرونا، پس از اتخاذ راهبرد صحیح مهم‌ترین عامل موفقیت را می‌توان فرماندهی و سازماندهی دانست. توانایی بسیج و سازماندهی گسترده منابع و امکانات را می‌توان مولفه‌ای کلیدی دانست که تمایز جدی در کشورها در مقابله با کرونا ایجاد کرده است. در این زمینه در کشور شاهد موفقیت‌ها و ضعف‌های جدی بودیم که توجه به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

دو نهاد جدی در زمینه بحران کرونا شکل گرفت؛ ستاد ملی مقابله با





کرونا و قرارگاه امام رضا علیه السلام نقطه ضعف جدی آنجاست که این سازمان‌ها در خود بحران سربرآوردند در حالی که ما سال‌ها به بحران و سازماندهی در بحران اندیشیده بودیم! اگر در بحران برخی سازوکارها اصلاح می‌شد، نقطه امیدی بود که اندیشه و فکر قبلی ما در بحران ارتقاء یافته است، اما اینکه با خود بحران سازمانی سربرآورد و با اتمام بحران تمام شود یعنی عدم پس از عدم و فراموشی همه دست‌آوردها.

باید پیرسیم در این بحران سازمان مدیریت بحران در کجا قرار داشت! سال‌ها سرمایه‌گذاری در این زمینه به کجا ختم شده است. باید پرسید سازمان پدافند غیرعامل چه کرده است! باید پرسید شورای عالی سلامت و امنیت غذایی^۱ که در آن رئیس‌جمهور، وزیر بهداشت، ۸ نفر از وزرای کشور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و مسئولین دیگر مثل سازمان صداوسیما، سازمان محیط‌زیست و... حضور دارند در این بحران چه کردند. اگر این نهادها نتواند کارآمدی خود را در بحران نشان دهد پس به چه علت شکل یافته‌اند؟!

از برخی سازمان‌های دیگر نیز می‌توان همین سوال را تکرار کرد. چرا صندوق جمعیت سازمان ملل متحد باید در اوج بحران کرونا کمک‌هایی را به بهزیستی ارسال کند؟ اول اینکه جمعیت و کرونا چه ارتباطی با همدیگر دارند، در ثانی بهزیستی و صندوق جمعیت چه ارتباطی با همدیگر دارند! مگر بهزیستی در راستای سیاست‌های بین‌المللی جمعیت چه اقداماتی را پیش می‌برد، آن هم در کرونا!

برخی سازمان‌های حمایتی مثل کمیته امداد امام ۱ کمتر به چشم آمدند در عوض بنیاد مستضعفان در این مدت بیشتر در رسانه‌ها و حداقل در کمک به معیشت قشر ضعیف نمایان شد. هلال احمر البته در زمینه خدمات مختلف مخصوصاً غربالگری به شدت به چشم آمد اما اثربخشی این اقدامات توسط کارشناسان از جمله آقای دکتر زالی محل سوال قرار گرفت. در غربالگری‌ها که بعضاً توسط نهادهای دیگر هم اجرایی می‌شد، در بیشتر موارد به تب‌سنجی و گاهی آزمایش اکتفا کردند در حالی که بسیاری از افراد بدون

۱ - مهمترین وظیفه این نهاد «ایجاد هماهنگی و سیاستگذاری در تمام موارد مرتبط به سلامت همگانی و امنیت غذایی و تغذیه» می‌باشد.

نشانه‌های ظاهری حامل این بیماری بودند. این ائتلاف منابع حاصل سیاست کلان غلطی است که منجر به اقدامات کم‌بهره‌ای مثل غربالگری و ضدعفونی کردن معابر می‌شود.

شهرداری تهران را بیشتر در عرصه فرهنگی و ترویج هرچه بیشتر کنسرت و موسیقی فعال دیدیم تا در عرصه مدیریت شهری و کمک به کنترل کرونا. حتی ضدعفونی کردن معابر نیز بیشتر از جانب نهادهای نظامی و بسیج مخابره شد تا از جانب شهرداری‌ها.

از جمله دیگر موسسات که محلی از اعراب در مدیریت کرونا نداشتند موسسه ملی تحقیقات سلامت و سازمان مطالعات کوهورت است. این دو سازمان با وجود اینکه از مأموریت‌های اصلی‌شان مباحث تحقیقاتی و بررسی‌های راهبردی در زمینه سلامت می‌باشد اما به شدت نقص در گزارش‌ها و داده‌های متقن تصمیم‌گیری به چشم می‌آمد. گزارش‌هایی که به صورت روتین مراکز کلان سیاست‌پژوهی در دنیا منتشر می‌کردند، در این مراکز دیده نشد. سازمان مطالعه کوهورت با وجود اینکه سال‌ها در زمینه مباحث ژنتیکی و عوامل موثر بر سلامت متمرکز است، اما حتی شاهد گزارشی جدی در این زمینه از آن‌ها نبودیم (حداقل به صورت عمومی).

ناهماهنگی‌ها

ناهماهنگی‌ها در ستاد ملی مقابله با کرونا مخصوصاً با ستادهای استانی به شدت وجود داشته است. به صورتی که برخی شهرستان‌ها از بی‌کفایتی و یا بی‌سامانی ستاد شهرستان‌ها گلایه داشته و نیروهای مردمی ترجیح می‌دادند بدون هماهنگی با این ستاد کار را پیش ببرند. این تشتت‌ها تنها از پایین شکل نگرفته بلکه در سطح مدیریتی و کلان هم به شدت به چشم می‌آمد. جلسات ستاد کرونا در ابتدای بروز پاندمی کرونا، هر ۴۸ ساعت شکل می‌گرفته ولی جلوتر این جلسات هفته‌ای یکی یا دوبار برگزار می‌شده است. ضمناً ناهماهنگی در تصمیمات به صورتی است که از جانبی رئیس جمهور اقدامات خودسرانه و به تعبیری آتش به اختیار استانداران را نهی می‌کند ولی از جانب دیگر سخنگوی وزارت بهداشت، از اقتضائی عمل کردن استان‌ها حمایت



می کند.

ضعف در تصمیم گیری و اختلافات درون ستاد بسیار پررنگ بوده است. آنقدر تعلل ها و سستی ها در تصمیم گیری جدی است که تا نیمه دوم عید بستن اماکن و راه ها جدی گرفته نمی شود و نیروهای عملیاتی مثل نیروی انتظامی با سردرگمی عمل می کنند. آنجا کار به شدت بالا می گیرد که مردم در شمال کشور خود به خیابان آمده و راه را می بندند.

اختلاف نظر ها در ستاد به شدت روشن و مبرهن بود و همه این ها، تصویری نامشخص و مبهم از مدیریت کرونا به بیرون مخابره می کرد. مثال ها در این زمینه زیاد است. یک نمونه را می توان توصیه به گرفتن عوارض مسافرت در مدت کرونا دانست که با مخالفت عمومی سخنگوی وزارت بهداشت مواجه شد و آن را ناعادلانه خواند.

قوت ها



۲۰۶

از جانب دیگر شاهد اتفاقات مهم و قابل تقدیری بودیم که آن ها را باید عامل اصلی موفقیت دانست. بسیج نیروهای مردمی و جوشش نیروهای انقلابی در کمک و همراهی با مسئولین را می توان پرکننده خلاء سازمان هایی دانست که سال ها برای این موضوع ردیف بودجه دریافت کرده اند.

اقدامات قابل تقدیر و روبه جلوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هماهنگی با ستاد مقابله با کرونا و دانشگاه های علوم پزشکی و همچنین سازمان صنایع دفاعی در مباحثی مثل تولید کیت های تشخیصی و همچنین بنیاد برکت در تأمین مالی و هم توزیع اقلام کمکی و مواسات عمومی را می توان از نقاط قوت در این زمینه دانست. همچنین اقدام سریع و به موقع نیروهای مسلح در خالی کردن پادگان ها و کاهش زندانیان توسط قوه قضائیه بسیار موثر بوده است. البته بدون شک بستن بدون هدف مساجد و اماکن مقدس در حالی که این مراکز می توانست مرجعی برای کمک های مردمی و حرکت عمومی در راستای کنترل بیماری باشد، از جمله نواقص مدیریت بحران کرونا به حساب می آید.

البته ظرفیت های بالقوه و بالفعل فراوانی در کشور به پشتوانه پیشرفت های

انقلاب اسلامی وجود داشت که در این زمینه کمک شایانی کرد. مثل وجود ظرفیت‌های گسترده مردمی و دینی، و یا مواردی مانند دانش تولید و تیلاتورها، وجود کارخانه تولید مواد اولیه ماسک، و یا تحریم بودن کشور و در نتیجه پر بودن ذخایر استراتژیک مواد غذایی که همه این‌ها به عبور از بحران کمک قابل توجهی کرد.

پسا کرونا

هرچند هنوز به کلی از بحران کرونا عبور نکرده‌ایم اما از تب و تاب آن بسیار کاسته شده است. شاید زمان آن رسیده باشد که کاستی‌ها را با دقت بیشتری بنگریم و در پی اصلاح نواقصی باشیم که در این بحران سر بر آورد. در این نوشتار سعی شد برخی از نواقص و نقاط قوت به تصویر کشیده شوند تا در بحران‌های محتمل آتی از شدت نواقص کاسته و بر قوت‌ها افزوده شود.

یک وظیفه مهم مجلس‌نشینان جدید بررسی نواقص و خلاءهای قانونی موجود و رفع آن‌ها می‌باشد. بدون شک وجود برخی از قوانین می‌تواند از شدت بحران‌های آتی بکاهد. به طور مثال (نه اینکه لزوماً باید این قانون تصویب شود) بر اساس قانونی در فرانسه دولت موظف است همواره یک میلیارد ماسک ذخیره داشته باشد. وظیفه دوم مجلس مطالبه‌گری و بررسی نواقص اجرایی و به تعبیر دیگر نظارت است. دستگاه‌هایی که از جانب مجلس مکلف بوده‌اند و سال‌ها از پول بیت‌المال استفاده کرده‌اند باید در پیشگاه ملت پاسخگو باشند. بررسی عملکرد دستگاه‌های مختلف در زمینه کرونا باید به یک مطالبه از جانب مجلس تبدیل شود. به طور خاص مجلس بایستی به محل هزینه کرد یک میلیارد دلار برداشت از صندوق توسعه ورود کند.



نکته بعدی مرتبط با نظام سلامت است. مهم‌ترین نقضی که به نظام سلامت بر می‌گردد و در صورت عدم اصلاح آن، در بحران‌های بعدی هم شاهد آن خواهیم بود، غافل‌گیری نظام سلامت است. بنابر اظهار نظر آقای دکتر حق‌دوست معاون آموزشی وزیر بهداشت، ویروس کرونا از بهمن‌ماه در کشور حضور داشته است اما سیستم بهداشتی و درمانی در اسفندماه به آن پی برده است. این البته حاصل سیاست‌های درمانی است که سال‌ها بر نظام

سلامت کشور حاکم بوده و شبکه بهداشت و بهداشت محوری در حاشیه قرار گرفته است.

مقوله‌ی بعدی که بایستی از کرونا برای نظام سلامت درس گرفت، سرمایه‌گذاری در تحقیقات است. آنطور که مشاهده کردیم، پشتوانه‌های تحقیقات سلامت با توجه به درمان محوری در کشور به شدت ضعیف است. حمایت و سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیقات و توسعه دانش بومی در زمینه سلامت می‌تواند بستری برای توسعه نظام سلامت و قوی شدن آن شود.

همانطور که اشاره شد، در زمینه سازمان‌دهی در بحران‌هایی مثل کرونا به شدت ضعف داریم. سازمان‌دهی‌های موجود به شدت بوروکراتیک، غیرکارآمد و کند بوده و به هیچ وجه برای مقابله با بحران کارآمد نیستند. ضمن اینکه باید تفکر ایجاد ساختار برای حل مسئله در کشور کنار گذاشته شود. در ایران برای هر مسئله یک سازمان ایجاد کرده و خیال خود را آسوده کرده‌ایم و این سازمان‌ها در مواقعی که باید پاسخگو باشند، خبری از آن‌ها نیست. اگر نهادهای ناظر از جمله مجلس و قوه قضائیه به جد به عملکرد این

سازمان‌ها نپردازند، در آینده نیز شاهد این عملکرد ضعیف خواهیم بود. از نقایص دیگری که از وزارت بهداشت در بحران کرونا آشکار گشت، نقص در سلامت الکترونیک بود به نحوی که ساده‌ترین امکانات مثل مشخص بودن تخت‌های خالی بیمارستانی برای ارجاع بیماران به بیمارستان‌ها وجود نداشت و این درحالی است که وزارت بهداشت مدتی است خبر از استقرار پرونده الکترونیک سلامت می‌دهد. درز اطلاعات مردم از سامانه وزارت بهداشت شاهد دیگری بر نواقص موجود در این سیستم است (البته این تنها به دوره وزارت آقای دکتر نمکی باز نمی‌گردد).



معماری سرمایه‌های انسانی^۱ در نظام سلامت

سعید نجبا

پژوهشگر هسته «سلامت» مرکز رشد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق 

سرآغاز

موج ابتدائی همه‌گیری کرونا مانند سیلابی سریع و هولناک بود. از یک سو خسارت‌های زیادی به بار آورد و صحنه‌های دلخراشی را به همراه خود رقم زد. اما از سوی دیگر انگار گرد و غبار بخش‌هایی از مسیر خود را هم شست تا واقعیت‌ها و مسائلی که از قبل وجود داشته، مجدداً پیدا شود. حال که با این رخداد بعضی معضلات اساسی از نظام سلامت کشور شفاف و قابل رویت شده است، اگر به فکر اصلاح و بهبود نباشیم، بعدها نباید کسی غیر از خودمان را ملامت کنیم. در این یادداشت ابتدا نگاهی به چند تصویر (مسئله) از واقعیت‌های مرتبط با سرمایه‌های انسانی نظام سلامت در دوران کرونا خواهیم داشت. سپس تلاش می‌کنیم با ریشه‌یابی این مسائل یکی از رویکردهای مهم در مدیریت سرمایه انسانی را یادآوری و بررسی کنیم.

قاب یکم: «کمبود و مازاد» و مسئله برنامهریزی سرمایه انسانی

یکی از جریان‌های خبری پررنگ از زمان شیوع کرونا مربوط به تعداد سرمایه‌های انسانی در مجموعه‌های ارائه‌کننده خدمات بود. درست هم‌زمان با اینکه برخی بیمارستان‌های بخش خصوصی به علت کاهش تقاضا و به تبع آن کاهش شدید درآمدها (و سخت‌تر شدن شرایطشان نسبت به قبل)، دست به اخراج پرستاران مازاد خود می‌زدند، در بخش دولتی و در برخی از شهرها و بیمارستان‌های خاص کمبود کادر درمان، از پرستار گرفته تا متخصص، به یکی از ابعاد بحران مبدل شده بود. این مسئله به عنوان یکی از مصادیق بی‌تفاوتی دولت نسبت به رفتار بیمارستان‌ها [بخوانید کارفرمایان] با پرستاران [بخوانید کارگران]، و همچنین ناتوانی در برنامهریزی و جذب منابع موردنیاز، افکار عمومی جامعه را متوجه خود می‌ساخت. چاره‌اندیشی‌های موقتی نظیر قراردادهای ۸۹ روزه و نیروهای شرکتی (و وعده‌و وعیدهایی که هنوز هم مورد اعتراض طیف قابل توجهی از مدعیان است) راه‌گشا نبود و مسئله را مضاعف می‌کرد.



۲۱۰

در این بین سوالات فراوانی به ذهن مشاهده‌کنندگان پرسش‌گر می‌رسید. مانند اینکه با توجه به خاص بودن موضوع نظام سلامت، خط مشی‌ها و سیاست‌های دولت چگونه بخش خصوصی و فضای رقابتی آن را در راستای تأمین سلامت عموم جامعه هدایت می‌کند؟ تأثیر این سیاست‌ها بر سرمایه‌های انسانی بخش خصوصی چیست؟ اصولاً برنامهریزی سرمایه‌های انسانی در بخش دولتی و خصوصی بر چه مبنایی و با چه روشی انجام می‌شود؟ تأمین نیرو در شرایط بحرانی چه الزاماتی دارد؟ آیا نظام سلامت ما تاکنون به این موضوع اندیشیده بود؟ آیا ظرفیت‌سازی‌های گذشته همچون شبکه بهداشت و درمان در ماجرای کرونا به خوبی به کار گرفته شد؟ و سوالات فراوان دیگری که تأمل در خصوص آن‌ها حتی اگر به جواب نرسد نیز می‌تواند منشاء اثر باشد.

البته پدید آمدن چنین شرایط آشفته‌ای در برقراری تعادل کمی و «نظام برنامهریزی سرمایه‌های انسانی حوزه سلامت» هنگام یک بحران همه‌گیری، چندان دور از انتظار نیست. اما دقیق‌تر که بنگریم در می‌یابیم که این عدم

تعدادل یک مسئله جدید نیست و از قبل هم در نظام سلامت ما وجود داشته است. شاید در کرونا به علت ضرورت‌های حمایتی، مراقبتی و رسیدگی به حال عمومی بیماران، کمبود پرستاران بیشتر از سایر سطوح کادر درمان به چشم آمد، لکن کم بودن سرانه پرستاران، پزشکان و خصوصاً متخصصان، بر اساس استانداردهای جهانی از خیلی قبل‌تر واضح و روشن بوده است. علاوه بر کمبود سرانه‌ها، بی‌اخلاقی در برخورد بخش خصوصی با زیرمجموعه‌های خود و نیز نقص‌های اساسی قانون کار در حمایت عادلانه و بجا از کارگر و کارفرما بر کسی پوشیده نبوده است.

قاب دوم: ایثار و جبران خدمات

بی‌تردید اثرگذارترین و تحسین‌برانگیزترین اتفاقات در بحران کرونا مربوط به از خودگذشتگی خط مقدم کادر درمان بود. پس از شروع موج اول گروه قابل توجهی نه تنها شب و روز نشناختند، بلکه جان خود و حتی خانواده را نیز به خطر انداختند تا در برابر شیوع غیرقابل کنترل این بیماری مقاومت کنند. اگرچه در این سطح از مسئولیت‌پذیری و خدمت‌گزاری طرح مسائل مادی و «نظام جبران خدمات سرمایه‌های انسانی» جایگاهی ندارد، ولی همه این‌ها در حالی بود که با گذشت چند سال از آغاز طرح تحول سلامت و هزینه‌های کمرشکن آن برای دولت، بخشی از حقوق و دستمزد کادر درمان به تعویق افتاده بود. حتی هنوز هم بخشی از این معوقات پرداخت نشده است. این موضوع پس از دیدار رئیس قوه قضائیه با شورای عالی نظام پرستاری ابعاد تازه‌ای هم پیدا کرد و فارغ از درست و غلط اصل آن، یادآور آن شد که سال‌هاست قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اجرا نشده و حتی اقدام مؤثری هم در بسترسازی آن صورت نگرفته است.

اگرچه دولت تلاش کرد در دوران کرونا از طریق اقداماتی چون ضریب دادن به حقوق و دستمزد و ... تا حدی خدمات ارزشمند کادر درمان را ارج نهد، اما باز هم مشکلات این حوزه ریشه‌دار و ریشه‌ها پابرجاست. دانشجویان پزشکی به شرط پیمودن باکیفیت مراحل رشد تا رسیدن به تخصص قریب به پانزده سال مسیر بسیار سخت و طاقت‌فرسایی پیش‌رو دارند. در این مدت



با این که خدمات بسیار زیادی ارائه می‌دهند، حتی در دوره‌های رزیدنسی و ... نسبت به فارغ‌التحصیلان و متخصصان دریافتی ناچیزی دارند. در بین سایر سطوح سرمایه‌های انسانی نظام سلامت نیز تناسب به شکلی شایسته رعایت نشده است. مباحث دیگری نظیر اختلاف جبران خدمات بخش خصوصی با بخش دولتی، هدایت بیماران از بخش دولتی به خصوصی، زیرمیزی و تقاضای القائی، صرفاً گوشه‌ای از مشکلات فراوانی است که از جبران خدمات در نظام سلامت نشأت گرفت است. تبیین هر کدام از این مشکلات نیازمند بحث فراوان است و از حوصله یادداشت‌های کوتاه خارج!

اما از بین همه موضوعات مرتبط با جبران خدمات شاید مهم‌ترین مشکلی که هم‌اکنون می‌توان به آن اشاره کرد، تقلیل این موضوع پیچیده و درهم‌تنیده به پرداخت‌های مالی مستقیم است. یعنی به جای آن که بسته‌ای هدفمند، جامع، همه‌جانبه و متناسب از امکانات و خدمات و رویکردها و رفتارهای انگیزاننده و رضایت‌بخش برای اقشار مختلف ایجاد شود، هرازگاهی این دغدغه در گفتگوها و تصمیمات ساده پیرامون اعداد و ارقام تعرفه‌گذاری به نحوی نازل، سطحی، غیرمستند و مبهم برطرف می‌شود. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که این نحوه برخورد با مسئله جبران خدمات، چیزی فراتر از تزریق مسکن به بیمار نیست و دردهای هولناک آن به صورت دوره‌ای تکرار و به شکل روزافزونی بدتر می‌شود.

قاب سوم: فرار از خدمت و جذب

کرونا غیر از رشادت‌های مثال‌زدنی و بی‌نظیر اکثر ارائه‌دهندگان خدمات و نیروهای داوطلب، صحنه ترس و غیبت گروه محدودی از کادر درمان نیز بود. حتی کسانی که تخصصشان هیچ ارتباطی به موضوع کرونا نداشت و صرفاً به خاطر احتمالات، بیماران خود را رها کردند. چه‌بسا این‌ها همان افرادی بودند که از ابتدا به طمع رشته‌های خاص و تخصص‌های پول‌ساز و درآمدهای میلیاردی و سایر مادیات وارد نظام سلامت شده بودند. با نزولی شدن سیر موج اول بعضاً خبرهایی هم از پیدا شدن مجدد سروکله این گروه در اطراف واکناف کشور شنیده شد. شاید در آستانه موج دوم باید منتظر



تکرار چنین غیبت‌هایی باشیم.

اینکه در این مدت موضوع شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت در نظام سلامت ما تا چه اندازه رصد شده است، اینکه اکنون با بازگشت این گروه از افراد به صحنه مراقبت و درمان چه برخوردی با آن‌ها می‌شود و احتمالاً چه جریمه‌ای برای آن در نظر گرفته می‌شود، و اینکه در آینده و در موج‌های بعدی کرونا و سایر بیماری‌ها چه برنامه‌ای در این خصوص داریم، موضوعاتی است که به‌جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما نکته مهمی را نباید بی‌دقت از نظر گذرانند که این مسئله هم‌ریشه‌ای دیرینه تحت عنوان «نظام جذب سرمایه‌های انسانی» دارد که از قبل در عرصه سلامت پیش‌روی کرده و پیامدهای آن نیز معلوم گشته است.

نظام جذب سرمایه‌های انسانی در حوزه سلامت کشور ما از کنکوری آغاز می‌شود که در بهترین حالت، جز نتیجه یک آزمون چند ساعته چیز دیگری را نمایش نمی‌دهد. از خروجی این آزمون و درواقع ورودی‌های نظام آموزش سلامت، مواردی همچون افراد ثروتمند و توانگر (که قادر به خرید همه چیز هستند از معلم خصوصی گرفته تا ...)، افراد بسیار باهوش بی‌تعهد، افراد بی‌انگیزه مجبور و جَوزده، افراد نالایق سهمیه‌ای و دیگرانی همچون موارد مذکور، همیشه قابل ردگیری و مشاهده هستند. بسیاری از مشکلات سلامت کشور ما دقیقاً از زمان جذب سرمایه‌های انسانی کلید می‌خورد.

ثمرات کرونایی و مشکلات ریشه‌ای

سه قابی که تا به اینجای یادداشت به تصویر کشیده شد ناظر به سه مورد از نظام‌های مدیریت سرمایه‌های انسانی بود. اما چنانچه دیدیم همه این موارد شاهدی بر عقبه و پیشینه‌ی مسائلی اساسی بودند. به بیان دیگر می‌توان گفت که هیچ کدام از این مشکلات جدید نبودند که در دوران کرونا یا پساکرونا با آن مواجه شده باشیم. بلکه ریشه برخی از این مسائل چندین و چندساله و شاید چند ده ساله است. این مسائل در گذر زمان و در بین وقایع مختلفِ داخل و خارج از نظام سلامت زیر گرد و غبار پنهان شده بودند و اثرات آن بر عملکرد مجموعه سایه افکنده بود. اما کرونا یکباره آن‌ها را بیرون کشید و از



نوبه ما نمایش داد تا برای آن‌ها راهکار بیابیم. مطلب حائز اهمیت دیگر این است که نظام‌های سرمایه انسانی محدود به این سه مورد نیست و می‌توان تک‌تک ابعاد آن را مطرح کرد و وضعیت نظام سلامت را در آن‌ها سنجید. لذا باید در نظر داشته باشیم این مسائل که قطعاً نیازمند بررسی و تکمیل هستند، دوباره پنهان می‌شوند و نمی‌توان به‌سادگی دوباره آن‌ها را کشف و حل کرد. این‌ها همان مشکلاتی هستند که با همه پیشرفت‌ها در نظام سلامت ما رخنه کرده‌اند و موجبات ناراحتی و نارضایتی همه ذی‌نفعان را فراهم می‌آورند. شاید این بار به هر تقدیر از بحران گذشته باشیم و به لطف خداوند کرونا را شکست داده باشیم، اما هیچ تضمینی برای موارد مشابه کرونا وجود ندارد و واقعاً دور از ذهن نیست که به خاطر همین مسائل، در نوبت‌های بعدی نظام سلامت ما با شکست مواجه شود.

راه کارهای بی‌فرجام و مسئله جامع‌نگری

پس از روشن شدن این مسائل باید به این پرسش پردازیم که «چرا راهکارهایی که تا کنون تدوین و پیاده‌سازی شده نتیجه نداده است؟» بدون شک نظام سلامت تا کنون در برابر این معضلات بی‌حرکت نبوده و حتماً افراد دغدغه‌مندی در مناصب علمی و اجرایی وجود داشته‌اند که در پی حل آن‌ها بوده‌اند. اما چه چیز باعث شده که تا کنون شاهد اصلاحات اساسی و متمرکز در نظام‌های سرمایه انسانی نباشیم؟ چرا هنوز هم در جذب، همه شایستگی‌های موردنیاز را در نظر نمی‌گیریم؟ چرا آموزش در نظام سلامت تبدیل به استخوانی در گلوی همه دانشجویان شده است؟ چرا قادر نیستیم عملکرد کادر درمان را به‌درستی مدیریت و ارزیابی کنیم؟ و هزاران سوال دیگر که همه به مدیریت سرمایه‌های انسانی نظام سلامت برمی‌گردد.

در ابتدای کتاب پنجمین فرمان^۱ مثال زیبایی از نحوه حل مسائل بسیاری از ما آمده است. ما از کودکی آموخته‌ایم که مسائل را خرد کنیم تا آن‌ها را راحت‌تر حل کنیم. اما در ازای این کار بهای سنگینی می‌پردازیم و آن از دست دادن جامع‌نگری ما نسبت به آن مسئله است. چنین به نظر می‌رسد که

در نظام سلامت نیز گرفتار همین رویکرد شده‌ایم. مسئله مدیریت سرمایه‌های انسانی نظام سلامت یک مسئله کلان و چندبعدی است. بنابراین در حل این مسئله باید تلاش کنیم مسئله را همه‌جانبه و یکجا ببینیم و اقدامات ما با ابعاد گوناگون آن همخوانی داشته باشد. در حالی که آن را تا حد ممکن خرد می‌کنیم و در هر دوره قسمتی از آن را پیش می‌بریم. نتیجه این رویکرد ناموزون بودن قوانین، ساختارها، فرآیندها، رویه‌ها و روش‌ها در سطوح مختلف و اثربخش نبودن تلاش‌های مقطعی و بعضاً جزیره‌ای است. مسلّم است که وقتی هنگام برنامه‌ریزی همه‌ی جوانب را نسنجیده باشیم و یا به عبارتی جامع‌نگر نبوده باشیم، احتمال موفقیت آن برنامه بسیار کم خواهد شد.

مفهوم جامعیت و معماری سرمایه انسانی

در منابع علمی مدیریت سرمایه‌های انسانی دلالت‌های گوناگونی برای بحث از جامعیت یافت می‌شود. یکی از این موارد عبارت «معماری سرمایه‌های انسانی» است. آرمسترانگ در کتاب راهنمای عملیاتی مدیریت سرمایه‌های انسانی^۱ این عبارت را چنین تبیین می‌کند: مجموعه‌ای متشکل از نظام‌ها، ساختار و فرآیندها و رفتارهای کارکنان. این معماری منحصر در سازوکار کارویژه‌های سرمایه انسانی نیست، بلکه یک الگوی مفهومی از همه اجزاء آن است. معماری سرمایه انسانی گستره‌ای متشکل از متخصصان شاغل در امور سرمایه انسانی تا خط مشی‌ها و کارکردهای آن را شامل می‌شود. این جملات به خوبی نشان می‌دهد که در مفهوم معماری نگاه همه‌جانبه یا جامع به اجزاء مختلف بسیار حائز اهمیت است.

اگرچه پیرامون مفهوم معماری در کتب و مقالات مطالب زیادی نگاشته شده است اما برداشت متفاوت دیگری هم از این عنوان می‌توان داشت. معمار کسی است که طرح و نقشه یک عمارت را تنظیم و تیم اجرایی را در راستای ساخت آن هدایت می‌کند. لذا ناگزیر است که از ابتدا همه جزئیات را با هم در نظر بگیرد و پیش از شروع کار بنای ساخته شده را در ذهن خود و روی





کاغذ تصویر کند. ممکن نیست که ابتدا برای ساخت دو طبقه برنامه‌ریزی کند و در میانه‌ی راه تصمیم بگیرد سه طبقه‌ی دیگر به آن اضافه کند! طبیعی است که زیرساخت‌های اولیه تحمل چنین تغییری را نخواهد داشت. لذا حتماً باید پیش از آغاز، تصمیمات اساسی و چه‌بسا جزئی در خصوص همه چیز را گرفته باشد و اجزای طرح با هم همخوانی داشته باشد.

مدیریت سرمایه‌های انسانی نیز مانند ساخت یک عمارت است که معمار آن باید کل بنا را با هم ببیند و بخش‌ها را یکباره طراحی و پیاده‌سازی کند. متأسفانه ما در نظام سلامت از این رویکرد تبعیت نمی‌کنیم. سال‌ها الگوی کارانه^۱ را برای پزشکان اجرا می‌کنیم و در شرایطی که به اشکالات آن واقف شده‌ایم و ممکن است به روش گروه‌های تشخیصی وابسته^۲ کوچ کنیم، دوباره سخن از کارانه پرستاران به میان می‌آوریم. مثال دیگر آنکه بدون رفع نقص‌های موجود در ارزشیابی عملکرد فعلی به دنبال جذب نیروهای جدید هستیم و یا بدون تقویت ابزارهای نظارتی و به بهانه‌ی از بین بردن زیرمیزی و ... در تعرفه‌های خدمات درمانی تجدید نظر می‌کنیم. به همین ترتیب همیشه با مشکلات انفعالی برخورد می‌کنیم و صبر می‌کنیم تا بحرانی شود و بعد به صورت جزئی و مقطعی در پی حل آن می‌رویم و می‌بینیم همان مشکل تبدیل به چند مشکل دیگر شد.

در حال حاضر سازمان‌های بزرگ در کشورهای پیشرفته، رویکرد جامع‌نگری را به عنوان یک اصل دنبال می‌کنند و به سمت ایجاد و حفظ نظام جامع سرمایه انسانی پیش می‌روند و از این طریق کارایی و اثربخشی خود را دائماً بهبود می‌بخشند. کشور ما نیز چه در عرصه سلامت و چه در سایر عرصه‌ها در نظام‌های منابع انسانی باید به همین سمت حرکت کند. شاید بهتر باشد این معماری جامع‌نگر از ابتدا در سطح دولت انجام شود و تناسب‌ها و هماهنگی‌های لازم در همه نهادها رعایت شود.

1- Fee For Service

2- Diagnostic-Related Group

خشت اول و معماران نظام سرمایه انسانی

پس از طرح رویکرد معماری، باید به این بیندیشیم که نقطه آغاز پیاده‌سازی آن کجاست. اگر این نقطه را درست شناسایی نکنیم و به بهترین شکل اجرایی نسازیم، انتظار داشتن بنایی محکم، لغو و بیهوده است. آنچه از کتاب‌ها و منابع علمی سرمایه انسانی برمی‌آید این است که بهترین جا برای آغاز فرآیندها و نظام‌سازی در مدیریت سرمایه انسانی، طراحی (و یا ارزشیابی و بازطراحی) و تدوین سند مشاغل آن به صورت اصولی و استاندارد است. تا کنون کارهایی در این زمینه اتفاق افتاده که مستندات آن موجود است، ولی با مراجعه به همان کارها نیز معلوم می‌شود که جزیره‌ای عمل شده و یک بار اساسی به سراغ حل مسائل این حوزه نرفته‌ایم. به همین خاطر معمولاً با وجود تلاش‌های فراوان نیمه‌کاره رها شده و اثربخشی لازم را نداشته است. با مرور همه این‌ها شاید پیش از نهادن خشت اول این بنا باید بستر آن را که «باور و اراده نسبت به اصل جامع‌نگری» است فراهم آوریم.



کرونا با چاشنی سیاست تمرکز مؤثر در بخش سلامت

حمید ایزدبخش

پژوهشگر هسته «سلامت» مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق 

مقدمه

حوزه سلامت از نظر اقتصادی بخش بزرگی را به خود اختصاص داده است. سالانه ۷ تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی به سلامت کشور اختصاص داشته و به تعبیر دیگر، گردش مالی سالانه این حوزه چند صد هزار میلیارد تومان است. مهم‌ترین منابع تأمین مالی در این زمینه مردم، دولت و بیمه‌ها هستند. علاوه بر این منابع مالی، واسطه‌های مالی جدی وجود دارند که به نمایندگی از مردم و دولت به خرید کالا و خدمات می‌پردازند. در بسیاری از کشورهای دنیا بیمه‌ها اصلی‌ترین واسطه خرید کالا و خدمات هستند؛ اما در ایران بیمارستان‌ها (دولتی، غیرانتفاعی و خصوصی) و دانشگاه‌های علوم پزشکی (دولتی، آزاد و نظامی) بزرگ‌ترین نهاد واسطه بوده و بیمه‌ها نقش جدی در خرید کالا و خدمات ندارند. نکته حائز اهمیت در این بازار، دولتی

و یا شبه‌دولتی بودن حجم عمده مصرف‌کنندگان و یا نهادهای واسطه است؛ به صورتی که تقریباً ۸۰ درصد حجم خدمات در کشور توسط بیمارستان‌های دولتی یا شبه‌دولتی ارائه می‌شود.

بنابراین ما با یک بخش کاملاً دولتی در ارائه خدمت مواجه هستیم. حوزه سلامت خود به زیربخش‌هایی تقسیم می‌شود که هر کدام اقتضائات و ملاحظات خاص خود را دارند. ادعای این نوشته آن است که برای جهش تولید در بخش سلامت اولاً، باید تمرکز داشت؛ یعنی نمی‌توان سیاست واحدی برای همه بخش‌های نظام سلامت پیچید و در ثانی، باید تمرکز مؤثر باشد. مؤثر بودن بدین معنا که از سرمایه‌گذاری و تمرکز در آن بخش واقعاً جهشی پدید آید و از تمرکزها و سرمایه‌گذاری‌های بی‌جا پرهیز شود. به تعبیر دیگر جهش در کنه خود یک افزایش ناگهانی دارد، برای رسیدن به آن بایستی تمرکز مؤثر را پیشه خود کرد.

زیربخش‌ها و اقتضائات آن‌ها

دارو از جمله آن زیربخش‌ها است که بخش عمده‌ی آن دولتی است؛ به صورتی که بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید و توزیع دارو به نهادهای دولتی، وابسته به دولت و یا شبه‌دولتی تعلق دارد. از دیگر زیربخش‌های حوزه سلامت، تجهیزات پزشکی است که برخلاف موارد قبل، تقریباً همه بازار متعلق به بخش خصوصی بوده و دولت کمترین نقش را در آن بازی می‌کند. داروخانه‌ها نیز از جمله مراکز خصوصی و جدای از دولت به حساب می‌آیند. این زیربخش‌ها خصوصیات خاصی دارند و سیاست‌گذاری در هر کدام نیز بایستی متناسب با آن‌ها صورت گیرد. در زمینه دارو مهم‌ترین مؤلفه اثرگذار -



مخصوصاً در زمینه داروهای شیمیایی - ایجاد شرکت‌هایی با سرمایه‌های کلان و هلدینگ‌های بزرگ تولید دارویی است؛ چراکه شرکت‌های کوچک و نوپا از پس هزینه‌های بالای تولید دارو در زمینه‌های تحقیق و توسعه، دریافت تأییدیه‌ها و بازاریابی برنیامده و جایی در این بازار ندارند؛ مگر اینکه در تعامل با شرکت‌های بزرگ قرار گیرند! ضمن اینکه شیوه قیمت‌گذاری و

همچنین «طرح ژنریک»^۱ در حوزه دارویی از امکان حرکت به سمت تولیدات جدید در حوزه دارو کاسته و اکثر داروهای تولیدی داخل، داروهای مرسوم بین‌المللی و یا ترکیبی از آن‌ها است.

بنابراین سیاست پیشنهادی در این زمینه برای ایجاد جهش تولید، حرکت به سمت ایجاد بنگاه‌های تولیدی با سرمایه‌گذاری‌های کلان در حوزه دارو است؛ این بنگاه‌ها می‌توانند حاصل چند بنگاه کوچک دولتی یا شبه‌دولتی باشد، نه واگذاری خام آن‌ها به بخش خصوصی! بنگاه‌های کوچکی که در حال حاضر هر کدام متعلق به یکی از دستگاه‌های دولتی یا شبه‌دولتی است و به تولید داروهای می‌پردازند که از ارزش ریالی چندانی برخوردار نیستند؛ البته بدون شک تولید این داروها نیز بایستی در کشور ادامه یابد و اتکا کشور به بیرون مطلوب نیست.

یکی از سیاست‌هایی که در زمان‌های مختلف پیگیری شده، صادرات داروهای است که در حال حاضر در کشور تولید می‌شوند. اما به نظر می‌رسد این سیاست به‌تنهایی اثربخش نیست؛ زیرا شرکت‌های بزرگ دارویی دنیا، بازار دارویی بسیاری از کشورها را در اختیار داشته و بازاریابی در این زمینه قواعد خاص خود را می‌طلبد که از توان یک شرکت کوچک خارج است. بنابراین، لازمه آن ایجاد شرکت‌های دارویی بزرگ و خصوصی است که البته مخاطرات جدی برای کشور به همراه خواهد داشت. هرچند شرکت‌های دولتی همواره با چالش‌هایی مثل عدم کارایی یا فساد روبرو هستند، اما حضور بخش خصوصی در شرکت‌های بزرگ دارویی امکان سوءاستفاده و بازی با جان مردم را فراهم می‌کند؛ به صورتی که شاید دیگر امیدی به اصلاح در زمینه سلامت وجود نداشته باشد؛ درست مانند برخی از کشورهای دنیا که نظام سلامت آن‌ها در اختیار بعضی شرکت‌های بزرگ

۱ - طرحی که به‌موجب آن به‌جای استفاده از نام تجاری داروها در کشور، از نام ژنریک آن‌ها استفاده می‌شود. بر این اساس شرکت‌های تولیدکننده دارو ذیل نام تجاری خاصی فعالیت نکرده و داروهایشان را بر اساس نام ژنریک عرضه می‌کنند. در این حالت قیمت دارو به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه درآمد شرکت‌های دارویی کاهش می‌یابد. این کاهش درآمد اجازه انجام تحقیق و توسعه‌ی گران‌قیمت دارویی را نمی‌دهد.

دارویی قرار گرفته و امکان حرکت برای سلامت مردم وجود ندارد. اما در زمینه تجهیزات پزشکی، شرایط به کلی متفاوت است. با توجه به اینکه شرکت‌های خصوصی در این زمینه فعالیت کرده و بستر خوبی در کشور برای این امر فراهم است، تولید در این بخش نیاز به سرمایه کلانی ندارد و بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند نقش آفرینی مؤثری داشته باشند. این حوزه مهم‌ترین بخش نظام سلامت برای جهش تولید است. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده تجهیزات پزشکی در کشور، بخش دولتی یا شبه‌دولتی بوده و سیاست این دستگاه‌ها بایستی به سمت خرید کالای باکیفیت ایرانی قرار گیرد.

یک خط سیاستی به نظر اشتباه که در سالیان مختلف بر آن

سرمایه‌گذاری شده است، توریسم درمانی است. به نظر می‌رسد اقتضائات نظام سلامت کشور متناسب با جذب توریست درمانی به گونه‌ای نیست که بتوان تعداد افراد زیادی را جذب کرد و باعث ایجاد جهش قابل توجهی در کشور گردد. بایستی به این نکته توجه کنیم که سرانه تخت در کشور ۱٫۷ تخت به ازاء هر هزار نفر بوده (که بسیار کم است) و تراکم و انباشت این تخت‌ها در نوار میانی کشور، ظرفیت بالایی برای جذب توریسم ندارد. در این زمینه ما از بسیاری از کشورها مانند عربستان، بحرین، ترکیه، آذربایجان و... عقب‌تریم. ضمن اینکه ما در زمینه کادر درمان نیز از بسیاری از کشورها پایین‌تر بوده و متوسط آن در کشور به ازاء ۱۰۰۰ نفر ۱٫۵ است که این نیز نشان‌دهنده فراهم نبودن ظرفیت‌های گسترده برای جذب توریست درمانی است. اگرچه کاهش شدید ارزش پول کشور، جذابیت مالی در این زمینه ایجاد کرده است، اما همان‌طور که اشاره شد با توجه نبود ظرفیت کافی زیرساخت‌های موردنظر درون کشور، در کوتاه‌مدت زمینه خوبی برای جهش تولید به حساب نمی‌آید.

بستر دیگری که می‌توان به سبب اهمیت آن به موازات سایر حوزه‌ها مطرح کرد، نوآوری در حوزه بهداشت و درمان است. با توجه به مرزبندی جدی بخش بهداشت و درمان کشور با سایر حوزه‌ها، به صورتی که حتی دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز منفک از سایر دانشگاه‌ها می‌باشند، قابلیت



نوآوری در آن کاهش یافته است. به نظر می‌رسد هرچه تعامل بین‌رشته‌ای و تعاملات با سایر علوم و حوزه‌ها در نظام سلامت تقویت شود، شاهد نوآوری‌ها و دستاوردهای قابل توجهی در این زمینه خواهیم بود.

علاوه بر این، در کشور حوزه‌ها و بسترهایی به‌صورت بالقوه وجود دارند که می‌توان با جان بخشیدن و سرمایه‌گذاری در آن‌ها امکان یک جهش در این حوزه را فراهم کرد. پزشکی از راه دور (تله‌مدیسین) از جمله آن حوزه‌ها است که بسترهای آن در کشور به‌خوبی فراهم است؛ و یا توزیع برخط کالا و خدمات سلامت نیز می‌تواند از این دست نوآوری‌ها باشد که متأسفانه تا به حال به‌انحاء مختلف پیش پای آن‌ها سنگ‌اندازی شده است.

ما در حوزه حمل‌ونقل با ظهور شرکت‌های تاکسی اینترنتی شاهد یک اتفاق بزرگ در کشور بودیم که نباید بروز این اتفاقات را در حوزه سلامت دور از انتظار دانست. به نظر می‌رسد بایستی دولت بستر بروز این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها ایجاد کند و از ایجاد انحصارها و موانع قانونی در این زمینه بکاهد.



کرونا و جهش اقتصادی

شرکت‌های دانش‌بنیان مدت‌ها بود که با وزارت بهداشت مشکلات جدی داشتند. از مشکلات مرتبط با تأمین مالی گرفته تا اعطای مجوزهای موردنیاز؛ اما با بروز بحران کرونا در کشور شاهد ورود این شرکت‌ها و حتی ورود تفکر و خواست نوآورانه در نظام سلامت کشور بودیم. شرکت‌های دانش‌بنیان متعددی در این مدت مجوز گرفته و کالا و خدماتی جدید همچون ساخت کیت آزمایشگاهی به بازار عرضه کردند. توجه کنیم که ساخت سریع این محصولات نشان‌دهنده فراهم بودن پشتوانه‌های آن در کشور است، اما موانعی پیش راه آن بوده که کرونا آن‌ها را از میان برداشته است.

به نظر می‌رسد کرونا چند اتفاق را با همدیگر رقم زد که ما شاهد بروز تغییرات مثبت در زیرساخت‌های نظام سلامت کشور باشیم. اول‌ازهمه سیستم بهداشت و درمان کشور، توجه و اتکایش به خارج از کشور را از دست داد؛ به صورتی که همانند قبل نمی‌توانست با

پرداخت منابع بیشتر محصولاتی را به داخل کشور وارد کند. از طرف دیگر سیاست‌گذاران و متولیان امر سلامت کشور نیز با شرکت‌های دانش‌بنیان همراهی بیشتری کردند- زیرا چاره‌ی خود را در دست آن‌ها می‌دانستند- و مجوزها و همکاری‌ها با سرعت بیشتری رقم خورد؛ در این حالت نیز منافع افراد و گروه‌ها در حاشیه قرار گرفته و منافع جمعی به میان آمد.

به علاوه، کرونا با خود تعاون و همکاری جمعی را به همراه آورد. بسیاری از این شرکت‌ها نیاز به تأمین مالی و یا حمایت‌های معنوی داشتند که با بروز کرونا خود را تحت این حمایت‌ها دیدند؛ به صورتی که از نهادهای دولتی تا نهادهای وابسته به دفتر مقام معظم رهبری و... همگی سعی در تسریع تولید و عرضه هرچه سریع‌تر محصولات به بازار داشتند.

نکته حائز اهمیت در این زمینه روشن بودن نیاز و تقاضا از جانب مراکز دولتی و مسئولین امر بود. تا قبل از این، نظام سلامت حصاری به دور خود کشیده بود، به نحوی که افراد زیادی اجازه سرک کشیدن به درون این حوزه را به خود نمی‌دادند؛ اما با عرضه عمومی نیازها و مسائل موجود، همه ظرفیت کشور به کمک آن آمد و سعی شد که با ظرفیت‌های علمی موجود به نیازهای مطرح‌شده از قبیل تولید ماسک و... پاسخ داده شود. به عبارتی یک جمع‌سپاری صورت گرفت و همه برای حل مسئله بسیج شدند. هر فرد و گروهی با دانش و امکاناتی که در اختیار داشت، به کمک شتافت؛ همچنین نظام بهداشت و درمان فهمید که بسیاری از امکانات در کشور وجود داشته که تا به حال از آن‌ها بی‌اطلاع بوده است.

جمع‌بندی

در این نوشته سعی شد چند زمینه مورد توجه قرار گیرد. اول اینکه بایستی در نظام سلامت نقاط اهرمی که می‌توانند موجبات جهش اقتصادی را ایجاد کنند، یافت. قطعاً پرداخت به این حوزه‌ها نباید به صورت رها و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و اقتضائات خاص نظام سلامت باشد. ارائه سیاست کلی «جهش تولید» برای همه بخش‌ها و زیربخش‌ها فایده‌ای ندارد و باید آن را متناسب با حوزه‌های مختلف ترجمه نمود؛ بنابراین **سیاست پیشنهادی این**



یادداشت در زمینه جهش اقتصادی در حوزه سلامت «تمرکز مؤثر» است و این امر جز با یافتن نقاط اهرمی امکان پذیر نخواهد بود. در این نوشتار سعی شد برخی از نقاط اهرمی و ملاحظات موجود پیرامون هر کدام از آنها تبیین شود.

در ثانی یافتن این نقاط به تنهایی کفایت نمی کند، بلکه بایستی از بحران کرونا برای سیاست گذاری در این زمینه درس گرفت. درس اول جسارت و توکل به داخل کشور، درس دوم عرضه شفاف و عمومی نیازها و تأمین آنها در داخل کشور و درس سوم کمک همه جانبه به شرکت های نوپای این حوزه و ارائه تسهیلات و امکانات برای آنها است. چهارمین درس زدودن هرگونه منافع شخصی در برخورد با جهش تولید است که به نظر می رسد در این زمینه قوه قضائیه نقشی جدی بر عهده دارد. درس پنجم نیز شکستن انحصار نظام سلامت و استفاده از ظرفیت نوآوری و خلاقیت سایر حوزه ها در این زمینه است.



جهت‌دهی بحران به تولید در نظام سلامت

سعید نجبیا

پژوهشگر هسته «سلامت» مرکز رشد

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

بحران کرونا و نظام سلامت

اواخر بهمن سال گذشته اولین مبتلایان به کرونا در کشور شناسایی شدند. وحشت جامعه را فرا گرفت و در روزهای اول گروهی را با خیال کرونا به بیمارستان کشاند. بخش قابل توجهی از موج اول شیوع به علت همین آمد و شد بی‌مورد و آماده نبودن بیمارستان‌ها ایجاد شد. آمار بستری و مرگ و میر روز به روز افزایش می‌یافت و این در حالی بود که هیچ درمانی برای آن به اثبات نرسیده بود. بنابراین همه برنامه‌های نظام سلامت در جهان، و به پیروی آن ایران، در قالب «اقدامات حمایتی» و «مقابله با عوارض کرونا» معطوف شد و بعدتر خبرهایی مبتنی بر اصلاح آن‌ها نیز منتشر شد. از همان ابتدا در خطر بودن افراد مسن و مبتلایان به بیماری‌های زمینه‌ای نیز مورد تأکید بود که البته آن‌هم در ادامه به خاطر حساسیت روحی-که اقتضای این گروه‌هاست-

مورد نقد قرار گرفت. با این حجم از سردرگمی‌ها، فرهنگ‌سازیِ رعایت نظافت و شست‌وشوی مکرر دست‌ها و سایر اقدامات پیشگیرانه جهت قطع زنجیره سرایت به‌عنوان تنها نسخه قابل‌اتکا برای جامعه در دستور کار قرار گرفت. همین اقدام نسبتاً مطمئن موجب شد تأمین و توزیع اقلام بهداشتی با مشکل روبرو شود و مسائلی نظیر کمبود، گرانی و احتکار پدید آید. با شدت یافتن انتقال ویروس اختلاف بر سر قرنطینه شهرها موجب تشویش اذهان عمومی شد و دیگر خواهش و تمنا برای صرف‌نظر از سفرهای نوروزی فایده نداشت. این شد که مردم به‌راحتی رفتند و به‌سختی برگشتند و ماجرایی کرونا هنوز ادامه دارد. این اتفاقات فقط گوشه‌ای از رویارویی نظام سلامت کشور با یکی از بحرانی‌ترین مسائل ۴۰ سال اخیر خود بود.

با وجود وضعیت نابسامان نظام سلامت خصوصاً در روزهای اول مواجهه با بحران، اشاره به این نکته واجب است که سرمایه‌های انسانی نظام سلامت تصویر متفاوتی نسبت به قبل کرونا ایجاد کردند و بسیاری از کسانی که به ناحق نجومی‌بگیر و امثال آن خوانده می‌شدند به میدان مبارزه آمدند و در هر جایگاهی که بودند، حاضر شدند برای مقابله با این دشمن متجاوز از همه‌چیز، حتی جانشان نیز بگذرند و این را با شهادت خود اثبات کردند. این خدمت‌گزاران نشان دادند که نباید رفتارهای غیرانسانی برخی پزشک نمایان و سودجویان را به‌پای همه علاقه‌مندان به درمان نوشت و اگر نظام سلامت با مشکلات عدیده و بی‌تدبیری روبروست حسابش از این تلاش‌گران جداست. بی‌تردید می‌توان گفت مردم موفقیت‌هایی که تاکنون در جنگ با کرونا به‌دست آمده را مدیون ازخودگذشتگی همین افراد هستند و روحیه شکست‌ناپذیر آن‌ها ضعف‌ها و شکاف‌های جدی نظام سلامت را پوشش داده است.

اما کرونا یک فایده اساسی هم برای نظام‌های سلامت ایران و جهان داشت. این فایده روشن کردن ناکارآمدی‌های بنیادین در حفظ سلامت مردم بود که در سایه آن می‌توان سایر بحران‌های پنهان را نیز مشاهده کرد. در موضوع کرونا بحرانی که گریبان‌گیر همه کشورهای جهان شد فقط همه‌گیری یک ویروس نبود؛ بلکه مشکلات فراوان دیگر از جمله ضعف دانش



پزشکی، عدم آمادگی برای شرایط بحرانی، تصمیم‌گیری‌های کند و سست، مشکل در تأمین و توزیع ملزومات، ناتوانی در مقابله با فساد و غیره را شامل می‌شد که اکثر آن‌ها در گذشته هم وجود داشته است. در برخی کشورها حتی دروغ، غارت، راهزنی و سایر خوی‌های غیرانسانی دیگر هم نمایان شد. برای درک بهتر این مشکلات می‌توان آن‌ها را در سه لایه طبقه‌بندی کرد. لایه اول مشکلات مربوط به انفعال ناشی از «بیماری محوری» است. بدیهی است که وقتی با وجود خبرهای شیوع کرونا در چین، تا این بیماری وارد کشور خودمان نشد اقدام خاصی صورت نگرفت، مشکلات کم سروصدا اصلاً دیده نخواهد شد و تمهیدی برای آن صورت نمی‌گیرد. فقط به عنوان یک مثال سونامی بیماری‌های قلبی-عروقی و سرطان در سال‌های اخیر کشور ما را درگیر کرده است. بی‌تردید این مسائل قابل ریشه‌یابی و حل است. اما نظام سلامت ما با وجود توان بالقوه در افراد (که در کرونا کاملاً مشخص بود) گویا اصلاً اراده‌ای نسبت به پیشگیری از آن‌ها ندارد؛ فقط وقتی وضعیت بحرانی شد اقدام به درمان می‌کند که جز هزینه‌های سنگین برای خانواده‌ها و دولت و البته مرگ تدریجی مبتلایان، عائدی چندانی ندارد. این قبیله رخدادهای محصول نظام سلامت منفعل و بیماری‌محور است.

لایه دوم عدم اهتمام به نهاده‌سازی شبکه زندگی سالم است که توجه به آن در نظام سلامت ما در مقایسه با درمان بیماری‌های وخیم نزدیک به هیچ است. هزینه‌ها و ابهام‌های مردم در تعامل با پزشکان به حدی بالاست که برای سالم ماندن از پزشکان الگو نمی‌گیرند. از سوی دیگر عمده مباحث پزشکی و فرهنگ‌سازی سلامت در رسانه‌های جمعی نیز در پایان به مقابله با همان بیماری‌های خاص ختم می‌شود. به همین علت است که مردم نسبت به سلامت خود بی‌پروا می‌شوند و با دردهایشان هم مدارا می‌کنند تا به پزشک مراجعه نکنند و این را تا جایی پیش می‌برند که کارد به استخوانشان برسد و درد امانشان ندهد؛ دقیقاً همان زمانی که دیگر کار از کار گذشته و شاید نتوان سلامتی ازدست‌رفته را بازگرداند و صرفاً می‌توان به مسکن و مانند آن متوسل شد. در نهایت این رفتارها و رویه‌ها موجب می‌شود که کیفیت زندگی انسان‌ها پایین بیاید و ضعیف شوند. در این شرایط آن‌ها ظاهراً سالم





به نظر می‌رسند اما در واقع سالم نیستند و با هزاران مشکل و بیماری خاموش دست‌وپنجه نرم می‌کنند و کوچک‌ترین خطری آن‌ها را تهدید می‌کند. لایه سوم که از دو لایه قبل بحرانی‌تر است، غفلت کلی از سایر ابعاد وجودی انسان و متمرکز شدن بودجه‌ها و برنامه‌ها به بُعد جسمی است که برای جان و روان انسان ابزاری بیش نیست. اندک تلاش‌های جاری در برخی رشته‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی نیز ناچیز است؛ چرا که به فرض توجه بیشتر به موضوع آن‌ها تا تعامل و یکپارچگی لازم ایجاد نشود اثری در سلامت جمعی و پیشرفت نظام سلامت نخواهد داشت. جالب اینکه اگر ساده‌انگاری در همه‌گیری کرونا کنار گذاشته شود، در همین بحران نیز گستره و عمق درگیری روحی و روانی جامعه بسیار بیشتر بود. اگر خود بیماری در کشور ما تاکنون چند ده یا چند صد هزار نفر را درگیر کرده قطعاً اثرات جانبی آن میلیون‌ها نفر را گرفتار خود ساخته است. مسائلی که ممکن است تا ماه‌ها و سال‌ها در میان مردم وجود داشته باشد و زنجیروار مسائل جدید را به وجود آورد. عمیق شدن در این مشکلات نشان می‌دهد، کرونا با همه تلخی‌هایش چراغی شد تا ابعاد و سطوح بسیار بیشتری از وضعیت بحرانی نظام‌های سلامت در جهان شناخته شود و مشخص شود که راه دراز و پرپیچ‌وخمی پیش روی آن‌هاست.

نام‌گذاری سال و جهت‌گیری «نظام سلامت»

در خلال اتفاقات دو ماه گذشته که نظام سلامت و البته کل کشور را مشغول خود کرده بود، واقعه مهم دیگر تحویل سال و انتخاب شعار «جهش تولید» برای سال جدید بود. این انتخاب در حالی صورت گرفت که ما پیش از این نیز نام‌گذاری‌های با محوریت اقتصاد و تولید کم نداشته‌ایم و به راحتی می‌توان فهمید این شعار روی واژه «جهش» بنا شده است. پس تفکر عمیق‌تر در خصوص تعریف جهش می‌تواند مبنای گام‌های آتی قرار گیرد. با نگاهی ساده اگر جهش را به معنای تولید بیشتر و وسیع‌تر یا گام بلند رویه جلو در نظر بگیریم، مفهوم رونق تولید - که سال گذشته به عنوان شعار سال انتخاب شده بود - تا حد زیادی آن را پوشش می‌دهد. لذا به نظر می‌رسد غرض از این

شعار اصلاً یک حرکت طولی یا عرضی نبوده است؛ چراکه ضرورت حفظ و نگهداری شعار سال‌های گذشته روشن است. با این فرض شاید لازم باشد برداشت متفاوتی از جهش ایجاد شود و آن را یک تغییر سطح و حرکت رو به بالا در نظر گرفت که نتیجه آن رشد همه‌جانبه مفاهیم و مصادیق تولید و پیاده‌سازی آن در کشور است. بنابراین لازم است نوع نگاه به «جهش» عوض شود ولیکن این تبیین کلی کفایت نمی‌کند و باید توسط متخصصان در همه حوزه‌ها به‌خوبی تعریف و شفاف شود.

در نظام سلامت، مانند بسیاری از حوزه‌های کلان کشور، احتمالاً اولین عرصه‌ای که با این شعار به ذهن متبادر می‌شود، تولید محصول (صنعتی) است. صنایع مرتبط با حوزه سلامت یعنی داروسازی و تجهیزات پزشکی می‌توانند نزدیک‌ترین بستر برای درک این شعار باشند. کشور ما در این زمینه توانمندی‌های و ظرفیت‌های قابل توجهی دارد و نه تنها باید به خودکفایی برسد بلکه باید برای تأمین بازارهای جهانی نیز برنامه داشته باشد که این همه خوب است و اگرچه دشوار به نظر می‌رسد اما به‌هیچ‌وجه غیرممکن نیست. همه‌گیری کرونا هم تا این لحظه تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در این عرصه رقم‌زده که کاملاً واضح است. اما نباید فراموش کرد، چنانچه در بحران اخیر معلوم شد که نظام سلامت محدود به درمان نیست، تولید در آن نیز فقط به دارو و تجهیزات پزشکی خلاصه نمی‌شود. اگر بخواهیم از راه تولید در صدد مقابله با همه بحران‌های نظام سلامت و در رأس آن ناکارآمدی بنیادینش باشیم، باید جور دیگری به آن بیندیشیم. **در این صورت شاید اهرمی‌ترین**



نقطه برای «جهش تولید» در نظام سلامت ایران و جهان، عرصه فکری و علمی باشد که گوشه‌ای از گستره آن در ابتدای این یادداشت مورد بحث قرار گرفت. همان‌طور که اشاره شد جهش تولید علمی و فکری در نظام سلامت اصلاً به معنای افزایش و بهبود روند و سرعت پژوهش‌های پزشکی، مقاله نوشتن، تدوین کتاب، و تربیت دانشجو و متخصص نیست؛ نظام سلامت ما در حال حاضر این‌گونه امور را پیگیری می‌کند و امید می‌رود که در سال‌های آتی روند آن بهتر نیز گردد؛ اما جهش در تولید علم می‌تواند به درکی نو از انسان و نگاهی جدید به سلامت فردی و

عمومی تعبیر شود و این ممکن است تغییرات شگرفی در سامانه‌های فکری و اجرایی موجود ایجاد کند و آرایش فعلی علوم و طبقه‌بندی آن‌ها را بر هم زند.

آنچه در خصوص تبیین مفهوم جهش و جهت‌گیری نظام سلامت در موضوع تولید بیان شد، نیازمند کار و تلاش بی‌وقفه است اما حداقل دو پیش‌شرط برای آن قابل‌تصور است که کشور ما در حال حاضر در هردوی آن با کاستی مواجه است. اولین پیش‌شرط بزرگ‌تر و پیچیده‌تر دانستن محدوده نظام سلامت است. نظام سلامت شامل همه ذینفعان و همه عوامل مؤثر بر سلامت است که هر کدام از آن‌ها ناقص باشد کل آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال وقتی سلامت مردم با کیفیت خوراک آن‌ها گره‌خورده، سیاست‌گذاری و مدیریت نظام سلامت باید سایر نهادهای مؤثر در تأمین و توزیع خوراک مردم را جهت‌دهی و نظارت کند. حال آنکه در کشور ما اکنون چنین تأثیری حداقلی است و شاهد مثال آن جولان دلالتان و محصولات ترا ریخته در بازار خوردوخوراک مردم است. از این دست مثال‌ها و ربط و نسبت‌ها در موضوع سلامت کم نیست.

دومین پیش‌شرط از بین بردن حباب ساخته‌شده از سطح علمی متخصصان سلامت در کشور است که متأسفانه در سال‌های اخیر بیش از اندازه بزرگ شده است. از یک سو مردم گمان می‌کنند که ما در جهان از بهترین‌ها هستیم و بعضاً فرضیات و حدسیات نظام درمانی را با وحی منزل اشتباه می‌گیرند و اصطلاحاتی مانند «پنجه طلا» و غیره را بر زبان می‌رانند؛ حال آنکه با کرونا معلوم شد که نه ما بهترینیم و نه جهان در وضعیت خوبی برای مقایسه قرار دارد. از سوی دیگر دانشمندان پزشکی چنان در راستای مولکولی و اتمی شدن پیش می‌روند که دیگر نمی‌توانند به انسان و جامعه نگاهی همه‌جانبه و کل‌نگر داشته باشند. این گونه است که در بحران‌هایی نظیر کرونا شاکله نحیف و پرسروصدا و البته پرهزینه نظام سلامت تا مرز فروپاشی پیش می‌رود.

